

عذیب





گرفت .

محفظه فلزی بدست ایادی امرالله امة البهاء روحیه
خانم و بکمک دو نفر از احبای افریقا و استرالیا
بتاریخ ۲۸ می در محل خود بودیمه گذاشته شد .

لوحه ذهبی اسامی فارسان امرالله پس از نمایش
در داخل محفظه مخصوصی که جهت حفاظت آن از
گذشت زمان ساخته شده بود نهاده شده و در
آستانه درب ورودی حرم اقدس در زیرزمین قرار

عندليب

نشریه محفل روحانی ملی بھائیوں کانادا
زبان فارسی

شماره ۴۱-۴۲ «نفس»

No. 41-42

سال یازدهم

Volume 11

زمستان و بهار

سال معتمدین

۱۴۸ - ۱۴۹

Winter / Spring
1992

۷۱ - ۱۳۷۰ شمسی ۹۳ - ۱۹۹۲ میلادی

'Andalib

7200 Leslie Street. Toronto, ON, Canada, L3T 6L8

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست مندرجات

۴	۱ - الواح مبارك جمال قدم جلّ جلاله
۸	۲ - الواح حضرت عبدالبهاء مآخذ الواح مبارکه بالا دارالانشاء جلیله معهد اعلی
۱۰	۳ - پیامهای واصله از معهد اعلی
۳۰	۴ - سال مقدس
۳۲	۵ - سخنی کوتاه با خوانندگان عزیز مجله عندلیب
۳۳	۶ - بشارات حضرت نقطه اولی در مورد جمال اقدس ابھی
۳۹	۷ - ترجمه نطق جناب پیتر خان در باره ابنیه قوس کوه کرمل
۴۷	۸ - بیان حضرت عبدالبهاء در مجمع مسافرین حیفّا
۴۹	۹ - تاریخ زرین شهادت جناب نصرالله امینی
۵۵	۱۰ - ترجمه نامه محفل روحانی ملی برزیل
۵۹	۱۱ - جذبه عشق
۶۴	۱۲ - قصّه در آثار بهائی
۷۰	۱۳ - شخص اعور
۷۲	۱۴ - دو شعر از دو شاعر غیر بهائی از مهد امرالله
۷۴	۱۵ - سرعت آیات نازله در این ظهور
۸۱	۱۶ - قسمتی از تلگراف معهداعلی در باره شهادت جناب بهمن سمندری
۸۲	۱۷ - شهادت جناب بهمن سمندری
۸۵	۱۸ - پاسخ
۹۲	۱۹ - شعر از عندلیب شاعر شهیر بهائی
۹۴	۲۰ - مدرسه تأنید همدان

۱۰۲	۲۱ - عدم مداخله در امور سیاسیه
۱۱۴	۲۲ - میرزا باقر شیرازی و شرح مازگان
۱۲۲	۲۳ - میرزا بدیع بشرویه ای
۱۲۵	۲۴ - یادی از گذشتگان
۱۲۷	۲۵ - تشکیل ۱۲ محفل ملی جدید
۱۳۶	۲۶ - گرین لند
۱۳۸	۲۷ - آگهی ها
۱۳۹	۲۸ - قسمت جوانان
۱۴۱	الف - لسان شفقت
۱۴۳	ب - دل
۱۴۴	ج - جوانی از نظر شهید مجید دکتر داودی
۱۴۵	د - شعر نو
۱۶۰	۲۹ - اخبار و بشارات امریه
۱۶۸	۳۰ - اخبار مصّور
	۳۱ - نامه های از دوستان

عکسها:

روی جلد - محل استقرار رمسین اطهرین در جبل کرم

داخل روی جلد - نصب لوحه ذهبی فارسان امراالله بدست امة البها روحیه خانم علیها بهالله

پشت جلد - عده از قدمای امر در طهران فرستنده سرکار خانم خداداده

داخل پشت جلد - محافل مشق نطق طهران سنه ۱۳۱۴ فرستنده جناب م شیوانی



بسمی الناطق بالحکم

انّ الذکر نیادی من اعلی المقام نطق و یقول لک الحمد یا الہ العالمین
بما اظهرت نفسك وانزلت آیاتک و ابرزت بیناتک و ایل من انکر فضلك
واعرض عن افق المنیر من انکر ما اظهرت ببطانک الی من یتوجّه و من یؤمن
بآلہ و لمن غفل من یومک البدیع انک تقسم یا مجبوی انی ما قصرت فی ذکرک
وصیئنا ملا البیان و اخذنا منهم عهد نفسك شیخہ بذک کل الذرات
و کل منصف عظیم و صیئنا هم باصرح بیان انہ لو یأتی بحکمۃ لا تنکوه فاسئدوه
لیطھب منکم بفضدہ ما راوا انہ لو لمقتد القدر انک تقسم بانی فی کل
شان ذکرنا ہم و بشرنا هم و امرنا هم بحضور لدی باب ظهورک و انخوع بن

یدیک و انک انت اعلیٰ من الخیر

ورقہ نصیحتیہ علیہا بحسب آیت

ہوئے تعالیٰ شأنہ الحکمۃ والہدیان

در اول یوم ظهور و یساج کتاب وجود بکلمہ مبارکہ لا اسباب بینکم مرین در آن یوم جمع خلق در صقع
واحد مشاہدہ شوند و بعد بکلمہ علیا لفظ تمیز ماید ہر نفسی بصدیق فائز شد و اراہل فردوس اعلیٰ مذکور ہوز
نسبتہ مقبول و محبوبست ہر نفسی کسب شرافت از ایقام اعلیٰ و رتبہ علیا نمود و فائز است آنچه در کتاب
الہی از برای اولیا مقدر شد این نسبت سلطان شب و ایقام مالک مقام است یا وقتی علیک بہا
در ہر فرقہ امی از فرق مختلفہ و ہر طائفہ امی از طوائف ہر حربی از احزاب عالم جوہر بودہ و بہت آن جوہر
بتدبیر مدبر حقیقی و یادی قیامت را خدشہ و میشود طوبی از برای نفسی کہ نسبت ظاہرہ و اسباب یافتہ
اورا نسبت بہ منع نمود ہر نفسی الیوم بعرفان بہ کہ مقصود از آفرینش بودہ فائز شد و از حرب بہ دور
کتاب مذکور و بحق منسوب للہ الحمد آن ورقہ مکرر بآیت الہی فائز گشتہ اند و حق محوتم را از یاد
عطا حضرت قیوم آشا میداند این فضل را بیچ شئی از انشیاء معاولہ نناید از حق تمیظیم تر مویہ
فرماید بر حفظ آنچه عنایت فرمودہ اما بہر انگیز میرسانیم و کل را با نزلہ بہ فی الکتاب وصیت مینمائیم
الہما علیک و علی آمانی اللانی قبلن و سمنن و آمن بہ رب العالمین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا کاظم علی کبر رسید و نامه رسید او به فرحانه راجع و این تقارن وجه بشرف صغافرا
 الحمد لله بعایت فائزنی و بطراز اقبال مزین ذکر تلمی لمظلوم بوده و سبب نسل
 ان یویدک علی ما حبت و رضی و میدک بحجود العیب و الشهاده انه هو مولی العالم و مالک القدر
 لا اله الا هو القوی الغالب لمقتدر القدر و کرم انزل الرحمن الفرقان نمودی بی سیف
 المظلوم بآیه حق لا یرب فیہ و لکن از برای رطب و یابس معانی کثیره بوده و هست مقصود از رطب
 در رتبه اولی بیانیست که انسان اسحق نزدیک نماید ای یقر به الی الله و یابس مایعده
 صراطه المستقیم و هو علم الارض و فقها ما الدین تریم الیوم صرعی کانم اعجاز نخل خاویه
 بختاب مقررند و از ام کتاب معرض لا زال سبب منع عباد و از افق علی بوده و بستند
 مایاتیم شاهد و گواه خود بر عظمت امر معرفت معدک غافل و پشتمر و مشاهد میشوند امرادر
 هر عمد و عصر بقبوی علی عمل نموده اند آنچه را که قلم نوحه نمود و لوح گریست چندی قبل در لوح
 یکی از اولیا این کلمه علیا نازل و مرقوم در کودکی میشنیدیم فلان عالم در کلمه قائم سخن میگوید
 که از احادیث اخبار بهار رسید یوم ظهور آنحضرت بکلمه تکلم میفرماید و نقبال از آن کلمه علیا

اجتناب مینماید و فرار اختیار میکنند آیا آن کلمه چیست که علی بخلق از حق اعراض مینماید
 ای معشر جدا آن کلمه اینست و در این چنین میفرماید هو در قمیص انا ظمیر و کمون بانا
 المشو و ناطق بگو اینست آن کلمه که از سطوتش فرائض کل مرتبه الامن شایسته مقصود از علما
 در این مقامات نفوسی بوده که مانع از شطی بخر احدیه منع نموده اند و الا عالم عامل و حکیم عادل
 بمشایه روحند از برای جسد عالم طوبی از برای عالمیکه تا کشتن تاج عدل مزین و هیکلش بطراز
 انصاف یا کاظم در لوح دیگر هم ذکر طرب و یاس فی الجمله اشاره بعلم عند الیوم
 مقصود آنکه اگر نفسی فی تحقیقه بشر فاقبال فائرش باید در اخلاص و ضعفه و بغضا که باین
 خراب عالم مشعل است بحال جسد رهنمون دارد در یابی و یام از حق جل جلاله مست
 نماید عباد خود را حفظ فرماید یا کاظم مذهب الهی مخصوص اتحاد و اتفاق و الفت و ووداد بود
 و لکن عباد جاهل او را سبب و علت بغضا نموده اند اینست تا به جهانسوز از حق میطلبیم این را را
 باب حکمت بیان فرموده نماید: "جمع عالم و ظل غایتش بیاساید آنه هو الفیاض الغفور الرحیم
 اگر دوستی یافت شد از قبل مظلوم بگیر برسان اما نوصی الکل بالاحلاق الروانیة و الاعمال
 الطیبة و ما یرفع به شان الانسان فی الامکان آنه هو الناصح العظیم .

بواسطہ میس گو وال
کالیفرنیا - مٹروپولیٹن

ہوئے

ای منجذب ملکوت اللہ وصایا و نصایح حضرت بھاء اللہ فیض کلمہ اللہ است این
قوة کلیہ مانند روح در عروق و شیرین نافذ پس چون روح و جان تعلق با آن یابد از
ہوای نفسانی و شہوات این جهان فانی و شہات ظلمانی و تعلق بشئون جسمانی اللہ
رہائی یابد این قوہ روحانیہ سبب احیاء نفس شود و کوران اچشم گشاید و کران را
مستمع نماید و کنگان را گویا کند پس بموجب تعالیم جمال مبارک روحی لاجبائہ الفداء روش
و حرکت کن تا آن قوہ الہیہ ترا در جمع مراتب نماید کند و نہایت آرزو حاصل گردد و علیک البہاء

ع ع

بواسطہ جناب ہاشم
جناب محمد شرف علیہ بآلہ اللہ

ہوئے

اشرفا شرف عالم انسانی امروز بموہبت ربانیت معرفت ابدیہ در آفاق پر تو
اشراق شمس حقیقت است ہر شرفی ساجد این شرف ہر عزتی خادم این عزت این
طمع طاق ملوک آفاق سربا تل است و این طعنے و دبدبہ ہر میر شہیر ظل فانی ولی
روی یاران ہر تو عنایت حضرت احدیت تا ابد الابد درخشند و تابان الغزۃ اللہ و بآلہ

الثابتین و علیک البہاء الابی ع ع

حضرت اُفان شجره وحدانیت جناب حبرِ سیدِ حسین علیہ بھس

ہو اللہ

ای فرغ مینع سدرہ منقی کلمہ الحقیچون در صدر لوح محفوظ و
رق منشور ثبت شد و ظهور نمود جیسع قوامی ارض بر محو حک قیام نمود
عاقبت آن آیت وحدانیت روز بروز ثابت تر گشت و جمیع آن نقوش
معمد محو و نابود شد حال شکر فرما خدا را کہ در ظل آن کلمہ فردانیت بودی
و در ظل آن آیت وحدانیت و چون این فضل مسیر شد عنوان کتاب
ایجاد شویم و سر دفتر منشور آفرینش لک الشکر الی لعبتہ السامیہ و

لنا الحمد الی الحضرة الرحمانیہ

ع

ترجمه
پیام بیت العدل اعظم
خطاب به بهائیان عالم
رضوان ۱۹۹۲

یاران عزیز الهی

در این موسم رضوان که شکوهی ذاتی در آن جلوه گر و سرآغاز ایامی بی نظیر و مشحون از پیش آمدهای گوناگون است با قلبی مهتر از شگفتی و اعجاب سر تعظیم بر آستان سلطان جلال فرو میآوریم که به یمن عنایات و الطاف حضرتش به دورانی فرخنده در تاریخ امر مبارکش وارد شده ایم .

از اوج پیروزی نقشه شش ساله‌ای که اکنون پایان یافته به آستانه سنه مقدس قدم میگذاریم و با اعجاب و تحسین مترصد اهمیت بی سابقه احتفالات منوی به منظور تخلید و تکریم احیان مقدس یکصد سال پیش هستیم که حضرت بهاء الله موعود جمیع اعصار خاکدان فانی را ترك فرمود مقارن خواهد بود . شمس حقیقت از افق عالم ناسوت غروب نمود تا بلازوال از " افق ابهی " بدرخشد و اشعه تابان نیروی حیات بخشش جاودانه بر عالم وجود بتابد . نفس مقدسی که عالم فانی را وداع گفت شارع امری عظیم است که در آن " ظهورات ماضیه کلّ به مقصد اعلی و غایت قصوای خویش فائز گشته اند " ، بانی کور عمومی جدیدی است که " امتدادش بسیار [و] اقلّ پانصد هزار سال " خواهد بود و مؤسس نظمی جهانی است که " ماهدت عین الابداع شبهه " و مطلع یوم الهی است ، یعنی " روز فضل اعظم و فیض اکبر است " . در این سالگرد مخصوص که در این برهه بحرانی در شئون عالم انسانی برگزار میگردد اوصاف و نعوتی این چنین است که در احیان تأمل و تعمق مورد توجه قرار میگیرد.

این مشتاقان چنان از خاطرات تاریخی مبارکی که این سال مقدس یادآور آنها است شاد و مستبشرند که شایسته میدانند از یاران الهی دعوت کنند که قبل از ورود به این مرحله به تأمل پردازند ، مرحله ای که زمان تذکر و تفکر است و هنگام تجدید عهد خدمت و بندگی است ،

دوره‌ای است که وقت تهیه و تدارک برای انجام وظائف باقیمانده است و مناسب حصول آمادگی برای وصول به ذروه هانی است که باید فتح شوند و شکوه و جلالی که مقدر است از پس پرده پنهان آشکار و نمایان گردد . اگر به یکصد سال تاریخ بی مثل و نظیر پیشرفت مستمر امرالله در گذشته ایام نظر افکنیم ، تحقق مقاصد الهی که در قرون و اعصار آینده منتظر و مترصدیم در نظر جلوه‌گر میشود چه تجربه نشان داده است که مقاصد مزبور در اثر پیشرفت تدریجی و منظم نقشه های تبلیغی و نیز وقوع تغییرات غیر منتظره و شگفت انگیز در عهود مختلفه تحقق یافته اند .

دورنمای افق‌های جدیدی که پیروزی نقشه شش ساله مقارن با مرحله مقدماتی عهد چهارم از عصر تکوین امر بهانی گشوده است اولین طلیعه این سال مقدس و خجسته مال محسوب میگردد . اگر چه در بعضی از مناطق و در پاره ای از موارد میزان رشد و توسعه جامعه بهانی خارق العاده بوده اما از نظر کلی پیروزی اصلی نقشه شش ساله در موفقیت‌های کتی آن نیست بلکه انتصارات مهم نقشه در کیفیت انواع جدید فتوحات و در شروع مشروعات جدید و در ابتکارات تازه و در رشد و بلوغ مؤسسات امریه ای جلوه گر است که تحقق اهداف هفتگانه آن را به مهر موفقیت مختوم میسازد . گرچه ارانه کلیه نتایج حاصله از نقشه شش ساله در این صفحات معدود مقدور نیست اما سزاوار آن که جنبه های اصلی اقدامات این دوره پر فعالیت و تحرک مورد تاکید قرار گیرد . جامعه بهانی در شش سال اخیر بنحو قابل ملاحظه ای تحول یافت . مشخصات اصلی این تحول را که بی تردید برای احتیای الهی در سراسر عالم آشکار است میتوان به نحو ذیل خلاصه کرد :

نخست آنکه امر حضرت بهاء الله در جمیع کشورهای جهان رسوخ نموده است . تغییر ناگهانی در اوضاع سیاسی که بدون شك در اثر نقشه کلی الهی تحقق یافته مناطق وسیعی از کره زمین را عمده که شامل کشور سابق شوروی و نیز کشورهای بلوک شرق میشود برای نفوذ و رسوخ تعالیم الهی مفتوح ساخت . فرصتهایی که این تحول و تغییر بوجود آورد استقرار باسلان امر حضرت بهاء الله را در آخرین سرزمینهای غیر مفتوحی که در نقشه دهساله جهاد کبیر اکبر حضرت ولی امرالله مذکور شده بود میسر ساخت . تحولات مزبور همچنین ایجاب نمود که در رضوان ۱۹۹۰ نقشه تکمیلی دو ساله ای برای این مناطق تنظیم و اجراء گردد . این نقشه تکمیلی نه تنها از نظر توسعه نطاق امرالله در کشورهای متعدد مورد نظر ، قرین موفقیت گردید بلکه از لحاظ تنوع نژادها و طبقات مقبلین جدید در این کشورها و تنوع و میزان آثار منتشره امری و نیز از نظر مؤسسات اداری بهانی که در این مدت قلیل یکی پس از دیگری تاسیس شدند به نحو چشمگیری موفقیت آمیز بود . عالم بهانی

در اثر این تحولات نشنه تازه یافت و تعداد دیگری از سایر کشورهای جهان نیز موفقیت های بسیار مهمی در خدمات تبلیغی بدست آوردند .

ارقامی که تاکنون به مرکز جهانی واصل گردیده حاکی از آن است که در طیّ نقشه شش ساله متجاوز از يك مليون و نیم نفوس جدید به امر الهی اقبال نموده اند . در این میان طرح سه ساله تبلیغی در گایانا که عدد احتبای الهی را در کشور مزبور به شش درصد کلّ جمعیت بالغ ساخت به نحو اخصّ قابل توجه است .

دوم : اعلان امرالله در سراسر عالم به مرحله کاملاً جدیدی وارد شد . مجاهدت برای اعلان عمومی امرالله که در سال ۱۹۶۷ به مناسبت مراسم تجلیل یکصدمین سالگرد صدور الواح ملوک و سلاطین از قلم جمال قدم جلّ ذکره الاعظم آغاز گردید در سال ۱۹۷۹ در اثر بروز تضییقات و مشکلات وارده بر جامعه بهائی ایران شدت یافت و در حال حاضر با توزیع بیانیه « وعده صلح جهانی » وسعت بیشتری یافته است . پادشاهان و ملکه ها و رؤسای جمهور ، نخست وزیران ، قانون گزاران ، قضات ، دانشگاهیان و مؤسسات و سازمانهای گوناگون از پیام حضرت بهاء الله آگاه گردیده اند . نیروهای خلاق که جوامع بهائی در سراسر جهان برای اعلان امر حضرت منان به کار گرفتند از عوامل محرکه نقشه گردید و به میزان قابل توجهی موجب جلب رغبت و علاقمندی سازمان ها و پیشوایان افکار و وسائط خبری به راه حلّ هائی گردید که امر بهائی برای دنیائی که به نحوی عجیب دچار بی نظمی شده است ارائه میدهد .

محافل روحانی ملی و محلی که از تاثیر اقداماتشان برای اعلان امرالله و نیز از بذل کوششهای مستمرشان در دفاع از جامعه ستمدیده بهائی در ایران به شوق آمده بودند جرأت و ابتکار عملی شگفت آمیز در زمینه روابط عمومی ابراز داشته و میدارند . این خصوصیات در تماس های بی شمار با اولیای امور دولتی در سطوح مختلف ، در ارتباط و برخورد با دوائر وسیعتری از سازمانهای گوناگون و در مهارت در ارتباط با وسائط خبری آشکار است .

سوم : افتتاح امّ المعابد شبه قاره هند در سال ۱۹۸۶ برای نیایش عامه ، نیروی جدیدی به اقدامات مربوط به تبلیغ و اعلان امرالله ارزانی داشت . « معبد نیلوفر آبی » به عنوان بنائی که در زیبایی و برتری کم نظیر است مورد تحسین و تمجید فراوان قرار گرفته و جذابیت فوق العاده اش گروه های بی شمار بازدید کننده را بخود جلب نموده و صیت شهرتش به عنوان یکی از بدایع معماری همعنان

با تأثیرات روحانی اش به سرعت انتشار یافته است . بدون اغراق این معبد امروزه در بین مشارق اذکار عالم بزرگترین مبلغ صامت امر بهائی محسوب میگردد و بطور متوسط روزانه بیست هزار نفر از آن دیدن می کنند و تعداد بازدید کنندگانش بیش از مجموع بازدید کنندگان سایر مشارق اذکار است . در بین بازدید کنندگان این مشرق اذکار که از اهالی بسیاری از ممالك جهان هستند بعضی از برجسته ترین افراد دیده میشوند. این معبد مورد توجه مخصوص وسائط خبری قرار گرفته و در برنامه های تلویزیونی حتی در روسیه و چین نمایش داده شده است ، موفقیت های حاصله به توسعه آگاهی عمومی در باره امر بهائی بینهایت کمک نموده است .

چهارم : خروج بارزتر امر الهی از مرحله مجهولیت را در بازتاب های مشخصی که داشته است میتوان مشاهده نمود . از جمله در محافل فرهنگی ، در کتب مرجع و در وسائط خبری به نحو روزافزونی از امر بهائی به عنوان یکی از ادیان " عمده یا اصلی " یاد میشود . در اثر تشدید مجاهدت احباء در اعلان امرالله بر حجم مطالبی که در باره اقدامات جامعه بهائی بوسیله ارتباط جمعی منتشر میشود بسیار افزوده شده است . از این مهمتر آنکه مؤسسات و منابع خبری رأساً نیز علاقمند به کسب خبر از جامعه بهائی شده اند و در نقاط مختلف جهان به ابتکار خود با جوامع بهائی تماس میگیرند . آگاه شدن مقامات ذی نفوذ از تعالیم بهائی در اموری نظیر صلح ، محیط زیست ، مقام زنان ، تعلیم و تربیت و سواد آموزی سبب شده است که بنحوی روزافزون از اهل بهاء برای مشارکت با دیگران در اجرای طرح های سازمان های دولتی و یا غیر دولتی دعوت بعمل آید .

بعلاوه ، این قبیل انتشارات و ارتباطات این آگاهی را در اذهان عمومی به وجود آورده که امر بهائی راه حلی برای مسائل و مشکلات امروزی در اختیار دارد و بدین ترتیب این انتظار به وجود آمده است که جامعه بهائی باید سهم فعالتری در امور اجتماع بر عهده گیرد . موفقیت قابل ملاحظه دفتر محیط زیست " جامعه بین المللی بهائی " که در طی نقشه شش ساله تأسیس گردید شاهد بارز این مدعاست . علاوه بر این ، روابط رسمی که دفتر " جامعه جهانی بهائی " با شبکه ادیان و حفظ منابع طبیعی " وابسته به " صندوق جهانی محافظه طبیعت " و نیز با " کنفرانس جهانی دیانت و صلح " برقرار ساخته همراه با روابط مشابهی که محافل ملی و محلی در موارد بیشمار در حوزه های تحت اشراف خود ایجاد کرده اند، حاکی از شناخته شدن موجودیت امر بهائی است . رویهمرفته این مجاهدات متنوع برای اعلان امرالله به نحوی توجه عمومی را بخود جلب نموده است که میتوان گفت

مؤسسات بسیار مهم اجتماعی و شخصیت‌های برجسته عالم از امر بهائی مطلع شده اند .

پنجم : طرح های عمرانی خدمات اجتماعی و اقتصادی جامعه بهائی افزایش فوق العاده یافته و سبب کسب حیثیت و اعتبار برای جامعه امر گردیده است . در نتیجه جوامع بهائی در نقاط مختلف جهان به عنوان نمونه و سرمشق برای اقداماتی که ممکن است از طریق ابتکارات گروهی و خدمات داوطلبانه انجام گیرد شناخته شده اند . اقداماتی که در این زمینه مبذول گشته متجاوز از هزار طرح مختلف را در زمینه های تعلیم و تربیت ، کشاورزی و بهداشت ، سواد آموزی و حفظ محیط زیست و ارتقاء مقام زنان در بر داشته است . در تعدادی از موارد این خدمات از مساعدت یا همکاری سازمانهای دولتی و سازمانهای غیر دولتی بین المللی بر خوردار شده اند . از جمله میتوان از طرحهایی که پنج محفل روحانی ملی برای بهبود وضع نسوان با کمک مالی صندوق سازمان ملل برای زنان (Unifem) در دست اجرا دارند و طرح های دیگری که از مساعدت مالی دولت های کانادا و هند و آلمان و نیروی استفاده کرده اند نام برد . بعضی از این اقدامات چنان موفقیت آمیز بوده که در اثر دریافت تشویق نامه ها و جوایز دیگر از طرف دولت ها و یا سازمانهای غیر دولتی بین المللی مورد توجه عمومی قرار گرفته اند .

ششم : فعالیت های جوانان با اجرای طرح " يك سال خدمت در جوانی " به مرحله جدیدی وارد گردیده است . مشارکت جوانان در نقشه شش ساله برای مهاجرت های کوتاه مدت ، سفرهای تبلیغی و اجرای طرح های عمرانی در مجهودات تبلیغی به نحو اعم و در مساعدت و تقویت خدمات اجتماعی و اقتصادی که روز بروز به تعداد بیشتری از طرف جوامع ملی و محلی بهائی اجرا میشود تاثیر شدید داشته است . در کشورهایی که سابقاً کمونیست بوده اند خدمات جوانان از عوامل بسیار مؤثر در پیروزیهای حاصله بوده است ، شرکت جوانان بهائی در طرح های خدمات اجتماعی و اقتصادی در بسیاری موارد جلب توجه مقامات دولتی و سازمانهای عمرانی را نموده است . ایجاد شورای جوانان بهائی اروپا مایه تحرك شدید در فعالیتهای جوانان گردیده و سبب تقویت قابل ملاحظه مجهودات تبلیغی در اروپا در آخرین سالهای نقشه گردیده است . یکی از جنبه های مهم فعالیتهای جوانان مشارکت آنان در خدمات کوتاه مدت داوطلبانه در مرکز جهانی است که بینهایت پر ارزش محسوب میگردد .

هفتم : پیشرفتهائی که در تحکیم نظام اداری جامعه بهائی حاصل شده از خلال بهبود شایان توجه تشکیلات داخلی جامعه بهائی و نیز همکاری بین دو جناح تشکیلات مزبور آشکار است . حضرات ایادی نازنین و شجاع امرالهی در سبیل وفا به مولای بی همتا حضرت ولی امرالله با ثبات قدم به خدمات بی نظیر خود ادامه داده اند و با ایجاد شور و نشور در جامعه بهائی مایه تحسین و اعجاب یاران گشته اند . ازدیاد اطمینان و توانائی هیئت های مشاورین و معاضدانشان که به وسیله مؤسسه فعال و تقویت یافته دارالتبلیغ بین المللی پشتیبانی میشوند برای محافل روحانی که هیئتهای مزبور وظیفه تشویق و مشاوره با آنها را برعهده دارند نقطه اتکائی ضروری را تأمین مینماید که حافظ سلامت نظام اداری مزبور است . در عین حال گسترش دائره مجهودات محافل روحانی ملی و محلی که مسئول هدایت مقدرات جوامع تحت اشراف خود هستند بنیان و اساس این نظام اداری وسعتی قابل ملاحظه بخشیده است . اقدامات مؤسسات مذکور که دست به دست هم به فعالیت مشغولند موجب تسهیل کار و تقویت و تکامل نظم اداری بهائی شده و حتی سبب بروز و ظهور نیروی خلاق گشته است که نشانه امید بخشی برای ادامه این سیر تکاملی به شمار میرود .

هشتم : طرح های عظیم ساختمانی بر جبل الربّ که قلم اعلی در لوح کرم بدانها اشاره فرموده و حضرت عبدالبهاء با ساختمان مرقد مطهر حضرت ربّ اعلی آنها را آغاز نموده و در نقشه های حضرت ولی امرالله اجرای آنها ادامه یافته به مرحله جدیدی وارد گشته است . عملیات ساختمانی برای تحکیم بنیان و توسعه طبقه اصلی مقام اعلی در ماه می ۱۹۹۰ آغاز گردید. این عملیات مرحله مقدماتی اجرای طرحی است که پیش بینی حضرت عبدالبهاء را در باره طبقاتی که از دامنه کوه کرم تا راس آن امتداد خواهد داشت متحقق می سازد . در سپتامبر سال بعد عملیات حفاری برای ساختمان مرکز مطالعه نصوص و الواح و نیز بنای ملحقات دارالاکثار بین المللی شروع شد و در پی این اقدامات ساختمان سایر ابنیه حول قوس یعنی ساختمان های دارالتبلیغ بین المللی و بعداً کتابخانه بین المللی بهائی مرتفع خواهد گردید.

جميع این اقدامات نشان میدهد که قوای متراکمه مکنونه برای پیشرفت و تقدّم دائم التزاید جامعه بهائی بی حدّ و حصر است . تغییرات و تحولات داخلی حاصله در ملل مختلفه و در روابط آنها با یکدیگر و نیز مشکلات عدیده ای که دامنگیر جامعه بشری شده بر میزان این امکانات میافزاید . از این تغییرات چنین بنظر میآید که صلح اصغر قریب الوقوع است و لیکن همزمان با این تحولات

قوای خنثی کننده ای نیز دوباره ظاهر گردیده است . همراه با موجب تازه آزادی های سیاسی که در اثر سقوط سنگرهای کمونیسم بوجود آمده ملت پرستی ناگهان اوج گرفته و طغیان نژاد پرستی ملازم با نهضت ملت پرستی در مناطق مختلف سبب نگرانی شدید عالمگیر شده است . این تحولات در اثر توسعه تعصبات دینی بفرنج تر گشته و سرچشمه سعه صدر و تحمل را مسموم ساخته است . تروریسم شیوع یافته و توسعه عدم ثبات وضع اقتصادی حاکی از اغتشاش عمیق در مدیریت امور مالی در دنیای امروز است . این وضعیت احساس یأس و ناامیدی را که بر فضای سیاسی جهان حاکم است عمیق تر میسازد . وخیم تر شدن وضع محیط زیست و بهداشت جماعات کثیری از مردم، مایه وحشت و اضطراب شده است ، با تمام این احوال یکی از عوامل این تغییر و تحول پیشرفت های حیرت انگیز در فنون مخابراتی است که انتقال سریع اطلاعات و افکار را از يك نقطه به نقطه دیگر جهان میسر ساخته است و در مقابل این " ترقی و تدنی و تالیف و تحلیل و نظم و بی سامانی که به موازات یکدیگر در عالم وجود مشهود و تاثیرات متقابل هریک بر دیگری مستمر و محسوس " (ترجمه) است که هزاران فرصت جدید برای مرحله بعدی تحقق اهداف نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء جلوه گر میگردد .

با نزدیک شدن سال مقدس چنین بنظر میرسد که نفوذ روز افزون امر حضرت بهاء الله همچون تندبادی بر بنیان فرسوده نظم کهن میوزد ، ارکان عظیم آن را منهدم میسازد و راه را برای نشر افکار و مفاهیمی جدید در نظام اجتماعی هموار میسازد . صلاهی وحدت و یگانگی و نظم جدید جهانی از جهات مختلف به گوش میرسد . جامعه جهان با سرعتی حیرت انگیز در تغییر و تحول است . از جمله خصوصیات بارز این تحولات ، غیر منتظره بودن و شتابزدگی آنها است که بنظر میرسد از قوای دافعه خفیه متأثر باشد . از جهت مثبت این تغییرات حاکی از آمادگی بی سابقه برای پذیرفتن مفاهیمی جهانی از قبیل پیشرفت به سوی همکاری های منطقه ای . بین المللی ، تمایل متخاصمان به یافتن راه حل های مسالمت آمیز ، و جستجوی ارزش های روحانی است . جامعه ستاینندگان اسم اعظم نیز تحت تاثیر شدید این تند باد حیات بخش قرار گرفته است چه که به دنباله مصیبات و انقلاباتی که جامعه بشر با آن مواجه است نحوه تفکر همه ما را صفا میدهد و افکار و نظریات ما را در باره مقصد و هدف نظم حضرت بهاء الله تازگی و طراوت و صراحت و وسعت می بخشد .

اوضاع و احوال عالم در حالیکه ما را مواجه با درگیری حادّ و فوق العاده فوری نموده بینش جهانی و امید بخش حضرت ولّی امرالله را در باره دورنمای نظم اداری در اثنای قرن دوم بهائی که به سرعت به نیمه آن نزدیک می شویم بخاطر میآورد . حضرت ولّی امرالله در سال ۱۹۶۶ در توقیعی چنین مرقوم فرمودند : " چنین مقدر است که قرن دوم بهائی شاهد انتشار وسیع و استحکام بارز قوای فعاله در توسعه و پیشرفت جهان گیر نظم مزبور و نیز ناظر جنبش های اولیه نظم جهانی باشد. نظمی که تشکیلات اداری موجود طلیمه و هسته مرکزی و نمونه ای از آنست . نظمی که چون شکل گیرد و درخشش و لمعان تأثیرات لطیفه اش کره ارض را در بر گیرد ، بلوغ کلیه نوع بشر و تکامل امر الهی را که بوجود آورنده نظم مزبور است اعلام خواهد داشت . " (ترجمه)

بذل توجه به وقایع خاصّ سال مقدّس به یقین ما را برای قبول وظائف و مسئولیت های فوری و ضروری مرحله بعدی در سیر تکامل نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء مجهّز و مهیا خواهد ساخت . این دوره تذکار و یادبود حدّ فاصل مناسبی بین افتخارات و پیروزیهای یکصد سال گذشته و موفقیت ها و انتصارات درخشانی است که باید در آینده حاصل گردد . نخست با قلبی طافح از سرور و امتنان توسعه و استحکام بیشتر نظم اداری را که با تشکیل دوازده محفل روحانی ملّی و منطقه ای در این رضوان نصیب خواهد شد استقبال میکنیم . شگفت آنکه تعداد این محافل معادل تعداد محافل روحانی ملّی است که در ابتدای نقشه دهساله جهاد کبیر اکبر در سال ۱۹۵۲ موجود بود . این شاهد بارزی از توسعه سریع نطاق نظم اداری در مدتی کمتر از چهل سال است . با تشکیل این محافل جدید و با در نظر گرفتن انضمام احتمالی کشور سکیم به هندوستان و با توجه به منحل شدن تشکیلات امری در لیبریا در اثر اغتشاشات کنونی در آن کشور تعداد محافل روحانی ملّی که در هفتمین کانونشن بین المللی بهائی در رضوان بعد شرکت خواهند جست به ۱۶۵ محفل بالغ خواهد گشت .

با خوشوقتی بسیار ابلاغ میشود که حضرات ایادی امرالله به نمایندگی این هیئت در شش کانونشن که محافل ملّی جدید را انتخاب خواهند کرد بشرح ذیل شرکت مینمایند : امة البهاء روحیه خانم در کانونشن های بلغارستان و لهستان حضور مییابند و جناب علی اکبر فروتن در کانونشن های دول بالتیک و مجارستان و جناب دکتر علی محمد ورقا در کانونشن های گرین لند و اکرانین و بیلاروس و مولدووا شرکت مینمایند . در شش کانونشن دیگر نمایندگان این هیئت از مشاورین مشروح در

ذیل خواهند بود : جناب جرج آلن در جمهوری کنگو ، جناب دکتر فرزام ارباب در آسیای مرکزی جناب رالف فن چکوس در انگولا ، امة الله پروین خانم جنیدی در نیجر ، جناب هارتموت گروسمن در آلبانی و جناب مسعود خمسی در آذربایجان .

تا چند هفته دیگر در حرم اقدس روضه مبارکه حضرت بهاء الله اجتماع عظیمی و مهیمنی به مناسبت یکصدمین سالگرد صعود مقصود عالیان برگزار خواهد شد. لوحه افتخاری حاوی اسامی فارسان امر حضرت بهاء الله در بامداد روز قبل یعنی ۲۸ ماه می همانطور که حضرت ولی امرالله اراده فرموده بودند درآستانه حرم داخلی روضه مبارکه قرار داده خواهد شد تا به عنوان نشانه ای از انتصارات تاریخی که در اثر عزم جزم عاشقان جمال قدم نصیب جامعه اسم اعظم گردید الی الابد باقی و برقرار ماند ، عاشقانی که در اجابت ندای جهاد دهساله کبیر اکبر لوای امرش را در سرزمین های غیر مفتوحه در سراسر عالم باهتزاز آوردند .

متعاقباً در ماه نوامبر در دومین کنگره جهانی بهائی هزاران نفر از جنود حضرت بهاء الله در نیویورک گرد خواهند آمد تا به نمایندگی خواهران و برادران روحانی خود در سراسر عالم وفاداری خویش را به عهد و پیمانی که حضرت بهاء الله به میراث گذاشته اند ابراز دارند . اینان خاطره نفس مقدسی را احیاء خواهند نمود که به عنوان مرکز میثاق منصوب گردید و آن مدینه را به قدم خود مزین داشت و آن را بنام « مدینه میثاق » تسمیه فرمود ، یاران مجتمع در این کنگره نیروی وحدت و یگانگی را که تأمین آن برای جمیع مردم جهان هدف چنین عهد و میثاقی است به منصه ظهور بروز خواهند رساند . این اجتماع فرصتی است که حائز اهمیت شایان برای جامعه بهائی در انظار جهانیان خواهد بود .

این دو واقعه بین المللی محور و مرکز اجتماعات مشابه دیگری خواهند بود که احتبای الهی در هر گوشه از جهان ترتیب خواهند داد و یاران الهی در این اجتماعات و احتفالات با چنان روحانیت و وقاری مشارکت خواهند نمود که جالب و جاذب تأنیدات ملاءاعلی شده در قوانی که در سراسر گیتی در سازندگی است تأثیری عمیق خواهد داشت .

منشا دیگری از خیر و برکت که دیرزمانی است بدان امید بسته ایم نیز به منصه ظهور خواهد

رسید . حضرت بهاء الله میفرمایند :

« قد انزلنا في السجّن كتاباً ستي لدى العرش بالكتاب الاقدس وفيه شرعنا الشرايع و زيتاه باوامر ربك الامر على من في السموات و الارضين » . بنا بر این با علم و عرفان کامل به اهمیت این کتاب ، یعنی سندی که جهان را به هیجان خواهد آورد بشارت می‌دهیم که ترجمه انگلیسی کتاب مستطاب اقدس با حواشی و ضامن آن در اثنای این سال خجسته منتشر خواهد شد . کتابی که منشور تمدن جهانی آینده است و حضرت بهاء الله آن را در بیت عودی خمار در عکا در حدود صد و بیست سال قبل نازل فرموده اند .

اکنون در بحبوحه انتظار مشتاقانه این دو واقعه مهم در تجلیل و تکریم سال مقدس و انتشار قریب الوقوع ام الكتاب امر بهائی ، حکم حقوق الله بعنوان فریضه ای مستمر بوسیله عموم احتبای عالم به مرحله اجراء گذاشته میشود . امید است برکات و مواهب الهیه که قلم اعلی بدان ها وعده فرموده و ملازم اجرای این حکم مقدس است شامل حبیبان حضرت محبوب در جمیع بلاد گردد .

سالی که متضمن رویدادهائی چنین مهم و مقدس خواهد بود یقیناً نتایج و آثاری به بار خواهد آورد که از قدرت تصور ما خارج است . چنین نتایجی را نمیتوان پیش بینی نمود و یا به نحوی مفید و مؤثر در باره آن به اظهار نظر پرداخت بلکه باید افکار خود را به معانی و مفاهیم این فرصت والا که چنین سال مقدسی را درخاطره ها جاودانی خواهد ساخت متوجه سازیم . قصد و هدف از سال مقدس فقط برگزاری مراسم یادبود به نحو شایسته و مجلل نیست بلکه قصد اصلی فرصتی است که این سنه مقدس به هر فرد بهائی میدهد تا به تفکر و تأمل عمیق پردازد . براستی این زمانی است که روح انسان با مطلع نور و هدایت الهی مقابل شود ، زمانی است که به حضرت بهاء الله توجه کنیم و سعی نمائیم مقصود آن محبوب عالمیان را بهتر و بیشتر از پیش درک کنیم و برای وفاداری خود به آستان حضرتش تجدید عهدنمائیم . این زمانی است که هر يك از ما باید در عوالم درونی خود که تجلی گاه حضرت بهاء الله است غور و تفحص نماید و مصداق این بیان مبارك گردد که میفرمایند: « فارجع البصر اليك لتجدني فيك قائماً قادراً مقتدراً قتيوما » . این زمانی است که باید با میثاق الهی تجدید عهد نمائیم ، خود را مجدداً وقف وظائف روحانی خود کنیم و نیروی تبلیغ و تبشیر امرالله را که « افضل الاعمال » است در خود دوباره زنده نمائیم .

یاران بدون تردید در اعمال و تفکرات خود از آثار قلم اعلی الهام خواهند گرفت و از بیاناتی نظیر

آنچه ذیلاً نقل میشود کسب بصیرت خواهند نمود ، آنجا که میفرماید : « منم آفتاب بینش و دریای دانش پژمردگان را تازه نمایم و مردگان را زنده کنم ، منم آن روشنائی که راه دیده بنمایم »
 « لعمری ائی ما اظهرت نفسی بل الله اظهرنی کیف اراد » ، « قد اتی علی ظلل المعانی بسلطان من عنده » ، « هر که دارای من نباشد دارای هیچ نه ، از هر چه هست بگذرید و مرا بیابید » ،
 « احببنی لا حبك ان لم تحببنی لن احبك ابدأ فاعرف یا عبد » ، « قد قیدت جمال القدم لاطلاق العالم و حبس فی الحصن الاعظم لمتعق العالمین و اختار لنفسه الاحزان لسرور من فی الاکوان » .

صرفنظر از آنچه ما را در اثر چنین تأمل و تعمقی راهنما شود ، باید باین نکته متذکر باشیم که نام آن منجی امم باید در جمیع اقطار عالم در بین وضع و شریف مشتهر گردد . اگر بخاطر آوریم که تا کنون که یک قرن کامل از صعود جمال اقدس ابهی گذشته است چگونه اهل عالم در زیر ثقل علل و عوامل گوناگون درهم کوبیده میشوند و ملاحظه کنیم که فریاد جانکاه از قلوب کسانی که آرزوی آسایش و رفاه دارند بیش از پیش به عنان آسمان رسیده ، ما که خادمان جانفشان آن آستان مقدسیم در اجرای این وظیفه اصلی و ضروری ادنی تزلزل و تاخیری روا نخواهیم داشت زیرا که حضرت بهاء الله مظهر کلی الهی ، منجی و وحدت بخش امم ، سر چشمه عدالت و محبوب جاودانی است و بنا به اثر قلم معصوم از خطای حضرت بهاء الله « قد اتی المختار فی ظلل الانوار لیحیی الاکوان من نفحات اسمه الرحمن و یتحد العالم و یجتمعوا علی هذه المائدة الّتی نزلت من السما » . پس شایسته آن است که نام مبارکش با وقار و جلال گوشزد نفوسی شود که باید ندایش را بشنوند و همچون گوهری گرانبها به نفوسی اهداء گردد که باید آن را دریافت نمایند و با عشق و علاقه به نفوسی ابلاغ شود که باید بدان اقبال نمایند .

مایه بسی تمجید و تحسین خواهد بود اگر هر یک از ما آکنده از شوق تشهیر نام مبارک جمال اقدس ابهی و برای اثبات عشق و ولای خاصی که به آن سلطان جلال میورزیم بتوانیم به جهادی تبلیغی قیام کنیم تا اثر و نتیجه کلی مجهودات فرد فرد یاران در سراسر جهان اقدامات مبارک این سال مقدس را به ختامی درخشان ممتاز گردانند و صحنه را برای آغاز نقشه سه ساله ای که از رضوان ۱۹۹۳ آغاز خواهد گردید آماده نماید .

بالاخره بسی شایسته است که در این هنگام به وصایای مبارک جمال اقدس ابهی در کتاب

مستطاب اقدس که حاکی از نحوه سلوک ما بعد از صعود هیکل مبارک است متذکر شویم که میفرمایند : «یا اهل الارض اذا غربت شمس جمالی و سترت سماء هیکلی لا تضطربوا قوموا علی نصره امری و ارتفاع کلمتی بین العالمین انا معکم فی کل الاحوال و ننصرکم بالحق انا کنا قادرین من عرفنی یقوم علی خدمتی بقیام لاتقعدہ جنود السموات و الارضین » .

ای یاران محبوب هرگز فراموش نخواهیم کرد که در عتبه مقدسه علیا مسئلت نمائیم تا جمال اقدس ابهی از ملکوت جاودانیش روح و جان هر یک از آن عزیزان را بقدرت سماویه از نفثات قدسیه سرشار سازد .

بیت العدل اعظم

ترجمه ابلاغیه دارالانشاء بیت العدل اعظم

خطاب به عموم محافل روحانی ملی

مورخ ۲۰ جولای ۱۹۹۲

کنگره جهانی بهائی

یاران عزیز الهی :

بیت العدل اعظم مقرر فرموده اند اخبار مهم و هیجان انگیز ذیل را در باره کنگره جهانی بهائی که قرار است از ۲۲ تا ۲۶ نوامبر امسال در نیویورک برگزار شود باستحضارتان برسانیم . جای بسی خوشحالی است که ترتیباتی داده شده تا جریان کنگره جهانی به مدت چهار ساعت از طریق ماهواره از نیویورک به تعدادی از مراکز گیرنده در نقاط مختلف در پنج قاره جهان مخابره گردد .

اخیراً قراردادی برای این منظور با مؤسسه دبلیو - تی - ان W.T.N پروداکشنز Productions که یکی از شرکتهای تابعه کمپانی اخبار تلویزیونی جهان World Television News corporation میباشد بامضاء رسیده است تا پخش برنامه را از نیویورک در مراکز بوئنوس ایرس (آرژانتین) ، سیدنی

(استرالیا) ، دهلی جدید (هند) ، نایروبی (کنیا) ، پاناما سیتی (پاناما) ، بخارست (رومانی) ، مسکو (روسیه) ، سنگاپور و آپیا (ساموای غربی) میسر سازد . مرکز جهانی بهانی نیز از طریق ماهواره با کنگره جهانی مرتبط خواهد بود .

پخش برنامه از نیویورک به تمام این مراکز در روز ۲۶ نوامبر یعنی « یوم میثاق » از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر به وقت نیویورک (ساعت ۱۲ تا ۱۷ به وقت گرینویچ (GMT) انجام میشود . در دوساعت اول قسمت هانی از برنامه های سه روز اول کنگره که ضبط شده است مخابره میگردد و در دو ساعت بعدی جریان آخرین جلسه کنگره مستقیماً و بطور زنده عرضه خواهد گردید .

محافل روحانی ملی در ممالک نه گانه که برای دریافت برنامه انتخاب شده اند مشغول بررسی امکان انعقاد کنفرانسهایی همراه با پخش برنامه ماهواره ای هستند . این محافل برنامه هانی را که در نظر دارند به موقع خود به اطلاع یاران علاقمند در منطقه تحت اشراف خود و کشورهای مجاور خواهند رسانید .

بعضی محافل ملی دیگر نیز تقاضا کرده اند که به هزینه خود این برنامه ماهواره ای را دریافت کنند . محافل ملی مذکور میتوانند اطلاعات لازم را از دفتر امور اجرایی کنگره جهانی بهانی در دفتر محفل ملی آمریکا دریافت دارند .

بطور کلی این برنامه از طریق سیستم اینتل ست (Intelsat) (ماهواره بین المللی) مخابره میشود و نحوه پخش برنامه طوری است که همه کره زمین را در بر میگیرد . بنابراین مخابره برنامه از کنگره نیویورک به هر نقطه از جهان که دارای وسائل لازم باشد امکان پذیر خواهد بود . اطلاعات تفصیلی در این مورد به وسیله هیئت اجرایی این برنامه ماهواره ای با اطلاع محافل ملی خواهد رسید .

بیت العدل اعظم بسیار مسرورند که ارسال ماهواره ای این برنامه بهانیان را در سراسر جهان با کنگره نیویورک مرتبط خواهد ساخت و سبب خواهد شد که نام مبارك حضرت بهاء الله در سراسر کره ارض اعلان گردد .

با تحیات ابدع ابهی
دارالانشاء بیت العدل اعظم

ترجمه

پیام تلگرافی بیت العدل اعظم
به محفل روحانی ملی بهائیان سنگاپور
مورخ ۳ فوریه ۱۹۹۲

از صعود خادمه مخلصه امر جمال قدم شیرین فوزدار متأثریم . روح خستگی ناپذیر ، خلوص پایدار ، جرئت مصرانه و خدمات خستگی ناپذیرش به امر محبوب الهی در میادین اعلان امرالله و نشر نفحات الله و امور اداری و تربیتی که متجاوز از هفتاد سنه کشورهای متعددی به ویژه در شبه قاره هند و جنوب شرقی آسیا را در بر گرفت مقام شایسته ای برای آن خادمه امراءعظم در بین نفوس جاودانی تاریخ امر در عهد تکوین دور بهائی کسب نموده است . مجهوداتش در میادین بین المللی مخصوصاً مربوط به مقام نسوان راهگشای وی به طبقات عالیتر اجتماع گردید و تا آخرین نفس زندگانی ارزشمندش با جدیت در خدمت به امر الهی کوشید . به محفل روحانی ملی هند توصیه میشود محفل تذکر شایسته ای در امّ المعابد شبه قاره هند منعقد سازند و به محافل ملیه در جنوب شرقی آسیا توصیه میشود برای تجلیل موفقیت‌های آن متصاعد الی الله در آن خطه محافل تذکر مناسبی ترتیب دهند .

همدردی صمیمانه این هیئت را به فرزندان و دوستانش ابلاغ نمائید و اطمینان دهید که با ادعیه خالصانه در اعتاب مقدسه علیا شمول الطاف جمال اقدس ابهی را برای آن متصاعده الی الله در عالم بقا ملتمسیم .
بیت العدل اعظم

صعود مروج عالیقدر امراللهی سرکار خانم شیرین فوزدار موجب تأسف و تأثر این هیئت گردید ، خدمات باهره آن خادمه مخلصه بمدّت هفتاد سال در شئون مختلفه ملی و بین المللی امر بهائی خصوصاً در قاره هند مؤید همت عالی و خلوص نیت معزی الیها بوده است . متن پیام تلگرافی معهد اعلی نمایانگر مراتب اخلاص و فداکاری آن متصاعده الی الله در این عالم و علو درجاتش در عالم بقا میباشد .
با تقدیم تحیات بهائی - هیئت تحریریه عندلیب

ترجمه پیام بیت العدل اعظم

خطاب به بهائیان عالم

مورخ ۷ جون ۱۹۹۲

تأمل در باره مراسم تجلیل و تکریمی که چند روز قبل بمناسبت قرن صعود جمال اقدس ابهی در ارض اقدس برگزار گردید ما را بر آن میدارد که مراتب اعجاب و تحسینی را که از شکوه و عظمت آنچه گذشت، احساس میکنیم به عالم بهائی ابراز داریم. این مراسم گرچه طبیعتاً ستایش انگیز بود و مایه اهتزاز جان و وجدان یاران گردید، اما اجتماع سه هزار نفر از احتبای عالم به نمایندگی از دویست کشور و سرزمین مختلف جهان که در بین آنان یکصد و سیزده نفر از فارسان و باسلان امر حضرت بهاء الله نیز حضور داشتند، از لحاظ تنوع افراد شرکت کننده در اجتماعات امری تاکنون بی سابقه و نظیر و منظره آن مانند گلستانی دل انگیز از افراد انسانی جلوه می نمود که جمیع حواس آدمی را بخود معطوف میداشت و بینندگان را مسحور زیبایی و سرور و جلال میساخت. حدائق بهجی هرگز شکوهمند تر از این جلوه گری نکرده بود، آستان معبود محبوبی را شاکریم که چنین اجتماع شایسته ای در چنین سالگردی مخصوص میسر گردید تا نشانه اتساع حیرت بخش دامنه تأثیرات قوای نافذه الهیه در سراسر جهان باشد. امید است که الطاف و برکات حاصله از این تجارب ملکوتی در یاران عزیز نیروئی بیشتر و دلگرمی جدیدتری ایجاد کند تا مجهودات خود را با جرات و شهامتی فزاینده ادامه دهند و توانائی خود را برای اعلان نام و ترویج امر حضرت بهاء الله در طی سال مقدس که با چنین مبارکی آغاز شده افزایش بخشند.

بیت العدل اعظم



ترجمه

بیان تکریم و ثناء بیت العدل اعظم به ساحت جمال قدم بمناسبت برگزاری مراسم یادبود صدمین سال صعود حضرت بهاء الله در قصر بهجی

با قلبی طافح از اهتزازات روحانیه در این حرم مطهر قرب مرقد جمال اعزّ انور گرد آمده ایم و در این فرصت خطیر تاریخی گذشت یک قرن از عروج حضرت بهاء الله مظهر کلی الهی را معزّز و مکرم میداریم . صوت تهلیل و ندای حمد و ثنای این مشتاقان که منبعث از نفثات قلبی و تمنیات درونی است در ثناء و رثاء نفس مبارکی بلند است که او را در عالم وجود نظیر و مثیلی نیست . ولیکن چگونه میتوان چنین امانی و آمالی را تحقق بخشید در حالی که ساحت کبریانش برتر از ادراک عقول و وصف مکناات است . السن کائنات از وصفش عاجز و از نعمت عجائب و ظهورات منیعۀ متعالیه امرش قاصر . یکصد سال قبل آن نیر اعظم مؤسس شریعتی که اختتام کور شش هزار سالۀ حضرت آدم و آغاز کور پانصد هزار سالۀ بهائی را به ظهور خویش اعلام فرمود ، در قصر بهجی رخت از جهان بریست . آن مظهر کلی الهی در هیکل اسم اعظم تجلی فرمود و با تاسیس شرع اعظم که منبع و مصدر صلح اعظم است تحمّل اعظم بلیات و مشقات فرمود . به شکرانه این مواهب بی نظیر به ذکر القاب شامخه محبوب ابهی میپردازیم . القابی که چون گوهر های شاهوار از بحر زخار آثار قلم اعلایش برگرفته ایم تا نثار آن لثالی لا لا در سراسر این گفتار ذکر و ثنای ما را از آن مظهر بهاء و جلال به طراز قبول مزین دارد .

ملك الملوك ، ربّ الرّبوب ، واسطة الكبری ، جمال قدم ، نفسی که محبوب العالمین است . نفس مقدّسش را همچون موعود منتظر و معبود عالم وجود می ستانیم و اعلام میداریم که « تبارك الّذی بیده الملك یبدع مایشاء . »

دریفا که جمال اعزّ ابهی آن چنان مصائب شدیده ای تحمل فرمود تا جهان را نشئه تازه عطا نماید . آن « آب صمدانی » و « مالک اسماء و صفات » بانواع محن و بلایا و جور و جفا معذب و مبتلا گردید . معرض اتهام واقع شد . به زندان افتاد . مضروب گشت و اسیر غل و زنجیر شد . از دیاری به دیار دیگرش سرگون کردند ، مورد بیوفانی و خیانت قرار دادند ، وجود مبارکش را مسموم نمودند و کلّ اموالش را به

تاراج بردند و آن مظلوم آفاق را « در هر آن به عذابی جزید معذب » ساختند آن مظلوم العالم تا پایان حیات عنصری مدت چهل سال در حبس و تبعید بود و همواره به بلیات وارده از حکام ایران و خلفای عثمانی گرفتار و مقهور و با مخالفت‌های شدیده و مکاید علماء عنود و پرکین مواجه و محصور . ملوک و سلاطینی که به الواح مبارکه حاوی بیانات مهیمه اش مخاطب گشتند و لسان حقیقت به آنان « آنچه را که سبب آسایش و اتحاد و اتفاق و عمار عالم و راحت امم است » القا نمود نیز ادنی توجه و اعتنایی ننمودند، لذا در مقامی آن جمال ذوالجلال این بیت شعر را گویای حال پرملال خود شمرده فرمود :

و حزنی ما یعقوب بثّ اقلّه و کلّ بلاء آیوب بعض بلیتی

لسان از ادامه تقریر رقت انگیز بلایای وارده بر هیکل اطهر اباء مینماید و از تصور غم و اندوهی فوق طاقت بشری که مقصود عالمیان تحمّل فرمود ، قلب چنان شرحه شرحه و پرملال است که وصف نتوان نمود .
ولکن برای احتراز از هجوم یأس و حرمان چه نیکوست بیانات مبارکه آرام بخش روح افزایش را بیاد آوریم که فرمود « کلّ را به کمال تسلیم و رضا لاجل تهذیب نفوس و ارتفاع کلمه الله حمل نمودیم . . . » آن مظلوم آفاق با صبری بیمانند و سکون و وقاری شکوهمند صفات سازج بهاء را در هیکل « رحیم » و « رئوف » و « دوست بهمتا » اثبات فرمود و قوه و اقتدار صمدیه اش را حول مقصد غانی شریعه رتانیّه تمرکز بخشید و جور و جفای وارده بر هیکل عنصری خویش را اسباب تحقق نجات و فلاح جامعه بشری ساخت و جمیع را به سراپرده وحدت اصلیه دعوت فرمود .

هیچ نیروی بشری را توانائی مقابله با قلم اعلی نیست . سیل جارف کلمه الله چون آب حیات بر سراسر کره ارض جاری گشت . وحی الهی چون نیشان بهاری هاطل و نازل گردید و مجموعه آثار مبارکه به متجاوز از یکصد مجلد رسید « الواح و آثاری که مشحون از اصول و مبادی منیعۀ بدیعه و احکام و تعالیم قیمه رفیعۀ و بشارات و ادعیه و مناجات و تفاسیر و خطب و بیانات نصحیه و ارشادات الهیه و خطابات و انذارات شدیده به ملوک و زمامداران دول و ملل و وزراء و رؤساء از شرق و غرب و پیشوایان ادیان از فرق و مذاهب مختلفه و زعماء قوم از احزاب و مسالك متنوعه و اهل دانش و ادب و سیاست و عرفان و طریقت و تجارت و خادمان نوع انسان در شئون مختلفه و مقامات متنوعه کثیره میباشد » در ذروه این آثار رتانیّه کتاب مستطاب اقدسش قرار دارد که منشور تمدن آینده جهان بشری است و مشتمل بر حدود و احکام الهی برای این عصر است . قلوب از حصول این امکان که در طی این سال منوی ترجمه انگلیسی امّ الکتاب آئین حضرت بهاء الله با حواشی مربوطه طبع و منتشر خواهد گردید قرین سرور و حبور است . گنجینه سرشار آثار منزله الهیه را با اعجاب و مسرت فراوان عزیز و مکرم میداریم و ازصمیم دل و جان به این بیان ناطقیم که « لك الحمد يا مقصود العالم و لك الشكر يا محبوب افئدة المخلصين » .

اليوم برکات میراث مرغوب لا عدل له بکمال وفور ظاهر . پس از افول شمس بهاء قمر عهد اوفی لانح گشت

و ظلمت شام نومیدی را زائل ساخت و سبیل وصول به وحدت عالم انسانی را روشن و منیر نمود . تلالو و درخشش این پیمان الهی در مغناطیس وجود حضرت عبدالبهاء فرزند دل‌بند حضرت بهاء الله آشکار است . غصن اعظمی که جمال اقدس ابهی وی را بعنوان مبین آثار و مظهر قدرت و مرکز عهد و پیمان خویش تعیین و تنصیص فرمود و این مقام در تاریخ شرائع سابقه ، بی نظیر و مثیل است .

صوت تسبیح و تجلیل این مشتاقان از حکمت‌های بالغه و قوای لامعه بیانات مبارکه و مثال ابدی الآثار شیم و کردار حضرت عبدالبهاء به عنان آسمان مرتفع . بر اثر بذل مساعی مستمره حضرت مولی الوری صیت امر نوین در بلاد خارجه انتشار یافت و نقشه نظم اداری اکمال پذیرفت ، شواهد استقرار مرکز جهانی آئین الهی عیان گشت و عزت و جلال جبل ربّ که در لوح مبارک کرمل به تلویحی ابلاغ از تصریح از قلم معجز شیم جمال قدم نازل یوماً فیوماً ظاهر و آشکار گردید . با شکرانه و سپاس لانهای از نزول عنایات لاریبیه ربانیه مراتب وفاداری خود را به عهد و پیمان الهی تأنید و تأکید مینمائیم و به صوت رفیع " تعالی الکرم ذوالفضل العظیم " میگوئیم .

در نتیجه تأثیرات قاطعه نافذه میثاق الهی ، جامعه جهانی بر " اساس و بنیان قویم " قائم و استوار گردید . بنیان مرصوص نظام کامل و جامع اداری که حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس تصریح و تنصیص فرموده بود مرتفع گشت . تشکیلات و مؤسسات محلی و ملی و قاره ای و بین المللی با هماهنگی بی نظیری در سراسر گیتی به فعالیت پرداخت . شجره نابته امرالله که به نزول تعالیم شامله کامله مبارکه تغذیه و نشو و نما نموده و به دماء مظهر شهداء لا تعدّ و لا تحصی سقایه گشته و بدست مهر و رعایت خدام بیشمار آستان حضرت پروردگار نگهداری شده در این مدت صد سال قوتی عظیم یافت ، شاخسارش سر به آسمان کشید و اولین اثمارش به بار آمد .

جمال قدم فرمودند: " الناس فی رقد عجیب " . معذک عجباً که ظهور مبارکش چه شور و غوغائی بر پا ساخت . ملل و نحل عالم از یکدیگر دور و مهجور و در عزلت اجتماعی و معنوی بسر میبردند و لکن امروز وجه انجمن بنی آدم تغییر یافته و بآنچه در قرن گذشته در هنگام صعود جمال عزّ احدیه بوده شباهتی نداشته و ندارد . گرچه اکثر ناس از اشراق شمس ظهور غافل و ذاهلند و لیکن جمیع موجودات از تأثیرات آن برخوردار میباشند و براستی هیچ جنبه ای از جوانب زندگانی از تأثیر نفوذ این ظهور عاری و برکنار نمانده است . چه ملاحظه میشود که در تجلی نیروی پر فرّ و فروز و چشم انداز پر مجد و شکوه و آگاهی و هشیاری عمومی در سراسر جهان ، بروز تشنجات اجتماعی و سیاسی انقراض سلطنت ها ، آزادی

و استخلاص ملل و امم ، اختلاط و امتزاج فرهنگها ، هياهو و جنجال برای وصول به مدارج توسعه و ترقی ، اضطراب و ایجاد تشنج به سبب فقر و غنای مفرط ابراز نگرانی شدید در باره سوء استفاده از محیط زیست عطف توجه ناگهانی و افزونتر به حقوق زنان و تمایل بیشتر به ایجاد سازش بین مذاهب و ادیان ، افزایش دعوت ملل به نظم نوین جهانی ، پیشرفت حیرت انگیز علوم و فنون و ادبیات و هنر و بالاخره در جمیع مراحل این شور و غوغاء و مظاهر متناقض و متباین آن از بی نظمی و اغتشاش گرفته تا نظم و انضباط و تجمع و تکامل و تفرق و تناقض کلّ علانم و آثاری است از قوه و اقتدار حضرت « مقلب العالم » و شاهدهی است صادق بر اینکه اوست « طبیب حاذق الهی » و گواهی است موافق بر حقانیت کلمه سمائیه « اَنَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ » .

حضرت بهاء الله مقاصد این قوای مکنونه و اثرات تحوّل بخش آن را ضمن الواح کثیره در مواقع عدیده بیان فرموده اند که جوهر آن در متون آیات صریحه ذیل مندرج و مندمج است ، قوله جَلَّتْ عَظَمَتُهُ : « از حرکت قلم اعلی روح جدید معانی به امر آمر حقیقی در اجساد الفاظ دمیده شد و آثارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و هویدا » . ایضاً میفرماید قوله تبارک و تعالی : « جمیع اهل ارض در این عصر در حرکتند و سبب و علت آن را نیافته اند » و همچنین میفرماید قوله المّان : « قد اتی المختار فی ظلل الانوار لیحیی الاکوان من نفحات اسمه الرحمن و یتحد العالم و یجتمعوا علی هذه المائده الّتی نزلت من السماء »

امید آنکه ساکنین ارض طنین نام حضرت موجود از خواب بیدار شوند و از بستر غفلت برخیزند و صباحت یوم ظهور را ادراک نمایند چه که میفرماید : « امروز سید روزها و سلطان ایام هاست » ، « امروز روزی است که در آن محبوب عالم یعنی کسی که از ازل الازل مقصود عالمیان بوده ظاهر گشته است . »

قلوب و اذهان اینک متذکّر به اوقات عزا و مصیبت در سنه ۱۸۹۲ میباشند که در آن احیان جمّ غفیری از ساکنین نقاط مجاوره به زمره پیروان غمزده اش پیوسته در فراق محبوب لایزال به ناله و حنین و ندبه و انین مشغول شدند . این نفوس در جرگه اتباعش نبودند و از ذروه امتناع مقامش اطلاعی نداشتند و لیکن تأثیرات ذات مقدّسش در جمعشان چنان بود که فقدان عظیمش را شدیداً احساس مینمودند . امروز پس از گذشت یک قرن ، این ضعفا که منتسب به آن آستانیم و در زمره مؤمنان امر مبارکش محسوب ، در صفوف بیشمار از اطراف و اکناف عالم حاضر گشته ایم تا مراتب رقیّت و عبودیت خویش را به آستان حضرت « ربّ الملکوت » تقدیم نمائیم . در این مجمع نورانی ارواح هزاران هزار نفر از عاشقان یوسف بهاء که در دهها هزار قریه و دهکده و شهر و بلده منتشر ، حاضر و ناظرند و در امکانه خویش در مراسم

یادبود مشارکت نموده و قلوبشان به شطر انور در این مقام اطهر در بهجی متوجّه و معطوف است .

ایضاً در این کعبه مقصود تعدادی از ابطال نازنین و مقرّبین که به « فارسان حضرت بهاء الله » از قلم حضرت ولیّ عزیز امرالله ملقب و مستی گردیده‌اند مجتمع اند تا شجاعت و استقامت آنان را در تبلیغ امر جمال جانان بدینوسیله تجلیل گردد . این نفوس زکیه در صفوف اولیّه نقشه منصوره دهساله جهاد کبیر اکبر واقع و انتصاراتشان بر پایه و اساس فتوحات عظیمه باهره عصر رسولی و جانفشانیهای شهداء و قهرمانان بیشمار گذشته آئین یزدانی حاصل و در ادامه همان طریق روشن و منیری است که مبلغین صدر امر مبین طی نموده اند که موجبات تاسیس واقعی آئین حضرت بهاء الله را به عنوان شرع جهانی فراهم ساخته است .

حال در این مراسم تخلید و تکریم ، « لوحه افتخار » که بر آن اسامی فارسان منقوش گردیده بدست حضرت امة البهاء روحیه خانم در مدخل روضه مبارکه در محلی که حضرت ولیّ عزیز امرالله قبلاً تعیین فرموده بودند استقرار مییابد . این اقدام از جهتی حکم رمز و نشانه ای را دارد و از جهت دیگر متضمن وعده و نویدی است . رمز و نشانه ای ازاین که در برهه ای بس خطیر از زمان ، ندای ربّه الجنود برای اجرای وظیفه انتشار تعالیمش در بین جهانیان صریحاً با لبیک اجابت استقبال گشت . و وعده و نوید از این روی که در نسل های آینده جانشینان آن گروه مهاجران دلاور تعهداتی را که گذشتگان بنحوی چنان حیرت انگیز تقبل و اجراء نمودند با قاطعیّت و تاکید ادامه دهند تا انوار امر مبین حضرت بهاء الله به اشدّ اشراق و جلال سراسر کره ارض را احاطه نماید .

این اقدام در عین حال اذعان و اعتراف به قدرت و اقتدار حیّ قیوم است که پشه ضعیف را عنقای فلك اثر نماید و عنایاتش این ضعفا را جسارت و قدرت می بخشد . طیوری بال و پر شکسته ایم ولیکن بامید وعده های محکمش که در دل و جان طنین افکنده باوج سماء خدمتش پروازی بیشتر کنیم ، چه میفرماید « منم شاهباز دست بی نیاز ، پرستگان را بگشایم و پرواز بیاموز . » پس چگونه ممکن است با شکست مواجه شویم ؟

اینک در این مکان عهد و پیمان بندیم که با اتکاء به تأییدات لاریبیه الهیه و اطمینان به دورنمای وقایع آینده و با نشاطی تازه و خلوصی بیش و عزمی راسخ قدم به پیش نهیم تا هریک از افراد عالم انسانی را از معرفت آئین مظفر و منصور حضرت یزدانی مطلع و آگاه سازیم لسان جان به نغمه آیات بینات حضرت ربّاعلی مترنم و نغمه سرا است که « جلّ جلاله و عزّ اعزازه و قدّس اقداسه و کبر کبریانه و مجدّشوناته » .

سال مقدّس

امسال سالی است مقدّس چون سال بزرگداشت صدمین سال صعود محبوب عالم منجی امم جمال قدم جلّ اسمہ الاعظم از عالم ادنی بجهان بالا و افق ابهی است .

امسال سالی است مبارك ، چون يك قرن از جلوس مركز عهد و پیمان جمال سبحان بر اریکه میثاق نیر آفاق میگذرد .

امسال سالی است متبرک چون امواج بحر بیکران مواهب و عنایات حضرت احدیت در اوج است و تائیدات غیبیه ملأ اعلی همچون انوار خورشید تابان . امسال سالی است بزرگ چون اهتزاز بدیع از نسانم روح پرور کلام الهی و تعالیم مبارکه بهائی در امکان ظاهر شده تا بدانجا که برخی از بیگانگان بعظمت یوم الله آگاه و دوران هوشیار ، نزدیک گشته اند . هر ساعت و هر آن از ترقی و تعالی امرالله پیامی خوش میرسد و هر روز گوش هوش از شنیدن خبر اقبال افواج انسانی بشریعه ربّانی مهتّم میشود . سبحان الله این چه قدرت و عظمتی است که در این سنه آشکار شده و این چه جلال و جبروتی است که در این روز فیروز ، عالم افروز گشته .

مهمّتر از همه آنکه ، جذابیّت و روحانیّت و معنویّت مؤتمر تاریخی منعقد در ارض اقدس ، قلب عالم ، در جوار روضه مبارکه علیا ، قبله اهل بهاء در لیل صدمین سال صعود حضرت معبود ،

جمال مقصود با شرکت سه هزار نفر از نژادها و رنگهای گوناگون از نقاط مختلفه جهان ، با حضور حضرت امة البهاء روحیه خانم حرم مبارك ، و وزراء جلیل القدر معهد اعلی و ایادیان معزز امرالله و فارسان میدان شریعت الله و تأثیرات شدید آن مجمع قدس و محفل انس در حاضران کلّ نشانه توجّهات سلطان ظهور جمال معبود از جهان غیب بعالم شهود است . علاوه بر جمیع این مراتب تعظیم و تکریم یاران روحانی در نهایت صفای دل و خلوص نیت در جمیع نقاط عالم و تجلیل بعضی از مجالس ملّی غیر بهائی و رؤسای دول با ذکر نام بزرگ حضرت بهاء الله در شب یادبود صدمین سال صعود آن مظهر جمال و کمال بجهان بی مثل و مثال دلیل باهر دیگری بر بزرگی و عظمت این سنّه مقدّس است .

بهر حال، امسال سال پر برکتی برای یاران است که در نشر نفحات الله و اعلاء کلمة الله و اشتهار نام مبارك حضرت بهاء الله همّتی موفور نمایند و در میدان خدمت گامی نهند و گوی سعادت برابند و جبران مافات نمایند .

امسال سال بیداری و هوشیاری است که از ظواهر فریبنده مادی و تعلّق خاطر بامور دنیای فانی چشم پوشیم و در گلزار معانی ازگلهای معارف ابهائی بوئیم و پاک و پاکیزه بجمال مبین دل بندیم و برضای او راضی شویم و از خویشتن خواهش و آرزوئی ننمائیم و با نهایت صفا و محبّت و وفا در تبلیغ امر و هجرت بنقاط مورد نیاز کوشا شویم و در فضای قدس با صفای عشق بها پرواز نمائیم .

باری اسمال سال مقدّس و مبارك و بزرگي است .
چون تائيدات ملاء اعلى از ملكوت ابهى چون باران
بهاری در ریزش است و نسائم جان بخش عنایات
سبحانی در وزش ، و صفوف جنود لم تروها آماده
نصرت تا که قیام عاشقانه نماید و در این برهه از
زمان که زمانه شبهش را ندیده و مثلش را
نیافریده بهمتی کامل و عشقی وافر سعادت خدمت
بیابد و در این عالم نیستی توشه جهان هستی
برای خود ذخیره نماید .

البته میدانیم که در این سته مقدّس حکم محکم
حقوق الله که سبب ثبوت بر عهد و میثاق و جلب
رضای الهی و برکت در امور مادی و ترقی در
مراحل روحانی است ، به بهائیان عالم ابلاغ و
اجرایش بر کُلّ واجب شده لذا ما احبّای ایرانی
که همواره در خدمات امریه و قبول صدمات و
بلیّات در سبیل مُنزل آیات پیشگام بوده ایم باید
در نهایت دقّت و رعایت مراتب امانت و دیانت
حکم حقوق الله را که مشارکت بنده ناتوان با یزدان
مهربان است مجری داریم و خود را بهمه حال
مشمول عنایات بی منتهایش نمائیم .

و نباید این نکته را نیز از نظر دور بداریم که :
گذشتن از مال و انفاق در راه خدای متعال و
تبرّعات کریمانه در امور خیریه امریه خصوصاً زائد
بر استطاعت نوعی فداکاری است و بسیار مقبول و
محبوب است . تقویّت صندوق های تبرّعات
بین المللی و ملّی و محلّی کُلّ بمعده یاران رحمانی
است . در این دور مبارك فقط از مؤمنان بامر
خداوند مهربان تبرّع پذیرفته میشود و این خدمت

که شمول مواهب جمال ابهی را در پی دارد
مخصوص دوستان است و بس .
حال که چنین است خوشا آنان که در این چند
روزه حیات فانی زندگانی جاودانی را برای خود
تدارک مینمایند .

باتقدیم تحیات بهائی عندلیب

«از سرکارخانم ماندانا ارجمند»

معرفی کتاب عهد و میثاق حضرت بهاء الله

اخیراً جناب ادیب طاهرزاده مالیری عضو محترم
بیت العدل اعظم الهی در ادامه چهارجلد کتاب
نفیس خود در تحقیق در آثار مبارکه حضرت
بهاء الله جلّ اسمہ الاعلى اثر دیگری تحت عنوان
عهد و میثاق حضرت بهاء الله بلسان انگلیسی در
این سته مقدّس منتشر ساخته اند . در این کتاب
که بیش از ۴۰۰ صفحه میباشد مباحثی تازه و
بسیار ژرف در باره عهد و میثاق در این دور مکرّم
الهی نگاشته شده و همچنین مطالبی محقّقانه در
خصوص رابطه عهد باروح انسانی و عهد و میثاق
وثیق الهی در دوره حضرت باب الله الاعظم و
شرعی جامع در باره مرکز عهد الهی حضرت
عبدالبهاء و رابطه روحانی آن قدوّه ابرار با حضرت
بهاء الله و نیز مطالبی در باره تاریخ نقض و
ناقضان سست عنصر دوره میثاق و همچنین اهمیت
بیت العدل اعظم و مقام ولایت در این دور مکرّم .
معرفی کامل این کتاب گرانبها بعد موکول است
و مطالعه آن بر جمیع احبّائی که در زبان انگلیسی
تسلّط دارند فرض و واجب .

سخنی کوتاه با خوانندگان عزیز مجله عندلیب

این بار متأسفانه بر خلاف انتظار بحکم اجبار ، نه اختیار بسبب اشتغال به تهیه کتاب نفیس سال مقدّس ، در انتشار مجله عندلیب بسیار تأخیر شد و پیمانۀ صبر دوستدارانش لبریز ، تا آنجا که نامۀ های پی در پی آنان و تلفن هایشان از دور و نزدیک که حاکی از اشتیاق آنان بآوای این طیر بلند آوا بود ما را شرمندۀ مینمود .

امیدواریم دوستان از دوجہت این خادمان را معذور بدانند :

اول از تأخیر مجله و ثانی از عدم پاسخ بنامہ های محبت آمیز واصلہ . بلبل شیراز فرمودہ :

جُرمناک است ملامت مکنیدش کہ کریم

بر گنہکار نگیرد چو زدر بازآید

حال بجزبران تأخیر در این ستہ مقدّس عندلیب در دو شمارہ کہ ہر یک معادل دو برابر مجلات معمولی است منتشر خواہد شد . شمارہ بعد عندلیب در بارہ عہد و میثاق نیر آفاق است کہ مشغول تنظیم آن میباشیم . واضح است کہ سال بعد عندلیب مرتباًمانند گذشتہ در چہار شمارہ انتشار خواہد یافت .

مطلب دیگر: بشارتی است از عندلیب .

کتاب سال مقدّس بنام " محبوب عالم " بفضل و عنایت جمال اقدس ابہی و توجّہات مستمرّہ عصبہ نوراء مہد اعلی در متجاوز از ۶۵۰ صفحہ کہ صدر آن بہ الواح مبارکہ اصل و مذهب زینت یافته با

مقالات تحقیقی ارباب فضل و دانش و خطوط زیبا و آثار هنری و اشعار نفز و دلکش شعرا و عکسہای رنگی و سیاہ و سفید اکنون زیر چاپ است و بزودی انتشار می یابد .

مسلّم است کہ این خادمان را در بارہ این کتاب سخنی نیست البتہ صاحبان ذوق و شوق پس از مطالعہ، بہ بدعیت و نفاست آن پی بردہ و اذعان خواہند نمود کہ کتابی بس نفیس و در نوع خود ممتاز است .

دوستان ارجمند و یاران بلند ہمت ورقہ ای از اوراق خرید کتاب بمنظور یادآوری ضمیمہ مجلہ است ہرگاہ در این ستہ مقدّس اشتیاق بداشتن اثری گرانہا دارید در تکمیل این ورقہ کوتاہی و تأخیر ننمائید.

در خاتمہ این گفتار از دوستان تقاضا میشود باین نکتہ توجّہ فرمایند کہ بعد از نشر کتاب یقیناً بسیاری از کتابخانہ های عمومی بھائی در اطراف و اکناف جہان و نیز مہاجران میادین خدمت بہ امر ملّیک سبحان اشتیاق داشتن آنرا خواہند داشت .

پس ہرگاہ دوستان تعدادی بمنظور ہدیہ بکتابخانہ ها و یا افراد مہاجر تمہدفرمایند عنداللہ ما جورند .

توضیح آنکہ ارسال ہدیہ بمیل و نیت کامل ہدیہ دہندہ است کہ مستقیماً اقدام نماید و یا بواسطہ این ہیئت بنام ہدیہ دہندہ فرستادہ شود .

ارزش این خدمت بسیار و یادگاری است جاودان

باتقدیم تحیات بھائی

عندلیب

بشارات حضرت نقطه اولی

در مورد

جمال اقدس ابھی

قبل از ذکر بشارات وارده در آثار حضرت ربّ اعلی ارواحنا لمظلومیّته الفدا در مورد موعود بیان تذکر چند نکته مقدّماتی راجع بموقتی و کوتاه بودن دوره شریعت حضرت نقطه اولی لازم است :

۱ - اساس و پایه آثار حضرت اعلی روی معارف شیعه اثنی عشری است بطوری که آنحضرت حتّی نواب اربعه را که مؤسس این فرقه بوده اند من باب حکمت و تدبیر ستوده و آنان را جزو حروف حیّ دوره قبل از خود ذکر فرموده اند (۱۴ معصوم + ۴ نواب = ۱۸) و روی این اصل صرفنظر از احکام، استدلالات و احتجاجات اعتقادی دیانت بابی نیز نمیتواند دنیائی و جهانی و همه پسند باشد و بادر نظر گرفتن اینکه دنیای بعد از قرن ۱۹ احتیاج به دیانتی جهانی و بین المللی داشته و این احتیاج برور زمان شدیدتر و محسوس تر شده و میشود میتوان چنین نتیجه گرفت که دیانت مقدّس بابی عبارت از يك نهضت انقلابی روحانی برای انهدام افکار قدیمی و پوسیده قبل و آماده کردن زمینه های ذهنی برای پذیرفتن نهضت بهائی نتیجه عقلی و عملی شریعت بابی در حقیقت طلوع

از جناب دکتر ماشاء الله مشرف زاده

و ظهور بلافاصله شمس حقیقت واکمال و اتمام آنچه را که حضرت باب در عالم عقول و ارواح پی ریزی کرده بوده اند میباشد و تأخیر در ظهور من یظهر مخالف سنّت و عدل آلهی است .

حضرت ربّ اعلی (برای انهدام تأسیسات عتیقه بالیه) با نیروی مخربه عالی آلهی و بولدوز روحانی خانه مخروبه اوهام و خرافات هزار ساله را خراب و زمینه را برای طراحی ساختمان جدید و مطلوب توسط مهندس عالیقدر و محبوب بعد از خود آماده و مهیا فرمودند بدیهی است که ابزار و آلات تخریته با آلات و ادوات ابنائیه و ترمیمیّه بایستی متفاوت باشند .

۲ - احکام بیان جنبه انقلابی و تحوّل داشته و در حقیقت بمنزله تفریطی بر افراطهای گذشته بوده و اجرای آن حتّی بمدت کوتاه دشوار بلکه محال است و شارع مقدّس بخوبی واقف بودند که اکثریت احکامشان قبل از اجراء توسط من یظهره الله نسخ خواهد گردید . از جمله :

الف - باب دهم از واحد چهارم بیان فارسی :
لايجوز التدريس في كتب غير البيان الا اذا انشئ فيه مما يتعلق بعلم الكتاب .

یعنی تدریس کتب غیر از کتاب بیان جائز نیست مگر آنچه که در آن متعلّق بعلم کتاب است انشاء

گشته .

ب - باب ۵ از واحد ۵ :

فی بیان حکم اخذ اموال الذین لایدینون بالبیان
گرفتن اموال کسانی که بدیانت بابی نگرویده اند .

ج - باب ۶ از واحد ۶ :

فی حکم محو کلّ الکتب کلّھا الاّ ما انشئت او
تُشنی فی ذلک الامر .

فرمان محو تمام کتب مگر آنچه انشاء شده و یا
میشود در این امر .

د - باب ۱۶ واحد ۷ :

فی انّ الله قد فرض علی کلّ ملک یبعث فی دین
البیان ان لایجعل احد علی ارضه ممن لم یدن بذلک
الدین و کذلک فرض علی الناس کلّهم اجمعون .

واجب کرده است خدا بر هر سلطانی که در دین
بیان مبعوث شود اینکه کسانی را که باین دین
مؤمن نشده اند در زمین خود زنده نگذارد و هم
چنین بر همه مردم نیز فرض است .

ه - باب ۴ از واحد ۶

ما اذن الله ان یسکن علی قطع الخمس غیر حروف
البیان .

خداوند اجازه نداده که در ۵ قطعه (استان) غیر از
بابی ساکن باشد (فارس - آذربایجان - خراسان -
مازندران - عراق)

و - باب ۸ از واحد ۹

فی حرمة التریاق و المسکرات و الدواء مطلقا .

در حرمت تریاک و مشروبات مست کننده و دوا

بطور مطلق .

ازاین قبیل احکام غیر قابل اجراء در آثار مبارکه

آنحضرت زیاد است که خود دال بر قرب ظهور من
یظهره الله بعد از خود میباشد .

۲ - در هیچیک از کتب انبیاء قبل مانند کتاب

بیان اینقدر بظهور بعد اهمیت داده نشده زیرا

هریک از آنها بدو بتاسیس شریعت پرداخته و

سپس اشاراتی بظهور آتیه فرموده اند ولی ظهور

حضرت نقطه اولی از بدو اظهار امر و کتاب

مستطاب بیان من البدن الی الختم توجه را معطوف

بمن یظهره الله فرموده و بابی نیست از بیان که در

این مورد تاکید فرموده باشد خود آنحضرت در

باب ۱۲ از واحد ۴ میفرماید « ظهور قائم آل

محمد از برای من یظهره الله خلق شده »

کلمه من یظهره الله در ۲۰۰ موضع از بیان فارسی و

۷۰ موضع از بیان عربی ذکر شده است بتحقیق

میتوان درک کرد که وظیفه اصلی و اساسی آنحضرت

مبشریت بوده بحدیکه عملاً شاریعت حضرتش را

تحت الشعاع قرار داده . ذیلاً چند نمونه از آثار

مبارک را شاهد میآوریم :

الف - باب ۱۹ از واحد دوم :

انّ مافی البیان تحفة من الله لمن یظهره الله .

ب - باب ۱۲ از واحد ثالث :

بیان از اول تا آخر مکن جمیع صفات اوست

ج - باب ۸ از واحد ۵ :

بدان که در بیان هیچ حرفی نازل نشده مگر آن که

قصد شده که اطاعت کنید من یظهره الله را .

د - باب ۲ از واحد ۲ :

بیان نیست الاّ بسوی من یظهره الله زیرا که غیر او

رافع او نبوده و نیست چنانچه منزل او غیر او نبوده

و نیست .

ه - باب ۲ از واحد ۲ :

کسی احاطه بآنچه خداوند نازل فرموده در بیان
نمینماید الا من يُظهره الله .

و - باب ۹ از واحد ۲ :

طوبی از برای کسی که قبض روح شود و مؤمن
بمن يُظهره الله و کلمات او باشد .

۴ - در بیان آیات مبارکه ای وجود دارد که دلالت
میکند بر این که من يُظهره الله در زمان حیات
عنصری حضرت باب نیز حضور دارند .

الف - باب ۷ از واحد ۸ بیان عربی :

انما القبله من يُظهره الله متى ينقلب تنقلب الى ان
يستقر .

بدرستیکه قبله من يُظهره الله است هر طرف که او
بگردد قبله هم میگردد تا این که او مستقر شود .
جمالقدم جلّ جلاله در کتاب مستطاب اقدس باین
آیه بیان استناد فرموده و سپس میفرمایند :

« كذلك نزل من لدن مالك القدر اذ اراد ذكر هذا
المنظر الاكبر تفكروا يا قوم و لاتكوتن من الهانمين لو
تنكر و نه باهوانكم الى اية قبله تتوجهون يا معشر
الغافلين »

میفرماید این چنین نازل شده است از نزد مالك
قدر هنگامی که اراده کرد ذکر این منظر اکبر را
فکر کنید ایقوم و از سرگردانان نباشید. اگر او را
باهوهای خود انکار میکنید پس بکدام قبله توجه
خواهید نمود ای گروه غافلین .

ب - باب ۱۵ از واحد ۸ :

... ولايجوز الاقتران لمن لايدخل في الدين و من

كان مقتربا بنفس يجب عليه الافتراق اذا شاهد منه
دون الايمان بالبيان و لم يحلّ عليه او عليها شيني
الا اذا يرجع في البيان و قبل ان يرفع امرالله في
يوم من يُظهره الله اذن للمؤمنين و المؤمنات لعلهم
يرجعون ... و حلال نیست اقتران الا با نفسيكه
ايمان آورده باشد در هر ظهوری بظاهر آن ظهور
و اگر احد هما اختيار ايمان نمایند اقتران اذن
داده نمیشود از برای آن و منع کرده میشود از
آن که ايمان نیاورده حقوق آن
جمالبارك در كتاب مستطاب اقدس این موضوع را
شاهد میآورند بر تقدّم امرشان بر امر بيان و نصّ
مبارك چنین است :

« قل لا يحلّ الاقتران ان لم يكن في البيان و ان
يدخل من احد يحرم على الآخر ما يملك من عنده الا
و ان يرجع ذلك بعد ان يرفع امر من نظهره بالحق
او ما قد ظهر بالعدل و قبل ذلك فلتقرتن لکم
بذلك امرالله ترفعون ... »

قد صرح نقطه البيان في هذه الآيه بارتفاع امری
قبل امره يشهد بذلك كلّ منصفٍ عليم ، كما ترونه
اليوم انه ارتفع على شان لاينكره الآلذین سكرت
ابصارهم في الاولى و في الاخرى لهم عذاب مهين «

حقیر نویسنده در تاریخ سوم فروردین ۱۳۴۲
شمسی در آبادان ترجمه این آیه مبارکه را از ناشر
نفحات الله جناب عزیزالله سلیمانی اعلی الله مقامه
سنوال نمود در جواب عبارتی از مروحوم ناطق
اردستانی را که بنا باظهار ایشان مقبول واقع شده
بطریق ذیل برای حقیر قرائت نمودند که عین آن
اینست :

« حلال نیست اقتران و تزویج اگر هر دو طرف از اهل بیان نباشند و اگر از يك طرف دخول در تزویج واقع شد که اجنبی باشد بر آن طرف دیگر که اهل بیان است حرام است آنچه را از زوج خود تمليك میگیرد مگر آن که آن اجنبی برگردد و از اهل بیان شود ، بعد اجرای این حکم را مشروط فرموده بارتفاع امر من يُظْهَرُ الله یا ارتفاع امر بیان و قبل از ارتفاع یکی از این دو امر نهی دارد »

هم چنین حقیر نویسنده معنی این آیه مبارکه را در تاریخ ۱۴ فروردین ۱۳۴۲ از متصاعد الی الله ناشرفحات الله جناب عبدالحمید اشراق خاوری سنوال نمود ، در جواب فرمودند که مقصود اصلی تقدّم امر حضرت بهاء الله بر حضرت اعلی بوده و این آیه را شاهد میآورند بر این مطلب ، اگر زن و شوهر بابی نباشند ازدواجشان حلال نیست ، در حقیقت حرمت ازدواج با غیر بابی است . اگر یکی از زن و شوهری که قبل از بابی شدن ازدواج کرده اند بابی شد تمام اموال دیگری برایش حرام است و مال بابی میشود مگر این که او هم بابی شود . اجرای این حکم منوط است بمرتفع شدن امر من يُظْهَرُ الله یا آنچه ظاهر شد بعد از (شریعت بابی) و در اینجا ارتفاع امر من يُظْهَرُ الله را پیش از ارتفاع امر خودشان ذکر فرموده اند و قبل از ارتفاع این دو امر میتوانند با غیر بابی هم وصلت کنید .

در هر حال جان کلام تقدم اعلاء امر جمالبارک بر امر حضرت باب است که دال بر وجود و حضور عنصری من يُظْهَرُ در زمان آنحضرت است .

ج - باب اوّل از واحد ۹ :

« در هر مجلس عزّی که منعقد گردد بلا عدل سزاوار است که مکان عدد واحد را خالی گذارده که اگر آنساعت من یظْهَرُ الله با حروف حتی ظاهر گردند کسی مقترن نگردد بجوهری که از بیان اخذ میشود در آن ظهور و اگر مجلس وسیع نباشد محلّ يك نفس او زیاد داده نشده و همچنین هر مقعدی محلّ يك نفس سزاوار است که خالی گذارند ... »

حضور احتمالی من یظْهَرُ با حروف حتی خود دلیل حیات عنصری من یظْهَرُ در زمان حیات حروف حتی بیان است .

د - بابت ۷ از واحد ۱۰ بیان عربی :

فَلْتَبْلَغَنَّ إِلَىٰ مَنْ يُظْهَرُ الله كُلَّ نَفْسٍ مِنْكُمْ بَلُورٍ عَطَرٍ مَمْتَنِعٍ الْمَنِيْعِ مِنْ عِنْدِ نَقْطَةِ الْبَيَانِ ثُمَّ بَيْنَ يَدَيِ الله تَسْجُدُونَ.

یعنی هرکدام از شما از طرف نقطه بیان يك شیشه عطر عالی بحضور من یظْهَرُ الله تقدیم کنید و نزد او بسجده بیفتید .

ه - در بیان آیات مبارکه ای وجود دارد که از بهاء و بهاء الله تعزیز و تکریم گردیده و با تلویح ابلغ از تصریح اشاره بمظهریت حضرت بهاء الله شده است از جمله :

الف - باب ۱۵ از واحد سوّم :

ظهور الله در هر ظهور که مراد از مشیت اولیه باشد بهاء الله بوده و هست .

ب - باب ۲ از واحد پنجم :

شهر اول شهر نقطه است و شهر حی در حول او طائف و مثل او در بین شهر مثل شمس است و سایر شهر مثل مرایانی هستند که ضیاء آن شهر در آنها مشرق شده و در آنها دیده نمیشود الا آن شهر و آنرا خداوند شهر بهاء نامیده بمعنی آن که بهاء کل شهر در آن شهر است و آنرا مخصوص گردانیده بمن یظهره الله

ج - باب ۱۶ از واحد سوّم :

طوبی لمن ينظر الى نظم بهاء الله و يشكر ربه فانه يظهر و لا مردله من عند الله في البيان

د - بیان عربی باب سادس از واحد سابع :

عليك يا بهاء الله ثمّ اولى قرابتك ذكر الله و ثناء كلّ شئ في كلّ حين و قبل حين و بعد حين .

ه - خطبه ذهبیه

لیمیزن عند طلوع شمس البهاء من وراء طمطام یم القضاء .

۶ - تاریخ ظهور من یظهره الله تعیین گردیده :

الف - باب ۱۵ از واحد ششم بیان عربی :

اذا تسمعن ذكر من یظهره الله فلترا قبن فرق القائم و القيوم ثمّ في سنة التسع كلّ خيرتدركون .

$۱۴۲ = ۴۰ + ۱ + ۱ + ۱۰۰ = م ا ا ق = قائم$

$۱۵۶ = ۴۰ + ۶ + ۱۰ + ۱۰۰ = م و ی ق = قیوم$

$۱۵۶ - ۱۴۲ = ۱۴ = بهاء = ۲ + ۵ + ۱ + ۶$

اگر قائم را ق ا ی م فرض کنیم میشود $۱۰۰ + ۱ + ۱ = ۱۰۲$ و $۱۵۱ = ۴۰ + ۱۰ + ۱$ پس فرق قائم و قیوم میشود ۵ و $۵ = ۵$ و در بهاء استواء بر واو (۶) = استواء قیوم بر قائم .

اگر قائم را ق ا م فرض کنیم میشود $۱۰۰ + ۱ + ۱ = ۱۰۲$ و $۱۴۷ = ۴۰ + ۶ + ۱ = ۹$ بهاء = $۱۴۷ - ۱۵۶$ در این مورد لوح مبارکی از جمالقدم جلّ اسمہ الاعظم بعربی نازل شده که در مانده آسمانی جلد چهارم صفحه ۱۷۴ درج است قارئین محترم را بآن مجموعه مبارکه احاله میدهیم .

منظور از سنه تسع نهمین سال اظهار امر حضرت ربّ اعلی ۱۲۶۹ که مقارن با اظهار امر خفّی جمالبارک در سیاه چال طهران است .

ب - باب ۱۰ از واحد ۷ :

و هیچ اسمی اعلی عددًا از اسم مستغاث نیست در رتبه اسماء و بر عدد اللّهم که اعداد طرح کنی واحدًا بعد واحد عدد اسم احد ناقص میشود و اگر با الف و لام حساب کنی اسم مستغاث را عدد اسم حتّی زائد میآید و در یوم قیامت مظهر آن ظاهر شده که مدّل بوده علی الله .

احد = ۱۲ = باقی مانده و $۱۸ = ۱۰۶ + ۲۰۰۱$

$۱۰۶ = اللّهم = ۲۰۰۱$ مستغاث

حّی = ۱۸ = باقیمانده و $۱۹ = ۱۰۶ + ۲۰۲۲$

$۲۰۲۲ = المستغاث$

۱۹ اشاره بسنه ۱۹ بعد از اظهار امر حضرت نقطه اولی ۱۲۷۹ که سال اظهار امر علنی جمالبارک در باغ رضوان است .

ج - باب ۲ از واحد ششم :

در ظهور من یظهره الله خداوند عالم که در چه حدّ از سن ظاهر فرماید او را ولی از مبدء ظهور تا عدد واحد مراقب بوده که در هر سنه اظهار ایمان

بحرفی ظاهر گردد .

مبدء ظهور = ۱۲۶۰ + عدد واحد (۱۹) = ۱۲۷۹
سال اظهار امر علنی جمالبارک .

۷ - پس از شهادت حضرت کسی جز من يُظهره الله واقعی ادعایش نُضجی نمیگردد .

الف - باب ۱ از واحد چهارم :

پس از غروب این شمس غیر از من يُظهره الله مقتدر بر این نحو ظهور از ظهورالله نیست .

ب - باب ۸ از واحد ششم

غیر از من يُظهره الله کسی نتواند مدعی شد این امر را .

۸ - حضرتش نه فقط بمصداق بیان « یا بقیة الله قد فدیت بکلی لك و رضیت السب فی محبتك » خود را فدای من يُظهره الله فرموده بلکه نتیجه و ثمره رسالت خویش یعنی آثار خود را نیز فدای من يظهر فرمود چنانچه میفرماید :

الف - باب ۱۲ از واحد سوم :

در ظهور من يُظهره الله ... قسم بذات الهی که يك سطر از کلام او بهتر است از کلام من علی الارض بلکه استغفار میکنم از این ذکر .

ب - باب ۸ از واحد پنج :

قسم بذات اقدس الهی جلّ و عزّ که در یوم ظهور من يُظهره الله اگر کسی يك آیه از او شنود و تلاوت کند بهتر است از آن که هزار مرتبه بیان را تلاوت کند .

ج - باب ۱ - از واحد هفتم :

در وقت ظهور من يُظهره الله ... نوشتن يك حرف از آن اعظم تر است از نوشتن بیان .

د - باب ۶ از واحد ششم :

قسم بذات مقدّسی که شريك از برای او نبوده و نیست که در یوم من يظهره الله يك آیه از آیات او را تلاوت نمودن اعظم تر است از کلّ بیان .

۹ - جالب اینجاست که در توقیع خطاب به ازل صریحاً میفرمایند که من يظهره الله همزمان تو است و اظهارامرش را هم سنه تسع تعیین میفرمایند :

فَإِنْ يَظْهَرُ اللَّهُ فِي أَيَّامِكَ مِثْلَكَ هَذَا يُوَرِّثُنِ الْأَمْرَ مِنَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْوَحِيدِ فَإِنْ لَمْ يَظْهَرْ فَأَيُّقُنْ ، بَانَ اللَّهُ فَيَكُمُ الْوَارِدُ أَنْ يَعْرِفَ نَفْسَهُ . . . هَذَا مَا وَعَدْنَاكَ مِنْ قَبْلِ حِينَ أَصْبَرَ حَتَّى يَقْضَى مِنَ الْبَيَانِ تِسْعَةَ (۹) أَوْ أَقَلَّ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ .

در خاتمه این مقال یکی از اشعار نعیم اصفهانی اعلی الله مقامه را زیب ختم الکلام مینماید:

گفتم ای قوم غیر من يظهر

از بیانم نبوده مدّ نظر

گفتم اندر بیان ببانگ بلند

قبلة نیست غیر من يظهر

گفتم ایندم اگر شود ظاهر

منم او را نخست فرمانبر

گفتم از صدر جای او بنهید

شاید ایندم درآیدم از در

گفتم از او سنوال جایز نیست

دایه شد مهریانترا از مادر

گفتم اثبات امر مبرم او

بنویسید بهر يك دیگر

سخنرانی جناب دکتر پیترخان

عضو محترم بیت العدل اعظم

در باره ابنیه قوس کوه کرمل

حضور در جمع شما برای من مانند همیشه موجب خوشوقتی است. امروز میخواهم در باره اساس پروژه ساختمانهای قوس که بنام پروژه ساختمانی ابنیه نظم اداری در دامنه کوه کرمل معروف است صحبت بدارم. هنگامیکه نکات مورد نظر را تهیه میکردم کاملاً متوجه شدم که "پروژه ساختمانهای قوس" موضوعی نیست که من "میخواهم" یا "میباید" در باره آن صحبت کنم، زیرا گرچه ساختمان ابنیه ای که مرکز اداری نظم الهی را در کوه کرمل در بر خواهد گرفت بسیار واجد اهمیت است ولی بواقع جز وسیله نقلیه ای نیست که مقصدی عالتر را حمل میکند و من معتقدم که ما هنگام صحبت و اشاره به قوس کوه کرمل و ساختمانهای مربوط، مقصودمان اشاره به استقرار ملکوت الهی در پهنه گیتی است. پروژه قوس کرمل عرّابه ایست که تمدن جهانی، موقعیت متبارک و متعالی وحدت، هم آهنگی و صلح را برای این جهان حامل خواهد بود.

همچنانکه اشاره شد بنده و خانم از سفر ساموا مراجعت میکنیم و من در اسفار خود در نقاط مختلف جهان مظلّم و تعدّیات فراوانی را شاهد بوده‌ام. منظور من تنها مظلّم و تعدّیات سیاسی

نیست بلکه مضایق و فشارهای روانی است. بطور مثال میتوان اشاره بمظلّم گروهی کرد که در قید و بند تعصّبات خود مقید و گرفتارند و یا به تعدّیات ناشی از تعصّبات نژادی، مظلّم ناشی از تعصّبات قومی و یا مسائل مربوط به اقلیتها اشاره نمود و یا مضایق و فشارهایی را نام برد که موجب محرومیت گروه بسیاری از زنان از مشارکت در فعالیتهای زندگی و انسانی است. جهان بتمامه در چنگال ظلم و تعدّی دست و پا میزند و اظهار این مسئله در جمع شما بدان خاطر است که تصوّر میکنم منظور از ساختمان ابنیه قوس کوه کرمل، استقرار ملکوت الهی در بسیط غبرا است تا بشر پس از هزاران سال از فشار این مظلّم و مضایق راحت شود، بدان خاطر است که این زمانی است که ابنیای بنی اسرائیل از آن یاد کرده اند، همان زمانی است که در تمام کتب آسمانی بدان بشارت داده شده است، و بالاخره زمانی است که مردم بشوق تحقق آن قرون متمادی تشویق به تحمّل مشکلات و شرائط سخت زندگی شدند. حال آن زمان و شرائط موعود فرا رسیده و ما نسل منتخبی هستیم که نقش اساسی برای اکمال و اتمام آن شرائط و یا بعبارت دیگر، استقرار ملکوت الهی بر روی زمین، بما محوّل شده است.

استنباط من از تنولوزی یا آلهیات فرق مختلف مسیحی آنست که آنان تصوّر میکنند ملکوت الهی بر روی زمین باید یکباره و ناگهانی ظاهر شود. بقول مکاشفات یوحنا "اورشليم جديد همانند

عروسی که خود را برای همسر خویش آراسته باشد نازل خواهد شد « بنظر من ، درك ما اهل بها آنستكه استقرار ملكوت الهی بر روی زمین طبق مقیاس زمانی ما ، ناگهانی نخواهد بود بلکه ما با مجاهدات فراوان ، كار و كوشش فراوان ، از خود گذشتگی های فراوان ، مرحله بمرحله ، سنگ روی سنگ و خشت روی خشت این ساختمان ملكوت الهی بر روی زمین را بر پا میداریم تا نسلهای آینده آزادی و حریت انسانی را در آن بیابند .

صحبت امروز من با شما در این موضوع بر روی سه اصل مشحون از رمز و معنی استوار است :

* اولاً بنظر ما اهل بها كاملاً واضح است كه اساس هركار بزرگ و مهمتی مثل این كار، منوط است بفعالیت و قدرت روحانی. بیت العدل اعظم الهی چند سال پیش در دستخطی متذكر شده اند كه فعالیت در جهان مادی چیزی جز انعكاس اصول روحانی نیست و تا شرائط روحانی تغییر نیابد ، تغییری در رویدادهای مادی حادث نخواهد شد .

توجه ما از ساختمانهای قوس ، با توجه به تمام این جهات و با توجه به دیدگاه ما ، با توجه به افق دید ما ، با توجه به روش ما و با توجه به هدف ما ، نتیجه و حاصل درك ما از اصول روحانی است . اگر اصول روحانی را نفهمیم و درك نکنیم، پروژه ساختمانهای قوس كار اشتباهی خواهد بود ، پروژه ای خواهد بود كه در زمانی نامناسب ، در مكانی نامناسب و بدست افراد نامناسب اجراء میشود زیرا :

الف - شروع يك برنامه بزرگ ساختمانی در زمانی كه دنیا از فقر اقتصادی بزانو در آمده است ، در زمانی كه ارزش پول متغیر و ناپایدار است ، در زمانی كه نشانی از رفع بیکاری نیست ، در زمانی كه شیرازه بازار سهام از هم گسیخته ، در زمانی كه آثار تزلزل اقتصادی جهان را پریشان ساخته است ، مطمئناً زمان نامناسبی است خاصه بر اجرای پروژه ای كه صدها میلیون دلار هزینه آن است .

ب - چرا چنین بودجه هنگفتی را برای احداث ابنیه ای چنان عالی در مكان بی حفاظی كه بندرگاه مهم اسرائیل و محاط به صدها میلیون دشمن خطرناکی است كه تصمیمشان اضمحلال آن ملت است مصرف كنیم ؟

ج - ما قدرت خاصی نداریم ، تافته جدا بافته ای نیستیم ، نفوذ فراوان سیاسی نداریم ، ما بشر معمولی هستیم .

پس ما افرادی هستیم نا مناسب . زمان زمانی است نامناسب . مكان مكانی است نا مناسب . ولی این امر بر حسب اراده حق انجام میگیرد زیرا منبعث از اصل روحانی است . این اصل روحانی است كه این زمان را بزمانی مناسب ، این مكان را به مكانی مناسب ، و ما احبّا را به افرادی مناسب تبدیل میکند تا این وظیفه خطیر را بانجام رسانیم و از آنجا كه بر طبق مشیت الهی صورت می پذیرد لذا موفقیت نهائی ما تضمین شده است . اگر چنین است چرا مشورت میکنیم ؟ چرا چنین تلاش و كوشش داریم ؟ چرا اینهمه روی عوامل مربوط

بساختمان ابنیه قوس زحمت میکشیم ؟ و بنظر من
جوابش چنین است :

با آنکه توفیق نهائی در وصول به هدف به علت اصل
روحانی تضمین شده است و هیچ شک و تردیدی
در آن نیست . معهذا اختیار بدست ما است که با
مجاهدات خود ، با نبوغ تشکیلاتی خود ، با
رهبری ناشی از خود گذشتگی زمان اجراء را
تسریع کنیم و یا بتأخیر اندازیم . مقدرات روحانی
ما ، حاصل مجاهدات ما و فرصتهائی است که این
پروژه در اختیار ما میگذارد .

* ثانیاً دومین اصل روحانی از سه اصل مذکور که
بنظر من مملو از رمز است و بکرات متون کتب
آلهی و سوابق تاریخ بشری این رمز را مطرح
میکند آنست که اشکال مادی اثرات روحانی دارند ،
بعبارة دیگر جهان روحانی بنحوی اسرار آمیز با
فرمهای مادی ارتباط متقابل دارد . مثلاً حضرت
ولی امرالله در موضوع مشرق الاذکار چنین مرقوم
داشته اند که عبادت «بنحوی که حضرتشان توضیح
میفرمایند » اگر بصورت عمل در نیاید نتیجه اش
ناچیز و گذرا خواهد بود . همچنانکه با ساختمانهای
مؤسسات فرعی حول مشرق الاذکار ، این امر با
مثال و نمونه نمایانده شده است . و من روی این
بیان هیکل مبارک تأمل کرده ام بنظرم آمد که
هیکل مبارک در این بیان اشاره به تقدس دعا و
مناجات میفرمایند و سپس به نتیجه ناچیز و
زودگذر آن اشاره میفرمایند مگر آنکه این دعا و
مناجات در حیت عمل در آید . لذا این عمل

مادی موجب میشود تا قوای روحانی اثرات مستمره
و دیرپای خود را نشان دهد . بسیار از اوقات
جهانیان متمایل به جدائی و افتراق این ارتباط اند :
این روحانی است ، آن مادی است . در حالیکه از
دیدگاه من ، ما مادیات را تظاهری از روحانیات
میدانیم و با این دید ، این بنائی که اینهمه فکر
و ذهن ما در این سالها بآن مشغول است ، جلوه
مادی قوای روحانیه ای است که در جهان رها شده
است و لذا کار ما یعنی جمع آوری وجوه ،
ساختمان این ابنیه ، توجه و دقت بتمام جزئیات و
تفصیلات مراحل ساختمان ، روحانی است یعنی
شکل و فرم مادی به قوای روحانی میدهد . مسئله
دیگر نکته ایست در آثار الهی مربوط به اثر امور
مادی در مسائل روحانی . حضرت عبدالبهاء اشاره
بنظافت ظاهره میفرمایند که در روحانیات اثر
میگذارد . ممکن است شخص بگوید چرا ؟ چرا
اگر انسان از لحاظ ظاهری تمیز و نظیف باشد
نظافتش در مسائل روحانی اثر میگذارد ؟ این امر
چه ارتباطی با کیفیات درونی شخص یا شرائط
روحانی او دارد ؟ معهذا حضرت عبدالبهاء
میفرمایند این نظافت سبب روحانیت است . نمونه
های دیگری هم هست . مثلاً تبرعاتی که از روی
فداکاری تقدیم میشود میتواند جاذب قوای روحانی
برای تبرع کننده باشد . اشاره باین نکته از آن باب
است که در مذاکرات مربوط بساختمانهای قوس ، ما
پیرامون مسائل مادی صحبت میکنیم که موجب
روحانیت میشود و در جذب بیشتر قوای جهانی ،

روحانی اثر میگذارد و مستقبل پر شکوه امر را نتیجه میشود .

* ثالثاً اصل سوم ازاین سه اصل آنست که تحقق استقرار ملکوت الهی بر روی زمین مستلزم دو عاملی است که متقابلاً در هم اثر میگذارند : اول پیدایش مرکز جهانی اداری امر ، و دوم تصدیق و ایمان گروه زیادی از افراد . این دو عامل باید متوازن و هم آهنگ باشند زیرا تاثیر متقابل آنها حیاتی است و از این راه " تاثیر متقابل " قوانی که موجب شناسائی و قبول استقرار ملکوت الهی بر روی زمین است ، بوجود میآید و من از خود می پرسم چرا این دو عامل برای وصول بتمدن جهانی برای استقرار ملکوت الهی بر پهنه گیتی ضروری است ؟ نخست در باره مرکز جهانی اداری امر صحبت کنیم ، بیت العدل اعظم در مرقومه مورخ ۲۱ آگست ۱۹۸۷ خود اشاره به لوح کرمیل میفرمایند که این لوح منشوری است که ملکوت الهی را بر روی زمین مستقر میکند . تأسیس مرکز جهانی بطور وضوح مهمترین مسئله شناسائی و قبول این اراده الهی است .

حضرت ولی امرالله در باره مرکز جهانی اداری امر چنین یاد میفرمایند : " این مکانی است که در آن قلب امر نبضان دارد ، محلی که مراحل مختلف عمل مقاصد خود را عیان میدارد . پرتو انوار خود را قوی نموده و اصل مقدر خود را شکل می بخشد " (ترجمه) بهمین دلیل است که تأسیس و ساختمان مرکز جهانی امر واقعاً برای وصول بتمدن

آن تمدنی که ما و نسلهای بیشماری برای تحقق آن دعا و تضرع کرده ایم ، الزامی و ضروری است . زیرا آنجا است که مراحل حیات این نظم جهانی سرچشمه گرفته قدرت لازمه خود را تحصیل نموده و مقصدش مکشوف و عیان میگردد .

اما در باره عامل دوم صحبت کنیم که چرا استقرار ملکوت الهی بر روی زمین که ما برای حصولش زحمت میکشیم نیازمند بتصدیق و ایمان تعداد بیشماری از افراد است ؟ زیرا عهد و میثاق الهی ورود گروه بیشماری از افراد بشر را به خیمه این امر و قیام آنان را به اعانت و حمایت میطلبد . همچنانکه حضرت اعلی در آثار اولیه خود ، مردم غرب را بایمان بحق و تقدیم کمک دعوت فرمودند . ما به نیروی عظیم بشری ، به ازدیاد فراوان منابع نیازمندیم تا بتوانیم با اجرای اراده الهی در این جهان موفق شویم . اراده الهی یعنی ساختمان این ابنیه و قیام نوع بشر بهدایت سراج عدالت و آزادی ، نیازمند ازدیاد عدد پیروان و مؤمنین است تا ببرکت مشارکت در خدمات موفق شوند .

اجازه دهید که بصورتی خلاصه از تأسیس مرکز جهانی صحبت بداریم . مختصر اشاره میکنیم زیرا احبای عزیز خود بخوبی مطلعند که البته تأسیس مرکز جهانی بطرق مختلف به هزاران سال پیش مرتبط میشود . ولی بنظر ما اهل بها برجسته ترین مرحله آن ورود حضرت بهاءالله باراضی مقدسه است ، به سرزمینی که میفرماید " جلال و بهایش تقلیل نمی یابد " (ترجمه)

بما گفته شده است که با ظهور جمال قدم ، نبوت « حضور رب الجنود در اراضی مقدسه » (ترجمه) تحقق یافت و اکنون با انجام امور امری توسط ما ، حضور و ظهور رب الجنود آشکارتر می شود . من و همسر من هر روز که بمقر بیت العدل اعظم میرویم ، بیش از پیش شکوه و جلال این ساختمان را که محاط در باغچه های زیبایی در کوه کرمل است و بر شهر حیفا و خلیج عکا پرتو افکن است احساس میکنیم و من با خود میگویم واقعاً که رب الجنود هر روز بیش از روز پیش حضور خود را در اراضی مقدسه و از طریق این مؤسسه آشکارا تثبیت میکند .

کوه کرمل را اشعیای نبی بنام کوه خدا یاد میکند و میگوید که تمام ملت‌ها بسوی آن حرکت خواهند کرد . جمال قدم آن را در لوح مبارک کرمل چنین توصیف میفرماید :

« طوبی لك بما جعلك الله في هذا اليوم مقر عرشه و مطلع آیاته و مشرق بیناته » و حضرت ولی امر در باره کوه کرمل میفرماید : « از اول لاول مقدس بوده است » (ترجمه) و من گاهی که فشار کار در ارض اقدس ایجاب میکند که شبها تا دیر هنگام در دفترم بمانم و سپس در تاریکی شب بقصد خروج از باغچه های مقام میگذرم ، همانند يك تمرین مغزی فکرم متوجه مردمی میشود که نسل‌ها پیش بر روی این کوه میآمدند . در هنگام گذر از باغچه های مقام بخود میگویم چه کسی در

این محل راه میرفته ؟ چه کسی در اینجا میایستاده ؟ چه کسی در این نقطه صحبت میکرده ؟ چه کسانی این کوه را مقدس کردند تا حدی که حضرت ولی امرالله میفرماید « از اول لاول مقدس بوده است » (ترجمه) و در این حالت از خود سنوال میکنم شاید بتوان بشکلی و بصورتی نه تنها با نسل‌های پیشمار که در گذشته بر روی این کوه میآمدند ارتباط برقرار کرد بلکه همچنین با نسل‌های بیشمار که در آینده بر روی کوه میآیند ، مرتبط شد ، همان نسل‌هایی که اشعیای نبی میگوید « تمام ملت‌ها بسوی آن کوه حرکت خواهند آمد » (ترجمه) میلیون میلیون ها مردم در طول صدها بل هزاران سال آینده بسوی ارض اقدس خواهند رفت ، از این کوه بالا خواهند رفت ، بامکنه مقدسه مشرف خواهند شد و با مؤسسات عظیم آن ارتباط متقابل خواهند داشت و جهان دگرگون خواهد شد و شبها در تاریکی در حین گذشتن از این مکان از خود می پرسم آیا شخص میتواند بادعای خود ، در مغز خود بموازات گذشت زمان با آن میلیون میلیون مردمی که در آینده بارض اقدس خواهند آمد ارتباط برقرار کند ؟ بطوریکه بخوبی میدانید یکی از مراحل مهم و شاید مهمترین مرحله استقرار نظم اداری بر روی کوه کرمل ، نتیجه قانون تقدّم روحانیات بر مادیات است . حال بساختن مقام مقدس اعلی توجه کنیم . مقام اعلی چیست ؟ حضرت ولی امرالله این سنوال را چنین جواب عنایت فرموده اند که « مقام اعلی

مرکز کانونی انوار و قدرت الهی است » (ترجمه) و همچنین در آثار مقدّسه از این مقام چنین یاد شده است : « مکانی که ملاء عالین در حول آن به ستایش و نیایش حلقه زده اند » (ترجمه) یعنی روحانیت بصورت مادّه جلوه گر شده ، حال مقام اعلی در محلّی است که مؤسسات نظم جهانی در جوار آن در حال ارتفاع است .

ما نمیدانیم در آینده ، در طول اجرای این پروژه ، از لحاظ فداکاری و از خود گذشتگی چه مسائلی در انتظار ما است ولی بهتر است به همراه هم انتظاراتی را که روح امر در سالهای آینده ممکن است از ما متّوقع باشد ، مطالعه کنیم . حضرت عبدالبهاء در باره ساختمان اصلی مقام اعلی یعنی قبل از تأسیسات و تزیناتی که وسیله حضرت ولیّ امرالله انجام شد ، ضمن عطف توجّه بمراحل مختلف ساختمانی آن مقام مقدّس ، باین کلمات تفوّه فرمودند : « هر تکه سنگ این بنا را ، هر تکه سنگ این جاده را که بمقام منتهی میشود ، من با اشک بیکران و با بهائی شگرف انتخاب نموده و در محلّ خود قرار داده ام » (ترجمه) و وقتی که من توضیح سرکار آقا را در باره « اشک بیکران » و « بهای شگرف » مشکلاتی که از اجرای دستورالعمل اب بزرگوار خود شخصاً متحمّل شده اند مطالعه میکنیم ، از خود می پرسم چه فداکاری و گذشتی در سالهای آینده از ما تّوقع میرود ؟ مانی که اشتیاق داریم در اثر اقدام مثل اعلای تعالیم جمال قدم گام برداریم . در این چار چوب است که شما را

دعوت میکنم تا به همراه هم انتظارات امر را در آینده مطالعه کنیم .

نیت من آن نیست که تاریخچه تأسیس ساختمان نظم اداری را بیان کنم ، یا بساختمان دارالانوار ، یا بساختمان مقرّ بیت العدل اعظم اشاره نمایم ولی میخواهم که جمله ای از پیام مورخ ۲۱ آگست ۱۹۸۷ بیت العدل اعظم را خاطر نشان سازم که در ذهن خود آنرا تکرار فرمائید . هنگامیکه بیت العدل اعظم لزوم ساختمان بقیّه ابنیه قوس کرم را خاطر نشان فرمودند و دوستان را برای ورود بمرحله عمل دعوت کردند چنین متذکر شدند که :

« اکنون راه برای جهان امر باز است تا بقیّه ابنیه مرکز نظم اداری را بر پا دارد و ما بایست بدون تاخیر با عزمی ثابت در این راه بجلو رویم » (ترجمه) حال ما برای اقدام به عمل دعوت شده ایم . حضرت ولیّ امرالله در باره مرکز جهانی تشکیلات اداری که ما برای ساختمان آن فراخوانده شده ایم چنین میفرمایند ، و من توقیع مبارک را با آنکه قدری مفصّل است عیناً میخوانم . حضرت ولیّ امرالله در توقیع مورخ نوروز ۱۹۵۵ خطاب باحبّای ایران چنین مرقوم فرموده اند :

« . . . و این مرکز اداری جامعه بهائیان عالم بنفسه محور تأسیسات نظم بدیع آن محیی ریم و منبع جود و کرم و رمز وحدت اصلیه دول و ملل و امم و مقرّ سلطنت و جلوه گاه سلطه روحانیه و زمینه و مرجع اعلای پیروان امر اتمّ اکرم و محل انعکاس و معرض تجلیات عرش مصور ریم بر آفاق عالم و

منبع مدنیت الهیه که اعلی و ابهی ثمره امر اسم اعظم است و در عصر ثالث ذهبی دور بهانی و در ادوار آتیه اثراتش کاملاً پدیدار و فیوضاتش چون سیل جارف منحدر بر عالمیان خواهد گشت ... »

و مابهانیان نسل حاضر ، مائی که بعدم کفایت خود ، به جهالت خود ، به کمبود منابع خود ، به کمبود تسهیلات لازمه واقفیم ، آن نسلی هستیم که از طریق همان قدرت مرموز ، تمام افتخارات نسلهای بشری در گذشته و آینده ، بما اعطاء شده است یعنی همان نسلی هستیم که امتیاز بر پا داشتن این مرکز اداری یعنی همان مرکزی که حضرت ولی امرالله آن را « منبع مدنیت الهی و اعلی و ابهی ثمره امر اسم اعظم » میخوانند ، بما عنایت شده است .

در خدمت کنونی خود در مرکز جهانی امر ، یکی از مسرت های من مشاهده مراسلاتی است که بعنوان بیت العدل اعظم الهی که از طرف دوستانی فرستاده میشود که در دیگر ممالك زندگی میکنند و امتیاز معافیت مالیاتی ندارند و تبرّعات خود را مستقیماً بمرکز جهانی ارسال میدارند و من بینهایت متعجب میشوم که بکرات در این مراسلات که متضمن تبرّعات کوچک یا بزرگ است ، بدفعات حالتی از امتنان و تشکر تشریح گردیده است که اجازه یافته اند باین پروژه تبرّع کنند ، من این مراسلات را خوانده ام و بخود گفته ام واقعاً این درست عکس جهتی است که معمولاً در ادیان دیگر وجود دارد ، زیرا دین معمولاً از مسائل و مراحل گناه استفاده نموده و روشهای دیگری را برای جمع آوری

اعانه ، از پیروان خود ، بکار میگیرد و ما در اینجا درست بعکس آن داریم . در اینجا ما مؤمنینی داریم که بمرکز امر میگویند متشکریم که بما فرصت تقدیم وجوهی برای ساختمان این پروژه عنایت میکنید . این مراسلات بسیار صمیمانه است ، این مراسلات از تمام طبقات مختلفه مؤمنین است ، همه از روی تقدیس و اخلاص بتقدیم اعانات اقدام میکنند و از این امکان عرض تشکر دارند و وقتی من این مراسلات را میخوانم به خود میگویم امر آلهی در موقعیت مطلوبی است زیرا بهانیان معمولی ، از طبقات مختلف که احتمالاً عضو هیچیک از مؤسّسات هم نیستند ، معروف نیستند ، و هیچگاه نامشان در اخبار امری یا نشریات مشابه نیاید ، این نوع طبقات از زن و مرد میدانند که جریان از چه قرار است ، میدانند که این پروژه چیست و آرزوییشان آنستکه تشکر و امتنان خود را از امکان تقدیم اعانات ابراز دارند .

واضح است که روح خفیه ای در فضای جهان در حرکت است . واضح است که اراده جمال قدم امور بشری را شکل می بخشد . با خدمت در مرکز جهانی امر ، من کاملاً این جریان را احساس میکنم بدون آنکه تظاهر کنم یا ادّعا کنم که آن را در می یابم ولی میدانم که جهان در این دو ساله اخیر بطور غیرقابل درکی عوض شده است و من متوجّهم که این تغییر در حال تداوم است ، امری غیر معمول در جریان است ، جهان بیش از همیشه به خود بی اعتماد و از ارزش های خویش بی خبر

و از مقاصد خود حتی بیش از دوسال پیش نامطمئن است . در سراسر جهان چیزی در اعماق قلوب بشر در دست تغییر است ، مطمئناً تغییراتی در شرف وقوع است . گویا بطریقی میلیونها مردم بسوی این امر در حال حرکتند و ممکن است در نقطه‌ای با زمان ما تلاقی و برخورد کنند که ما نیدانیم ، ولی میتوانیم تقریباً حرکت آنها را بسوی خود درك کنیم ، صدایشان را بشنویم که در نتیجه تحولات روحانی در قلب ، زمانی بما ملحق خواهند شد. مثلاً در مرکز جهانی از جمله اخباری که در چند ماه گذشته موجب مسرت فراوان شده است ، ازدیاد اقبال عدد نفوس است که در ممالك غربی اروپا ، یعنی محلی که قبلاً امر تبلیغ بسیار بطنی و کند پیش میرفت ، و این امر نه بخاطر قصور یاران آن صفحات بود بلکه علت عدم آمادگی محیط در قبول و پذیرش امر بود در ممالکی از قبیل فرانسه ، لوکزامبورگ و دیگر قسمتهای اروپای غربی و امثال آن نقاط ، مردم بتعدادی کاملاً بیشتر از گذشته در حال اقبال بامرند و من از یاران آن صفحات علت این اقبال را پرسیده ام که چرا این نفوس مؤمن بامر میشوند ؟ در بسیاری از مواقع جوابی که دریافت داشته ام این است که اینها ضمن تحقیق و جستجو برای یافتن يك خانواده ، برای یافتن افرادی که بتوانند بآنها اعتماد کنند ، برای یافتن وحدت و یگانگی ، برای یافتن افرادی که بتوانند با آنها راحت و بی تکلف باشند با امر روبرو می شوند . این مردم بخاطر لسان عمومی یا

توافق علم و دین و یاحتی وحدت نوع بشر که در امر مبارك واجد کمال اهمیت است ، اقبال نکرده‌اند، بلکه در حالت اضطراب و یأس بدنبال ارتباط و برخورد انسانی پرمفهوم که ارضاء کننده هم باشد بجلو آمده اند و من وقتی این مسائل را در ممالك اروپای غربی و یا سایر نقاط می شنوم بخود میگویم يك امر مهمی، يك چیز مرموزی، چیزی فوق ادراك من، در جهان، در شرف وقوع است و هرچه باشد موجب انقلاب روحی تعداد زیادی از ناس در تمامی قارات و جزایر عالم شده است . گرچه ممکن است این انقلاب آنآ بچشم نخورد ولی روح امر در فعالیت است ، اراده جمال مبارك نقش آینده را معین کرده است و آن روح در جهان در حال انجام مأموریت خویش است و يك روز همچنانکه بمجاهدت خویش ادامه میدهیم ، همچنانکه خود را بطریقی مؤثر و مفید آماده میکنیم همچنانکه از روی مهارت رهبری جامعه مؤمنین را بدست میگیریم ، يك روز نتیجه اش را خواهیم دید و آیندگان در مستقبل ایام در نقطه‌ای از زمان با ما برخورد خواهند داشت و با ما در ساختن ابنیه قوس در دامنه کوه کرمل شريك خواهند شد .

از ما خواسته شده است که بسطحي از افق امر قیام کنیم که سالهای سال دیده نشده باشد ، گذشته از قهرمانیهای بزرگی که بوسیله دوستان ما در ایران در شهادتهای اخیر نشان داده شده است . از ماخواسته شده است که يك کار بزرگی را آغاز کنیم

بیان مبارک حضرت عبدالبهاء در

مجمع مسافریں در حیف

”بلی خیر خواهی به لسان آسان است ولی بعمل کار مشکلی است.“

این بیان مبارک نقل از دفتر خاطرات و سفرنامه متساعد ای الله جناب عبداللیثاق میثاقیه نقل شده است که بقلم نگارنده نوشته شده و در مقدمه آن چنین یاد شده است :

دفتر خاطرات و مشاهدات اینگونه نفوس مانند جناب میثاقیه در حقیقت گنجینه ایست مملو از ذخائر معنوی و زبانی است گویا از حکایات و وقایعی که ما را به بسیاری از حوادث و اتفاقات تاریخی آشنا میسازد و از چگونگی تصدیق و ایمان متقدمین امر و ثبات و استقامت آنها در مقابل مصائب و بلاها آگاه مینماید خصوصاً اینکه ، آنگونه مطالب توأم با بعضی از الواح مبارکه نیز باشد که بخط اصل از قلم اعلی و یراعه فضل و عطای حضرت عبدالبهاء و کلک مطهر حضرت ولی امرالله مزین و مهوور باشد بر اعتبار و ارزش خاطرات می افزاید .

در دفتر مزبور از بیانات مبارک چنین آمده است و همچنین حکایتی را نقل میفرمایند :

(البته در آتیه نزدیک وسائل مسافرت از هرجهت فراهم میشود و احباء باآسانی بساحت اقدس تشریف

از ناشر نفحات الله :

جناب محمد علی فیضی

مینمایند . آنچه از قلم قدم نازل شده حتمی الوقوع و در آن شبهه نی نیست ولی این ایام مصلحین و متمدنین که ظاهراً دعوی صلح مینمایند کار دنیا را باینجا رسانده اند ، که دنیا را بفساد و خطر عظیم مبتلا کرده اند هنوز هم مشغولند و گرفتاریهای گوناگون دامنگیر بشر خواهد شد . بلی خیر خواهی به لسان آسان است ولی بعمل کار مشکلی است . این است که احبای الهی بزبان هیچ ادعائی ندارند ، خاضع و خاشع و مطیع بوده و از نام و نشان بیزار و برکنار و در موقع عمل جانفشان و برای بنی نوع انسان و احترام بوطن و حمایت مظلومین جان نثار و بعمل عقائد خودشان را اثبات میکنند نه بحرف و با الفعل محبة عالم انسانی هستند نه بقول) .

و بعد این حکایت را فرمودند :

” در زمان فتحعلیشاه ذوالفقار نامی حاکم سمنان بود و بسیار شخص غیور و جسوری بود یکی از علمای سمنان در زمان حکومت او هر وقت در اجتماعی ذکر مصیبت و شهادت حضرت سیدالشهداء میشد با یک سوز و گدازی مکرر میگفت یا لیتنی کُنت مَعَكَ فافوز فوزاً عظیماً تا شبی در خواب دید که در صحرای کربلا در معیت

حضرت سیدالشهداء در آن دشت بلا حاضر است و
 جمیع اصحاب و همراهان آنحضرت در معرض خطر
 و گروه مخالفین مهاجم و آماده قتال میباشند
 خدمت حضرت آمده و اجازه میخواهد که بی پروا
 بر صفوف دشمن حمله نماید و آنحضرت را نصرت
 نماید حضرت هم استدعای او را قبول میفرمایند
 عرض میکند قربانت گردم شمشیر ندارم . حضرت
 شمشیر خود را باو میدهند بعد عرض میکند اسب
 ندارم حضرت ذوالجناح ، اسب خود را باو مرحمت
 میفرمایند او بمجرد اینکه بر اسب سوار شده پا
 برکاب گذاشته و فرار مینماید بطوریکه مخالفین و
 مهاجمین دیگر بگردش نمیرسند . آخوند مزبور
 این خواب را در همه جا تعریف میکرد تا آنکه
 بگوش ذوالفقار خان حاکم رسید و فوراً فرستاد او
 را آوردند از او پرسید جناب آقا موضوع خواب شما
 در صحرای کربلا چه بود ، تعریف کنید آخوند هم
 بی پروا و با کمال شهامت خواب خود را برای
 حاکم تعریف کرد . ذوالفقار خان از او پرسید
 اسب و شمشیر حضرت چقدر ارزش داشت. آخوند
 گفت اقلّ اسب پانصد تومان می ارزید و شمشیر
 دویست تومان ، حاکم حکم کرد هفتصد تومان
 قیمت اسب و شمشیر حضرت را از آخوند جریمه
 گرفتند و او را رها نمودند .

بعد از ذکر اینحکایت فرمودند بلی چنین است این
 آخوند همیشه ورد زبانش یا لیتنی کُنْتُ معک فافوز
 فوزاً عظیماً ، بود ولی چون خود را در صحرای
 کربلا و میدان بلا در محاصره دید اسب و شمشیر
 را برداشت و فرار کرد این است که در قول فخر

عالمند و در عَمَل ننگ اُم . همیشه باید عمل انسان
 اعظم از قولش باشد یعنی اگر يك كلمه خير از
 لسانش جاری میشود هزار عمل خير ديگر از او
 صادر گردد تا بر جمیع واضح و عیان گردد که او
 خیرخواه واقعی و حامی حقیقی عالم انسانی است . «

* * * * *

از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

« چون من وارد این شهر شدم دیدم همه است
 پرسیدم چه خبر است گفتند کنگره زراعت تشکیل
 میشود گفتم حضرت بهاء الله هم در ایران
 کنگره نی تشکیل فرمود فرق اینست که این کنگره
 شما ناسوتیست اما کنگره حضرت بهاء الله لاهوتی
 در این کنگره اشخاص محترمه نی بجهت زراعت
 جمعند و محبتشان زمینی است ولی در آن کنگره
 نفوس مقدسه نی مجتمعند که اراضی قلوب را بآب
 حیات سرمدی آبیاری نمایند و محبتشان آسمانی
 است نمایش این کنگره را چراغهای ارضی است،
 نمایش آن کنگره را انوار ملکوتی، نغمه این موسیقی
 ناسوتیست، زمزمه آن آهنگ لاهوتی اجتماع این کنگره
 در کنیسه نی خصوصی است، اجتماع آن در خیمه
 وحدت عالم انسانی و صلح عمومی، ملکه این ، خانم
 محترمه نی مزین بزینت عالم فانی و ملک آن
 سلطان سریر جاودانی با سلطنت الهی، چون این
 دوکنگه را مطابق نمودم بسیار مسرور شدم و دعا
 کردم که خدا این زراعت شما را برکت عنایت
 فرماید و استعداد حیات ابدی و قوه روحانی
 بخشد انتهی » نقل از بدایع الآثار صفحه ۲۷۷

تاریخ زرین شهادت

شرح حال شهید مجید جناب نصرالله امینی

گر تیغ خدنگش رگ جان بگشودت

منمای به کس خرقه خون آلودت

مینال چنانچه نشنوند آوازت

میسوز چنانکه بر نیاید دودت

داستانی از عشق یار عزیزی در دل دارم که بسی شورانگیز است . یاری که دریای قلبش همواره از عشق مولای محبوبش در تموج و تلاطم بود . دوستی که پروانه اشتیاقش هرگز از گردش به دور شمع محبت الله پروا نداشت و هیچ قدرتی وجود او را از حرارت شعله عشق سرد نینمود تا عاقبت به تحقق نوایای قدیم قلبی اش جان در ره عشق نهاد و در آتش عشق سوخت به شانی که حتی اثری از جسم سوخته اش باقی نماند . محویت و فنای صرف وصف زندگانی اش بود و عبودیت و بندگی بحت توأم با رفتار و اطوار همگانش مینمود . درسی از حماسه جان نثاری او در سیل محبت محبوب آفاق آموختم که تا جان در بدن دارم فراموش نکنم و مدام میل دارم آنرا در حضور دیگران نقل نمایم .

آنچه از زندگی او در این جهان میدانم آنست که در قریه کوچکی بنام کروگان در منطقه جاسب که در سنین اولیه امر حضرت ربّ اعلیٰ فتح شد در

از سرکارخانم پریوش اردونی



سال ۱۲۹۷ ه . ش چشم به این عالم گشود. جدّ بزرگوارش جناب ملا ابوالقاسم ملا صادق کاشانی که بشغل تجارت قبل از ظهور حضرت نقطه اولی از کاشان به کروگان نقل مکان نموده بود شخصی متقی و پرهیزگار و فاضل بود و در شمار اولین مؤمنین جاسب به خدمت امر مالک انام قیام نموده بود از جمله با خطّ زیبای خود آثار امری را در محلّ استنساخ کرده و بجهت اصحاب میفرستاد و رابطی بین احباب پراکنده در آن نقاط بود . تمامی خانواده و فرزندان به امرالله مؤمن و قدم بر اثر اقدام پدر گذاردند . در میان آن شکرالله نامی بود که مانند پدر بسیار پرهیزکار بود و در سبیل ایمان نزول هر مشقتی را از جمله برکات الهی

میشورد . او چهار فرزند از خود باقی گذاشت که در میان آنها نصرالله صاحب داستان ما است . طبق شهادت نزدیکان و ساکنان آن منطقه نصرالله در دوران طفولیت آثار متانت و فداکاری از خود آشکار میساخت و با همبازیهای خود بهیچوجه جدالی نمیکرد همواره لبخند بر لب داشت و نسبت به بزرگترها احترام فوق العاده ابراز مینمود . در ایام خردسالی کارهای مشکل و پرمسئولیت باو محول میکردند مثلاً وقتی حدود ۷ ساله بود او را شبانه روی بار الاغی گذارده و از کروگان به وسکی نقان قریه دیگری که فاصله بسیاری داشته بمنزل یکی از یاران میفرستادند . الاغ تمام شب را در راههای کوهستانی و دره های مهیب راه طی کرده و سحرگاه به مقصد میرسید و شب بعد بهمان ترتیب مراجعت میکرد . ده ساله بود که پدرش او را بجهت ادامه تحصیل به طهران همراهی میکند . تقدیرات الهی او را بسوی جناب عزیزالله ورقا که فرزندی نداشتند سوق میدهد و او این واقعه را از جمله مواهب الهی دانسته و تاپایان عمر درگاه ربّانی را شکر مینمود .

در عنفوان جوانی نظر به صداقت و امانت و درستکاری اش جناب ورقا اداره امور املاک خود را در خانی آباد باو میسپارد لذا در آن نقطه مسکن میگزیند و در کمال دلسوزی امور مذکور را قبول کرده و شایستگی خود را چه در خدمات امریه و چه در امانت داری به ثبوت میرساند . و از سن ۲۱ سالگی به عضویت محفل روحانی خانی آباد انتخاب شده و همه ساله بلاانقطاع

منتخب و بالاخره به همین « جرم » نیز دستگیر شد . پس از چندی نظر به ازدیاد تعداد احباء اشتیاقش به هجرت و اطاعت از امر مبارک عزم به مهاجرت مینماید و پس از تماس با لجنة مربوطه منطقه قوچان به او پیشنهاد میگردد جناب ولی الله ورقا ایادی عزیز امرالله که از اهمیت خدمات برآورنده اش در خانی آباد آگاه بودند به او میفرمایند تو در این نقطه مصدر خدمتی و مصلحت نیست اینجا را ترك کنی و چون شرح خدمات برجسته اش را به لجنة مهاجرت تفصیل میفرمایند لجنة مذکور نیز نظر موافق به اقامت ممتد او و ادامه خدماتش میدهد . در زمانیکه در طهران بسر میبرد از طرف اداره شناسنامه کاشان مأمورینی به کروگان جاسب رفته و به فرزندان ملا ابوالقاسم اظهار میدارند که خانواده امین الدوله کاشانی شکایت نموده اند که نظر به نسبتشان به دیانت بهانی حق ندارید نام امینی را مثل آنها حفظ کنید و باید تغییر اسم دهید کسانیکه در جاسب بودند همه نام رضوانی انتخاب کردند مگر ایشان که نظر به اقامتشان در طهران امینی باقی ماندند . در سن ۲۸ سالگی با روحانیه میثاقیه ازدواج کرده صاحب ۴ فرزند میگردد که به فضل الهی در ظل امرالله هستند .

آن بزرگوار خصوصیات اخلاقی برجسته ای داشت که جلب قلب پاک مینمود از جمله مظلومیت ، حلم ، صبر و شکیبائی اش بود . در مقابل هر عمل زشتی با نیکی و خیرخواهی معامله مینمود و دیده اغماض بر رفتار ناپسند میدوخت . هر

مشقتی را بادل و جان قبول مینمود تا حدیکه گاهی بعضی از نزدیکان نگران سلامتی‌ش میشدند و از طرفی دیگر معاندین همواره او را در مدّ نظر داشتند و برای آزار و اذیتش میکوشیدند. شبی مسلمانی بنام حسین که برایش کار میکرد با شتاب نزد او رفته میگوید جانتان در خطر است از اینجا فرار کنید زیرا مسلمانان محمّد آباد (قریه مجاور) به تحریک آخوندی قصد جان شما کرده اند بطوری مصمّم هستند که حتّی من جرئت مخالفت نکردم و فردا شب به اینجا حمله میکنند شما را میکشند و حظیره القدس را خراب میکنند آن بزرگوار در کمال سکون پاسخ میدهد نگران ما نباش جان ما در دست خدا است. بدون اراده او برگ از درخت نمی افتد و ما هم در جمیع امور توکل به حقّ کرده ایم و فرار هم نمیکنیم فردای آن شب آن آخوند بعّلت جرمی در دستگاه حکومت دستگیر میشود و مردم هم بعّلت اختلافاتی مابین خود متفرّق میگرددند. از طریق دیگر عده بسیاری برای بحث و به تصوّر خود بجهت "ارشاد" او نزدش میرفتند روزی جوانی بنام حفیظی به منزل او میرود و میگوید میل دارم ملاقاتی به تنهائی با شخص شما داشته باشم به اطاق دیگری رفته و خود را باین ترتیب معرفی مینماید: در طهران تغییر منزل داده بودم روز جمعه برای اولین بار به مسجد محلّ رفتم و بعد از نماز صحبت از بهائیان شد از آنها پرسیدم آیا شما بهائی معروفی در این محل میشناسید سه نفر از آنها گفتند در اینجا خیر اما در خانی آباد

یک بهائی میشناسیم مردی صادق، متقی و نیک نفس است و بسیار محبوبیت دارد، ولی حیف که بهائی است و الا ما خود پیرویش میشدیم، پس تصمیم گرفتم بیایم و با شما آشنا شوم و ارشاداتان کنم و آنها این رای مرا بسیار پسندیدند. مدت بیش از ۶ ماه تقریباً هر روز در منزل او حاضر میشد و در خلوت با آن عاشق دلباخته یزدان بحث مینمود و متدرجاً در رفتارش آرامش و سکون حاصل میشد و بالاخره اظهار داشت نظرش از آنچه در مورد بهائیان شنیده بود عوض شده است و تصوّر میکند بسیاری از دیگرانند که محتاج به ارشادند. این شخص اخیراً در طهران خودکشی کرده است.

در واقعه انقلاب ایران در شمار اولین احبّانی بود که مورد ظلم و ستم قرار گرفت از طرفی نسبت به مسئولیت بزرگش در مقابل املاک امری او را هر روز به کمیته محلّ میخواندند و باید صبح را در آن محل در حال پاسخ به سئوالات آنها و شنیدن بی حرمتی ها و فحاشی ها شب مینمود و تاپاسی از شب او را نگاه میداشتند و در حالیکه دیگر رمقی در تن نداشت آزاد میکردند. از طرفی دیگر افراد سود جو به عناوین مختلف قصد اخاذی مینمودند چون قدرت پاسخ مثبت به خواسته های آنها را نداشت از او شکایت کرده و کمیته جریمه اش میکرد و بالاخره گروهی دیگر که از شدت ایمان و ایقانش به امرالله آگاه بودند او را به طرق گوناگون تهدید مینمودند. دقیقه ای آسایش نداشت در آتش بلا میسوخت اما هرگز

لب به گله و شکایت نمیگشود تا آنکه در اثر مشکلات از شدت خستگی و ضعف بیمار شد و در بستر افتاد معاندین گفتند حال باید پسرش به کمیته بیاید و جواب سنوالها را بدهد بمحض خروجش از بیمارستان او را به کمیته مرکزی احضار میکنند رئیس ستاد بنام آقای شریعتی در مقابل ۲۸ نفر دیگر از او بازجویی میکند که سه ساعت ادامه مییابد . در خاتمه از صفات اخلاقی او تحسین کرده منصفانه میگوید با اینکه از ما نیست اما شخص صادق و درستکار و امین است . در ضمن این بلایا بارها دوستان و نزدیکان باو پیشنهاد کردند که تغییر محل دهد و در نقطه ای ناشناس مستقر شود و جان از خطر برهاند لکن جواب میدهد آیا مؤمن به جمال مبارک در مواقع بلا فرار میکند ؟ « فرار اختیار نکنیم و به دفع اغیار نپردازیم به دعا بلا را طالبیم تا درهوی قدس روح پرواز کنیم . . . » چندین دفعه از طرف کمیته مسلحانه به منزلش ریختند تا جستجو کنند . نه روز آزادش میگذاشتند و نه شب آسوده اش میخواستند گاه و بیگاه او را احضار میکردند و یا با خود میبردند تا آنکه روز یکشنبه ۱۳۶۰/۷/۱۹ یکی از کارگران قدیم که علی‌اللهی بود و قرب حظيرة القدس زندگی میکرد سراسیمه به منزل او دویده میگوید از طرف کمیته چند نفر معتم آمده و نام کوچک شما را از من میپرسند ، تکلیف من چیست چه گویم آن بزرگوار پاسخ میدهد نام مرا همه میدانند به آنها جواب صحیح بده و نترس . یکشنبه شب ساعت

۸/۳۰ دقیقه پنج نفر مسلح از طرف کمیته مجدداً به خانه اش ریخته و بازرسی مجدد میکنند و ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه او را با مقداری کتاب و مدارك ضبط شده با خود میبرند و همان سنوالی را که در تمام این مدت از او میپرسیدند تکرار میکنند . رئیس چند خانواده هستی و چطور آنها را پیشوائی میکنی ، چقدر املاك داری و غیره و پس از بازجویی ساعاتی بعد او را مرخص میکنند . سیزده روز بعد (سوم آبانماه) هنگام غروب شیخ رهنا با چند پاسدار از طرف کمیته کرج نزدش میرود . هتاکي و فحاشی بسیار نموده دستور میدهد پاسداران خانه را مجدداً جستجو کنند و سپس میگوید شناسنامه ات را بردار با ما بیا . همان شب نظیر همین عمل را در منزل جناب سعدالله بابا زاده انجام میدهند آن دو یار قدیم را دستگیر کرده کتابها را در مقابلشان آتش میزنند سپس بازجویی نموده هر سنوالی که میپرسند قبل از اینکه پاسخ بشنوند خود با بی‌حرمتی و فحاشی جواب مینویسند و بدینوسیله پرونده آنها را تشکیل میدهند و آنها را در اطاقی خالی و سرد و مرطوب محبوس میکنند آنشب را به دعا و مناجات میپردازند و آن بزرگوار هفت بار لوح احمد را تلاوت میکند هنگام صبح به تقاضای جناب بابازاده قدری نان و پنیر بآنها داده سپس به کمیته مرکزی منتقل مینمایند رئیس آن کمیته که قبلاً شیفته اخلاق و رفتار آن مؤمن الهی شده بود وساطت کرده هنگام شب آنها را آزاد میکند چون دستور دستگیری آنها از مقام بالاتری صادر

شده بوده است ظاهراً میگوید فردا صبح ساعت ۹ برگردید باین امید که آنها پس از خروج فرار خواهند کرد دیگر مراجعت نخواهند نمود . روز بعد با خانواده وداع گفته راس ساعت مقرر در کمیته مرکزی حاضر میشوند و دیگر هیچکس از آنها خبری نمیشود پس از سه هفته جستجو خانواده هایشان مطلع میشوند در زندان اوین هستند . در این مدت شایعات بسیار میشوند و حق ملاقات نداشتند تنها هر زمان که لباس و وجهی برای آنها میبردند و زندان قبول میکرد امیدوار میشدند که زنده اند . روز نهم آذرماه او را به تنهایی به زندان قصر منتقل میکنند و با اعضاء محفل روحانی طهران هم بند میکنند جناب بابازاده نگران شده و مرتب ببقراری مینمایند که وای یار عزیز من چه شد ؟ مونس قلب و جانم را کجا بردند آیا شهیدش کرده اند ؟ پس از ۲۵ روز مجدداً او را به زندان اوین باز میگردانند و پس از قریب به سه ماه اجازه اولین ملاقات به خانواده هایشان داده میشود .

در زندان به فروتنی و مظلومیت و خداپرستی معروف بوده است . زندانی های غیر بهائی نیز او را دوست داشتند و احترام بی نهایت نسبت باو روا میداشتند و برایشان مثال يك انسان پرهیزگار متقی بوده است در حالیکه قبل از دستگیر شدن از بیماریهای مختلف قلب و چشم و غیره رنج میبرده ، در زندان اثری از بیماری در او دیده نمیشده و کاملاً سلامت بنظر میرسیده است و همه روزه در اسحار بمدت ۲ ساعت با لحن خوش به

راز و نیاز میپرداخته است .

جناب کامران صباغیان که مدتی با او در زندان اوین محبوس و به پدر و پسر مشهور شده بودند چنین مینگارد :

« محلی که احباً را محبوس کرده بودند زیر پله نام داشت و بسیار کوچک بود جمعاً نفر بودیم ... » روز ۲۵ بهمن ماه آنها (نصرالله و جناب بابازاده) را برای بازجوئی بردند بعد از پنج ساعت بازگشتند دیدم پدر بسیار خوشحال و چهره اش از شادی و شمع رخشان است فوراً تصور کردم آنها را آزاد کرده اند با اشتیاق پرسیدم چه شد؟ جواب داد حکم اعدام ما را به ما ابلاغ کردند . در شگفت عمیقی فرو رفتم . پرسیدم پس چرا خوشحالی؟ گفت به آرزوی دیرینم رسیدم درسی را که از او گرفتم در هیچ مدرسه یا دانشگاهی نمیتوان آموخت از هیچ مطلبی بجز عشق به جمال مبارك و خدمت امرالله صحبت نمیکرد . مدت سه ماه منتظر لحظه شهادتشان بودند پیوسته در حال راز و نیاز میگفتند خدایا تو دانی آرزوئی بزرگتر از موفقیت و سربلندی در این امتحان را ندارم . در این مدت مکرراً چهار مرتبه دیگر او را بازجوئی کردند و هر بار میگفتند اگر تبری کنید آزاد میشوید در جواب گفته بود عشق مولای خود را با دو عالم معاوضه نکنم . بازجو عصبانی شده میگوید پس منتظر مرگ وحشتناک خود باش.

روز قبل از آزاد شدنم گفتم پدر من فردا آزاد میشوم آیا پیغامی برای خانواده نداری جواب داد

آنها را به خدا سپردم آرزو دارم خبر شهادت مرا با شادی بپذیرند و از جان و دل مسرور شوند جشن بگیرند و از موهبتی که خداوند نصیب پدرشان کرده است افتخار کنند و درگاهش را شاکر و حامد باشند . با ایمان و استقامت تام و خستگی ناپذیر به خدمت امرالله قیام نمایند . "

هنگام ملاقات با چند نفر از اعضاء خانواده اش که به اشاره از پشت شیشه میگویند انشاء الله بزودی آزاد میشوی در پاسخ دستها را بسوی آسمان بلند میکند باین معنی که هرچه اراده الهی باشد . چهار بار توانستند با سختی و مشکلات او را ملاقات کنند و مرتبه چهارم از احوال فرد فرد نزدیکان و دوستان جويا شد و برای همه آرزوی سلامتی و موفقیت نمود .

روز ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۱ ساعت ۲/۳۰ دقیقه بعد از ظهر پاسدار بخش آنها را صدا کرده میگوید اثاثیه خود را جمع کنید و بیایید دوستان هم بند آنها کمک میکنند جناب بابا زاده میگوید در حالیکه ما برای شهادت میبرند شما اثاث جمع میکنید ؟ آن دو دلداده دلبر آفاق در کمال متانت و آرامش و شعف بایاران وداع گفته عازم قربانگاه عشق میگردند . آنها را داخل محوطه ای میبرند و معاینه پزشکی بعمل میآورند کسی از سرنوشت آنها آگاه نمیگردد . روز ۳۰ اردیبهشت قبل از ظهر شخصی بمنزل آن بزرگوار تلفن کرده و با پسرش صحبت میکند . میپرسد چه نسبتی با نصرالله امینی دارد ؟ سپس خبر میدهد " پدرت را اعدام کرده اند اگر باور نمیکنی برو به دفتر

بهشت زهرا و شماره قطعه اش را بگیر . در آن دفتر تاریخ ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۱ ثبت شده بوده است . پس از دو روز جستجو نشانی هائی بدست میآورند که حاکی از صحت آن خبر جانگداز بوده است . خبر شهادت آن دو نفس مقدس در تاریخ ۲۶ می ۱۹۸۲ بوسیله بیت العدل اعظم به عالم بهائی اعلام میگردد .

نکته بسیار شورانگیز جالب توجه که حکایت از اجابت دعاهاى آن روح بزرگ در مورد اینکه فرزندان خبر شهادت او را با سرور و راحت قلب بشنوند اینست که یکی از دخترانش که مهاجر آفریقا بود در همان روزی که خبر شهادتش به ارض اقدس رسید او نیز بجهت زیارت بقاع مقدسه باتفاق همسرش وارد حیفا شد و فردای آنروز بیت العدل اعظم در ملاقاتشان با زائرین بدون اینکه مطلع باشند یکی از فرزندان این شهید در مجمع حاضر است خبر جانگداز فدائی و شهادتش را رسماً اعلام نمودند و او در میان زائرین از لسان بیت العدل اعظم حدیث جان نثاری پدر گرانقدرش را شنید و از موهبتی که نصیب پدر بزرگوار و محبوبش شده بود پیشانی تسلیم و رضا بر آستانه جلال کبریائی سائید .



نامه محفل روحانی ملی بهائیان برزیل
خطاب به بیت العدل اعظم

بانهایت مسرت ، بنام دفتر محیط زیست جامعه جهانی بهائی و از جانب خودمان ، خبرهای خلاصه شده زیر را در باره شرکت جامعه بهائی در UNCED/92 و « مجمع جهانی / ۹۲ که هر دو در تاریخ ۱۴ ژوئن خاتمه یافته اند . باستحضار میرساند.

* دومین کنفرانس مطبوعاتی در UNCED در دهم ماه ژوئن از کلیه هیئت های نمایندگی دولتی از ۵۰ کشور که با حمایت از « پروژه بنای یادبود صلح » با ارسال يك كيلوگرم از خاک کشورشان بمنظور آمیختن و بکارگیری در ساختن بنای یادبود به شکل مظهر و نمادی از وحدت ملت ها ، موافقت کرده بودند ، دعوت بعمل آمد که در مراسم ارائه این نمونه های خاک به کنفرانس مطبوعاتی ملی و بین المللی حضور یابند .

در این مراسم ، ۳۰ کشور در همان زمان نمونه های خاک کشورشان را به همراه داشتند که تماماً بنحوی بنمایش گذاشته شد که رنگ ها و ترکیب های خاک های گوناگون کاملاً متمایز بود . از بسیاری هیئت های نمایندگی دعوت بعمل آمد که از فرصت استفاده کرده تاریخچه نقاطی را که خاک از آن اماکن برداشته شده بود بیان کنند .

ماخذ دارالانشاء جلیله معهد اعلی

بتاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۹۲

(ترجمه غیر رسمی)

در نتیجه پوشش خبری چشمگیری از این مراسم در کلیه شبکه های تلویزیون سراسری بعمل آمد .

* کیوسک بهائی در مجمع جهانی :

طی دو هفته ای که نشست مجمع جهانی برگزار شد ، تعداد ۱۰۰ تن از یاران بهائی از ممالک مختلف با روحی سرشار از حُب و یگانگی ، کلیه بازدید کنندگان از کیوسک را پذیرا شده اند .

بسیاری از مٌخبرین که وقایع مجمع جهانی را گزارش میکردند نه تنها تحت تأثیر شدید سازمان دهی و نظم فعالیت های مرتبط با کیوسک بهائی قرار گرفتند ، بلکه احساس ها و نظرات خویش را دائر بر آنکه جامعه بهائی را میتوان بحق بعنوان یکی از بهترین و منظم ترین مؤسسات غیر دولتی در مجمع جهانی محسوب داشت ، ابراز میداشتند.

در فضائی بوسعت ۱۲متر مربع ، با ارائه آرمانهای بهائی مرتبط با محیط زیست که توسط جامعه جهانی بهائی آماده شده بود ، بیش از ۱۵۰ هزار اثر بهائی توزیع گردید که شماری از آن را کتاب هائی تشکیل میداد که بفروش رسید . بالغ بر ۲۰ هزار تن از نفوسی که از ۱۰۳ کشور مختلف آمده و قریب ده درصد کلیه بازدید کنندگان از مجمع

جهانی را تشکیل میداد ، اوقات بیشتری را در کیوسک بهانی گذراندند و با یاران بهانی به گفتگو پرداختند و اطلاعات بیشتری در باره امر بدست آوردند . اطلاعات مقدماتی حکایت از آن دارد که در نتیجه ده نفر بامراهی اقبال نمودند.

۱۴۲ خبرنگار از کیوسک دیدار نمودند که نمایندگی ۸۵ روزنامه ، شبکه تلویزیون سراسری ، رادیو و مجله را بر عهده داشتند . از آن میان ۴۲ تن نمایندگی خبرگزاریهای بین المللی را داشته که از کشورهای آرژانتین ، اروگوئه ، اکوادور ، اسپانیا ، آلمان ، انگلستان ، ایتالیا ، ایالات متحده ، دانمارک ، ژاپن ، سوئیس ، عربستان سعودی ، فرانسه ، قزاقستان ، سوئد ، کنیا ، قطر ، هلند و هنگ کنگ آمده بودند .

جزوای بزبانهای اسپانیولی ، فرانسه و پرتغالی که توسط دفتر محیط زیست جامعه جهانی بهانی اختصاصاً بجهت UNCED و مجمع جهانی تهیه شده است بواسطه Editora Baha'i do Brazil برای کلیه جوامع بین المللی علاقمند ارسال خواهد شد . رئیس جمهور ایسلند و نیز شماری از اعضای بسیاری از هیئت های رسمی نمایندگی اعزامی به UNCED از کیوسک بازدید بعمل آوردند .

کتاب " فردا به کودکان تعلق دارد " که با نقاشیهایی از اطفال در جمیع نقاط عالم ، و توسط جامعه بهانی تهیه شده ، در پروژه ای که با حمایت UNICEF و کمک های مالی انجمن برزیلی اسما (Asma) با تصاویر منتخب در يك مسابقه

جهانی ، تهیه شده است ، در تاریخ ۱۲ ژوئن در مجمع جهانی عرضه شد .

گروه کُر مُحصلین " مدرسه ملل " در آن مراسم که بسیاری از مقامات و از جمله نمایندگان یونیسف حضور داشتند ، برنامه آواز اجراء نمودند . از ۱۵ هزار نسخه چاپ اول این کتاب ، ۷۵۰۰ نسخه به یونیسف تسلیم شد که از محل فروش آن به پروژه های آموزشی کمک کند .

در تاریخ ۱۲ ژوئن نمایندگان جامعه جهانی بهانی و این محفل رسماً با آقای جیمس گرانت James Grant مدیر اجرایی یونیسف ملاقات نمودند که کتاب را بایشان تسلیم نمایند . در آن فرصت ، آقای گرانت تقبل کردند که یونیسف موجبات تقدیم نسخ این کتاب را به کلیه رؤسای ممالك جهان بر عهده گیرد .

* سیمپوزیم رهبری (۸ ژوئن ۱۹۹۲) :
جامعه بهانی با این ابتکار نشان داد که قدم مناسبی در برقراری موجبات تازه مناسبات فیما بین امرالله و دیگر مؤسسات غیر دولتی برداشته شده است . سیمپوزیم توسط نخست وزیر سابق زلاند نو افتتاح شد و چند سازمان غیر دولتی خواستار دریافت نسخه ای از ماحصل کار سیمپوزیم تحت عنوان " تعریف و تحدید مجدد رهبری " شدند .

* نمایش وحدت بهائی :
این نمایش چهارساعته که در ۱۲ ژوئن در پارک فلائینگو به صحنه آمد ، مسك الختام " مجموعه



ویدیوی ۲۰ ثانیه ای که توسط این محفل در « تجلی نام حضرت بهاء الله طی سال مقدس » تهیه شده بود پخش گردید .

* بنای یاد بود صلح :

در بعد ازظهر یوم ۱۴ ژوئن ، این بنای یادبود که حاوی نام و بیان حضرت بهاء الله (« فی الحقیقه عالم يك وطن محسوب است و من علی الارض اهل آن ») به چهار زبان (انگلیسی ، پرتغالی ، چینی و بومی) بود ، در حضور شهردار ریودوژانیرو ، ملکه ماموری از زلاند نو ، دو وزیر کابینه یکی از استرالیا و دیگری از زلاند نو ، نمایندگان نخست وزیران و وزراء و چند عضو از هیئت های نمایندگی دول ، افتتاح شد . صدها تن از مردم

نمایشات در پارک « بود که بر اثر درخواست مجمع جهانی توسط جامعه بهائی تنظیم و در ده شب به تماشا گذاشته شد . از جمله موضوعاتی که در این آخرین نمایش ارائه شد رقص هائی با مضامین بومی برزیلی ، يك صحنه جالب از فلوت و رقص حلقه (Hoop Dance) بوسیله Kevin Locke ، کُر آواز مدرسه ملل ، آواز يك گروه مشهور برزیلی برهبری يك بهائی ، و اجرای سه نفره گروه Mike Longo که بویژه برای این اجراء از ایالات متحده آمده بود . از این نمایش بالغ بر سه هزار تن دیدن کردند . در فواصل هر بخش از نمایش ، قسمتهائی از « وعده صلح جهانی » از جمله بیانات حضرت بهاء الله در آن مجموعه ، خوانده میشد . در خاتمه يك نوار

کاری که عمر بسیاری از ما برای اتمام آن کافی نخواهد بود ، از ماخواسته شده است که بزندگی خود معنی و مفهوم به بخشیم ، خود را برای چیزی که ماورای ما است وقف کنیم یعنی آن چیزی که ابعادش را هیچگاه نخواهیم دید ، از ماخواسته شده است که اثری دائمی و باقی از خود بجای گذاریم ، وقتی که بجهان دیگر صعود میکنیم چیزی باشد باقی و برقرار و در جهان آینده اثر داشته باشد ، چیزی که زندگی را برای نسل آینده تسهیل کند، چیزی که کمک کند به رهایی از خصومت، به ایجاد وحدت و هم آهنگی بشر، و بنظر من این آن چیزی است که ابنیه قوس کوه کرمل بدان خاطر بر پا میشود . ساختمان ابنیه قوس برای بتون و سنگ و اطاقها و ستونها و مرمرها و چیزهایی امثال آن نیست بلکه چیزی است ورای آنها . ساختمان ابنیه قوس امری است که بدان وسیله ما ناگهان خود را مواجه با مسئله ای می بینیم که ورای ادراك ما است و فرصتی است برای ما که نسلهای آینده بخاطر آن بما غبطه خواهند خورد .

بدین خاطر است که ما باین خدمت فراخوانده شده ایم و ما در مساعی خود ، در تلا شهای خود ، در مشاورات خود ، در تصمیمات خود مورد تشویق قرار میگیریم و مطمئناً بروح امر مؤیدیم و از بذل مساعی خود احساس رضا و راحتی میکنیم .



در این مراسم حضور یافتند که شدیداً زیر پوشش خبری بیش از ۲۰ کارکنان خبرگزاریها از جمله گروه تلویزیونی ژاپن ، مکزیک و شیلی قرار داشت .

از میان وقایع مهمه این مراسم که نظر عموم را جلب کرد ، ذکر نام آقای Syron Franco هنرمند مشهور ملی و مبتکر بنای یادبود ، بعنوان يك فرد بهائی بود . واقعه جالب دیگر سخنرانی آقای Warren Linden « هماهنگ کننده کل » مجمع جهانی در افتتاح مراسم بود که طی آن عنوان نمودند کنفرانس « سران خاك » و مجمع جهانی در باره محیط زیست و توسعه نبوده بلکه در حول بیانات حضرت بهاء الله که میفرمایند :

« فی الحقیقه عالم يك وطن محسوب است و من علی الارض اهل آن » دور میزند .

* تعداد کثیری از یاران بهائی در برنامه های دیگر مجمع جهانی همکاری داشتند که در میانشان نسوان بهائی تقریباً در خطوط مقدم تمام فعالیتها ، و از جمله UNCED قرار داشتند .

* ضمن بسیاری از مدارك مؤسسات غیر بهائی ، بخش های مهمی از مطالب مندرج در بیانیه های جامعه بهائی نقل قول شده و عبارتی چون « عالم يك وطن محسوب » در سر مقاله های يك روزنامه معتبر برزیلی مندرج گردیده و مؤسسات و افراد دیگر بطور مداوم احساسات و تمایلات خویش را در جهت « وحدت جهانی » و « وحدت در کثرت » اعلام میداشتند .

محفل روحانی ملی بهائیان برزیل

گردآوری و تنظیم از سرکارخانم پوران بقائی

گلچینی از گلزار جذبه های شوق و عشق یاران الهی

در لیلۀ یادبود

صدمین سال صعود منجی عالم جمال قدم

در ارض اقدس

۱ - ایادی عزیزامرالله جناب دکتر علیمحمد ورقا

وصف نشاء حیات بخش روحانی و عوالم شوق و انجذابی که در صدمین سال از لیلۀ مقدّس صعود جمال اقدس کبریا به ملکوت بقا قلوب و ارواح متجاوز از سه هزار بنده مشتاق را در حریم حرم اقدس تسخیر کرده و لسان روح را به بیان مبارک " تری یا محبوب الابهی تموجات بحرالقلب فی عشقک و هواک " ناطق ساخته بود از قلم و بیان بر نیاید چه بهیچ طریق نمیتوان آن کیفیت لطیف روحانی و اهتزازی که از اعماق وجود برمیخواست در محدوده الفاظ و عبرات محبوس و مقید نمود ، فقط میتوان گفت در آن دل شب دریچه از عالم ملکوت بر وجه اهل ارض مفتوح گردید و جانهای مشتاق را بعالم اسرار پیوند داد .

۲ - از نامه جناب علی نخجوانی :

و اما مراسم یادبود صدمین سال صعود جمال معبود بی نظیر بود . زیارت روضۀ مبارکه و نهادن لوحه افتخار در مدخل آن مقام مقدّس بدست حضرت امة البهاء و جلوس در حرم اقدس و طواف آن ملاء اعلی در لیلۀ و ساعت صعود آن مظهر مظلومیت کبری و بالاخره صعود از طبقات مقام اعلی و زیارت شمایل آن طلعت نورا در مقرّ معهد اعلی خاطراتی است که هرگز فراموش نخواهد شد و امید است در طی این سال مقدّس اثرات و تموجات آن وقایع تاریخیه مبارکه بتدریج ظاهر ر پدیدار گردد



۳ - جناب هوشمند فتح اعظم

چند روزی است که از اجتماع یاران در کوی جانان گذشته است و یاد آن ایام خوش در دل و جان نقش بسته . جای همه عزیزان خالی ، که بودند و ملک را آئینه ملکوت میدیدند . جمعی تقریباً از تمام نقاط جهان و مرکب از سه هزار نفر به طواف ملاء اعلیٰ مفتخر گشتند و ذاکراً متذکراً متبہلاً تا دمیدن صبح بذکر و ثناء و طواف مطاف ملاء اعلیٰ پرداختند در حالیکه شمعهای لرزانی که در اطراف خیابانهای حدائق روضه مبارکه نهاده بودند از مظلومیت جمال مبارک ، از انوار جمال مبارک و از حرارت و جذابیت و عظمت جمال مبارک سخنها میگفتند

۴ - خدارحم مژگانی فارس حضرت بهاء الله

در آنشب تاریخی شکوه و جلال و عظمت و وحدت امر الهی^۱ بظاهر ظاهر دیدم . در آن مجمع نورانی که بیش از ۲۰۰۰ نفر به نیابه از طرف تمام ملل عالم در چنین ليله مبارکی در مقدس ترین نقطه عالم گرد هم آمده بودند و با آن خلوص و محبت بیاد محبوبشان بدعا و مناجات پرداخته بودند بیشتر حالت رؤیا داشت تا حقیقت . تلاوت زیارتنامه مبارکه توسط جناب نخجوانی با آن صوت ملکوتی در وقت سحر روح را بعوالم باقی عروج میداد .



۵ - سرکار سمیحه خانم بنانی

با زیارت مهاجرین و فارسان امرالله و نمایندگان بهائی آفریقا خاطرات مهاجرت طولانی خودشان دوباره زنده شده بود » و اما شب صعود مبارک یکساعت از نیمه شب گذشته دسته دسته وارد میشدند و در صندلیهائی که در حرم اقدس گذاشته شده بود در محلّ های تعیین شده بی سر و صدا می نشستند . ساختمان روضه مبارکه و قصر بهجی که با نورافکن های قوی روشن شده بود شکوه و جلالی داشت عظمت آنشب عزیز وصف ناکردنی است بکلی فراموش کرده بودم در این دنیای خاکی هستم و سیر و طیرانی روحانی داشتم . پس از تلاوت زیارت نامه مبارکه، احباء با نظم و ترتیب و سکوت و وقار در پی حضرات ایادی و اعضاء بیت العدل اعظم الهی به طواف پرداختند و بنده که در صندلی چرخدار نشسته بودم ناگهان بخود آمدم که در این جهان فانی هستم و چه سعادت نصیب گردیده است پس شکرانه جمال مبارک را بجا آورم . «

۶ - گریس نیلسون

شکوه و جلال حضرت بهاء الله را بچشم میدیدیم که چطور از اقوام و ملل مختلف دنیا بدور روضه مبارکه در حرم اقدس جمع شده بودند و همه حکم يك شخص واحد را داشتند . یا از سردترین نقطه دنیا قطب

شمال با گروهی از آفریقای گرم با هم نشسته بودیم برای ما گرمای شدید بود و برای دوستان آفریقائی سرما و لی فرقی نمیکرد همه سکوت بود ، محبت و روحانیت بود ، حتی صدای نفَس کسی شنیده نمیشد . من مطمئن هستم با مغناطیس تائید و جاذبه عشق و روحانیتی که کسب کردیم به هر شهر و دیاری که برویم قادر هستیم دنیا را تکان بدهیم .



مرد و زن ، پیر و جوان ، فقیر و غنی ، سیاه و سفید ، سرخ و زرد ، متحداً تحت تأثیر قدرت و نفوذ امر الهی قرار گرفته بودند .

بعد از طواف حول مقام اعلیٰ احباء جهت زیارت شمایل مقدس حضرت بهاء الله به سمت مقر بیت العدل اعظم رهسپار گردیدند . در طی این مراسم

۷- ورطا سخنور

من دون استحقاق این بنده حقیر شاهد واقعه تاریخی عظیمی شدم که بزرگترین تجربه روحانی زندگیم بود باور کنید در شب صعود وقتی اعضاء بیت العدل و ایادی ها برای دعا به قصر بهجی تشریف بردند همه ساکت بودند حتی کسی بلند نفس نمی کشید مبدا صدای نفس هایش باعث ناراحتی دیگران شود ولی در نهایت همان سکوت غلغله و هیجانی در دلها بر پا بود

۸ - سرکار خانم شیدا صحیحی

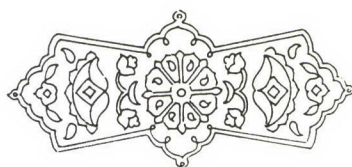
در تمام مدت با خود میگفتم من کی هستم ؟ چی هستم ؟ و چه لیاقتی دارم که در این مراسم پر جلال و شکوه شرکت کنم . ولی باز بخاطر آوردم که هرچه ذره پست و ناچیز باشد مثل اینکه باز موردلطف حق قرار میگیرد .

نکات جالبی در نامه اشان بنظر میرسید که بنده فقط بذکر چند نکته می پردازم ، سکوت مردم بی نظیر بود چه در صبحی که لوحه ذهبی را در مدخل روضه مبارکه می نهادند که هوا بینهایت گرم بود و مردم ساعت ها در آفتاب فوق العاده داغ نشسته بودند ولی صدا از کسی در نمی آمد با خود میگفتم این جز قوه قاهره جمال مبارک چه میتواند باشد که سه هزار نفر از ملیت های مختلف با آداب و رسوم مختلف گرد هم جمع شوند و آنقدر احترام و اتفاق و سکوت و محبت باشد، باور کنید این جاذبه عهد و میثاق بود.. راجع به شمع ها حتماً خیلی شنیده اید که هزاران شمع روشن کرده بودند وقتی در دل شب وارد بهجی شدیم ۶ هزار شمع در ۹ ردیف اطراف حرم اقدس میسوخت با خود گفتم نه ، این شمع ها شمع معمولی نیست اینها ارواح ملکوت اعلی هستند که غرق نور بودند ، طائف حول بودند ، هادی بودند و نور میدادند ولی ادعائی نمیکردند ، پروانه میسوختند و در راه معشوق جان میدادند . این شمع ها به همه عالم میگفتند که راز بندگی جمال مبارک در رضاست ..

۹ - دوشیزه نسیم برجیس

خوش شانسی در محلی که نشسته بودم کاملاً مسلط به روضه مبارکه و قصر بهجی بود ، ساعت ۲/۵ نیمه شب بود که امة البهاء روحیه خانم باتفاق ایادیان امراالله جناب علی اکبر فروتن و دکتر علیمحمد ورقا و اعضاء محترم بیت العدل اعظم الهی برای دعا و نیایش از طرف حاضران به اطاق صعود تشریف بردند دیگر دوستان نیز با سکوت در دل براز و نیاز و تلاوت مناجات مشغول بودند . الواح الهی و طنین اصوات خوش فضا را پر کرده بود و یاران مست و مخمور از جذبه روحانی همراه با نوای مرغان و شکفتن گلها عشق و احترام خود را نثار مظهر امر نمودند .

توضیح : کلیه عکسهای این مقاله و عکسهای گزارش تشکیل ۱۲ محفل مقدس ملی و توضیحات ذیل آنها مربوط باخبار بین المللی است که از ارض اقدس برای مجله عندلیب رسیده است .



قصه در آثار بهائی

در شماره ۱۸ مجله عندلیب (بهار ۱۳۶۵، ص ۲۲ - ۳۰) مقاله ای تحت عنوان « قصه در آثار بهائی » منتشر گردید ، در آن مقاله پس از مقدمه ای کوتاه سوابق و مآخذ هفت قصه منقول در آثار مبارکه بهائی بررسی گشته و جمع آوری و تعیین سوابق قصص دیگر به مقالات بعدی موکول شده بود .

بعد در عندلیب شماره ۲۲ (بهار ۱۳۶۶ ، ص ۲۴ - ۳۲) و شماره ۲۶ (بهار ۱۳۶۷ ، ص ۳۸ - ۴۵) و شماره ۳۲ (پائیز ۱۳۶۸ ، ص ۲۶ - ۲۹) و شماره ۳۶ (پائیز ۱۳۶۹ ، ص ۲۷ - ۳۲) سوابق چندین قصه دیگر مورد مطالعه قرار گرفت . آنچه در این شماره درج میگردد بررسی و تعیین مآخذ و سوابق چند قصه دیگری است که در آثار مبارکه بهائی نقل و یا به آنها اشاره گردیده است .

۱ - حضرت بهاء الله در لوحی میفرمایند :

« ... ثم اذكر النعمان الذي كان من اعز الملوك و من قبله احد من الكيان اذ تجلت على قلبها شمس الانقطاع تركا ما عندهما و خرجا عن بيتهما مقبلين الى المراء و ما اطلع بهما الا الله العليم ان النعمان كان مستويا على عرش الملك إذ اسمعناه كلمة من كلماتي العليا اهتز و تفكر و تحير ثم انتبه و قام و قال مخاطبا الى نفسه لا خير فيما ملكته اليوم و غذا يملكه غيرك كذلك نهناه و انا المقتدر القدير فلما تنفس الصبح و طلع الشمس وجد الامراء العرش متروكا تحيروا و تفحصوا في الاقطار الى ان ينسوا

عما املوا انه لهو العالم الخبير لعمرالله لو نكشف الغطاء عن العيون كما كشفنا عنه لتري الناس يدعون الدنيا عن ورائهم و يتركون ما يمنهم عن هذا الافق المنير طوبى لمن تنور بانوار الانقطاع انه من اهل السفينة الحمراء لدى الله رب العرش العظيم طوبى لمدينة اشرفت شمس الانقطاع من افقها و لارض اضئت من انوارها لعمرى لو فازت هذه الديار بنور من اشراقها لما بلى البهاء بين الاعداء كذلك يقص لك مالك الاسماء لتكون من العارفين ... » (۱)

مضامین این لوح مبارک در اثر دیگری از جمال قدم به فارسی چنین مذکور شده است :

« ... اگر نفسی قطره نی از بحر محبت بیاشامد و یا برشحه نی از بحر انقطاع فائز شود جمیع عالم را شبه يك كف تراب مشاهده نماید و آنچه در آسمانها و زمین است او را از سبیل دوست منع نماید چندی قبل لوحی از سماء مشیت الهی نازل و این فقره در آن لوح اقدس امع از قلم اعلی مسطور يك تجلی از تجلیات شمس انقطاع بر ملوک افتاد از خود و غیر خود گذشتند و سر در بیابانها نهادند از جمله نعمان بود که چون يك اشراق از شمس کلمه که از مشرق انقطاع مشرق بود بر او تافت متفکر شد و هم متحیر و چون از سکر تحیر برآمد خود او بخود او خطاب نمود که چه مصرف دارد اینهمه اموال و زخارف که جمع نمودی و فردا دیگری او را مالک شود و غیر تو بر کرسی تو نشیند در يك آن جذب رحيق انقطاع

او را بمقامی رساند که از خزائن و دفائن و تاج و تخت و اسباب حشمت و سلطنت گذشت در همان شب از بیت خارج شد و رو بصحرا نهاد و چون صبح طالع و امرا حاضر ، سریر سلطنت را بی ملک دیدند آنچه تفحص کردند خبری از او نیافتند و اگر الیوم از برای جمیع من علی الارض از اعلی و ادنی این مقام تجلی نماید کلّ را منقطع از ماسوی الله مشاهده نمایند چه که بر فنا و نیستی دنیا فی الحقیقه واقف شوند و بچشم بصیرت ملاحظه نمایند جمیع ناس بفنای دنیا شهادت دهند و لکن این شهادت حقیقت ندارد و بمقام ملکه نیامده چه اگر فی الحقیقه ادراک نمایند و ببصر حقیقی ملاحظه کنند هرگز خود را بسبب او از فیوضات نامتناهیة الهیة محروم ننمایند اکثر دیدنها و گفتنها و شنیدننها و عرفانها عارضی است نه حقیقی هر بصیری این گفتار را گواه است و هر علیمی بر راستی آن شهادت داده و میدهد از حقّ میطلبیم جمیع ناس را بشنیدن کلمه مبارکه خود مؤید فرماید تا کلّ از کدورات دنیا و غفلت آن منزّه شوند و بقلب و فؤاد بمطلع نور احدیه توجه نمایند انه لهوالمعطی المجیب الکریم ... » (۲)

اشارات جمال قدم در این دو لوح منیع مبارک راجع به نعمان ابن امرؤ القیس بن عمرو لخمی است که از ملوک حیره بود و به نعمان سائح اشتهاه دارد. نعمان در حدود سال ۴۰۲ میلادی از طرف پادشاه ایران به فرمانروائی حیره رسید و مدت سی سال با شکوه و شهامت و شجاعت حکمرانی نمود . نعمان از نام آورترین ملوک حیره است چه از نظر قدرت ، کثرت

خدم و حشم و کفایت و درایت در حکمرانی کسی از ملوک حیره به پای او نمیرسد. نعمان ، بانی دو قصر معروف بنامهای خورنق و سدیر است که به وفور در کتب تاریخی و ادبی توصیف آنها مذکور گردیده است . (۳)

بنابر آنچه در تواریخ آمده از جمله شرحی که حمزه اصفهانی در کتاب تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء نوشته ، نعمان پس از سی سال فرمانروائی و ثروت و مکنّت و قدرت اعجاب انگیزی که حاصل کرده بود به پوچی و بی اعتباری شئون دنیوی واقف گشت و با خود اندیشید که در آنچه امروز در دست من است و فردا از آن دیگری است به واقع چه ارزشی نهفته است ؟ نعمان در این اندیشه فرو شد ، دست از هرچه در مدت سی سال کسب کرده بود کشید و به انقطاع صرف در دیار سیار شد و از آن پس دیگر کسی از او خبری نیافت .

عین عبارت حمزه اصفهانی که جمال قدم عبارتی کاملاً مشابه آن را در لوح مبارک مرقوم فرموده اند چنین است که : « ... قال فی نفسه ای درک فی هذا الذی قد ملکته الیوم ویملکه غدا غیری ... » (۴)

جمال قدم در اولین لوحی که نقل شد پس از ذکر نعمان اشاره به « احد من الکیان » نیز فرموده اند که وقتی شمس انقطاع بر او مشرق شد او نیز از آنچه داشت برید و سر به صحرا نهاد و از عاقبت او جز حقّ جلّ جلاله کسی مطلع نیست . مقصود از یکی از کیانیان ، کیخسرو کیانی است که سومین پادشاه سلسله کیانی و از مشهور ترین ایشان است. کیخسرو پسر سیاوش و فرنگیس بود و گیو

پسر گودرز کیخسرو و مادرش را از ترکستان به ایران آورد و کیخسرو بعد از کیکاوس بر تخت نشست .

سیاوش فرزند کیکاوس و دست پرورده رستم بود و در ختن جاه و جلال و ضیاع و عقار و فیر داشت. گرسیوز برادر افراسیاب که به حشمت سیاوش حسادت میورزید افراسیاب را به کشتن سیاوش بر انگیخت و سرانجام سیاوش پدر کیخسرو به دست افراسیاب بقتل رسید. کیخسرو پس از جلوس بر تخت سلطنت به خونخواهی پدر خود سیاوش قیام نمود و با افراسیاب به نبرد پرداخت و سرانجام رستم ، پهلوان نامی ایران افراسیاب و برادر او گرسیوز را از پا درآورد . کیخسرو در میان شاهنشاهان ایران به عدل و داد و یزدان پرستی و بزرگواری مشهور و ممتاز است . طبری در باره عاقبت کار کیخسرو کیانی در تاریخ خود چنین آورده است :

« . . . و چون کیخسرو از خونخواهی سیاوخش فراغت یافت و در ملك خویش آرام گرفت به کار پادشاهی بی رغبت شد و به زهد پرداخت و به سران خاندان و بزرگان مملکت گفت که سر کناره گیری دارد که سخت بیمناك شدند و تضرع کردند و خواستند که همچنان شاهی کند . اما در او اثر نکرد و چون نومید شدند گفتند اکنون که اصرار داری یکی را نامزد پادشاهی کن که او را به شاهی برداریم و لهراسف حاضر بود و کیخسرو با دست بدو اشاره کرد و گفت که جانشین و وصی منست و لهراسف جانشینی کیخسرو را پذیرفت و

کسان بدو اقبال کردند و کیخسرو نهان شد . بعضی ها گفته اند گوشه گرفت و کس ندانست کجا مرد و مرگش چسان بود و بعضی ها سخن دیگر گفته اند . . . » (۵)

مؤلف حبیب السیر نیز در باره پایان حیات کیخسرو چنین نوشته است :

« . . . آخر الامر برشحات سحاب توفیق پادشاهی ذوالجلال و الاکرام دست از ملك و مال باز داشته لهراسپ را بولایت عهد خویش تعیین نمود و از طبل و علم و حشم هجران گزیده دیگر هیچ آفریده ای او را ندید و چنانچه سابقاً مرقوم کلك بیان گشت باتفاق جمهور مورخان مدت سلطنتش شصت سال بود اما مؤلف تاریخ معجم مرقوم قلم بلاغت رقم گردانیده شعر :

چو صد سال کیخسرو نامدار
بهرچه آرزو کرد شد کامکار
بدانست آخر چو فرزندان
که گیتی سراپست و ماتشنگان
همی تشنه چندانکه پی بیشتر
نهد باشدش تشنگی بیشتر
به لهراسب داد افسر خسروی
ولیعهدی و تاج کیخسروی... (۶)

۲ - حضرت عبدالبهاء در لوحی که بتاريخ ۱۹ اغسطوس ۱۸۹۱ م مورخ است میفرمایند :
« دوست حقیقی مهربان اثر خامه عنبرنثار آن یار وفادار چون نفحه گلشن اسرار مشام مشتاقان را

معطر و معنبر نمود . . . حکایت کنند که از پیشینیان قاضی بود قره قوش نام و لکن بیهوش و بی گوش در زمان حکومت و سطوت او دزدی شبانه به کاشانه جولانی در آمد در تیرگی شب حدقه دیده اش مصادم میخی شد که در دیوار بود قضا چشمش نابینا گشت بامداد در پیشگاه قره قوش دادخواهی نمود چون صاحب خانه را حاضر نمودند قاضی بازخواست نمود که چرا در جدار خویش میخی نهاده و تصور ننمودی که شاید دزدی شبانه بخانه درآید و چشمش از صدمه آن نابینا گردد . جولا عرض نمود که دزد را شبانه به خانه بیگانه چه کار او را زجر و سیاست لازم نه مرا . قاضی عادل از او نپذیرفت فوراً به قصاص امر فرمود که چشم جولا را نابینا کنند چون راه مفر ندید عرض کرد که من جولایم و در صنعت خویش به دو چشم محتاج چه که در وقت بافتن راست و چپ را دقت لازم اما همسایه ای دارم صیاد و شکارچی در وقت شکار به يك چشم محتاج، چشم راست را باز کند و چپ را بهم نهد و نشان گیرد اگر عدالت خواهید چشم او را به عوض من نابینا کنید فوراً صیاد بیچاره را حاضر ساختند و دیده اش را نابینا کردند و نمیدانست که این قصاص بسبب چه جرمی است و به جهت چه گناهی . حال ملاحظه کن از شدت کیاست و حسن سیاست در حکومت ایران نیز این عدالتها بیش از زمان قره قوش جاری میشود . . . » (۷)

قره قوش یا قراقوش که شرح یکی از قضاوت های منسوب به او در لوح مبارك مذکور گشته شهرت

بهاء الدین ابن عبدالله اسدی رومی از رجال نیمه دوم قرن ششم هجری است، که در دولت ایوبیان به مقامات عالیه رسید و مصدر خدمات مهمه گردید . از جمله در عصر صلاح الدین ایوبی (فوت ۵۸۹ هـ ق — ۱۱۹۳ م) حکومت مصر را بعهده داشت و به ساختن برج و باروی شهر قاهره اقدام نمود و چون مردی کاردان ، پر همت و علاقمند به عمران و آبادانی بود به همت او پلها ، قلعه ها و ابنیه عدیده دیگری در دوره حکومتش تعمیر و یا بنیاد گردید . صلاح الدین ایوبی پس از فتح عکا قراقوش را برای ترمیم و تحکیم استحکامات عکا به این مدینه گسیل داشت . قراقوش پس از مرگ صلاح الدین همچنان در خدمت سلاطین ایوبی باقی ماند و سرانجام در قاهره به سال ۵۹۷ هـ ق — ۱۲۰۰ م از این عالم درگذشت . در باره قراقوش حکایات و قضاوتهای عدیده ای در کتب نقل گشته و یا به او منسوب گردیده که با شرح احوال و درایت و کفایت و کاردانی او مطابق نمی آید .

از جمله از قاضی ابوالکرام اسعد بن خطیر معروف به ابن مماتی (فوت ۶۰۶ هـ ق — ۱۲۰۹ م) اثری بنام کتاب الفاشوش فی احکام قراقوش بجا ماند که محتوی قضاوتها و احکام عجیب و غریب منسوب به قراقوش است . قضاوتهای احمقانه قضات بی مایه را در بین حکایات منسوب به « دیوان بلخ » و « شهر هرت » هم میتوان مطالعه نمود و اصولاً داستانها مبتنی بر قضاوتهای عجولانه و بی اساس و مضحك قاضیان دروغین در بین قصص عامیانه

متداول در بین بسیاری از ملل عالم شیوع و تداول فراوان داشته است . (۸)

قضیه ذکاوت و کاردانی قراقوش که مورخین بر آن اتفاق نظر دارند و از طرف دیگر احکام مسخره‌ای که به او منسوب شده قضیه‌ای است که هنوز مورد بررسی و مطالعه جدی قرار نگرفته است . کازانو که مطالعه مشروحی در باره قراقوش انجام داده کوشش نموده است تا نشان دهد که ابن مماتی بعلمت نفرتی که نسبت به قراقوش و سختگیرهای او داشته کتاب الفاشوش را برشته تحریر کشیده تا او را تخطئه و بدنام نماید . ابن خلکان نیز در شرح حال مختصری که راجع به قراقوش نوشته او را از این گونه قضاوتها مبرا دانسته است . (۹)

در هر حال حضرت عبدالبهاء بر اساس آنچه معروف و مشهور در بین خلق است با ذکر اصطلاح " حکایت کنند " به نقل قصه " دزدی در خانه جولا " پرداخته اند و مسئله اصلی مورد نظر هیکل مبارک صرف نظر از صحت و سقم انتساب آن به قراقوش مسئله صدور احکام بی اساس و مجازات بیگناهان بخاطر جرمی است که هرگز مرتکب نگشته اند . قصه منسوب به قراقوش را با شرح و بسط و شاخ و برگ بسیار در کتاب ریشه‌های تاریخی امثال و حکم ، در ذیل " دیوان بلخ " میتوان ملاحظه نمود .

۲ - میرزا منیر نبیل زاده در کتاب خاطرات خود که تحت عنوان مآثر المنیر به رشته تحریر در آورده به نقل قصه‌ای مبادرت نموده که از لسان حضرت عبدالبهاء جاری شده است . نبیل زاده مینویسد :

" ... ليلة جمعه نوزدهم محرم ۱۲۲۹ [هـ ق] با جناب آقا میرزا ابوالفضائل و جمعی مشرف بودیم بعد از عنایات و بیاناتی باقلوا قسمت فرمودند ، خوردیم . آقا غلامحسین قاننی وارد شد فرمودند مرحبا بیا بیا باقلوا خودت بردار ، خودت بخور مثل این که میگویند برای کریم خان زند قوشی آوردند گفت این چه فایده دارد گفتند مرغ شکار میکند . پرسید خودش چه میخورد گفتند گوشت میخورد . گفت خوب رها کنید برود خودش بگیرد و خودش بخورد ... "

این حکایت در کتاب ریشه‌های تاریخی امثال و حکم در ذیل " قوش کریمخانی " چنین آمده است که :

" ... روزی برای کریمخان زند سر دودمان سلسله زندیه ... قوشی بعنوان تحفه آورده بودند که بسیار قشنگ و زیبا بود . کریمخان از بازیار پرسید خوراك این قوش چیست و چگونه باید از این حیوان پذیرائی کرد ؟ بازیار جواب داد این قوش شب و روزی دو وعده غذا میخورد و هر وعده باید گوشت يك مرغ بزرگ یا دو کبوتر باو داد . (۱۰)

در فاصله دو وعده غذا اگر مقداری از انواع تنقلات نیز باو داده شود در فربهی و سلامتیش بی اثر نخواهد بود . محل سکونت این نوع قوشها باید قفس بالنسبه بزرگ و بسیار زیبا باشد و روزی یکبار نیز او را شستشو دهند تا گرد و غباری که بر سر و رویش نشسته است زایل و زدوده گردد.

کریمخان زند مجدداً پرسید : بگوئید بینم این حیوان زبان بسته در ازاء اینهمه تیمار داری و پرستاری چه فایده ای دارد ؟ هرگاه وکیل الرعایا قصد شکار کند و تصادفاً کبک یا کبوتری را از دور ببیند قوش را رها میکند و این حیوان احتمال دارد یکی از آن پرندگان را صید کند و بحضور سلطان بیاورد . همچنین اگر آهوئی از جرگه شکار و تیررس سلطان فرار کند هنر قوش این است که خود را به آهو میرساند و در مقابل دیدگانش آنقدر پرپر میزند تا حضرت وکیل الرعایا به آهو نزدیک شوند و آنرا هدف قرار دهند .

سرسلسله دودمان زندیه که تاکنون سراپا گوش بود و دیده از حیوان تقدیمی بر نمیداشت با تبستمی که حاکی از کمال صفا و وطنخواهی و رعایت اقتصاد و صرفه جوئی در دستگاه سلطنت بود باورندگان قوش گفت : با این ترتیب به حساب شما من باید روزی چهار کبوتر و مقداری تنقلات برای تغذیه این حیوان تدارک کنم و یک نفر مرتبی نیز برای تیمار داشت و پرستاریش استخدام نمایم ؟

حضار مجلس همگی به علامت تصدیق سر فرود آوردند .

کریمخان زند پُکی به قلیان مرصع زد و به لهجه لری گفت :

ولس کنید سی خوش بیره ، سی خوش بُره . یعنی رهایش کنید تا خودش بگیرد و خودش بخورد، در دربار من ستون خرجی برای اینگونه تفریحات و تجملات بیفایده وجود ندارد ...» (۱۱)

یادداشتها:

- ۱ - عبدالحمید اشراق خاوری ، مانده آسمانی (ط : مؤسسه مطبوعات امری : ۱۲۹ ب) ج ۴ ، ص ۲۷
- ۲ - حضرت بهاء الله ، آثار قلم اعلی (ط : مؤسسه مطبوعات امری ، ۱۳۴ ب) ج ۷ : ص ۲۲۴ - ۲۲۵
- ۳ - حضرت بهاء الله در باره قصر سدید در لوح سلطان ایران چنین میفرمایند :
- « ... ای حصن منع عنه رسول الموت اذا اتی و ای سریر ماکسر و ای سدید ماقفر ... » (مأخذ شماره ۲ ، ج ۱ ، طبع ۱۲۰ ب : ص ۹۴) و نیز در باره قصر سدید و خورنق در لوح قناع چنین آمده است :
- « ... این من بنی الخورنق و السدید و این من اراد ان یرتقی الی الایثار ... » (حضرت بهاء الله ، مجموعه الواح مبارکه ، قاهره : سعادت ۱۹۲۰ م ، ص ۷۴ - ۷۵) .
- ۴ - حمزه بن الحسن الاصفهانی ، کتاب تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء (برلین : کاویانی ، بی تاریخ) ص ۶۸ .
- ۵ - محمد بن جریر طبری ، تاریخ طبری (ط : اساطیر ۱۳۶۲) ، ترجمه ابوالقاسم پاینده ، ج ۲ ، ص ۴۲۲
- ۶ - غیاث الدین بن همام الدین الحسینی ، خواندمیر ، تاریخ حبیب السیر (ط : خیام ۱۳۶۲) ، چاپ سوم ، ج ۱ ، ص ۱۹۷ .
- ۷ - نقل از نسخه موجود در مجموعه ادوارد براون ، دانشگاه کمبریج شماره (F66, No.12)
- ۸ - برای ملاحظه این نوع حکایات نگاه کنید به ذیل «دیوان بلخ» در کتاب مهدی پرتوی آملی موسوم به ریشه های تاریخی امثال وحکم (ط : سنائی ، ۱۳۶۵) ، ج ۱ ص ۶۵۸ - ۶۶۸ و «شهر هرت» در کتاب کاوشی در امثال و حکم فارسی (قم : نمایشگاه و نشر کتاب ، ۱۳۶۴) ، ص ۲۲۵ - ۲۲۷ اثر سید یحیی برقی .
- ۹ - نگاه کنید به مقاله « قراقوش » در دائرة المعارف اسلامی (Encyclopaedia of Islam , new ed , Vol IV , pp.613 - 614)
- ۱۰ - کلمه « بازیار » در لغت به معنی مرتبی و نگاه دارنده باز است . بازیار را قوشچی و میرشکار نیز میگویند (لغت نامه دهخدا) .
- ۱۱ - مأخذ شماره ۸ ، ج ۲ ، ص ۹۲۲ ، ۹۲۳ .

شخصی اعور که از رؤسای قوم

است در نهایت معارضه بر خیزد

در کتاب مستطاب ایقان (چاپ مصر - ۱۹۰۰ میلادی - ص ۲۰۸ بیانی نازل که « از فقها و علمای بیان استدعا مینمایم که چنین مشی ننمایند و بر جوهر الهی و نور ربّانی و صرف ازلی و مبدء و منتهای مظاهر غیبی در زمن مستغاث وارد نیاورند آنچه در این کور وارد شد ... اگر چه با جمیع این وصایا دیده میشود که شخصی اعور که از رؤسای قوم است در نهایت معارضه بر خیزد و همچنین در هر بلدی بر نفی آن جمال قدسی بر خیزند ... »

جناب آقا میرزا محمود کاشانی در رساله خود شخص موصوف را سید محمّد اصفهانی دانسته و او را چنین معرفی کرده است : « سید محمّد اصفهانی ... اغوای یحیی از او بود ... جز آنکه در آثار الله مسطور است . بیاناً بکرات میفرمودند که یحیی بسید اطمینان نمود و اغوا گشت و گمراه شد ... اگرچه لم یزل انوار صبح جمال مشرق بود و آفتاب لقاء بيمثال ساطع و لامع ولی چون میقات معهود ثمانین و تسع آخر رسید و شمس وصال ظهور فی قطب الزوال استقرار فرمود آن دجال اعور حاسد حقوق عنود چنانچه در رساله ایقان اخبار فرموده بودند به تمام جهد باعراض قیام کرد و بخرابی میرزا یحیی پرداخت تا بکلی او را مطیّه

هوای خود ساخت ... »

جناب نبیل زرنندی نیز در یکی از مثنویهای خود بمشارّالیه اشاره ای دارد :

« هم حریم نقطه را از ارض صاد

خواست تا بغداد با صدگون فساد »

که اشاره باقدام ناپسندیده میرزا یحیی راجع بحرم

دوم حضرت نقطه اولی است :

خود تصرف کرد يك ماه تمام

بعد از آن دادش بآن نسل حرام

که رسولش اعور دجال خواند

وصف او را از لسان صدق راند

گفت چاه ارض صادش مسکن است

نسل شیطان است و هم نام من است

(مقصود از ارض صاد سرزمین اصفهان است)

گرچه دزدی و گدائی می کند

ليك دعوی خدائی می کند

(اشاره باقدمات و ادعاهای سید محمّد مزبور در

بغداد و ادرنه است که بحکومت عثمانی برای اخذ

شهریه مراجعه مینمود و خود را باسم قدّوس نامیده

بود)

اعور است آن کافر ربّ السماء

نیست اعور ربّ محبوب شما

شاهد دیگر براین مطلب اشعار شمس جهان خانم

ملقب به « ورقة الرضوان » و « فتنه » از مؤمنین برجسته

دور بیان است که در بغداد بزیارت جمال اقدس ابھی

مشرف شد و مورد عنایات فراوان قرار گرفت .
مشارالیهها نوه فتحعلیشاه قاجار و صاحب کمالات
عرفانی و ادبی و با حضرت طاهره نیز ملاقات کرده
وشیفته آن شخصیت ممتاز بوده است .

مشارالیهها در شرح حیات و تشرّف خود مثنوی
دلنشینی پرداخته که ابیاتی از آن در زیر آمده و
صراحتاً اشاره بسید محمد اصفهانی دارد .

« مدت شش ماه در دارالسلام

درجوار خویشتن دادم مقام

(اشاره بتشرّف مشارالیهها بحضور هیکل اطهر)

بعد از آن فرمود آن پروردگار

رفتن تو لازم آمد زین دیار...

بعد از آن کرمان شاهان آمدم

از غم هجران در افغان آمدم

اندر آنجا بود آن شیطان راه

اصفهانی رو سیاه و دل سیاه

حاجی و سید محمد نام او

مدتی کردیم با هم گفتگو

برسیه دل خواندن وعظم چه بود

بر صراط امر حق هرگز نبود

این قلم فریاد میدارد چرا

اسم او جاری شود بر کلك ما

لعنت حق باد بر دجال کور

کز خدا مخلوق را بنمود دور»

اگر چه بعضی از فضلی امر (به قاموس ایقان
تالیف جناب اشراق خاوری مراجعه شود) بیان
نازل در کتاب ایقان را بحاجی محمد کریم خان
کرمانی تعبیر فرموده اند اما بنظر میرسد اشارات

مذکور در اشعار و رسالات متقدّمین که نقل شد و
همه آنان شخصاً سید مذکور را دیده و
میشناختند براین حقیقت تاریخی شاهد باشد که
مشارالیه را در چشم نیز علت و ضایعه ای بوده و
بهمین سبب نظر باعمال و اطوار و ظاهر و باطن
مصادق بیان مبارک مزبور واقع شده است . اطلاق
عنوان یکی « از رؤسای قوم » بر سید محمد
باعبار سفر اوبه بغداد و وابستگی و محرمیت و
ارتباط اوبا میرزا یحیی است . در آثار حضرت
بهاء الله غالباً افراد سرشناس و معروف جامعه بابی
بعنوان « رؤسای بیان » نام برده شده اند . اما
اشاره بمخالفت های حاجی محمد کریم خان با امر
حضرت نقطه صریحاً و تفصیلاً در موضع دیگری
از کتاب مبارک ایقان آمده است .

در خصوص سید محمد اصفهانی و اقدامات او
بکتاب « بهاء الله شمس حقیقت » (ایادی امرالله
جناب بالیوزی) « حضرت بهاء الله » (جناب محمد

علی فیضی) و The Revelation of Bahah'u'llah

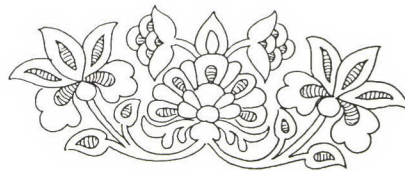
(جناب ادیب طاهرزاده) رجوع شود .

برای مزید اطلاع در باره نفوس مذکور که بآثار و
اشعارشان استشهاد شده ممکن است به ظهورالحق
(جناب فاضل مازندرانی) جلد هشتم ، ص
۱۱۳۸ ، محاضرات (جناب اشراق خاوری) ، ص
۲۱ ، تذکره شعرای قرن اول بهائی (جناب
نعمت الله ذکائی بیضائی) جلد سوم ، ص ۱۶۷ و
در خصوص حاجی محمد کریم خان به قاموس
ایقان (جناب اشراق خاوری) ، ص ۱۷۹۲ نیز
مراجعه شود .

دو قطعه شعر از دو شاعر غیر بهائی
رسیده از مهد امرالله

ابهی'

ای بهاء الله ، جان قربان تو	چون بود نور خدا در جان تو
تا تو از ایران زمین برخاستی	شوکت و فرش بود از شان تو
کاش! میدیدی که این نابخردان	خود چها کردند با ایران تو
چون تو فرمان خدا را میبری	می پذیرد هرکسی فرمان تو
کار تو از بسکه حیرت زا بود	میشود هر شاهدهی حیران تو
دردمند دین اگر باشد کسی	چاره او نیست جز درمان تو
من بهائی نیستم اما بجان	می شناسم ارزش ایمان تو
تا رها گردیم از هر آفتی	دست ما و گوشه دامن تو



پیام صلح به اغیار و دوستان که رساند ؟
که دیو فتنه ز عالم براند و برهاند ؟
فدای آن کلماتم که از پیام تو خوشتر
کس این حدیث نگوید کس این سخن نتواند
کس این سخن نتواند بدین بیان که تو گفتی
کس این حدیث نگوید که رمز عشق نداند

ظلام جهل مبدل شود به شمس حقیقت
 نسیم امر چو عطری از آن کلاه فشاند
 امید آنکه پیامت ، غبار کینه بشوید
 رجای آنکه ندایت نهال صلح نشاند
 امید آنکه ز ماتم ، دلی بخون ننشیند
 رجای آنکه سیه اشک ، کس به رخ ندواند
 امید آنکه زخون شهید لاله نروید
 رجای آنکه کسی جز سرود عشق نخواند
 برهنه کس ، به سیه چال ظلم و فتنه نخسبد
 قبابی سرخ شهادت ، کسی بتن ندراند
 مزاج دهر تبه شد ، جمال اقدس ابهی
 کجاست تا که جهانی ز گمراهی برهاند
 در این قفس که فتادم بهیچ سوی رهم نیست
 مگر که دست هدایت به گلشنم بکشاند
 اگر به « دوره تکوین » ملول ماندم و غمگین
 مرا به « عصر طلّائین » عنایتش برساند
 چه غم مرا که یقین است آنکه خانه داد است
 مراد مردم مظلوم عاقبت بستاند
 اگر ز زمره اغیارم و به کعبه رهم نیست
 امید هست ز یاران کس این ترانه بخواند



سرعت و کثرت و کیفیت آیات نازل در این دور مبارك

کثرت آیات نازل در این امر جلیل اکبر و سرعت و کیفیت نزول آثار در این ظهور اعظم از خصوصیات ممتازه و وجه تمایز اعظمیت و اکملیت شارعین مقدّسش میباشد که آنرا بطور کلی از سایر ادیان مشخص نموده است این الواح باهرات و کلمات محکّات که از طرف آن شمس مُشرقه عزّ نزول یافته خارج از حدّ شمار است بطوریکه بسیاری از نصوص والواح هنوز در دسترس قرار نگرفته و مطبوع نگشته و شمارش مقدار آن از عهده احدی برنیامده و در آینده نیز احصاء آن خارج از حیز حسابست که این خود یکی از دلائل احاطه علمیه آن حقانق کلیّه و کینونات رحمانیه است که آیات و بیّنات نازل را ناشی از الهامات غیبیه و امدادات ملکوتیه و دلیل فطرت ذاتی خود دانسته‌اند.

حضرت نقطه اولی در باب ۱۰ از واحد ۴ کتاب بیان میفرمایند قوله الاعلی :

« خداوند قدرتی باو عطا فرموده و نطقی که اگر کاتب سریعی در منتهای سرعت بنویسد در دو شب و روز که فصل ننماید مقابل يك قرآن از اون معدن کلام ظاهر میگردد که اگر اولوالافکار ماعلی الارض جمع شوند قدرت بر فهم يك آیه از آنرا ندارند »

(کتاب بیان صفحه ۱۲۱)

از: جناب هوشنگ گهرریز

و نیز در باب اول از واحد هشتم میفرمایند ،
قوله العزيز :

« قرآنی که در آن ظهور در بیست و سه سال نازل شد در این ظهور ظاهر است که بيك اسبوع نمیکشد. »

(کتاب بیان صفحه ۲۷۷)

آیات نازل از جانب حضرت نقطه اولی که مبدء نزولش الهام ربّانی و علوم نامحدود لدتی است و به تنهائی چندین برابر آثار جمیع هیاکل مقدّسه و مظاهر ظهور قبل است که در طول زمان وحی که بمدّت قریب شش سال و اندی بطول انجامید بصورت الحان متنوّعه و صور مختلفه از مناجات و ادعیه و آیات و رسائل ، اخبار و احادیث ، خطب و نصایح بالاخره الواح و توقیعات و تدوین احکام و حدود و اوامر الهیه کلّ حاکی از احاطه علمیه آن مظهر ظهور ربّانی و خارج از حدود افکار و قدرت محدوده بشری است .

در مقایسه کثرت نزول آیات حضرت ربّ اعلی نسبت بانبیاء سلف جمال اقدس ابهی چنین میفرمایند :

« چشم امکان چنین فضلی ندیده و قوه سمع اکوان چنین عنایتی نشنیده که آیات بمثابه غیث نیسانی از غمام رحمت رحمانی جاری و نازل شود چه که انبیاء اولوالعزم که عظمت قدر و رفعت مقامشان چون شمس واضح و لائح است مفتخر شدند هرکدام

به کتابی که در دست هست و مشاهد شده و آیات آن احصاء گشته و از این غمام رحمت رحمانی اینقدر نازل شده که هنوز احدی احصاء ننموده چنانچه بیست مجلد الان بدست میآید و چه مقدار که هنوز بدست نیامده و چه مقدار هم که تاراج شده و بدست مشرکین افتاده و معلوم نیست چه کرده اند. «

(ایقان صفحه ۱۸۲)

حضرت اعلی در دلائل السبعه میفرمایند :

قوله البصیر:

« قرآن که بیست و سه سال نازل شد خداوند عزّ وجلّ قوه و قدرتی در آنحضرت ظاهر فرمود که اگر خواهد در پنج روز و پنج شب اگر فصل بهم نرسد مساوی آن نازل میفرماید نظر کن بین این نوع تا حال احدی از اولین ظاهر شده یا مخصوص به آنحضرت بوده »

(منتخباتی از آثار حضرت نقطه اولی صفحه ۸۴)

و نیز میفرمایند، قوله العزیز :

« و شبهه ای نیست در اینکه خداوند این آیات را نازل فرمود بر او بمثل آنکه بر رسول خدا نازل فرمود حال بمثل این آیات بقدر صد هزار بیت در میان خلق منتشر است بغیر صحف و مناجات او و صور علمیه و حکمیه او و در عرض پنج ساعت هزار بیت از نزد او ظاهر میگردد یا باسرع طوریکه کاتب نزد او بتواند تحریر نماید »

(منتخباتی از آثار حضرت نقطه اولی صفحه ۵۵)

حضرت باب در توقیعی فارسی میفرمایند :

قوله البصیر :

« حقیر شرح سورة یوسف را در چهل روز که هر

روزی بعض از آن مینوشتم اتمام نمودم و هر وقت بخواهم هرچه بنویسم روح الله مؤید است مثل صحیفه ای که فرستادم يك شبانه روز منتهی نوشتم هرکس از علماء مدّعی است بسم الله چنانچه اشخاصیکه مشاهده نوشتن را نموده اند فهمیده اند که چنین امری تا حال از احدی از علماء ظاهر نشده »

(کتاب ظهورالحق جلد ۲ صفحه ۲۸۵)

و نیز قوله الجمیل

« و از شجرة حقیقت اگر کاتبی بتواند نوشت در

یکروز دو الف مینویسد و الا بقدری که بتواند »

(رهبران و رهروان صفحه ۴۶۷)

حضرت ولی مقدّس امرالله در باره علو آثار و آیات نازله آن شمس حقیقت میفرمایند قوله العزیز :

« ظهور حضرت باب از لحاظ علو آثار و وسعت و فسحت معانی منزله از کلک اطهر در تاریخ ادیان ماضیه بمثل و نظیر است آن وجود مبارک بنفسه الاقدس در ایام حبس ماکو شهادت میدهد که آیات و الواح صادره از یراعه اطهرش که از مقامات و مباحث مختلف مرکّب تا آن زمان به بیش از پانصد هزار بیت بالغ میباشد »

(قرن بدیع جلد ۱ صفحه ۱۴۱)

این بیان مبارک اشاره باین نکته است که هیکل مقدّس حضرت اعلی در کتاب بیان در باب ۱۱ از واحد ششم میفرمایند : قوله الکبیر :

« باوجودیکه تا امروز پانصد هزار بیت در شنون مختلفه از او ظاهر گشته که هر بیت با سطر شامل سی حرف بدون اعراب یا چهل حرف با اعراب است »

(کتاب بیان صفحه ۲۱۸)

در تاریخ خطی بدیع بیانی از فاضل قاننی نوشته شده مبنی بر اینکه میرزا عبدالوهاب خراسانی معروف به میرزا عبدالجواد مینویسد که در تبریز آثار قلمیه آن حضرت را محاسبه کردیم بالغ بر دو کروار بود ، حضرت ولی مقدس امرالله درمورد کثرت نزول آثار طلعت اعلی میفرمایند، قوله المتین :

« در وصف آن جند شجاع الهی (جناب ملا حسین بشرویه ای) از قلم حضرت اعلی معادل سه برابر قرآن آیات و الواح و مراثی از مدح و ثنا و نعت و بها نازل » (قرن بدیع جلد ۱ صفحه ۲۲۹)

باوجودیکه آن طلعت محبوب از بدو اظهار امر پیوسته مورد ایذاء و اذیت و حبس و نفی قرار گرفت و دائماً تحت نظر و مراقبت بود ولی هیچگاه صریح قلم مبارکش ساکت نگردید و از نزول آثار باز نایستاد صدور این آیات و سرعت غیر قابل تصویری که در حین نوشتن بعمل میآمد کاتبین وحی را به شگفتی و تعجب و امیدداشت .

حضرت ولی مقدس امرالله در توقیع مبارک قرن در شرح ایمان جناب آقا سیدیحیی دارابی میفرمایند: « در جلسه ثالث خواهش تفسیر سوره کوثر نمود و نزول این تفسیر منیع که از دو هزار بیت مرکب بود چنان آقا سید یحیی را شیفته و آشفته ساخت که بی اختیار قیام کرد »

و نیز در شرح تفسیر سوره والعصر که بخواهش امام جمعه اصفهان نازل شده میفرمایند قوله المنیع: « در یکی از لیالی تشرّف پس از صرف شام از حضور مبارک تفسیر سوره والعصر را خواستار شد حضرت بی تأمل و بدون سکون قلم با سرعتی

حیرت انگیز تفسیری بر آن سوره مبارکه مرقوم فرمودند و ساعاتی چند منحصراً به تبیین و تشریح حرف اول سوره که شیخ اجل احمد احسانی آنرا در تالیفات خویش ذکر نموده و حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس بدان اشاره میفرمایند برگذار گردید این تفسیر عظیم که معادل ثلث قرآن است چنان احساسی از اعجاب و احترام در نفوس حاضره ایجاد نمود که بی اختیار از جای برخاسته و دامن مبارک را بنهایت خضوع و خشوع بوسه زدند »

و نیز در تفسیر نبوت خاصه که منوچهر خان معتمدالدوله حاکم اصفهان از محضر مبارک استدعا نمود چنین میفرمایند :

« هیکل انور در فاصله ای کمتر از دو ساعت پنجاه ورق در توضیح این امر عظیم مرقوم و این حقیقت کلیه را بنهایت اتقان و استحکام تبیین فرمودند و آنرا با ظهور قائم و رجعت حسینی مرتبط ساختند معتمدالدوله چنان شیفته بیان و قوت برهان و استدلال آن سید امکان گردید که در همان مجلس ایمان خود را نسبت به شارع دیانت اسلام اعلام و فضائل و کمالات نفس مقدسی را که چنین بیانات متعالیه از قلم معجز شیمش صادر گردیده تصدیق و اذعان نمود. »

(قرن بدیع جلد اول صفحات ۹۸ - ۱۰۸ - ۱۱۰)
کیفیت نزول آیات و تاثیر نفوذ آن در قلوب مستمعین که برای العین شاهد آن بودند و در موقع نزول حضور داشتند به نحوی بود که مسحور قوای خلّقه آن طلعت انوار میگشتند برخی از نفوس

نفیسه مانند جناب باب الباب و قدّوس و آقا سید یحیی دارابی که از علمای اَعلَم و غالباً در حین نزول آثار در حضور هیکل مبارک بودند شهادت داده اند که چون آنحضرت قلم بدست می‌گرفتند به سرعت غیر قابل تصویری بر صفحات اوراق که غالباً از کاغذهای لطیف و نازک انتخاب شده بود در حرکت و جولان بوده صریح قلم مبارکش در حین نزول مرتفع و غالباً قسمتی یا تمام آیات را بصورت ملایم و مؤثری ترتم می‌فرمودند . حضرت ولی مقدّس امرالله در لوح قرن در موقع شرفیابی جناب باب الباب در شب اظهار امر حضرت ربّ اعلی نقل قول از ایشان چنین می‌فرمایند ، قوله المنیع :

« به نحوی مسحور بیانات آن شمس معانی گشتم که از خود بیخود شدم و از دنیا و مافیها بیخبر ماندم . . . دل از نغمات جان پرور حضرتش متلذّذ گردید و جان و وجدان را از ترنمات معنویّه اش حین نزول آیات قیوم الاسماء احتراز جدید حاصل نمود . »

(قرن بدیع جلد اول صفحات ۷۴ و ۷۵)

بطوریکه در تاریخ حاجی معین السلطنه مذکور و در کتاب حضرت نقطه اولی تالیف جناب محمد علی فیضی نقل گردیده سرعت تحریر بدون تفکّر و تأمل با خوبی و زیبایی خطّ که اکثراً بشیوه نستعلیق و شکسته بکار می‌بردند اثر و نفوذ کافی در بیننده و شنونده می‌گذارد در اینجا چند نمونه بطور مثال از تاریخ مذکور یادداشت می‌گردد .

در اوائل ورود آنحضرت به تبریز و سکونت در عمارت ارك دولتی یکی از خوانین و اعیان آن

صفحات موسوم به حاجی جواد خان ساکن در قریه آتش بیک که با محمد بیک چاپارچی سابقه آشنائی و دوستی داشت بوسیله او از ورود آنحضرت مطلع گشته و در عمارت ارك در حالیکه عده ای از اهل علم و فضل حضور داشتند مشرف گردید در آن حین مکتوبی از آقا میرزا محمد علی زنوزی بدست مبارک رسید که سنوال از معنی یا من دلّ علی ذاته بذاته نموده بود آنحضرت قلم برداشته و بدون تفکّر و سکون قلم در نهایت سرعت جواب مرقوم داشتند و پس از خاتمه آن چند نفر که حضور داشتند قرائت نموده بیکدیگر گفتند که حقیقتاً جرئت می‌خواهد که این بزرگوار را بدون دلیل و تأمل انکار کردن و دیگری گفت که من این علم واحاطه را در هیچ عالمی ندیده ام .

و همچنین بدیع آفرین خوشنویس معروف تبریز که بیشتر خطوط مخصوصاً نستعلیق را بسیار نیکو مینوشته پس از تشرف بحضور مبارک حضرت اعلی مؤمن گردید و علّت ایمان خود را چنین بیان داشت که من خویشتن را کنار و بیطرف قرار داده می‌گویم که اگر میر عماد که در خطّ نستعلیق استاد مسلم است و درویش عبدالمجید که در خطّ شکسته مهارت داشته و یا قوت و احمد نیریزی که در خطّ نسخ ید طولائی دارند حاضر میشدند جز ایمان و اعتراف بر قصور و عجز خویش چاره ای نداشتند زیرا که خط نوشتن این سید از قوّه بشر خارج است که خط را باین سرعت بنویسد و قواعد را نیز از دست ندهد و خوب بنویسد بجهت اینکه از شرایط خوب نوشتن با تأنی نوشتن

و بطيء القلم بودن است .

در احوالات جناب ملا یوسفعلی اردبیلی که از حروف حی و شهدای واقعه قلمه طبرسی است مذکور گردیده که روزی وارد مجلس ملا محمد مقانی گردید و مشاهده نمود که بحث و سخن اهل مجلس در باره حضرت باب و بابیه است در اینموقع ملا محمد حضار مجلس را مخاطب ساخته و گفت من نیز میتوانم مانند آیات سید باب بنویسم بلکه تلامیذ منهم میتوانند مانند آن کلمات بیاورند در اینحال ملا یوسفعلی طاقت نیاورده فوراً قلم و کاغذ را بیرون آورده نزد ملا محمد گذاشت و گفت اگر چنین است حالت حاضره مجلس را بلحن آیات ، بدون سکون قلم و تفکر بر صفحه کاغذ بنویس ، ملا محمد در جواب سکوت اختیار کرد آنگاه ملا یوسفعلی مجددآ گفت اگر بلغت عربی بر تو دشوار است به پارسی بنویس ملا محمد همچنان ساکت بود ملا یوسفعلی گفتار خویش را تعقیب کرده باز گفت اگر بلغت پارسی نیز بر شما زحمتی دارد به لغت ترکی که لسان مانوس و امی و وطنی تو است مرقوم دار ملا محمد چاره ای جز سکوت نداشت . پس از آن گفت از تلامیذ و متعلمین هریک را شایسته و سزاوار میشناسی اجازت ده بنویسد . ملا محمد حیران و نگران مانده بر هیچیک از این سنوالات جوابی نداد و سخنی نگفت آنگاه ملا یوسفعلی آیه مبارکه فیهت الذی کفر را بر او و حاضرین خوانده از مجلس وی بیرون رفت .

(کتاب حضرت نقطه اولی صفحات ۲۸۲ الی ۲۸۶)

اما آثار و آیات نازله از قلم اعلی :

حضرت بهاء الله در باره کثرت آیات نازله از کلک گهر بارشان در یکی از الواح میفرمایند ،
قوله عز کبریانه :

« الیوم فضلی ظاهر شده که در یک یوم و لیل اگر کاتب ازعهده برآید معادل بیان فارسی از سماء قدس ربّانی نازل میشود . . . این ایام . . . معادل جمیع کتب قبل و بعد از قلم اعلی امام وجوه نازل . » (رحیق مختوم جلد ۲ صفحه ۴۷۵)

و نیز در لوح نصیر میفرمایند ، قوله جلّ و عزّ :
« بشانی از غمام فضل امریه و سحاب فیض احدیه هاطل که در یکساعت معادل الف بیت نازل »
(مجموعه الواح چاپ مصر صفحه ۱۷۵)

در لوحی راجع به کثرت نزول آیات در ادرنه میفرمایند قوله جلّ جلاله :

« آنچه در این ارض موجود کتاب از تحریرش عاجز مانده اند چنانچه اکثری بیسواد مانده اند »
(قرن بدیع جلد ۲ صفحه ۲۰۹)

در باره کثرت آیات نازله در بغداد میفرمایند:
قوله جلّ ثنانه :

« آنچه بجناب زین علیه بهائی از ملکوت وحی ارسال شده نزدیک بآن رسیده که معادل نماید بآنچه از سماء مشیت بر رُسل نازل گشته له ان یحمنّا لله و یشکره بدوام الملك و الملکوت »

(تاریخ امر در نجف آباد صفحه ۹)

و نیز در لوح شیخ نجفی نازل ، قوله المنیع :
 « حال قریب صد جلد آیات باهرات و کلمات
 محکمت از سماء مشیت منزل آیات نازل و حاضر »
 (امر و خلق جلد ۲ صفحه ۱۰۲)

بدون شك یکی از علانم حقانیت و مظهریت ظهور
 جمال مبارك كثر نزول آیات باهرات حضرتش
 میباشد که چون غیث هاطل از قلم مبارکش نازل
 میگردد سرعت نزول آثار والواح بحدی بوده که
 کاتب وحی مجبور میشده چندین قلم آماده نماید
 با این حال سرعت صدور آنها بدرجه ای بوده که
 اغلب قلم از دست کاتب رها شده قادر بنوشتن
 نیگشته آنچه که بیش از همه قابل تأمل است آنکه
 اکثراً آیات در موقع کتابت جا میافتاده و کاتب
 وحی قادر نبوده بهمان سرعت نزول آنرا تحریر
 نماید این آیات نازله که از سیاه چال شروع و در
 بغداد و استانبول ادامه یافت با اظهار امر عمومی
 حضرت بهاء الله با صدور الواح سلاطین در ادرنه
 باوج خود رسید و از آن پس در مدت اقامت در
 سجن اعظم و تمام دوران عکا تا آخر حیات
 عنصری مبارك در اینجهان ادنی پیوسته صریر قلم
 اعلی مرتفع و آیات بمثابه باران رحمت الهی در کلیت
 شنون و بالحن مختلف نازل گردید.

حضرت ولی مقدس امرالله در باره کثرت نزول آیات
 در لوح قرن میفرمایند ، قوله الاحلی :

« یکی از ناظرین که خود شاهد احوال و اوضاع
 آن ایام بوده مینویسد [شب و روز آیات چون
 غیث هاطل نازل میگردد بدرجه ای که تسوید
 آنها ممکن نبود میرزا آقا جان حین نزول بتحریر

مشغول و حضرت غصن الله الاعظم دائم به تسوید
 مالوف بودند و آنی فرصت نبود] »

(قرن بدیع جلد ۲ صفحه ۲۰۸)

نبیل در تاریخ خویش میگوید با آنکه عده کثیری
 از کاتبین آثار شب و روز بتحریر مشغول بودند
 معذلك از عهده انجام این امر کما هو حقّه بر
 نیامدند از جمله کُتّاب میرزا باقر شیرازی بوده که
 وحده معادل دو هزار بیت در روز تحریر میکرد و
 مدت شش یا هفت ماه به این امر مشغول بوده و
 هر ماه چند مجلد از خطوط وی به ایران ار سال
 میشد و در حدود بیست مجلد با خط خوش
 مرغوب بعنوان یادگار برای میرزا آقا جان باقی گذاشت .

باز نبیل از قول میرزا آقا جان که در آن اوقات
 کاتب وحی بوده مینویسد صدها هزار بیت از آیات
 که از سماء مشیت ربّ البیتات نازل و اغلب به خط
 مبارك تحریر یافته بود حسب الامر در شطّ زوراء
 ریخته شد و محو گردید . میرزا آقا جان میگوید
 چون حضرت بهاء الله مشاهده میفرمودند که این
 عبد در اجرای دستور مبارك و ریختن آثار در
 شطّ دچار ترددّ و تحیرم مؤکداً فرمودند : « بریز
 در این احیان احدی لایق اصفاء این نعمات نه » و
 این کیفیت مخصوص یکبار و دوبار نبود بلکه
 بکرات و مرّات امر بریختن اوراق در شطّ
 میفرمودند .

محتد کریم نامی از اهل شیراز که خود شاهد و
 ناظر نزول آیات از قلم مبارك حضرت اعلی بوده و
 امواج بحر مواج را برای العین مشاهده نموده است

پس از تشرّف بمحضر انور حضرت بهاء الله و ملاحظه صدور الواح از كلك اطهر اظهار داشته شهادت میدهم كه آثار صادره از یراعة عظمت حضرت بهاء الله از لحاظ سرعت نزول و سلاست بیان و طلاقت تبیان و بسط حقایق و اتقان مضامین اعلی و أجل از بیاناتی است كه از قلم حضرت اعلی جاری شده و من خود در حضور مبارك شاهد نزول آن بوده ام و اگر چنانچه حضرت بهاء الله را برای اثبات عظمت و قدرت وجود اقدسش دلیل و برهان دیگری موجود نبود نفس ظهور چنین الواح و آثار عظیمه عالم و عالمیان را در اثبات حقانیت امر مباركش حجت قاطع و برهان لامع است .

در شرح حال حاجی میرزا حبیب الله افغان آمده است كه :

نزول آیات وحی بسیار سریع و مانند دریا خروشان بود میرزا آقا جان تا حدّ امکان سریع مینوشت این سرعت چنان بود كه اغلب قلم از دستش فرو میافتاد او بسرعت قلم دیگری بر میداشت گاهی وی با همه سرعتی كه داشت نمیتوانست به كلام مبارك برسد و میگفت نمیتوانم بنویسم آنوقت جمال مبارك جمله را تکرار میفرمودند .

(بهاء الله شمس حقیقت صفحه ۵۲۷)

در كتاب ظهور الحق ثبت است كه كتاب بدیع در ردّ مفتریات و اعتراضات میرزا مهدی رشتی و دفع شبهات اهل بیان در سه يوم متوالی هر یومی تقریباً دوساعت از قلم معجز شیم مظهر ظهور نازل شده است .

وبالآخره جمال اقدس ابهی در باره كثرت آیات صادره در این دور امنع اقدس كه فخر قرون و اعصار است باین بیان احلی ناطق ، قوله العزیز :

« كلمات مُنْزَلة كه از غمام قدرت صمدانیه و سماء عزّت ربّانیه نازل شده زیاده از حدّ احصاء و احاطة عباد است . »

(كتاب ایقان صفحه ۴)

بنابر آنچه ذكر گردید آیاتیكه از قلم معجز شیم حضرت بهاء الله نازل گردیده در اثبات قوّة قدسیّة الهیّة آنحضرت برهان كافی و وافی است كه كلّ بصورت آثار قدرتیّة و بدیعه الهیّة ظاهر شده این آیات و آثار كه در شنون مختلف و بالحن متنوّعه صادر گردیده متلو از اشعار و قصیده های متعدد میباشد كه این خود یکی دیگر از امتیازات این دور اكبر افخم است زیرا حضرت بهاء الله اولین مظهر ظهوری هستند كه هم دارای آثار نظم و هم حاوی آثاری به نثر میباشدند این آیات كه در طول مدت چهل سال از سال ۱۸۵۲ تا ۱۸۹۲ بوحی الهی بر قلب مرّد سلطان اصفیاء الهام گردید دارای چنان اهمیتی است كه آن مظلوم آفاق در لوحی كه در صفحه ۵۸ كتاب آثار قلم اعلی جلد ۷ مندرج است بیانی باین مضمون میفرمایند ،

قوله الكریم :

« آثار مرا با الماس بنویسید و در صورت عدم امکان با طلا » (مضمون مبارك)

(مجله بانگ سروش دسامبر ۱۹۸۸ صفحه ۱۷)



قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی در باره شهادت

بهمن سمندری

یاران عزیز :

با قلبی آکنده از حزن و اسف شدید خبر شهادت جناب بهمن سمندری که در تاریخ ۱۸ مارچ ۱۹۹۲ در زندان اوین طهران وقوع یافته دریافت گردید . مشارّالیه از افراد یکی از خاندان‌های ممتاز بهائی و در جامعه یاران ایران به بذل مساعی جمیله مألوف بود . مقامات قضائی و رؤسای زندان هیچ دلیل یا اتهامی برای اعدام ایشان ذکر نکرده اند و حتی از افشای محلّ دفن نیز خودداری نموده اند .

این فاجعه غیر منتظره از آن جهت که بکلی در پرده استتار پنهان داشته شده بیشتر موجب تأسف و تأثر است . در باره این واقعه هیچ خبر قبلی به خانواده نداده بودند ، وقوع آن را دو هفته مخفی داشته بودند و بعداً نیز آنرا اعلان نکرده اند . اگر چه خانم سمندری پس از توقیف جناب سمندری در ۱۷ مارچ چندین بار برای ملاقات با وی مراجعه کرده بودند اما متصدیان زندان اجازه ملاقات نداده و پیشنهاد نموده بودند که روز ۵ اپریل مجدداً مراجعه نمایند . در روز مزبور هنگامی که خانم سمندری به زندان مراجعه نمودند با ارائه وصیت نامه جناب سمندری که در تاریخ ۱۸ مارچ نوشته شده ، ایشان را از اعدام همسر مطلع ساختند . ورقه اجازه دفن صادر نشده و فقط در اثر جستجوی خانواده سمندری در اداره متوفیات طهران بآنها پاسخ داده شده است که نام بهمن سمندری در دفاتر متوفیات ثبت گردیده است . . .

این اقدام شنیع سبب برآشفتگی و هیجان جامعه بین المللی بهائی گشته چه سه سال و نیم پس از قطع شدن اعدام بهائیان مجدداً چنین عمل وحشیانه ای بر علیه جامعه بیگناه و مظلوم یاران در ایران انجام میگیرد و آنچه که دولت ایران کراراً تأیید و تأکید نموده است که بهائیان به خاطر عقاید دینی خود مورد تضيیقات قرار نمیگیرند عملاً نقض می گردد .

اطلاعات بیشتری که در این باره کسب گردد متعاقباً باستحضار یاران خواهد رسید . . .

بیت العدل اعظم





تسنیم مشروب بود . از ۲۹ مهر تا ۲۶ آذر ۱۳۶۶ شمس [۲۱ اکتبر تا ۱۷ دسامبر ۱۹۸۷] با خادمین ملی ثالث ایران اسیر زنجیر سجن یوسفی در سبیل امر ربّ قدیر گشت و دو ماه بعد بعنایت مالک برتّه و مساعی جمیلّه جلیله معهد اعزّ اقدس اعلی با آنها آزاد گشت .

آن نفس نفیس و آیت انقطاع و تقوی و خلوص و تقدیس با احضاریّه مورّخه ۲۶ اسفندماه بامداد ۲۷ اسفند ۱۳۷۰ به دائره اجرائیات شعبه شش دادسرای انقلاب مراجعه نمود و ۲۴ ساعت بعد روز ۲۸ اسفند ۱۳۷۰ شمسی مطابق ۱۸ مارچ ۱۹۹۲ شب عید نوروز و صیام به اتهام عضویت در جامعه بهائی و فعالیت بر علیه انقلاب و خدمت مستمر به شریعه غراء و ربّ الارباب و تشکیل جلسات محفل

شرح حال شهید مجید بهمن سمندری علیه رضوان الله

« طوبی لمن فدا نفسه فی سبیلی و تحمّل المصائب
لاجل اسمی »

روح مصوّر و شمع منوّر انجمن شهدا، مشهر بهمن سمندری فرزند ارجمند ورقه منجذبه بهیّه خانم خمسی و جناب عزیز الله سمندری منشی مغبوط و منعوت محفل روحانی اسبق ارض (طا) که حین مهاجرت در ترکیّه بملکوت ابهی صعود نمود و مولای محبوب توانا آن خادم صمیمی امر حضرت احدیت را برتبه اعلای شهادت مفتخر فرمودند و حفید مجید جناب عنایت الله، اخوی گرامی ایادی عزیز امراالله جناب طراز الله سمندری علیهم بهاء الله است .

آن محبوب ربّ العباد و من فی البلاد متولد ۱۳۱۸ شمسی در کرج از توابع طهران است، از دانشگاه آمریکائی آنکارا در ترکیّه لیسانسیه اقتصاد گردید و سالها مدیر لایق، فعال و با تدبیر آژانس مسافرتی سمندری و پانزده سال اخیر، از دو سنه قبل از انقلاب به عنایت خداوند وهّاب بهمن سمندری شریک روحانی مخلص و نزدیک ایّام درپردری این مور رنجور مشکور بود آن مُحَبّ کوی محبوب که از بلا پروا نداشت پیوسته با توکل بخدا بقضا رضا میداد از بحر تسلیم مرزوق و از نهر

ملی در خانه آن عاشقِ صادقِ خداوند یگانه و
اختفاء یکی از اعضاء محفل روحانی ملی بهائیان
ایران توقیف و به نگارنده تلفنی خبر دادند ایشان
بازداشت و به اوین انتقال یافت و بدون محاکمه
همان یوم بمشیت بالغه الهیه آن جوهر حسنات که
زهر بلیات را آب حیات میانگاشت بلادرنک رقص
کنان و پاکوبان آهنگ کوی جانان کرده و آن هیکل
وفا عزم معارج بقا نمود و در حالیکه از نام و نشان
بیزار و از غیر رضای پروردگار در کنار بود نرد
محبت باخت و در کمال وجد و سُور و حُبور
بمیدان فدا شتافت و بدست اشرار غدار آن
سرخلقه ابرار و حبیب اطهار و برگزیده جمال
مختار زیب صلیب و دار گردید .

آری بهمن که از عائله جلیله سرشناس و خادم
جانباز و سرافراز در ساحت ربّ الناس، گل گلشن
و سمندر نار موقده الهیه و شمع روشن هر انجمنی
بود بعنوان قربانی بهیه اولیه سنه مقدسه ۱۹۹۲ در
بدایت سال مبارک قرن افول شمس بهاء از افق
ناسوت انشاء با پیراهن سرخ فدا بر تن، جام
شهادت کبری نوشید و خلعت حمراء عزّ قدسی
پوشید و از ید ساقی عطا، جمال ابهی شهد لقا
چشید و چون شمع بود افروخته، که قلبی داشت
به آتش عشق سوخته و چشمی از غیر حقّ دوخته
و حلاوتی از شکرستان الهی اندوخته و محبتی
نسبت به خاص و عام از گلزار معنوی سلطان انام
آموخته، با شور و شغف بیمنتها طیر روحش
بملکوت ابهی پرواز نمود. آن نسیم ریاض احدیت
بچمنستان حقیقت رجوع کرد و آن ماهی تشنه لب

بدریای قدم شتافت و آن خادم صادق، عاشق
جمال قدم و اسم اعظم بجانب بحر رحمت سلطان
أمّ و محیی رمم تاخت و در حالیکه صائم بود آن
آیت حُبّ و ولا و مطلع صدق و صفا و مشرق ودّ
و وفا و ثابت بر عهد و پیمان یزدان و خادم
بندگان آستان، که در مدت حیات قصدش
عبودیت یاران و منتها آرزویش شهادت در سبیل
الهی بود شادمان و کامران از این جهان به جهان
جاودان صعود و از حضيض عالم ادنی تا اوج اعلی
عروج نمود و خیمه فوز و فلاح بر اعلی قللّ عوالم
لایتناهی الهی برافراخت و بنحوی مورد عنایت و
الطاف معهد الهی واقع گردید که الیوم هیاکل
تقدیس غبطه مقام آن نفس نفیس را میبرند .

زنده دل باید در این ره صد هزار
تا کند در هر نفس صد جان نثار
بیقین مبین این هدیه ثینه بهیه در آغاز سنه
مقدسه قرن صعود جمال معبود بیش از پیش
موجب شهرت حیرت انگیز و اعتلاء تحسین آمیز
امر اعزّ اقدس ابهی در سراسر دنیا خواهد گشت .
بفرموده مولای عزیز توانا « اهراق دماء مطهره
شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر
گوهر افشان اعزّ ابهانی روی زمین را بهشت برین
نماید و سراپرده وحدت عالم انسانی را کما نُزل
فی الالواح در قطب آفاق مرتفع سازد و وحدت
اصلیه را جلوه دهد و صلح اعظم را تاسیس
فرماید و عالم ادنی را مرآت جنت ابهی گرداند و
یوم تبدل الارض غیر الارض را برای عالمیان ثابت و
محقق نماید».

معهد اعزّ اقدس اعلى در پیام منیع موزّخ ۸ آپریل ۱۹۹۲ مطابق ۱۹ فروردین ۱۳۷۱ شمسی باعزاز این شهید مجید سرافراز میفرمایند :

« بازماندگان و دوستان شهید سبیل الهی بهمن سمندری علیه رضوان الله و بهانه: خبر دهشت اثر شهادت فدائی درگاه جمال کبریا بهمن سمندری قلوب جمیع یاران را با سوز و گداز دمساز ساخت. آن جان پاک که فی الحقیقه از عالم خاک وارسته بود از عنفوان جوانی با کمال شجاعت و غیرت و شهامت در خدمت امر حضرت احدیت قائم بود، مخصوصاً در ایام شداد بر معاضدت دوستان و غمگساری یاران مشغول و مداوم. نه از استقبال خطر در سبیل عبودیت جمال ابهی گریزی داشت و نه از قبول زحمت و شدائد در طریق وفا پرهیز، منقطع بود و پاکباز و متوکّل و مطمئن به عنایت حضرت بی نیاز، عاقبت خدمات مخلصانه اش اجر جزیل یافت و به اکلیل جلیل شهادت مزین شد. شکی نبوده و نیست که اهراف خون مطهرش بار دگر بحرعنایت ملاء اعلى را بجوش آورد و لثالی فتح و ظفر جدیدی بر دامن دوستان مشتاق در سراسر آفاق ریزد.

عجبا معاندین امرالله هزار بار تجربه کرده ولی درس عبرت نگرفته اند و اعمالی را مرتکب میشوند که از نظر حقّ مردود است و نزد اهل انصاف منفور. بزعم باطل خویش چنین پندارند که با قتل و غارت و ظلم و ستم اهل بهاء را از طریق حقیقت منحرف گردانند، غافل از اینکه بالعکس نتیجه گیرند، چه که چنین اعمال غیر انسانی یاران

روحانی را سبب سعادت دو جهان است و اهل عدوان را باعث ذلت بی پایان و امر یزدان را سبب استشهار و انتشار روز افزون در عالم امکان. از آستان الهی ملتسمیم که قربانی آن نفس نفیس را در بدایت سال مقدّس قرن صعود به عزّ قبول فائز فرماید و آنرا فاتحه اللطاف اجرای نقشه های بدیعه یاران در ایام و شهر آینده نماید. البته خویشان و دوستان آن سالک بادیه وفا چون ناظر بمقام و علو درجات آن متصاعد الی الله گردند، حزن و اندوهشان را که از مقتضیات شنون بشری است فی الجمله تخفیف بخشند و چنان سلوک نمایند که سبب مزید سرور آن روح پرفتوح در عوالم بقا گردد. جمیع آن عزیزان در ادعیه حازه قلبیه این جمع در اعتاب مقدّسه علیا مذکور شدند. باتقدیم تحیات بهیه «

در نهایت تأسّف اخیراً اطلاع حاصل شده که نویسنده این شرح جناب حسن محبوبی که از خادمان برازنده امرالهی بوده در سانحه دلخراش بملکوت الهی صعود نمود. شرح حالا ایشان پس از وصول با عکس و تفصیلات چاپ خواهد شد.

عندلیب



« قسمت دوازدهم »

دوست عزیز و سرور گرام نامه مورّخه ۱۰ نوامبر ۱۹۸۸ رسید بسیار خوشحال شدم که الحمدالله سلامتی برقرار است و از ناخوشی و کسالت صحبتی در میان نیست . مقداری راجع به بیهوده وقت گذرانی و بطالت و یاس و سرخوردگی که گریبانگیر شما شده مرقوم فرموده بودید . هر نوع تلاش را در راه بهبود بخشیدن زندگی اجتماعی و روابط انسانها و اصولاً هر نوع هدایت این موجود دو پا را براه صلح و صفا و عدالت و نوع پرستی عملی عبث و بیهوده و بلا اثر و نتیجه می بینید و این موضوع علت یاس و سرخوردگی شما شده است . باید به شما حق داد و من خوب احساس شما را درك میکنم . البته در این مورد من پاجای شما نمیگذارم اما خوب درك میکنم که شما چه میکشید . من در این جا زمین شناسی نفت درس میدهم . شاگردی را که دو بُعد سطح را هم بسختی تجسم میکند باید به بعد سوّم و عمق بکشم و پیچ و خم طبقات را در زیر زمین برای او مجسم کنم . بعد از نیمساعت چانه زدن وقتی چشمهای بهت زده شاگرد داد میزنند که نفهمیدم آنوقت همان حالی که شما دارید بمن دست میدهد اما من هیچوقت نمیگذارم کار به آنجا بکشد . اوّل مجسم میکنم که خود منم چهل سال پیش سر کلاس همین جور بودم دست مرا گرفتند و حوصله

بخرچ دادند تا من یادگرفتم . منم با حوصله هرچه تمامتر بر میگردم میپرسم از کجا نفهمیدید و دوباره شروع میکنم . چیزی که قطعی و مبنای تفکّر من است این است که این شاگردان مجنون و عاجز نیستند از کلاس اوّل ابتدائی درس خوانده اند و تا اینجا آمده اند این خودش دلیل است که بقیه راه را هم طی خواهند کرد . این بشری که در چشم شما اینقدر بی استعداد و غیر قابل اصلاح جلوه میکند راه بسیار طولانی از صدها هزار سال پیش تا حالا را پیموده . از بربریت مطلق تا عهد اتم را طی کرده و قطعاً این مراحل پر پیچ و خم فعلی را نیز طی خواهد کرد . شاید مطابق انتظار شما در مدت کوتاهی که مورد نظر شماست تغییر نکند اما طبق روال طبیعی تغییر خواهد کرد . شاید انتظار ما برای تغییر در این مدت کوتاه صحیح نیست . بعد هم وقتی یاس و سرخوردگی شما را با امیدواری خودم مقایسه میکنم به نکته دیگری بر میخورم شما دراین میان بعنوان يك مرتبی عمل میکنید انتظار دارید که عقاید شما را قبول کنند ، انتظار دارید آنگونه که شما می فهمید و درآن مسیری که شما تشخیص داده اید صحیح است قدم بردارند و وقتی قبول نمی کنند و قدم برنمیدارند شما مایوس و سرخورده به کنج عزلت می نشینید وانتقاد میکنید.

من کاملاً بر عکس شما عمل میکنم . من مرتبی نیستم و ادعای مرتبی بودن هم ندارم . من یکی از همین مردم معمولی این جهانم حتی عقل و شعور متوسط مردم را بیشتر از عقل و شعور خودم میدانم . ممکن است اطلاعات فنی من در يك رشته تخصصی بیشتر از دیگران باشد ، اما عقل و شعور و قدرت استنتاج و فهم مسائل در من اگر کمتر از دیگران نباشد بیشتر نیست . در طی مسافرتهاى زمین شناسی در دهات و قصبات به آدم هائی برخورددم که دید زندگی آنها ، عقل و شعور و شرافت و انسانیت آنها خیلی بالاتر از من و امثال من بود ، درس نخوانده بودند و دیپلم مهندسی و دکترا نداشتند اما شریف و نجیب و انسان بودند . من به چنین آدمهائی که توده اصلی مردم را تشکیل میدهند و گاهی بعلت جهل و نادانی رفتار آنها مایه دردسر است چیزی ندارم که بعنوان مرتبی بیاموزم . اما خیلی چیزها دارم که با آنها مطرح کنم . من از دیگری آموخته ام که در شرایط فعلی اجتماع ما تعصب ملی و وطنی مایه بدبختی است و عقل و شعور من این اصل را قبول کرده است . من این اصل را به کسی نمیآموزم بلکه از آن کس میپرسم که تعصب ملی و وطنی بنظر تو خوب است یا بد و سعی میکنم او را تشویق کنم که این موضوع را بررسی کند . وظیفه ام را در قبال این آدم ها نیز تا همین جا بیشتر نمیدانم . وظیفه من ابلاغ این کلمه است اگر او آمادگی داشت و برای بررسی این موضوع حاضر بود خودش فکر میکند و راه صحیح را با

پرسش و تحریری حقیقت پیدا میکند ، اگر آمادگی نداشت نمیکند . من يك لیوان آب خنك دم دست یکنفر میگذارم اگر تشنه بود و کنجکاو پیدا میکند ، می پسندد مینوشد اگر تشنه نبود و نخواست او براه خودش میرود و من به راه خودم میروم . من مرتبی مردم نیستم خودم محتاج تربیت هستم . در تماس با مردم هم همیشه کنجکاو هستم که دیگران چگونه فکر میکنند و اگر بهتر از من فکر میکنند از افکار آنها تبعیت کنم . شما مرتبی اجتماعی هستید افکار و عقاید خودتان را به مردم تعلیم میدهید سعی دارید آنچه را که با دانش و بینش خود آموخته اند برایگان در اختیار دیگران بگذارید وقتی دیگران بهر علتی که باشد عقاید شما را قبول نکنند آنوقت سرخورده و مایوس میشوید و واقعاً حق دارید . بسیار کار مشکلی است که عقاید وافکار مشخصی را به کسی بقبولانم . يك موضوع دیگر هم هست . من وابسته به تشکیلات امری بهائی هستم که يك نیروی پنج ملیون نفری در حال ازدیاد است و شما تك و تنها هستید . اینجا میان این مرداب ها طی شش سال گذشته که من اینجا هستم شاید فقط شش نفر از من پرسیده اند که دیانت بهائی چه میگوید . این بی علاقهگی مردم اینجا مایه یاس و سرخوردگی من نیست چون میدانم که در سایر نقاط دنیا شاید شش ملیون نفر پرسیده اند که دیانت بهائی چه میگوید . این هم بستگی با سایر افراد بهائی از طریق تشکیلات امری مایه دلگرمی من است . ما حداقل پنج ملیون آدم همفکریم که

باداشتن نژادهای مختلف، ملیت های مختلف، فرهنگ و سنن مختلف در راه وحدت و یگانگی نوع بشر گام برمی داریم و آمار موجود نشان میدهد که هرچند پیشرفت خیلی بطنی است اما امیدوار کننده است . شما این دلگرمی را ندارید ، بعنوان يك فرد مطلبی را که فکر میکنید درست است مطرح میکنید وقتی گوش شنوایی پیدا نمیشود افسرده و مایوس میشوید. شاید اگر حزب و تشکیلاتی درست کنید اوضاع بهتر باشد. آنهم البته يك اشکال اساسی دارد . عقاید زانیده افکار بشری به تعداد افراد بشر متنوع است . هرکس عقیده شخصی خودش را دارد و دلیلی نمی بیند که از عقیده دیگری پیروی کند مگر اینکه جزو گله گوسفند باشد آدم گوسفند مزاج هم که بدرد شما نمیخورد .

مرقوم فرموده اید که اصولاً هر نوع هدایت این موجود دویا را براه صلح و صفا و عدالت و نوع پرستی عملی عبث و بیهوده و بلااثر و نتیجه می بینیم این همان احساسی است که يك مرتبی و معلّم دلسوز همیشه با آن روبروست اما در قضاوت روی این موجود دویا بنظر من کمی بی لطفی کرده اید اجازه بدهید خاطرات گذشته ام را مرور کنم پدر من مسلمان بود و بعد بهائی شد هروقت ما بچه ها از بدی و شقاوت و رنج و اذیتی که از مسلمانان می دیدیم ناله میکردیم و از او اجازه میخواستیم که ما را آزاد بگذارد تا از خود دفاع و مقابله بمثل کنیم ما را نصیحت میکرد و قسم میخورد که بخدا این مردم رذل نیستند نادانند آنها را

اینگونه بد نگاه نکنید . منم از آنها بودم منم اگر دستم میرسید برای رضای خدا برای خدمت به بشریت و انسانیت برای حفظ شعائر مذهبی و ملی آنگونه که بمن آموخته بودند آماده اذیت و زجر کافرها بودم . میگفت در گذرگاهی يك بابی یا بهائی را در حال عبور دیدم دولا شدم سنگی برداشتم که بسویش پرتاب کنم برادر بزرگترم که عاقلتر از من بود دستم را گرفت پدرم اصرار داشت به ما بفهماند که من بخاطر اینکه کار خوب کرده باشم خدمتی به جامعه کرده باشم به پیشرفت اخلاق و شعائر اسلامی کمک کرده باشم میخواستم این کار را بکنم روی رذالت و بدجنسی و پست فطرتی این کار را نمیکردم نیتم خوب بود نادان بودم و نمیدانستم که کار صحیح چه کاری است . اینها هم نادانند اگر شما مقابله بمثل کنید بعنوان دفاع از خود بیشتر اذیت خواهند کرد و اوضاع خرابتر میشود یا بآنها بفهمانید که اشتباه میکنند یا تحمل کنید تا آنها خودشان به يك نحوی بفهمند که اشتباه میکنند اگر هم نفهمیدند و نخواستند بفهمند سعی کنید در این کشمکش شما ظالم نباشید و سعی نکنید انتقام بگیرید مظلوم بودن بهتر از ظالم بودن است . بعدها در طی تماس با مردم چه در ایران و چه در خارج از ایران برای من قطعی شد که همه مردم سعی میکنند خوب باشند، میخواهند خوب باشند، میخواهند خدمت کنند، رذل و بدخواه نیستند، فقط نمیدانند چگونه باید خوب بود، چگونه باید خدمت کرد . نادانند . عقاید احمقانه که معلول

مبناهای فکری پیش ساخته است دارند و نمیدانند که چگونه این عقاید و عکس العمل حاصله از آنها باعث بدبختی است. عقل سلیم میگوید کسی را بعلت نادانی مجازات نکنید آدم نادان را باید تربیت کرد تا دانا شود آدم مریض را باید معالجه کرد تا سالم شود این گفته بسیار صحیح است که «أسّ اساس سینات نادانی و جهالت است» و خوب که دقت کنیم می بینیم که بهمن علت مسئله تعلیم و تربیت برای رفع جهالت و نادانی مهمترین مسئله در اجتماع و مرتبی حقیقی واجب ترین و پر اهمیت ترین وجودی است که بتوان در اجتماع تصور کرد بخصوص وقتی می بینیم که مسائل اجتماعی که حل آنها مستلزم داشتن دانش و بینش کافی است تمام شدنی نیست. اجتماع يك واحد فعال است. روز بروز به پیش میرود و روز بروز مسائل اجتماعی تازه مطرح میشود و چهل ما بآن مسائل تازه علت اصلی مشگلات اجتماعی ما است. خوب میدانم که شما باین نکته جالب و حسّاس خیلی بیشتر از من وقوف دارید که هیچوقت نبوده و هیچوقت نخواهد بود که همه مسائل اجتماع بشر به کمک تعلیم و تربیت تماماً حل شود و اجتماع دیگر مسئله نداشته باشد. بعبارت دیگر نباید انتظار داشته باشیم که تمام مسائل اجتماعی ما حل خواهد شد و ناراحتی های وابسته به آنها مطلقاً از بین خواهند رفت. مربیان و معلمین همیشه مشغول تعلیم مسائل دیروزند و محققین مشغول مطالعه راه حل برای مسائل امروز، مسائل امروز ما هیچوقت تمامی ندارد هر روزی

با يك مشت مسئله تازه و نوظهور شروع میشود عیناً داستان محصل مدرسه است درس دیروز را فرا گرفته و امروز باید درس تازه یاد بگیرد. نه تعلیم و تربیت حدّ یقف دارد و نه مسائل اجتماعی محدود است. مجالس قانونگذاری ممالك هر روز از مسائل تازه بحث میکنند و بدنبال پیدا کردن راه حل برای آن مسائل هستند. انتظار اینکه روزی بیاید که آرامش مطلق بر اجتماع سایه افکند انتظار بیهوده ای است چنین روزی روز مرگ اجتماع است همیشه در هر اجتماعی یکمده ناخود آگاه و حتی با حسن نیت مسئله میآفرینند یکمده دیگر در جستجوی راه حل آن مسائل تلاش میکنند بعد از پیدا کردن راه حل ها مردم آن اجتماع را متذکر میدارند و بعد بدنبال پیدا کردن راه حل مسائل جدید میروند. این دور تسلسل همینطور ادامه دارد این سیستم فعال اجتماع است و همیشه اینطور خواهد بود مسائل اجتماع فعلی ما مسائل هزارسال پیش نیست که اعتراض میکنیم که مربیان آن زمان چرا نتوانستند بشر را طوری تربیت کنند که الان درست زندگی کند. مرقوم فرموده اند که (فلاسفه اندیشمندان و کلیه ناصحین بشریت موفق نشده اند انسان را هدایت کرده و او را برخلاف غرائز طبیعی اش رام و متمدن و معقول و متعادل سازند) قربانت گردم این واقعه که شما انتظار آنرا دارید هیچوقت اتفاق نمی افتد چون این ناصحین و فلاسفه از دیروز حرف میزنند و انسان امروز از مسائل امروز میجوشد و میسوزد. این مسائل اجتماعی هم

محصول رذالت فطری افراد نیست ، محصول نادانی و جهل آدمها در طرز تنظیم روابط اجتماعی است . دانش آدمی هم هیچوقت بحدتی نمیرسد که راه حلّ مسائل مطرح نشده را پیشاپیش بتواند ارائه کند و جلوی وقوع برخوردهای اجتماعی را بگیرد بنابراین شما بیهوده دنبال محیط و انسانهای متعادل و آرام میگردید . ما اگر تحمل برخورد با مردم را ندارید ناچار به گوشه امنی پناه برید. اگر با جوشش و غلیان اجتماع هم آهنگی نداریم مجبوریم ترك آن اجتماع کنیم چون آن اجتماع برای خاطر ما وبدلیل عقاید شخصی ما غلیان و جوشش خود را کنار نمیگذارد. نمیتواند کنار بگذارد چون يك سیستم فعال است .

در قسمت دیگری از نامه مرقوم فرموده اید که (قانون جنگل در نظام طبیعت حکمفرما است بشر هم جزء بسیار کوچکی از کائنات و دستگاه خلقت است . اگر این اصل کلی را قبول داریم چطور میخواهیم خود را قانع سازیم که در مورد انسانها باید استثنائی وجود داشته باشد چگونه باورکنیم که منظور خالق در این مورد خاص نظام دیگری ماورای قانون جنگل بوده و برخلاف تمام موازین طبیعت و طبع و سرشت انسانها این قانون باید تعدیل شود و عدالت اجتماعی جایگزین آن گردد . چرا خود را گول میزنیم و فکر میکنیم که در روابط انسانها عدل و انصاف و محبت و ایثار مدّ نظر باری تعالی بوده است . اگر حیوانات و نباتات از یکدیگر تغذیه میکنند و نظام اکل و

ماکول و زنجیر تغذیه در کار طبیعت وجود دارد چرا نباید همین انتظار را از انسانها داشت ؟ پس باید قوی بر ضعیف اجحاف کند !)

شما با این طرز تفکر دستگاه خلقت را محصور در جماد و نبات و حیوان دیده اید انسان را هم موجودی می بینید در ردیف يك حیوان که میان این گردونه میلولد و محکوم و تابع قوانین طبیعی حاکم بر نبات و حیوان است و بعد این سوال برای شما مطرح میشود که اگر حیوانات از یکدیگر تغذیه میکنند چرا نباید همین انتظار را

از انسانها داشت چرا روابط انسانها باید غیر از روابط بین حیوانها باشد . من در نامه قبلی معروض داشته بودم که انسان بعلة ترکیب بودن از عوامل طبیعی کربن، اکسیژن ، نیدروژن و غیره که جامدات را تشکیل میدهند حیات جمادی دارد بعلة داشتن استعداد رشد و نمو که مشخصه نباتات است حیات نباتی هم دارد . بعلة داشتن احساسات حیوانی حیات حیوانی دارد و در ورای این سه حیات حائز حیات انسانی است که عبارت است از نفس ناطقه و عقل و قدرت استنتاج . حیات انسانی از حیات حیوانی همانقدر متمایز و متعالی تر است که حیات حیوانی از حیات نباتی و حیات نباتی از حیات جمادی . و شواهد موجود حاکی است که در ورای حیات انسانی ما حیات دیگری هست که مظاهر آن عشق و فداکاری و ایثار نفس است . از طرف دیگر بررسی اجتماعات و روابط اجتماعی بشر نشان میدهد که ضوابط حاکم بر حیات حیوانات و قانون جنگل در حیات

انسانی و مراحل بالاتر از آن صادق نیست مگر اینکه انسان را مطلقاً حیوان بشمار آوریم و فقط حیات حیوانی او مورد نظر ما باشد. اصل تنازع بقا فقط حاکم بر روابط حیوانات است بزرگترین دلیل من برای این گفته آن است که این اصل در روابط بین شما و اطرافیان و همکاران شما صادق نیست برای اینکه شما یک انسان هستید نه یک حیوان. بنابراین این فرمایش شما که " پس باید انسان قوی بر ضعیف اجحاف کند " خیلی قابل توجیه نیست. انسانها استعداد دارند که خیرخواه هموع باشند فداکار باشند، همه آنها استعداد دارند که چون شما به مبانی انسانی معتقد و پای بند گردند. در بعضی ها این استعدادها پرورش یافته است در عده دیگری هنوز بروز نکرده است و بهمین دلیل و بعلت جهل و نادانی این آدم ها بقول شما سیاه دل و کج رفتار هستند یک پسر بچه ده ساله هم شیطننت میکند هنوز عقل و شعورش آن اندازه نیست که رعایت همه اصول اجتماعی را بکند آیا ما چنین بچه را حیوان تلقی میکنیم و او را به مرگ و نابودی محکوم میکنیم؟ البته خیر. انسانها حیات انسانی دارند استعداد حیات روحانی و ملکوتی دارند و ضوابط و روابط حاکم بر حیات حیوانی در زندگی آنها صادق نیست. بجای تنازع بقا تعاون برای بقا در حیات انسانها صادقتر است اما البته و صد البته که جهل و نادانی مانع اصلی در راه بروز و ظهور عواطف انسانی است. باید دست بدست هم داد و بر جهل و نادانی بشر فائق شد. مرقوم میفرمائید که

(متأسفانه این بحث باز بر میگردد به آنجا که من شخصاً هنوز قانع نشده ام که خالق به آنصورت که شما تصور میکنید وجود دارد) بنظر من در این بحث بود و نبود خالق اصولاً مطرح نیست. حرف شما کاملاً درست است که کشش و تمایل آدمی به بدی بیشتر از خوبی است اما این نه ارتباطی با بود و نبود خالق دارد و نه انسان را بدرجه حیوان تنزل میدهد مشخصات انسانی ما حاکی است که اصل تنازع بقا نمیتواند حاکم بر روابط انسانها باشد و عواطف و احساسات انسانی ما به ما حکم میکند که دیگران را کمک کنیم تا بر نادانی و جهل خود فائق آیند خالق میخواهد باشد هیچگونه نباشد. و من برخلاف فرمایش شما هیچگونه تصویری از خالق ندارم. هر تصویری از چیزی که ماورای درک ما است تصور باطلی است. چیزی که در تصور ما بگنجد قطعاً خالق نیست تنها چیزی که میتوان مطرح کرد آنست که ما مخلوق خالق هستیم. همین و بس. مخلوق تصادف در طبیعت نیستیم. در تصادف روابط و ضوابطی وجود ندارد در حالیکه در خلقت روابط و ضوابط بسیار ظریف و حساسی وجود دارد بنابراین خلقت نتیجه تصادف و هرج و مرج نیست. این بالاترین حد درک من از خالق است و هیچ تصویری از خالق در ذهن ندارم که شما بخواهید آنرا قبول کنید یا رد کنید.

اشاره به علت غائی وجود و خلقت کرده بودید که اشیاء فهم و درک ندارند ولی انسانها دارند و بدنبال فهم علت وجودی خود باید باشند.

بگذریم از اینکه نفی فهم و درک از سایر موجودات و اشیاء با توجه به مسئله نسبت کار آسانی نیست و بطور نسبی هر موجودی لابد احاطه بر قسمتی از وجود دارد اما معهذا چیزی که غیر قابل انکار است آنست که ما جزئی از يك مطلب ناشناس هستیم چیزی شبیه يك سلول از يك بدن، يك مهره از يك ماشین، يك آجر از يك ساختمان، هدف و علت وجودی ما چیست نمیدانیم. آن ماشین چه کار میکند، نمیدانیم، آن ساختمان برای چی است نمیدانیم فهم و شعور و تجربه شخصی ما برای درک مطلب کافی نیست هرچه دراین باره تلاش کنیم سر به سنگ کوبیده ایم. نفی علت وجودی ما هم امکان ندارد. تنها چیزی که میدانیم آنست که دنیا و خلقت برای تأمین لذت و راحتی شخص من نیست و ما مرکز خلقت نیستیم. يك چیز دیگر هم میدانیم و آن این است که ما انسان خلق شده ایم حیات انسانی داریم حیث است که بدرجه حیوان تنزل کنیم و فقط بدنبال تأمین مادیات و بالاتر بردن سطح زندگی مادی باشیم.

در قسمت آخر مرقوم فرموده اید که (من فقط دوران زندگی خود را در این دنیا مطرح میدانم و کاری به آینده دور و دراز ندارم. از آنجائیکه آرزوهای خود را برای رستگاری بشر در آتیه نزدیک قابل حصول نمی بینم احساس یأس و سرخوردگی میکنم). بیاد انوشیروان افتادم که دهقان پیری دید که گردکان میکارد پرسید و جواب گرفت که کاشتند خوردیم میکاریم تا

بخورند تصور نمی کنید که حق با اوست و ما میبایستی با آینده دور و دراز کار داشته باشیم. تاریخ به ما نشان میدهد که پیشرفت اخلاقی بشر و بهبود شرایط اجتماعی انسانها به کندی صورت میگیرد و موضوع يك نسل دو نسل یا یکقرن نیست. در ضمن همین تاریخ شاهد است که اجتماعات بشری به قهقرا نرفته اند. به سمت ترقی و تعالی آمده اند پس چرا من و شما باید انتظار داشته باشیم که در یکقرن اوضاع مطابق میل ما سرو سامان گیرد. شما البته بعنوان يك مرتبی این انتظار را دارید ولی من بعنوان يك فرد اجتماع چنین انتظاری ندارد. من از لحاظ روحی و اخلاقی از پدر و مادرم پیشرفته تر نیستم و احساس نمیکنم که بچه های منم از لحاظ روحی و اخلاقی خیلی از من پیشرفته تر باشند سالهای بسیاری لازم است تا اجتماع قدم کوچکی به جلو بردارد و مالا این موضوع و قبول آن به من کمک میکند که چون شما مایوس و سرخورده نباشم با کمال تحتل و پایداری در ادای دینم به اجتماع بکوشم و به کنج عزلت ننشینم. تا وقتی این اندازه آدم جاهل و نادان - درمانده و بدبخت - گرسنه و بینوا در جهان هست حیث نیست به کناری بنشینیم و مرثیه یاس و سرخوردگی بسرائیم. سعدی میگوید:

دریای فراوان نشود تیره بسنگ

عارف که برنجد تنگ آبت هنوز

شما هم از جهل و نادانی بشر نرنجید اجتماع به ما بدهکار نیست ما مدیون اجتماع هستیم. من به

بقیه در صفحه ۱۱۳

آفتاب عالمتاب

از رخ خویشتن کشید نقاب	باز آن آفتاب عالمتاب
برده از دل قرار و ازجان تاب	بسکه با آب و تاب بود رُخش
کرده ام ترك مسجد و محراب	طاق ابروی دوست تا دیدم
وی زموی تو شهر کفر خراب	ای ز روی تو ملك دین آباد
تشنگان را ز مرحمت دریاب	در لب ت چشمه‌های حیوان است
ز آتش غم هماره باد کباب	دل که دارای مهر روی تونیست
بستی از تار زلف خویش طناب	عاشقان ترا بگردن دل
برده از چشم عاشقان تو خواب	غمزه چشم مست مکحولت
با نوا های دلکش جذاب	میسرایند درگه و بیگاه

که شهنشاه ملك زیبایی

مُستوی شد بعرش ابهانی

که عیان گشته خسرو لاهوت	مژده ای اهل عالم ناسوت
طعنه زن بر عوالم ملکوت	شده لاهوت از کمال شرف
باد و صدعز و قدرت و جبروت	غیب در هیکل شهود آمد
جلوه گر شد بعالم ناسوت	طلعت حق ز خلف عرش عما
لب چون شکرش روان راقوت	دم جان پرورش جهان راجان
عشق او آب و عاشقانش حوت	مهر او جان و طالبانش تن
نوح ما ساخت کشتی یاقوت	از برای نجات خلق جهان
هو دیموم دونه سیفوت	هو قیوم غیره سیزول
با طرب ساجدان قبله روت	ای بها صبح و شام میگویند

که شهنشاه ملك زیبایی

مُستوی شد بعرش ابهانی

ای غمت وصل وای غمت حرمان	ای غمت درد وای غمت درمان
جمع گردیده کفر با ایمان	زلف و رویت هرآنکه دید بگفت
در خم زلف کرده سرگردان	دل جمعی چومن پریشان را
پیچ زلف تو دام طایر جان	خم مویت کمند آهوی دل
نکنند اعتکاف دیر مغان	گر مغان طاق ابرویت نگرند
دیدی از چشمه لبّت بجهان	خضر آب حیات کی جُستی
کردی از جلوه نی بملک عیان	ستر مکنون و رمز مخزون را
عجب از احتجاب اهل بیان	با چنین طلعتی نکو دارم
در تفتنی با حسن الالحن	عندلیبان گلشن عشقند

که شهنشاه ملک زیبایی
مُستوی شد بعرض ابهائی



شعر از جناب نصرالله عرفانی (عرفان)

جام هدی'

تا که همصحبّت عشّاق می آشام شوم	بر که صهبای هُدی گردم و در جام شوم
مایه سوختن و پختن هر خام شوم	آب آتش صفتی گردم و با غیرت عشق
ربّ عشّاق، سبب ساز، که همگام شوم	ای خوشا دولت همگامی دلسوختگان
گفتم آیا نظر لطف دلارام شوم ؟	گفت چونی بویا با لبه تیغ بلا ؟
گفتم ای دوست بگو عاشق پدرام شوم ؟	گفت گیرم بقضا اختر بخت تابید
آدم صبح صفت تا چه سرانجام شوم	منکه خود هیچ ندانم ز نهان بازی چرخ
نامت آرام بلب و راحت و آرام شوم	جور گردون بروم گاه بگاهی از دست

گر شود قسمت «عرفان» قدحی از خم دوست
نوش داروی غم و غصّه و آلام شوم

از جناب دکتر حبیب الله ثابتی

مدارس مبارکه تأیید و موهبت

از جمله مدارس بهائی که در دوره طلعت میثاق در مهد امرالله تأسیس شد دو آموزشگاه بنام « مدرسه مبارکه تأیید بنین » و « مدرسه مبارکه موهبت بنات در همدان بود که بسال ۱۹۰۸ میلادی بهمت جمعی از متقدمین و مؤمنین بامر جمال اقدس ابهی دایر گردید .

در آنزمان در همدان بیش از دو آموزشگاه نداشت یکی مدرسه آمریکائی بود که مبلغین مسیحی آمریکائی تأسیس کرده بودند و دیگر مدرسه الیانس که بوسیله کلیمیان فرانسه تأسیس شده بود و هر دو آنها با اصول تعلیماتی منظم و برنامه های کلاسیک متداول در غرب تدریس میشد . چند مکتب خانه نیز در گوشه و کنار شهر وجود داشت که باطفال مسلمان قرآن میآموختند .

در گذشته عده ای از جوانان کلیمی که در مدرسه آمریکائی تحصیل میکردند بر اثر تبلیغات آنان بدیانت مسیح اقبال نمودند و برخی از آنان بحدتی متعصب شده بودند که از معرضین لدود امر مبارک بشمار میآمدند و از آنجائیکه مبلغین آمریکائی در صدد بودند جوانان بهائی را منحرف نموده و بکلیسا بکشانند، آنان از تحصیل در آنمدرسه سر باز زدند وبمدرسه الیانس رو آوردند .

در باره مؤسستین مدارس تأیید و موهبت و نام افراد آن اطلاع زیادی در دست نیست و آنچه مسلم است اعضای شرکت متحده که در رأس آن جناب یوسف متحده قرار داشته در بنیان گذاری این دو مؤسسه تعلیماتی بهائی سهم مهمی را عهده دار بوده اند و مورد عنایت حضرت مولی الوری قرار گرفته اند . یکی از افراد دیگری که در این مشروع سهم بوده و نیز مورد عنایت و تفقد حضرت عبدالبهاء واقع شده جناب حاج سلیمان طبیب فرزند آقا الیاهوی نهاوندی میباشد .

همدان امناء شرکت متحده علیهم بهاء الابهی

هوالله

نامه شما رسید مدرسه تأیید در همدان مرکز توفیق است و از تاسیسات مهمه این عصر عظیم هرچند حال بظاهر اهمیتی ندارد ولی در استقبال صیت و شهرتش شاید آفاق را

احاطه کند نفوسیکه سبب تأسیس اینمدرسه گشتند و یا مباشر تعلیم شدند یا اعانت کردند یا بخدمت پرداختند آن نفوس بینهایت عبدالبهاء را خشنود و ممنون نمودند بدرجه‌ئی از آنها راضیم که وصف نتوانم ایمان بلفظ نیست چنین خدمتها برهان ایمان است الحمدلله که کمیته مدرسه موفق بخدمت است و از الطاف جمال مبارك التماس مینمایم که آن کمیته را انجمن آسمانی نماید و انعکاسات ملا اعلی فرماید باری اگر فرح و سرور عبدالبهاء خواهید بجان و مال و قوی بکوشید تا آن مدرسه مبارکه روز بروز تأیید جدید یابد و قوام تازه نی حاصل کند سرمشق مدارس سائره گردد و سبب فخر بهائیان در جمیع اقالیم شود معلمین آنمدرسه مؤسس بنیان ابدی هستند و مروج معارف الهیه طوبی لهم و حسن مآب معاونین آنمدرسه نصرت امرالله کنند و خدمت بعثه مبارکه جمال ابهی بشری لهم و خیر جزاء من الله. شرکت متحده باید بمنزله کمان ساعت باشد ونهایت همت را مبذول دارد تا عبدالبهاء را بفرح و سرور آرد و علیکم البهاء الابهی . ع ع

جناب زائر عاشور همدانی

همدان جناب حاج سلیمان طیب علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای طیب جسمانی و روحانی خدماتی که در تنظیم مدرسه تأیید نمودی سبب سرور قلوب گردید این از تأییدات الهیه بود که باینخدمت موفق شدی باید شکر نمائی که جهد بلیغ وسیعی عظیم دراین سبیل مبذول داشتی و یقین است که نتیجه فوز عظیم است و فضل حضرت رحمن و رحیم حیات انسان فی الحقیقه مانند طرفه العین است زیرا جماد و احجار و اشجار حیاتشان بیش از انسان لهذا زندگانی انسانی در اینجهان فانی اهمیتی نداشته و نخواهد داشت و لیکن توفیقات رحمانیه و تأییدات صمدانیه چون در حقیقت انسانیه جلوه نماید این مدار مباهات است و مورث مسرات لهذا باید همواره بمساعی خیریه در ترقی حقایق انسانیه و ظهور سنوحات رحمانیه بکوشید و علیک البهاء الابهی . ع ع

بواسطه جناب زائر آقا عاشور همدانی علیه بهاء الله الابهی

همدان مدرسه تأیید

هوالله

ای نورسیدگان بهائیان و طالبان علم و عرفان انسانرا امتیاز از حیوان بچند چیز است اول صورت رحمانیت است و مثال نورانیت چنانچه در تورات میفرماید لنعملن انساناً علی صورتنا و مثالنا این صورت رحمانیت عبارت از جمعیت صفات کمالیه است که انوارش از شمس حقیقت جلوه بر حقائق انسانی نماید و از اعظم صفات کمالیه علم و دانائی است پس باید شب و روز بکوشید و سعی بلیغ مبذول دارید و آرام نگیرید تا از جمیع علوم و فنون نصیب موفور یابید و صورت رحمانیت از شمس حقیقت تجلی بر مرایای عقول و نفوس نماید عبدالباها را آرزو چنان که هر یک از شما در مدارس علوم معلّم اول شمرده شوید و در دبستان حقائق و معانی سر دفتر دانائی گردید و علیکم البهاء الابهی . ع ع

ضمناً دو لوح دیگری یکی خطاب باولین شاگردان مدرسه تأیید صادر فرموده آنها را به کسب علوم و فنون و معارف تشویق فرموده اند دیگری نیز بافتخار خادم آئندرسه جناب داود قلی بیگ شرف صدور یافته است .

بواسطه حضرت علی قبل اکبر علیه بهاء الله
همدان - جناب داود قلی علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان شکر کن خدا را که خادم دبستان همدانی و تازه نهالان بوستان انسانیرا خدمت و تربیت مینمائی قدر این نعمت را بدان و بشکرانه روز بروز بیشتر پرداز زیرا اگر نتایج این خدمت را بدانی البتّه از شدت فرح و سرور پرواز نمائی آن اطفال انشاء الله ابناء ملکوت گردند و در ظلّ الطاف جمال قدم روحی لاحباء الفدا اشجار مثمره و گل و ریاحین جنت ابهی گردند . وعلیک البهاء الابهی ع ع

در همان اوان لوحی بافتخار جمعی از احتبای عزیز و جوان آن سامان که انجمنی تشکیل داده بودند شرف صدور یافته و اگر چه اشاره ای در آن به تأسیس مدرسه تأیید و موهبت نشده است مع هذا تصوّر می‌رود که آن اولین انجمن و یا کمیته ای بوده است که اداره مدارس را بمعده گرفته باشد . علاوه بر این

دو لوح مبارك ديگر يکي بافتخار سه نفر از حضرات اماء الرحمن و ديگري بافتخار دوشيزگان مدرسه بنات عزّ نزول يافته که در آن باهميت تعليم و تربيت دختران و تشويق آنان اشاره فرموده و در لوح مبارك اول مدرسه بنات را موهبت نامگذاري فرموده اند .

همدان : اعضاي انجمن احباء الله ، جناب دکتر مسيح خان ، جناب حاج ميرزا يوحنا خان ، جناب آقا سيد حسن طهراني ، جناب آقاشالون فريدوني ، جناب آقا ميرزا الياهو حکيم ، جناب حاجي يوسف متحده ، جناب حاجي موسي کليمي ، جناب حاجي حاجي مهدي آقا رفيما ، جناب آقا يهودا آقا الياهو، جناب ميرزا حسن کرمانشاهي ، جناب آقا نعمت الله ، جناب ميرزا طاهر عليهم بهاء الله الابهي .

هوالله

ايدوستان حقيقي انجمن در اقطار عالم بسيار در هر شهري انجمنها در نهايت انتظام ولي جميع تعلق بعالم اجسام دارد انجمنی بجهت جمع حطام و انجمنی بجهت سلب اموال انام و انجمنی بجهت اکتشاف معادن و اختراع آلات و ادوات در مرور ايتام و قس علی ذلك ولي الحمدلله در همدان آن انجمن رحمن تأسيس گشته است انجمن بايد روشن گردد و نورانيت هر انجمن بتبليغ امراالله و روحانيت محفل نشر نفحات الله ، رحمانيت انجمن بگفتار و کردار و رفتار بموجب تعاليم الله ، محفل اينست ، انجمن اينست، مجمع اينست طوبي لمن ايتد بهذا و عليكم البهاء الابهي . عبدالبهاء عباس

بواسطه جناب آقا يوسف متحده

همدان- دو معلمه مدرسه بنات امةاللهمنور و امةاللهطاوس و امةاللهحنا عليهن بهاء الله الابهي

هوالله

اي اماء رحمن مدرسه بنات اهمّ از مدرسه ذکور است زيرا دوشيزگان اين قرن مجيد بايد نهايت اطلاع از علوم و معارف و صنايع و بدايع اين قرن عظيم داشته باشند تا بتربيت اطفال پردازند و کودکان خویش را از صغر سن تربيت بکمال نمايند و اگر مادر چنانکه

باید و شاید حائز فضائل عالم انسانی باشد اطفال مانند فرشتگان در نهایت کمال و جمال و آداب پرورش یابند پس این مدرسه بنات که در آنسامان تاسیس شده باید مشمول نظر احبای الهی گردد و مورد اهتمام نفوس رحمانی شود معلمانی که در اینمدرسه هستند اماء مقرّ به درگاه احدیتند زیرا امثال اوامر مقدّسه جمال مبارک نموده اند و بتربیت اطفال اناث برخاستند روزی آید که این دختران مادران گردند و هر يك در نهایت ممنونیت بدرگاه احدیت تضرّع و زاری نمایند و این معلمات را نجات و فلاح و رستگاری طلبند و علوّ درجات در ملکوت ربّ الایات خواهند . این مدرسه را مدرسه موهبت نام نهید . ع ع

همدان - معلمات مدرسه موهبت علیهن بهاء الله ابهی

هوالله

ای بنات ملکوت در قرن سابق بنات ایران بکلی از تعلیم محروم ، نه مکتبی و نه دبستانی نه معلّی نه استادی و نه مرتبی مهربانی حال در این قرن عظیم فضل کریم مشمول بنات نیز گردید مکاتب متعدده در ایران بجهت تعلیم دختران گشوده گشت ولی تربیت مفقود با آنکه تربیت اعظم از تعلیم است زیرا اعظم فضیلت عالم انسانی است حال در همدان الحمدلله تاسیس مدرسه بنات بهائی گردیده شماها که معلّمید باید بیشتر از تعلیم بتربیت پردازید تا بنات را بعصمت و عفّت و حسن اخلاق و آداب پرورش دهید و تعلیم علوم ننمایید اگر چنین مجری گردد ، تأییدات ملکوت ابهی در اوج آن دبستان موج زند امیدم چنین است که موفق گردید و علیکم البهاء الابهی - عبدالبهاء عبّاس

دو مدرسه تأیید و موهبت در سالهای اوّل در منازل احباء تشکیل میشده است سپس بهمت تبرّعات کریمانه احبای همدان دو ساختمان دو طبقه که هر يك دارای چندین اطاق بوده و سالن نسبتاً بزرگی در طبقه فوقانی دو ساختمان را از یکدیگر مجزاً میساخت امتیاع نمودند . این سالن که در حقیقت حظیره القدس همدان بود گنجایش ۵۰۰ نفر داشت و در اعیاد و جشنها مملوّ از جمعیت احباء و میهمانان غیر بهائی آنان میشد و گاهی نیز بوسیله قزاقهای روسیه تزاری فیلم های سینمایی نمایش داده میشد . در موارد خاص فضلائى چون جناب محمود زرقانی ، جناب عبدالله مطلق و جناب فاضل شیرازی در آن سخنرانی میفرمودند . يك سمت این سالن به بالکن و حیاط مدرسه موهبت باز میشد و راه ورود به

حظیرة القدس از آندرسه بود . عمارت دیگر رو بروی مطب جناب حاج سلیمان طبیب قرار داشت ، دارای اتاقهای بیشتری بود و برای مدرسه تأیید اختصاص داشت .

فرانسویانی که امور مدرسه الیانس را زیر نظر داشتند جوانی بهائی بنام عبدالله فرزند جناب آقا سلیمان زرگر را که در آن مدرسه با درجه ممتاز فارغ التحصیل شده بود برای ادامه تحصیل بفرانسه اعزام نمودند. وی در آنجا بنام آندره نامیده شد و پس از چندی تحصیلات عالی خود را در آن کشور به پایان رسانید . کمیته مدارس تأیید و موهبت در سال ۱۹۱۱ از ایشان دعوت بعمل آورد تا تصدی ریاست مدرسه تأیید را عهده دار شوند . نامبرده این دعوت را پذیرفت . بهمدان وارد شد و چون باصطلاح فرنگی مآب بود بنام مسیو آندره شهرت یافت .

مسیو آندره جوانی بسیار مؤمن ، خوش سیما و شیک پوش و مظهر نظافت بود و چون همواره با کت و شلوار اتو شده و یقه های آهاری و کراوات ملتبس بود مورد توجه و احترام خاص و عام قرار داشت ، وی مدیری لایق ، سخت گیر و با انضباط بود ، بادیات فرانسه تسلط کامل داشت خط فارسی و فرانسه وی زیبا بود و در طول خدمت خود تحول عظیمی از لحاظ اجتماعی و تعلیماتی در همدان بوجود آورد .

مسیو آندره با تهیته و طرح و تدوین برنامه های علمی در رشته های مختلف و با استفاده از وجود فضایی انگشت شمار همدان جناب چون دبیر مؤید و جناب دکتر مسیح خان ارجمند و بعضی دیگر از متقدمین تحصیل کرده و جوانانی که مدرسه الیانس را به پایان رسانیده بودند و مطالعات در رشته های علمی خود را ادامه میدادند به تعلیم و تربیت جوانان بهائی پرداختند . بتدریج کلاسهای مختلف تشکیل شد و دارای ۹ کلاس شد که چندی بعد بنام " مدرسه متوسطه تأیید " نامیده شد .

دروسی که در طول اینمدت بشاگردان تدریس میشد از قبیل ریاضیات ، تاریخ عمومی و طبیعی ادبیات فرانسه و فارسی و عربی در سطح خیلی بالا قرار داشت ، مثلاً دروسی مانند کلیله دمنه ، تاریخ معجم و نحو انموذج که در آنزمان تدریس میشد پس از گذشت نیم قرن از برنامه های دبستان و دبیرستان حذف شده و برخی از آنها هم در برنامه های دانشگاهی منظور گشت .

پیشرفت مدرسه تأیید در سنین اولیه چنان سریع بود و صیت و آوازه شهرتش در همدان آنچنان طنین انداخت که علاوه بر اطفال بهائی بسیاری از صاحبان مناصب و افراد سرشناس آن شهرستان بدون ابراز تعصب اطفال خویش را بآن مدرسه میفرستادند بطوریکه تعداد شاگردان آن به ۷۰۰ نفر بالغ میگردد و دو مدرسه امریکائی و الیانس را تحت الشماع قرار داد .

سرانجام زمانی رسیده بود که حیاط و اتاقهای مدرسه گنجایش تأمین احتیاجات تعداد زیادی از شاگرد نداشت لذا ساختمانی مجاور بآن خریداری شد . دیوار فیما بین برداشته شد و توسعه بیشتر یافت . مسیو آندره پس از بثمر رسانیدن برنامه های تعلیماتی و فارغ التحصیل نمودن اولین دوره های شاگردان

مدرسه و پس از صعود پدر بزرگوار خود در سال ۱۹۱۹ از ریاست مدرسه کناره گیری کرد ، ایران را ترك نمود زمانی در پاریس و زمانی در نیس اقامت گزید . در مسیر خود در ارض اقدس بحضور مبارك حضرت مولی الوری مشرف شد و ببوسیدن اعتاب مقدسه نایل گردید و لوح مبارك زیر بافتخار ایشان عزّ نزول یافت .

جناب مسیو آندره علیه بهاء الله ابهی

هو الله

ای زائر تربت پاک حمد کن خدا را که موفق بر طی مسافت بعیده گشتی تا آنکه بکوی دوست رسیدی و از الطاف حضرت مقصود بهره و نصیب یافتی ، وفي الحقیقه سزاوار این فضل و موهبت بودی زیرا در همدان بتعلیم نونهالان حدیقه معانی پرداختی ، حال بجهت تنزه و تفکّه و راحت دل و جان بغرب سفر نما ، بیاریس برس و در آنجا جستجو از یاران الهی نما ، و بهریك از آنان از قبل عبدالبهاء رافت و مهربانی کن ، و تحت مشتاقانه مرا برسان و بگو که در جمیع دیار آهنگ یا بهاء الابهی بلند است و امید من چنانست که در پاریس نیز این نفه جانفزا ، این آهنگ ملکوت ابهی بلند گردد .

پاریس در هر مسئله‌ئی شورانگیز است ، از خدا خواهم که ساز و آواز احتبای الهی چنان بلند شود که زلزله بر ارکان پاریس اندازد ، منتظر اخبار بسیار خوشی از احتبای پاریس هستم ، و یقین است در آینده این آهنگ الهی در آن مدینه بلند خواهد شد ، ولی می‌خواهم در ایام عهد و میثاق باشد ، و شما مطربان آن آواز باشید و ببلان خوش ترانه آن اقلیم گردید و عليك البهاء الابهی .

ایشان مجموعه ای از خرافات متداول در ایران را جمع آوری و تدوین نموده بودند و بحضور حضرت عبدالبهاء معروض میدارند و آنحضرت از چاپ و انتشار آن ایشانرا منع میفرمایند . مسیو آندره در پاریس بحضور مبارك حضرت شوقی رثانی مشرف میشدند و کارت پستالی که آنحضرت در پاریس بایشان مرقوم فرموده بودند اکنون در دارالآثار ارض اقدس محفوظ است . مسیو آندره در سال ۱۹۲۶ قبل از ازدواج در سن ۴۲ سالگی دیده از جهان خاکی بریست و بملکوت ابهی صعود نمود . اولیای مدرسه متوسطه تأیید بهاس قدردانی و تکریم معظم له يك روز مدرسه را تعطیل نمودند و بنام وی کاشی زیبایی بدیوار خارج سالن حظیره القدس نصب نمودند . حضرت ولی امرالله نیز ضمن توقیعی برادر بزرگ ایشان جناب حاج میرزا ابراهیم فریدیان را مورد تفقد قرار داده تسلیت فرمودند . از سال ۱۹۱۹ به بعد رؤسای متعددی متصدی و مسئول اداره مدرسه متوسطه تأیید شدند . از جمله جنابان سعید افندی ، علی جواهرکلام ، نورالدین ممتازی ، هدایت فروهر ، راضی را میتوان نام برد و



فرستنده عکس بالا جناب دکتر ناصر برجیس



نیز در سالهائی که ارتش غرب در همدان مستقر بود جنابان جلال خاضع و سهائی من غیر مستقیم اداره امور مدرسه را نظارت میفرمودند و زیر نظر داشتند . و از آنجائیکه برنامه های تحصیلی و تعلیماتی مدرسه با اصول صحیح پایه گذاری شده بود خدشه ای به برنامه های علمی وارد نشد و کمیته مدارس همواره مترصد بود تا از وجود دانشمندان چندی از قبیل جنابان فاضل شیرازی ، محمد ناطق ، هدایت الله فروهر و سپس از جناب اشراق خاوری استفاده نمایند . اداره مدرسه موهبت نیز تحت ریاست حضرات اماء الرحمن محبوبه خانم نعیمی ، شهلا خانم رفعت ، اشراق خانم ذبیح و قدسیه خانم روشن ضمیر قرار داشت . تا آنکه در سال ۱۹۲۲ هر دو مدرسه مانند سایر مدارس امری در ایران تعطیل گردید .

عدم مداخله در امور سیاسیه

قسمت دوم

اول - عدم نام نویسی و قبول عضویت در احزاب سیاسی اعم از محلی و ملی و بین المللی :
جامعه بین المللی بهائی يك جامعه دینی غیر سیاسی است که از طرف سازمان ملل نیز بهمین عنوان شناخته شده و در اساسنامه محافل روحانی ملی سراسر عالم نیز مسئله غیر سیاسی تصریح گشته است . این جامعه در نصوص مبارکه به حزب الله موسوم گشته که هدفش وحدت عالم انسانی و صلح عمومی و روش آن محبت و مدارا با عموم مردم و پرهیز از خشونت و شدت عمل و پرخاش جوئی است و با در نظرگرفتن این که همه احزاب سیاسی روش مبارزه برای وصول بقدرت را دارند که مخالف سنجیه و روش بهائیان است بنابراین شرکت آنان در احزاب سیاسی مخالف خصوصیات فکری و عملی آنان است و عضویت در هر حزب و دسته سیاسی برای بهائیان بمنزله خروج از حزب الله و دیانت بهائی میباشد .

دوم : بهائیان در جمیع تشکیلات و انجمنهای خیریه عمومی از قبیل فرهنگی ، بهداشتی ، اقتصادی ، اجتماعی و غیره مجاز بشرکت و فعالیت هستند بشرط آنکه تعیین کنند که منشاء سیاسی ندارد " تاریخ نشان داده که در هر کدام از این تشکیلات بهائیان از مفیدترین و مؤثرین اعضاء بوده اند .

از جناب دکتر ماشاء الله مشرف زاده

سوم : بسیاری از انجمن ها و تشکیلات و فعالیتهای اجتماعی در نقاط مختلف عالم وجود دارند که ظاهراً رنگ و بوی اجتماعی و اقتصادی و خیریه ای دارند و لکن دارای منشاء سیاسی میباشند . بنابراین افراد بهائی بایستی بیدار و هوشیار باشند که قبل از قبول عضویت در هر تشکیلی تشخیص غیر سیاسی بودن آنها بدهند . مرجع اعلای این تشخیص در سطح جهانی و بین المللی بیت العدل اعظم الهی است که حافظ و حارس بهائیان دنیا و مسئول جلوگیری از انحراف یاران است و یکی از شرائط لازمه هر تشخیصی احاطه و اطلاع است و بنابراین یکی از موارد لزوم و استعمال نصّ مبارک " امور سیاسیه کل راجع به بیت العدل " همین تشخیص و راهنمایی است . هر هنگام که يك فرد بهائی یا محافل ملیه و محلیه در مورد ماهیت حزب و دسته ای یا قبول و عدم همکاری با فرقه ای و یا عضویت انجمنی نتوانستند تصمیم قطعی اتخاذ کنند از آن معهد اعلی سنوال می نمایند و آنچه را که هدایت و راهنمایی فرماید بموقع اجراء میگذارند .

۴ - مقام و وظائف بیت العدل اعظم الهی :
بیت العدل اعظم الهی عالی ترین ارگان تشکیلاتی و روحانی بهائی در زمان حال و آینده

است . این مرجع اعلی بر طبق نصوص مبارکه واجد عصمت موهوبی و مصون از خطا است . مرجع تشریع احکام غیر منصوصه و هم چنین ناسخ آنها است . اعضاء آن در حال حاضر ۹ نفرند، هر پنجسال یکمرتبه توسط اعضاء محافل ملی دنیا انتخاب میشوند . هیچکدام از اعضاء مصون از خطا نمیباشند و لکن اجتماع رسمی آنان که پس از توجّه کامل بنصوص مبارکه در هر موضوعی منتج باخذ رأی میشود آن رأی و تصمیم مصون از خطا و مادام که خود بیت العدل آنرا لغو نفرموده لازم الاجراء است .

وظیفه اصلی بیت العدل اعظم اداره امور بهائیان جهان و حفظ و حراست آنان از هر لحاظ است . تعیین خطّ مشی و چگونگی پیشرفت و توسعه جامعه نیز با آن معهد اعلی است .

حضرت عبدالبهاء میفرماید :

« اما بیت عدل الذی جعله الله مصدر کلّ خیر و مصنوّناً من کلّ خطاء باید بانتخاب عمومی یعنی نفوس مؤمنه تشکیل شود و اعضاء آن باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بر دین الهی و خیرخواه جمیع نوع انسانی باشند و مقصد بیت عدل عمومی است یعنی در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نماید . این مجمع مرجع کلّ امور است و مؤسّس قوانین و احکامی که در نصوص الهی موجود نه و جمیع مسائل مشکله در این مجلس حلّ گردد . . . این بیت العدل مصدر تشریع

است و حکومت (منظور حکومت بهائی) قوه تنفیذ تشریع باید مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریع شود تا از ارتباط و التیام این دو قوت بنیان عدل و انصاف متین و رزین گردد . . . مرجع کلّ کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا با کثرت آراء تحقیق یابد همان حقّ و مراد الله است و من تجاوز عنه فهو متن احبّ الشقاق و اظهر النفاق و اعرض عن ربّ الميثاق . ولی مراد بیت العدل عمومی است که از طرف جمیع بلاد انتخاب شود . . . و آن اعضاء در محلی اجتماع کنند و در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند و هرچه تقرّر یابد همان مانند نصّ است و چون بیت عدل واضع قوانین غیر منصوصه از معاملات است ناسخ آن مسائل نیز تواند بود واضع بیت عدل ناسخ نیز بیت عدل . . . »

(الواح مبارکه وصایا)

در مورد وظائف بیت العدل اعظم الهی در اساسنامه آن معهد اعلی چنین آمده است :

« . . . اما وظایف و اختیارات مختصّه بیت العدل اعظم : از جمله محافظت نصوص مقدّسه است . صیانتشان از تصرف و تحریف و تجزیه و تفکیک و تنظیم و تنسیق و ربط و تطبیق آیات و آثار مبارکه است و مدافعه و محافظه امر

حضرت احدیت و استخلاص از قیود مقهوریت و مظلومیت .

ازجمله ترویج مصالح امرالله است و اعلان و انتشار و تبلیغ دین الله . اتساع و استحکام مؤسسات نظم اداری امرالله است و تمهید مقدمات تأسیس نظم بدیع جهان آرای جمال ابهی . همت در تحسین اخلاق و اتصاف بصفات و کمالات رحمانیه است که مابه الامتیاز حیات فردی واجتماعی بهانیانست و جهد بلیغ درتقویت مبانی الفت و تفاهم بین اقوام و ملل و استقرار صلح عمومی و مجاهدت در سبیل نورانیت و تهذیب نفوس و ترقی و اصلاح عالم .

از جمله تشریع قوانین واحکام غیر منصوصه است و نسخ و تبدیل آن بمقتضای زمان . توضیح مسائل مبهمه است و عقد شور و اخذ تصمیم در جمیع قضایای مابه الاختلاف . حفظ حقوق شخصی و تأمین ابتکار و آزادی افراد است و حفظ ناموس نفوس و تحکیم ممالك و تعمیر بلاد .

از جمله ترویج و تنفیذ احکام ومبادی امرالله است و صیانت و تعمیم حسن اخلاق بموجب حدود واحکام نیز آفاق . محافظه و اتساع و ارتقاء مرکز دائم الاستقرار روحانی واداری امرالله در دو مدینه عکا و حیفا است واداره امور جامعه یاران در سراسر دنیا . هدایت و تمشیت و توحید مساعی و تحکیم وحدت مجهودات اهل بها است . ایجاد مؤسسات لازمه است . اتخاذ تدابیری است در مواظبت از معاهد و تشکیلات امریه که مبدا از مقامات مخصوصه خود تخطی نمایند یا از حقوق و

و مزایای خویش غفلت ورزند . تمهید وسائلی است جهت وصول و صرف واداره و حفظ تبرعات و موقوفات و سایر املاکی که تحت اشراف خود دارد .

از جمله فیصله اختلافات مرجوعه است و صدور حکم و تعیین مجازات در مورد کسر حدود و احکام الهیه . تدارک وسائل فعاله جهت تنفیذ آراء صادره است و تهیه اسباب حکمیت و حل اختلافات حاصل بین بریه .

ترویج و صیانت عدل آلهی که یگانه ضامن امن و امان واستقرار حکومتنظم وقانون درعالم امکان است «

(قانون اساسی بیت العدل اعظم - اقتباس از کتاب ارکان نظم بدیع صفحه ۲۲۰)

با در نظر گرفتن مراتب بالا بخوبی استنباط میشود که بیت العدل اعظم الهی نه فقط از دخالت در سیاستهای دول و ملل مختلفه احتراز دارد بلکه در عین این که نسبت بتمام رژیمهای سیاسی - حکومتات رسمی ملل جهان احترام میگذارد از اظهار نظر و مقایسه و تعیین برتری و مزیت هرکدام از آنها بردیگری برکنار و در حقیقت مقام و منزلت خود را در سطحی بی نهایت بالاتر و والاتر از جانب گیری و ورود دراختلافات آنها میداند و آن سیاستی که طبق نصّ مبارک حضرت بهاءالله مربوط به بیت العدل است سیاستی است مافوق همه سیاستهای بشری که دراصطلاح بهانیان بسیاست الهی مشهوراست .

۵ - سیاست الهی :

ما معتقدیم که سیاست بر دو قسم است سیاست بشری و سیاست الهی .

سیاست بشری توسط مردم تعیین و اجراء میگردد و بانی آن اغلب سیاستمداران هستند . این سیاست مبتنی برکسب قدرت و جلب نفع و دفع مضرت است و مستلزم تبلیغات و پروپاگاندا و دخل و تصرف در افکار عمومی اگرچه مخالف اصول اخلاقی و روحانی باشد .

بدیهی است که بیت العدل اعظم الهی و محافل روحانیه ملی و محلی و قاطبه بهائیان دنیا از آن عاری و بری هستند و حتی به " شق شفه " یعنی لب گشودن در باره آن نیز مجاز نمیباشند .

البته دخالت نکردن و آلوده نشدن بهائیان در سیاستهای بشری بمعنی غفلت و ناآگاهی آنان از مکاتب و عقائد سیاسی و عدم اطلاعشان از حوادث و اخبار نیست بلکه آنان سعی میکنند ازاحوال سیاسی جهان و بانیان سیاستهای مختلف آگاه باشند تا بهتر در مقایسه با سیاست الهی که پیرو آن هستند به نقائص و نقاط ضعف آنها پی برده و بیشتر بورشکستگی بازار آنان اعتماد و اطمینان پیدا کنند .

بهائیان معتقدند که تمام سیاستمداران موجود جهان بالاخره در کلاف سردرگمی که بدور خود پیچیده اند وامانده واز اداره دنیای پرانقلاب و آشوبی که بوجود آورده اند خسته و درمانده شده و ناچار متوسل بسیاست الهی خواهند گردید .

حضرت ولی عزیز امرالله دراین مورد میفرماید: « عالم انسانی چه از نظر اخلاق و چه از لحاظ روابط موجود بین جامعه و ملل مختلفه مع الاسف بقدری از صراط مستقیم و منهج قویم منحرف و دچار انحطاط و تدریج گردیده که مساعی و مجاهدات بهترین زمامداران و سیاسیون مستلم و مشهور هر قدر مقرون به بی غرضی و توأم با تعاون و تعاضد و هم عنان با شوق و اشتیاق و فداکاری و جانفشانی در سبیل خدمت عموم باشد نمیتواند بدون اعانت الهی وسیله نجات و استخلاص عالم انسانی گردد . هرگونه نقشه و طرحی که در نتیجه حساب و مطالعه دقیق عالی ترین مردان سیاسی تنظیم شود و هر عقیده و مسلکی که بر طبق آرزو و آمال متخصصین علم اقتصاد تهیه و تکمیل گردد و هرگونه اصول و مبادی که از طرف علمای اخلاق طرح و القاء شود قادر نیست ... اساس و شالوده محکمی برای دنیای پریشان و آشفته کنونی ایجاد نماید » .

(اقتباس از جزوه جامعه عمومی دنیا - بقلم ژرژ الستر)

بیت العدل اعظم الهی در دستخط سنه ۱۲۲ بدیع چنین فرموده اند :

« عالم انسانی بشهادت تعالیم یزدانی در این روزگار بابتلاآت و انقلابات متنوع دچار است و بتحولآت و تلونات بی شمار گرفتار مبادی سقیمه مخربه مدنیت مادیه در اوج اعتلاء است و بشر

بی خبر از خدا در نتیجه حیرت و استکبار پریشان و مبتلا. چراغ دین بی نور است و کوکب هدایت در ظلمت ظلال مستور و بیانات مبارکه کلّ مبتین امور. در عالم سیاست و اقتصاد و تجارت و زراعت و علم و ادب و هنر و صنعت چنان عنان گیسختگی و هرج و مرج راه یافته که دانایان جهان از چاره اش ناتوانند و از عواقب مدهشه غالبه اش حیران و هراسان. علوم و فنون عصریه که خود از تصرفات آفاقیه این امر اعظم است چون از روح الهی محروم مانده جسمی بیجان گشته و رو به تجزّی و تلاشی نهاده. رسوم موهوم و عقاید بالیه مستولیه ادیان عتیقه که بافکار دنیّه بشریه و امیال اهل هوس ممزوج و ملوث گردیده جهانیان را بکلی از مبادی معنویه روحانیه دور ساخته و مغرور و مرعوب و محکوم تمدّنی نموده که اساسش صرفاً برموازن مادی استوار است و از تأیید نفثات روح القدس محروم و برکنار. دراین میان بشر غافل مبهوت و سرگردان نه ملجائی یابد و نه پناهی شناسد و نه این حیات موقت را معنائی بیند لهذا دل بدریا زند لاابالی گردد بی پروائی جوید و با شرب مسکرات و استعمال مخدرات و ارتکاب منهیات راه مستی و فراموشی سپارد و نام آن جمله را تجدد و تمدّن گذارد. . . . نفس پرستی و تن آسانی در این جهان فانی و تنازع بقاء و طمع بمال و شئون دنیا غایت قصوی و مقصد اعلای اکثر مردم این روزگار است لهذا در راه وصول این آمال هیچ مُنکری را مُنکر نگردند و هیچ شری را مضرّ

نشمند. در حسرت دینار و درهم بیقرار و درّ هم شوند و در کسب قدرت و ثروت و نام بهر ننگ و عار تن در دهند. هر دمی بدامی افتند و هر نفسی پی هوسی روند. . . .

با در نظر گرفتن دو بیان مبارک فوق چقدر انسان باید بی انصاف باشد تا بیت العدل اعظمی که مجری سیاست الله و حفظ و حراست عالم انسانی و مروج اصول اخلاقی و مکارم روحانی است بسیاستهای دنیائی سیاستمداران نسبت دهد. تمسّک و دنبال کردن سیاسیون فعلی جهان از هر طبقه و دسته از نظر دیانت بهائی درس خواندن و تدرّس نزد اطفال سبق خوان است و انتساب چنین عملی را بآن معهد اعلی جز بتوهین ناروا بچیز دیگری نمیتوان تشبیه کرد.

اما سیاست الهی که بانیش خداوند متعال است در هرزمانی عبارت از دیانت وقت و احکام و تعالیم آن میباشد و بعقیده ما در زمان حاضر مؤسس این سیاست حضرت بهاء الله جلّ اسمه الاهی. هدف آن وحدت عالم انسانی و صلح عمومی و خیرخواهی عمومی مردم جهان از هر طبقه و نژاد و مذهب و ملت أمّ القوانین آن کتاب مستطاب اقدس و سایر نصوص مبارکه و اساسنامه آن نظم بدیع جهان آرای الهی و مجری و حافظ آن بیت العدل اعظم الهی است. این چنین سیاست کلی و الهی راجع بآن معهد اعلای مصون از خطا است.

حضرت عبدالبهاء چنین میفرمایند :

« سیاست الهی مهربانی بجمیع بشر است بدون استثناء آن سیاست حقیقی است و این روش شایان نفوس مقدّسه رحمانیه » .

(اقتباس از کتاب آئین بهائی يك نهضت سیاسی نیست صفحه ۱۹)

حضرت ولیّ عزیز امراالله درمورد ماهیت شریعت الله

و کیفیت سیاست الله در جهان چنین میفرمایند:

« شریعتی که این نظم جهانی بآن خدمت میکند و

آن را حمایت و ترویج مینماید باید از این

جهت مورد تمعّن و توجّه قرار گیرد که اصولاً جنبه

ملکوتی دارد و فوق حدود و قیود ملی ، کاملاً غیر

سیاسی و غیر حزبی است و بطور مستقیم مخالف

هر سیاست یا مکتب فلسفی است که بخواهد با

نژاد یا طبقه یا ملت بخصوصی را برتر شمارد . از

قید هرگونه تشکیلات مذهبی آزاد است زیرا نه

طبقه کشیش و ملّا دارد و نه مراسم مخصوص که

بدست کشیش اجراء شود و مخارج آن منحصرأ

بوسیله تبرّعات داوطلبانه مؤمنین رسمی و علنی آن

تأمین میگردد . پیروان دیانت بهائی با این که

بحکومت‌های متبوعه خود وفادار و کشور خاص خود

را صمیمانه دوست داشته و در همه حال سعی

دارند منافع عالیّه آن را ترقی بخشند معذک نظر

باینکه نوع بشر را جامعه ای واحد میدانند و

مصالح حیاتی آنرا عمیقاً محترم میشمارند بدون

تردید هرگونه نفع خصوصی را خواه شخصی یا

ناحیه ای یا ملی باشد تابع منافع کلیّه هیئت جامعه

انسانی دانسته و بخوبی آگاهند در دنیائی که

همه مردم و ملل استقلال داشته باشند صرفه و

صلاح هر قسمتی از آن با حفظ منافع تمامی آن

جامعه بهتر بدست میآید و دیگر این که هرگاه

منافع عمومی هیئت جامعه بطور کلی منظور

نگردد هیچیک از ارکان جامعه فایده و سود

بادوام عاید نخواهند داشت . . . »

(ترجمه از انگلیسی - جزوه دیانت بهائی يك آئین جهانی

صفحه ۱۲)

۶ - آتیه جهان از نظر دیانت بهائی :

چون بعضی از خوانندگان محترم ممکن است با

جهان بینی بهائیان و نظرات و عقاید آنان در

مورد کیفیت آتیه جهان آشنائی نداشته باشند

در اینجا قبل از ذکر خاتمه و نتیجه این

مبحث خوب است مختصری راجع بآتیه جهان از

نظر دیانت بهائی ذکر شود تا مگر باین

حقیقت که تمام سیاست بازیهای دول و ملل

مختلفه کنونی برای بهائیان جز بازیچه کودکانه و

سرگرم کننده توأم با اتلاف وقتی بیش نیست

بیشتر پی برند .

حضرت ولیّ عزیز امراالله با بیانی موجز و فشرده

و جامع و مانع ، تابلوی زنده و مشخصی را از

جهان آتیه در تحت نظم بدیع الهی ترسیم

فرموده اند که ما فقط بذکر قسمتی از آن

میپردازیم :

« وحدت نوع انسان که مورد نظر حضرت بهاء الله

است عبارتست از تأسیس جهانی متحد است که

در آن همه ملت‌ها و نژادها مذاهب و طبقات کاملاً و دانا متحد گردند ، و در آن استقلال ممالك اعضا و آزادی شخصی و حق پیشنهاد و وضع قانون از جانب همه کسانی که این ممالك را تشکیل می‌دهند کاملاً محفوظ ماند. این جهان متحد تا آنجا که ما میتوانیم تصور کنیم باید مرکب از يك هیئت قانون گذاری جهانی باشد که اعضا آن بعنوان امنای همه عالم بشری کلیه منابع طبیعی ملل متشکل را تحت نظارت نهائی خود قرار داده و قوانینی وضع نماید که حیات بشر را تحت انضباط آورد و نیازهای انسانی را برآورد و روابط همه ملل و اقوام را تعدیل نماید .

يك هیئت اجرایی جهانی مستظهر به نیروئی بین المللی تصمیمات متخذه هیئت قانونگذاری را اجراء و قوانین موضوعه آنرا تنفیذ و وحدت همه جهان متحد را حفظ خواهد نمود .

محکمه ای جهانی در جمیع مناقشاتی که ممکن است بین عناصر مختلفه مرکبه این نظام بین المللی رخ دهد قضاوت نموده حکم لازم الاجراء و نهائی خود را صادر خواهد کرد . دستگاه ارتباط جهانی ابداع خواهد شد که تمامی کره زمین را در بر خواهد گرفت و آزاد از موانع و قیود ملی با سرعتی شگفت آور و نظم کامل بکار خواهد افتاد . پایتختی دنیائی بمنزله مرکز اعصاب تمدنی جهانی پدید خواهد آمد که قوای وحدت بخش حیات بسوی آن معطوف و از آنجا اثرات نیرو بخش آن صادر خواهد گردید. زبانی جهانی ابداع یا از بین السنه

موجوده انتخاب و در مدارس همه ملل بعنوان زبانی کمکی علاوه بر زبان مادری تدریس خواهد شد . خطی عمومی و ادبیاتی جهانی ، يك مقیاس پول ، وزن و اندازه گیری متحدالشکل و عمومی ، ارتباط و تفاهم بین ملل و اقوام دنیا را تسهیل خواهد نمود .

در چنین جامعه جهانی علم و دین یعنی دو قویترین نیروی حیاتی انسانی با هم سازش و تشریک مساعی مینمایند و باهم آهنگی رشد و پیشرفت میکند ، در ظل چنین نظامی مطبوعات در حالی که میدان را از برای ابراز نظرات و عقاید مختلف ابناء بشر باز خواهد گذاشت دیگر آلت مصالح و اغراض شخصی قرار نخواهد گرفت و از اعمال نفوذ دول و ملل متخاصم رهائی خواهد یافت .

در چنین جامعه جهانی علم و دین یعنی قویترین نیروی حیاتی انسانی با هم سازش و تشریک مساعی مینمایند و باهم آهنگی رشد و پیشرفت میکند ، در ظل چنین نظامی مطبوعات در حالی که میدان را از برای ابراز نظرات و عقاید مختلف ابناء بشر باز خواهد گذاشت دیگر آلت مصالح و اغراض شخصی قرار نخواهد گرفت و از اعمال نفوذ دول و ملل متخاصم رهائی خواهد یافت .

منابع اقتصادی دنیا تحت نظم خواهد آمد . مواد خام آن را استخراج و مورد بهره برداری کامل قرار خواهد گرفت . بازارهای جهان تنظیم

و توسعه خواهد یافت و فرآورده ها بطور منصفانه بین ملل توزیع خواهد شد .

رقابتها خصومت ها و دسیسه های ناشی از تعصب ملی پایان خواهد یافت . دشمنی و تعصب نژادی بدوستی و حسن تفاهم و همکاری بین نژادها بدل خواهد شد . علل نزاع و جدال مذهبی برای همیشه از میان خواهد رفت ، موانع و قیود اقتصادی کاملاً مرتفع خواهد شد . امتیاز مفرط طبقات از میان خواهد رفت ، فقر از يك سو و تجمع بی اندازه ثروت از سوی دیگر ناپدید خواهد گشت . نیروهای عظیمی که در راه جنگ اقتصادی یا سیاسی بهدر می رود وقف مقاصدی می گردد که باعث توسعه دامنه اختراعات و پیشرفتهای تکنولوژی، ازدیاد فرآورده های انسانی ، از بین بردن بیماری ، توسعه تحقیقات علمی ، بالابردن سطح بهداشت عمومی ، تهذیب و تشحیذ فکر آدمی ، استخراج منابع متروک و ناشناخته کره زمین ، تمدید حیات انسان و پیشرفت هر عامل دیگری که بتواند حیات عقلانی ، اخلاقی و روحانی جمیع ابناء بشر را تقویت کند .

نظمی جهانی بر کره ارض استیلا خواهد یافت که سلطه ای کامل بر منابع فوق العاده دنیا خواهد داشت . آمال شرق و غرب را در خود ممزوج و مجسم خواهد نمود ، از شرّ جنگ و مصائب آن رهایی خواهد یافت و توجّهش را معطوف استخراج جمیع منابع نیروی موجود در سطح زمین خواهد نمود . نظمی که در آن قدرت خادم عدالت است و

و حیات آن متکی بشناسانی عمومی يك خدا و ایمان بظهوری واحد خواهد بود . این است هدفی که عالم بشریت تحت تاثیر قوای وحدت بخش حیات بسوی آن در حرکت است .

(ترجمه - اقتباس از جزوه ایران زادگاه آئین بهائی صفحه ۴۷ بجمد)

با توجّه به بیانات فوق آیا هیچ عقل سالمی میتواند قبول کند که بیت العدل اعظم الهی که طراح اجراءات فوق در آتیه است اکنون خود را با زد و بندها و دسیسه بازیها و تصمیمات کودکانه متزاید التّغییر سیاستمداران فعلی آلوده کند و طرفداری از دسته ای یا حزبی یا مملکتی نماید؟ اینجا است که مولوی علیه الرحمه فرموده :

چون غرض آمد هنر پوشیده شد
صد هزاران پرده اندر دیده شد

۷ - نتیجه :

از بررسی مواد ششگانه فوق میتوان نتایج زیر را اتخاذ نمود :

اول - بیت العدل اعظم الهی طراح و مجری سیاست الله است که دارای اصول و قوانین و روشی کاملاً مغایر و مخالف اصول و روشهای سیاستهای متداول معمولی است و بنا بر این ذیل مقدسش از آلودگی سیاستهای دول و

ملل مبرّا خواهد بود .

دوم - چون اداره امور جامعه جهانی بهائی از هر لحاظ بآن معهد اعلی واگذار گردیده تشخیص و تعیین حدود همکاری احباء و جوامع امری دنیا با سازمانها و تشکیلات اجتماعی ، اقتصادی ، آموزشی و هنری و غیره جهان هر هنگام که راهنمایی نهائی در چنین تشخیص از طرف جوامع ملّی و محلّی بهائی لازم شود با بیت العدل اعظم است و بر این پایه است که " امور سیاسته کلّ راجع است به بیت العدل " .

سوم - در مورد اظهار نظر و ابداع رای راجع باعمال سیاسیون و مجامع و دول گذشته و حال و آینده میزان کلّی و محك اصلی امر مبارك است . هر شخصی و مجمعی که بطریقی نسبت بامر مبارك اعانت و پشتیبانی قلمی و یا قدمی نماید اقدامش مورد تحسین آن معهد اعلی قرار خواهد گرفت و لکن بدیهی است که این دلیل همکاری و موافقت بیت العدل اعظم الهی باجمیع اذکار و اعمال آن شخص و یا مجمع نیست . عدل آلهی مستلزم احقاق کلّ ذیحقّ حقّه است .

چهارم - در حالیکه ساحت بیت العدل اعظم آلهی و همچنین قاطبه بهائیان عالم با توجّه بنصوص مطاعه مبارکه بخوبی میدانند که سیاستهای بشری عاقبتش پشیمانی و انهامك در مذلت است پس دلیلی برای

دخالت و آلودگی جامعه بهائی در سیاستهای بشری باقی نمی ماند و چنین آلودگی در فلسفه بهائی مطرود و مردود است .

پنجم : بیت العدل اعظم آلهی مرجع تشریع و واضح و ناسخ قوانین غیر منصوصه است و در طیّ زمان نظر به تغییر احتیاجات جامعه بشری قوانین و مقررات جدیدی در هر مورد وضع خواهد فرمود و بدیهی است که تعیین حدّ عدم دخالت در سیاست نیز در هر مورد بر عهده آن مرجع مقدّس است . نکته مهمّ آن است که بر خلاف آنچه که در سیاستهای بشری معمول و مرسوم است اعضاء منتخبه جامعه بهائی در هر سطحی بهیچوجه مسئول منتخبین خود نیستند بلکه مسئول نصوص مبارکه و ایمان و وجدان خود میباشند بنابراین هرگونه تصمیمات مبنی بر تظاهر و پروپاگاندا برای انتخابات آینده و یا کوشش در خوش آیند اطرافیان مردود خواهد بود .

حضرت ولیّ عزیز امرالله میفرمایند :
" باید بخاطر داشت که الواح حضرت بهاءالله بالصراحة حاکی از آن است که اعضاء بیت العدل در تمشیت امور اداری امرالله و وضع قوانین لازمه مکمله کتاب اقدس مسئول منتخبین خود نمیباشند و نباید تحت تاثیر احساسات و آراء عمومیّه و حتّی عقاید جمهور مؤمنین و مؤمنات ویا نفوسی که مستقیماً ایشان را انتخاب

نموده اند قرار گیرند بلکه باید همواره در حال توجّه و ابتغال بحکم وجدان خویش رفتار نمایند و بر ایشان فرض است که باوضاع و احوال جاریه هیئت جامعه آشنائی کامل حاصل نمایند و بقضایای مرجوعه بدون شائبه غرض رسیدگی کنند ولی حقّ نهائی تصمیم را برای خویش محفوظ دارند . کلمه مبارکه (اَنَّهُ يُلْهِمُهُمْ مَا يَشَاءُ) اطمینان صریح حضرت بهاء الله باین نفوس است و بنابراین فقط این نفوس مهابط هدایت و الهامات الهیه اند نه هیئت منتخبین که راساً و یا بطور غیر مستقیم ایشان را انتخاب مینمایند و این الهام همانا روح حیات و حافظ نهائی این ظهور اعظم است «
(نقل از کتاب ارکان نظم بدیع صفحه ۲۰۲)

ششم : ما معتقدیم که جهان کنونی تحت تاثیر دو نیرو قرار دارد یکی نیروی منفی (قوه تخریبیه) و دیگری نیروی مثبت (قوه تطهیریه) سیاستهای بشری قوه تخریبیه است که فعلاً عالم را احاطه نموده و بالاخره منجر بمصداق بیان مبارک (سوف تحترق اُلمدن من ناره) خواهد شد و بفرموده مبارک « مصائب جزائیه و تادیب مقدّس عالی » عالم را فراخواهد گرفت و لکن « این بلای عظمی عالم را برای درك صلح اعظم آماده میسازد » و مصداق « اذا تمّ المیقات یظهر بفتة ما ترتعد به فرائض العالم » رخ میگشاید و بیان مبارک « سوف نطوی الدنیا ونبسّط بساطا اخر » بر عالمیان مکشوف و

سلطنت آلهی جلوه خود را نمایان خواهد ساخت .

(بیانات بین الهالین اقتباس از توقیع منبع قد ظهر یوم المیعاد است)

نیروی مثبت و قوه تطهیریه عبارت از نظم بدیع جهان آرای آلهی و حامیان آن یعنی بهائیان میباشند که بوسیله آنان مدنیّت آلهیه در روی زمین مستقرّ خواهد گردید .

حضرت ولیّ عزیز امرالله میفرمایند :

« . . . خلفای ایمان و ارباب ایقان و عرفان همواره باید این نکته دقیقه را در مدّت نظر گرفته و پیوسته متذکر باشند که نباید بهیچوجه اعتنائی بعقاید متداوله و توجّهی برسوم و طرق متزلزله بی ثبات مردمان این ایّام داشته باشند و بیقین مبین بدانند که نظریات مردوده و مؤسّسات متزلزله و مضطربه مدنیّت عصر حاضره با بنای محکم و متینی که دست قدرت آلهی آنرا تأسیس نهاده مباینت و مخالفت را دارا است و اراده مطلقه حیّ قدیر بر آن قرار گرفته که مدنیّت الهیه بنیان رفیعش بر زبر اُتلال مخروبه و بقایای ویران مدنیّت حاضره جهان مرتفع گردد و استقرار یابد . . . هرچند در این ایّام آئین نازنین حضرت رحمن بچشم جهانیان حقیر و ناتوان مشاهده میشود و برخی او را شعبه ای از دیانت اسلام دانند و بعضی آنرا مانند شعب و احزاب مظلمه که در دیار غربیه تشکیل می شود پندارند از روی تحقیر و

استهزاء برزد آن پردازند لکن این گوهر گرانبها در صدف قانون خویش پرورش یافته و با جمالی زیبا بدلارائی خواهد پرداخت و با نهایت صحت و وحدت بدون حصول سقم و خللی ظاهر و آشکار خواهد گشت و چنان پیشرفتی نماید که جمیع عالم را احاطه کند و نوع بشر را در ظل خویش آورد

(توقیع منیع مورخه ۲۱ مارچ ۱۹۲۰ ترجمه جناب عبدالحمید اشراق خاوری علیه بهاء الله)

حال آیا ممکن است تصور شود نفوسی که معتقد بویرانی و خرابی قوه تخریبیه هستند و مخصوصاً بیت العدل اعظمی که طراح و مجری قوه تطهیریه است وقت عزیز خود را صرف آلودگی بقوای منفیه متزلزله مردوده و بی ثبات نمایند ؟ بدیهی است که چنین تصویری وهمی بیش نبوده و ناشی از عدم اطلاع کافی بر اصول اهداف دیانت مقدس بهائی است .

در خاتمه این مقاله را با این بیان حضرت ولی امرالله پایان میدهم لیکن ختامهاسک :

« . . . کوشش و جدیت پیشوایان مؤسسات بشری تا چه اندازه موجب تأثر است زیرا این نفوس با آن که بکلی از روح مقتضیات عصر و اقتضای زمان غافل و نسبت بآن نادان و جاهلند سعی و جدیت خود را مبذول میدارند که حالات و اعمال ملّیه را تعدیل و تنظیم کنند و آن را مطابق مقتضیات ایّام سابقه تسویه نمایند و مرتب سازند .

با آن که عالم امروز را بهیچوجه ارتباطی با مقتضیات ادوار گذشته نبوده و نیست اگر جهان و جهانیان عصر حاضر مطابق تعالیم حضرت بهاء الله راه وحدت و اتحاد به پیمایند از فنا و زوال محفوظ و مصون مانند و گرنه بهلاکت دچار شوند و بفنا و زوال محکوم گردند در چنین ساعت خطرناک و دوره بحرانی که در تاریخ مدتیت ظاهر و آشکار گردیده و پیشوایان جمیع عالم اعم از جلیل و حقیر و فاتح یا مغلوب را شایسته و سزاوار آن است که بشیپور بلند آوای دعوت حضرت بهاء الله گوش فرا دارند و با احساسات قویه و خلوص تام و وفاداری کامل حتمی نسبت بامرالله با کمال مردانگی و شجاعت درمان مفید و دوی مؤثر تعالیمی را که طبیب الهی برای جامعه افسرده و بیمار عالم انسانی تجویز فرموده مورد استفاده قرار دهند و اجراء نمایند از خیالات مجازیه و تصوّرات فارغه عاری از تصدیق چشم بپوشند و باطفاء هرگونه تعصب ملّی اقدام نمایند به نصیحت مفیده عالیّه و اندرز گرانبهای حضرت عبدالبهاء مبین تعالیم مبارکه حضرت بهاء الله گوش هوش فرا دهند . . . نظم بدیعی که بواسطه حضرت بهاء الله در جهان تدوین و تشریع گردیده و اجرای آن بنصّ مبارک پیش بینی شده بدینگونه در نهایت جمال و کمال آشکار خواهد شد و آن نقشه زیبا که در غایت متانت طرح گردیده در کلّ اقطار انتشار خواهد

خودم نگاه میکنم می بینم من مرکز خلقت نیستم که همه چیز بمن ختم شود همه چیز مطابق میل و خواست من بگذرد و کائنات موظف به تامین تمایلات من و رعایت افکار وخواسته های من باشند . من حلقه ای از حلقه های یکی از زنجیرهای طبیعت هستم که همه چیزم مدیون حلقه های قبلی این زنجیر است و من بسهم خودم در برابر حلقه های بعدی این زنجیر موظف و مسئول هستم . من هرچه دارم ازاجتماع دارم و مدیون اجتماع هستم و دربرابر اجتماع آینده و نسلهای بعدی مسئولیت دارم . بنابراین جای یأس و سرخوردگی برای خودم نمی بینم . باید بعنوان يك عضو این جامعه فعال و کوشا باشم و در خدمت به جامعه بخاطر انجام وظیفه بدون انتظار پاداش و توقع حصول نتیجه از پای ننشینم . شاعر فضول در گوشم زمزمه میکند:

کز آب زندگی چه حکایت کند کسی

با دل شکسته که زهستی گذشته است
اما غلط میگوید شما نه دل شکسته اید و نه ازهستی گذشته اید . فقط يك مرتبی و معلم سرخورده اید . معذورم دارید که باز هم اختیار قلم از دستم خارج شد و سرتان را بیش از حد لزوم بدرد آوردم . امیدوارم یأس و سرخوردگی جای خود را به راهنمایی و ارشاد بسپارد و سایه محبت و لطف شما همه و ازجمله ماراهم در برگیرد ما شاگردان خوبی نیستیم اما به عطوفت و اغماض مرتبی و استاد چشم امید دوخته ایم .

یافت . این نظم بدیع و نقشه زیبای دلفریب بمنزله ثمر و بمشابه میوه ایست که از شجره این قرن که بتدریج درجات بلوغ و کمال را می پیماید ظاهر و پدیدار خواهد گشت .

افسوس که جز قوای بلیات عظیمه و قدرت مصیبات شدیدیه چیز دیگری نمیتواند افکار بشری را در مرحله جدید وارد کند . نظر باین اصل مسلم آن بلای ناگهانی و مصیبت عظیمه با کمال سرعت هر زمان ظاهرتر میگردد و هر لحظه آشکار تر میشود.

(توفیق مبارک ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ ترجمه جناب عبدالحمیداشراق

خاوری اعلی الله مقامه)

پایان



THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

BAHÁ'Í WORLD CENTRE

Department of the Secretariat

'ANDALIB

7200 Leslie Street

Thornhill, ON L3T 2A1

Canada

۱۹ شهرالکلمات ۱۴۸

۳۱ جولای ۱۹۹۱

هیئت مجله تحریریه مجله عندلیب دامت تائیداتها

حساب الامر معهد اعلی شرحی که درباره شهادت جناب آقا میرزا باقر شیرازی از کتاب تاریخ عشق آباد اثر استاد علی اکبر پنهانی میزنی استخراج گشته بضمیمه ارجال میگرد تا لدی الاقتضاء در آن مجله شریفه طبع و انتشار یابد.

درباره این شرح مقدمه کوتاهی نوشته شده که در صدر مطلب مطبع خواهد رسید.

با تقدیم تحیات

از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم

مرکز امور

'ANDALIB

7200 Leslie Street

Thornhill, ON. L3T 2A1

Canada

۹ شهرالبها ۱۴۸

۲۹ مارچ ۱۹۹۲

هیئت محترمه تحریریه عندلیب زادت توفیقاتها

بضمیمه این مکتوب یادداشتی درباره تاریخ امر در ماوگان که بلوح مبارک صادر از قلم مرکز میثاق مزین است برای درج در آن مجله ارسال میشود.

اگر دوستان راستان ایران که در سراسر جهان پراکنده هستند پس از ملاحظه و مطالعه این اوراق که اصل آن در محفظه آثار بین المللی موجود است اطلاعات و معلومات خود را مرقوم دارند در توسعه و تکمیل سوابق تاریخی کمک مؤثری خواهد بود.

با تقدیم تحیات

از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم

مرکز امور

ضمیمه دارد

ہواللہ

ای مبلّغ میثاق ، آنچه در سفر مرقوم نموده بودی
واصل گشت و بر مضمون اطلاع یافتم فی الحقیقہ
احتبای جوشقان و فتح آباد و مازگان و نوش آباد و
سائر اطراف در جوش و خروشنند و باہوش و
ہمدم ہاتف و سروش، وصایای الہی مانند
مغناطیس است ہر نفس بر آن قائم جاذب تائیدات
غیبیہ است، از ہر جہت ابواب را مفتوح یابد و
صدور مشروح بیند از خدا خواہم کہ یوماً فیوماً بر
تائید آن یاران بیفزاید .

الہی الہی انّ ہولاء ارقانک و اصفیانک قد اخترتہم
لحبّک و اجتبتہم لمرفانک و انتخبتمہم لذكرک و
ارتضیت لہم فضلك و مواہبک و جعلتہم مواقع النجوم
و مجاری انوارک یا حیّ و یا قیوم و نجیتہم عن
کلّ امر موهوم و ہدیتہم الی جمالك المعلوم و
انطقتہم بشنائک بین عبادک و نشرت بہم نفحاتک فی
بلادک . ربّ ربّ انہم اسراء حبّک و فقرآء بابک و
معالم دینک و منابع ذکرک عزّزہم بمعزّتک الابدیہ و
ایدہم بتائیداتک السرمدیہ و اجعلہم اشجار ریاضک
و حیتان حیاضک و ضراغمۃ غیاضک حتیّ تزئر زنیراً
تتفرّق بہ ثعالیۃ النّقص عن عرین میثاقک و تخساً بہ
کلاب الجہل فی زوایا الخمول بقدرتک و اقتدارک انک
انت القوىّ العزیز المقتدر العلّیّ العظیم و انک انت
المحیط بکلّ شیء لا الہ الا انت الجلیل اللطیف
الخبیر . ع ع

گوشہ ای از تاریخ امر در مازگان :

لوح مبارک حضرت عبدالبہاء جلّ ثنّانہ، و قرارداد
ضمیمہ قسمتی از تاریخ امر الہی و حاکی از شوق و
اشتیاق احتباء اولیّہ در اجرای احکام کتاب
مستطاب اقدس است کہ در گوشہ یکی از قرای
کوچک کاشان بہمت و کوشش یاران صورت گرفتہ
است .

مشوقّ دوستان مازگان در اقدام باین خدمت جناب
عبّاس قابل ازاحتباء و مبلّغین نامدار اواخر دورہ
جمال اقدس ابہی است کہ تا دورہ ولایت نیز حیات
داشتہ و خدماتش در دورہ میثاق بہ اوج رسیدہ
است . (۱۲۸۰ قمری - ۱۸۶۴ م تا ۱۲۱۵ شمسی -
۱۹۲۶ م) . مشارالیه اہل ادريس آباد از قرای
آبادہ و تحصیلاتش منحصر بہ یکی دو سال
مقدمات مکتبی قدیم بودہ ولی در ظلّ ایمان
بمراتب عالی فہم و عرفان رسیدہ و در بحث و
فحص مسائل روحانی و دینی مقامی عالی احراز
نمودہ و تالیفاتی از نظم و نثر بجای گذاشتہ است .
اشعار نغز و دلنشین جنابش مشہور در بین
دوستان است . جناب قابل بہ امور زراعت امرار
معاش میکرده و ناگفتہ معلوم است کہ در یکصد
سال پیش این طبقہ از مردم ایران تا چہ حدّ از
لحاظ رفاه ظاہری و امکانات فرهنگی و اجتماعی
محروم و بی نصیب بودہ اند . ایمان جناب قابل و

شوق او در تبلیغ و خدمت او را از زندگانی توأم با آرامش دهقانی و فرصتهای ظاهره نیز محروم ساخت چه که از هرجهت محاط به مخالفت و عداوت هموطنان شد اما شعله فروزان ایمان و ایقان و استقامت او در قبال اذیتها، آزارها و محرومیتها، شخصیتی بارز از او ساخت که عنایات مرکز میثاق الهی آنرا در الواح و خطابات مبارک تثبیت و تسجیل فرموده است. جناب قابل اکثر اوقات در سفر بود و مخصوصاً مرکز فعالیت مشارالیه نقاط مرکزی ایران از جمله: یزد، اصفهان، کاشان، قم، همدان و کرمانشاه بوده و در اسفار متعدده به تشویق و تقویت روحانی یاران و تبلیغ و هدایت طالبان میپرداخته است. مشارالیه مرتباً اقدامات و سفرهای خود را به ساحت اقدس گزارش میکرده و در آن از روحیات، صفات و خدمات احبای هر نقطه بعرض میرسانیده است و غالباً در جواب بصدور الواح پرعنایت و بشارت مفتخر بوده است.

قراردادی که متن آن ذیلاً نقل شده ظاهراً بتشویق جناب قابل توسط احبای مازگان تنظیم شده و بدینوسیله اساسی برای تربیت و تعلیم نوباوگان جامعه مقرر داشته اند. این قرار مبارک در تاریخ رمضان ۱۳۲۴ هـ - ق (۱۹۰۷ م) منعقد شده و حاکی از آنست که ۴۷ نفس محترم از احباء متعهد شده اند که همراه مبلغ معینی بپردازند تا یکی از نفوس مبارکه که بعلت سابقه ملّانی و تحصیلی قادر بر تدریس و تعلیم بوده ۱۹ نفر از نوجوانان را تعلیم و تربیت نماید که اسامی هر دو گروه در

این اثر ذکر شده و حاکی از نکات تاریخی جالبی است:

نخست آنکه در قریه مازگان لااقل تقریباً ۳۰ واحد مستقل خانوادگی بامر تعلق و ایمان داشته اند. دیگر اینکه کدخدای مازگان نیز در سلك اهل ایمان و خادم احبای یزدان بوده است.

دیگر اینکه کلاس اطفال و متعلمین بصورت مختلط و متشکل از ۶ دختر و ۱۲ پسر بوده است. مازگان قریه کوچکی از قرای نطنز کاشان است که اکثر اهل آن از ابتدای ظهور بدیع در دوره حضرت نقطه اولی بمناسبت ایمان جناب شیخ ابوالقاسم مازگانی بشرف ایمان فائز شده بودند. شیخ جلیل القدر اگرچه صاحب کمالات و تحصیلات عصریه بوده مع ذلك متصدی امور شرعی نشده و پس از ایمان و اشتغال به امر در سال ۱۲۷۷ هـ-ق در کاشان بشهادت رسیده است.

ارقام وجوهی که هریک از متقبلین پرداخت آنرا پذیرفته بودند بر اساس واحد پولی آن زمان است. در آن ایام کوچکترین واحد پول (فرضی و غیر مورد مصرف) دینار بوده که پنجاه دینار مساوی يك شاهي و بیست شاهي معادل يك قران و ده قران معادل يك تومان بوده است. بنا بر یادداشتهای غربیانی که با فرهنگ ایرانی در آن ایام آشنا بوده اند يك تومان تقریباً معادل ۸ شیلینگ (دوینچم يك پوند انگلیسی) بوده است. ارقام تقبلی هریک از نفوس خیری که در این مشروع مبارک شرکت کرده اند از ۲۵۰ تا ۲۵۰۰ دینار بتفاوت افراد بوده و مجموعاً به بیست و

هشت قران و پنج شاهی بالغ شده است .

لوح مبارك حضرت عبدالبهاء كه زينت بخش اين مقاله است خطاب به جناب قابل و حامل عنايات و بركات به احبای نقاط و قراء اطراف كاشان است. اين لوح اگرچه مستقيماً اشاره ای به مطالب وارده در ورقه قول و قرار احبای مازگان ندارد و ضمناً فاقد تاريخ است اما باعتبار تاريخ تقريبي صدور آن كه در حدود سالهای ۵-۱۲۲۴ هـ - ق بوده ميتوان احتمال داد كه يكي از الواح مبارك كه ای است كه بمناسبت همين سفر به افتخار جناب قابل عنايت فرموده اند .

قرارداد احبای مازگان

بسم الله الاعز الاعظم الابهي

قال الله تبارك و تقدس في لوحه المقدس جميع رجال و نساء آنچه را كه از اقتراف و زراعت و امور ديگر تحصيل نمايند جزئي از آن را از برای تربيت و تعليم اطفال نزد اميني وديعه گذارند و باطلاع امنای بيت عدل صرف تربيت ايشان شود انتهى

لهذا احبای مازگان رجالاً و نساءً متحداً و متفقاً باجراء اين امر مبرم و اين حكم محكم قيام و اقدام نمودند كه از تاريخ غره شهر رمضان المبارك سنه ۱۲۲۴ الى ما بعدها هريك بقدر وسعت و مكنت وجهي از روي خلوص نيت و پاكي فطرت بل

بالطوع و الرغبته ماه بماء عنايت و رعايت نمايند كه صرف تربيت و تعليم اطفال عموم احبای مازگان اناثاً و ذكوراً غنياً و فقيراً بشود .
اللهم اقبل منهم هذا الخيرات و اجعل في اموالهم علت البركات و زد و بارك في اموالهم لينالوا اضعاف مضاعف ما انفقوا في سبيلك انك انت المعطي المحسن الباذل العطوف الكريم و انك انت الفضال العلى العظيم .

اسامي نفوس متحدّه مخيّرّه احبای مازگان
جناب كدخدا - جناب آقا علي - امة الله ضلع جناب آقا علي - جناب آقا مندعلي - امة الله ضجيه جناب آقا مندعلي - امة الله بهيته خانم صبيته آقا مندعلي - جناب آقا رمضانعلی - امة الله خانم باشي صبيته آقا رمضانعلی - جناب آقا عبدالرحيم - امة الله ضلع آقا عبدالرحيم - امة الله ضلع مرحوم آقا حسن - جناب آقا عبدالحسين - امة الله ضلع آقا عبدالحسين - جناب آقا عزيزالله - امة الله ضلع آقا عزيز الله - ضلع مرحوم ابوطالب - جناب آقا سيد حبيب الله - ضلع آقا سيد حبيب الله - جناب آقا سيد آقا - امة الله ضلع آقا سيد آقا - جناب آقا سيد مصطفى - جناب اسدالله - امة الله والده اسدالله - جناب آقا حسينعلی - ضلع آقا حسينعلی - ضلع مرحوم استاد عبدالباقی - جناب امرالله - والده امرالله - جناب آقا سيد حسين - جناب آقا سيد فرج الله - جناب آقا محمد علي - ضلع آقا محمد علي - جناب آقا سيد قيتوم - جناب آقا محمود - جناب استاد نصرالله - ضلع استاد نصرالله - امة الله والده استاد نصرالله -

جناب آقا خیرالله - جناب آقا یدالله - امة الله والده
 یدالله - جناب آقا سید مهدی - ضلع آقا سید
 مهدی - جناب آقا سید علی - امة الله ضلع آقا سید
 علی - ضلع حضرت شهید آقا شیخ حسن - خانم
 زینت صبیة آقا سید حاجی - خانم تاج صبیة آقا
 سید حاجی

جناب ملا محمد رضا علیه بهاء الابهی متقبل و
 متعهد گردیدند که به دل و جان باین خدمت قیام
 و اقدام نمایند و در تعلیم و تربیت اطفال آنی
 قصور ننمایند و حبا لله به تعلیم و تدریس اطفال
 احبا مشغول گردند و باین منونه زهیده قناعت
 نمایند .

اسامی اطفال معلّم خانه

حبیب الله ابن جناب آقا مندعلی - خانم طوبی صبیة
 جناب آقا مندعلی - آقا حسن ابن جناب آقا
 عبدالرحیم - آقا حسین ابن جناب آقا عبدالرحیم -
 نصرالله ابن جناب آقا حسینعلی - روح الله ابن جناب
 آقا حسینعلی - حیات خانم صبیة جناب آقا حسینعلی
 - عزت الله ابن مرحوم ابوطالب - خانم باشی صبیة
 مرحوم ابوطالب - بدیع الله ابن مرحوم نعمت الله -
 حسین ابن جناب آقا محمود - حسن ابن جناب آقا
 محمدعلی - خیرالله ابن مرحوم استاد حسین - عطیه
 صبیة مرحوم استاد حسین - نازنین خانم صبیة
 جناب آقا رمضانعلی - سید عباس ابن جناب آقا
 سید مهدی - سید قاسم ابن آقا سید

مهدی - نازنین خانم صبیة آقا سید مهدی - جناب
 آقا عبدالحسین ابن آقا علی .

نکته جالبی که در این مدرک شایان تحقیق و
 بررسی است تعیین سوابق حیات نفوس محترمه ای
 است که در این قرار داد نامشان مذکور است .
 البته بنظر نمیرسد که پس از متجاوز از ۸۵ سال
 کسی از آنان در قید حیات جسمانی مانده باشد اما
 مسلماً خاندان های عزیز احبا که امروز در شرق و
 غرب عالم پراکنده و در ظل امر الهی مستقرند
 محتملاً از سوابق خانوادگی خود اطلاعات کم و
 بیش دارند و جا دارد که در معرفی این نفوس
 نفیسه که ذکرشان در این قرار داد آمده همتی
 بفرمایند و اطلاعات و سوابق شخصی خود و
 نسبت و بستگی خود را تنظیم و تدوین فرمایند و
 البته نسخه ای نیز برای استفاده در تاریخ امرالله به
 محفظه آثار بین المللی به مرکز جهانی ارسال دارند .

مراجع مطالعه :

تاریخ ظهور الحق - جلد سوم

مصایح هدایت - جلد دوم

تذکره شمعی قرن اول بهائی - جلد سوم

اسرار الآثار ذیل مازگان

محاضرات .



جناب میرزا باقر شیرازی

مقدمه :

شرح زیر از کتاب تاریخ عشق آباد (۱) بقلم جناب استاد علی اکبر بنای یزدی است که در ایام جوانی در یزد بفیض ایمان فائز و از همان ابتدا به تبلیغ و هدایت خلق قیام فرمود و بعد بعلمت بروز مخالفت اصحاب تمصّب و عناد به عشق آباد سفر نمود و چند سال در آنجا مقیم ماند و در دو سفر به ارض اقدس نخست به زیارت جمال اقدس ابهی و سپس بتشرّف به حضور حضرت عبدالبهاء توفیق یافت . استاد در تاسیس و بنای مشرق الاذکار عشق آباد سهمی فراوان داشت و بالاخره با اشتغال و انجذاب فراوان به یزد مراجعت نمود و در وطن مالوف بکمال شهامت و سرور بشهادت رسید. جدّ اعلای جناب استاد علی اکبر از علمای کرمان و مادر ایشان از خانواده ای زردشتی در یزد بوده است مشارّالیه تحصیلات مرتّبی نداشته ولی در مراتب ادب و ذوق حائز مقامی شامخ است ، آثار منظوم و منثورش در کمال زیبایی و ظرافت است در تبلیغ نیز مقامی ممتاز داشته و متجاوز از سیصد نفر را فقط در یزد هدایت کرده است . لوح مبارک تجلیات خطاب بایشان است و بغیر از تاریخ عشق آباد کتابی بنام " مغناطیس " در اتدلال نیز تألیف فرموده است . در تاریخ عشق آباد

بکتاب دیگری در ترجمه حیات ایشان نیز اشاره شده ولی اسم و عنوان آن ذکر نگردیده است. اما جناب میرزا باقر شیرازی که ذکر شریفش در این مقاله آمده از احتبای صاحب کمال آستان جمال ابهی و چنانکه مذکور شده در ذوق و ادب ممتاز و در خوشنویسی استاد بوده است و مدتی در ادرنه طائف حول و بخدمت استنساخ آیات مأمور شده است . مشارّالیه با آنکه لازمه خوشنویسی تأمل و مراعات اصول و صرف وقت است سریع القلم بوده و در هر روز نزدیک به دو هزار بیت کتابت میکرده است . (۲) خواهر جناب میرزا باقر یکی از همسران متعدّد میرزا یحیی ازل بوده است جناب میرزا باقر پس از ورود به ادرنه و اطلاع از اعمال و اطوار میرزا یحیی از او بریده و رساله ای در ردّ او نوشته است .

جناب میرزا باقر پس از مراجعت به ایران به خدمت و تبلیغ در فارس مشغول شده و مدتی در حدود چهارماه در شیراز محبوس و گرفتار آمده و بعداً به کرمان و سیرجان هجرت کرده و در همانجا بمقام بلند شهادت رسیده است . مشارّالیه را در کرمان بتحریر اعداء محبوس داشتند و اذیت و آزار رساندند و بالاخره خفه کردند و سپس جسد محترمش را در کوچه و بازار مورد بی حرمتی قرار دادند . شهادت آن شیدانی حقّ در سال ۱۲۸۸ بوده است .

در باره استاد زین العابدین نحاس یزدی عجاله

اطلاعات بیشتری در دست نیست مقصود از عبدائیم مذکور در متن ، حاج محمد کریم خان کرمان است که شخصاً در مؤلفات خود در هنگام معرفی خویشان را با عنوان « عبد ائیم کریم بن ابراهیم » یاد می نموده است .

۱ - نسخه خطی متعلق به لجنه ملی محفظه آثار

۲ - کتاب قرن بدیع جلد دوم ص ۲۵۵

برای مزید اطلاع در باره این نفوس مقدسه میتوان به کتاب بهاء الله شمس حقیقت (ایادی امراللهجناب بالیوزی) . مصابیح هدایت (جناب عزیز الله سلیمانی) ، جلد سوم مراجعه نمود .

جناب استاد زین العابدین نحاس یزدی . . . که با حقیر سمت دوستی و آشنائی داشت و از محبتین حضرت اعلی و جمال ابهی بود سبب ایمانش را ذکر مینمود که شهادت حضرت شهید آقا میرزا باقر شیرازی علیه بهاء الله و ثنائه شده . . . فی الواقع اکثر نفوس که برضوان ایمان و جنت ایقان وارد شده از برکت رشحات دماء مطهره شهداء علیهم بهاء الله و رحمته و الطافه بوده . جناب استاد زین العابدین واقعه شهادت جناب آقا میرزا باقر را چنین بیان نمود که در آن ایام در کرمان بودم روزی در بازار غوغای عظیمی مشاهده کردم پرسیدم چه خبر است مذکور نمودند که شخص بابی را کشته ریسمان به پاهایش بسته در کوچه بازار میکشند که سبب عبرة ناظرین گردد

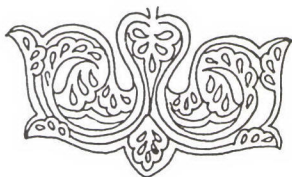
پیرامون بابیها نروند و از دین حق خارج نشوند . بعد از استماع این بیان متفکر و حیران شدم و بخیال آگاهی کما هی شدم و بر خود حتم نمودم که بدقت این مطلب را رسیدگی بنمایم تا حقیقت حال معلوم گردد. در مقام طلب و مجاهده بر آمدم و مدتی بجز از تحقیق این مطلب کاری نداشتم ، با آشنا و بیگانه یار و اغیار همین گفتار در میان داشتم تاآنکه بتائیدات الهی خدمت دوستان حضرت متان که رجال الغیب زمان بودند رسیدم و از ید عنایتشان شهد مرحمت چشیدم و صهبای ابهائی نوشیدم و برضوان ایمان و جنت ایقان وارد گردیدم با دوست پیوستم و از ماسوایش بریدم . و کیفیت شهادت جناب آقا میرزا باقر شیرازی علیه بهاء الله و ثنائه را چنین حکایت نمود که ایشان لاجل تبلیغ امر الهی به کرمان تشریف آورده بودند و با بعضی از اهل علم و جماعت شیخیته صحبت فرموده و دفعه ئی با عبد ائیم در بین جمعیت صحبت میفرماید عبد ائیم از جواب عاجز شده در میان جمع مفتضح میگردد. علی ای نحو کان از سعایت دجال زمان و علماء سوء ایشان را در حبس حکومت در تحت غل و زنجیر نگاه میدارند ، از رئیس محبس اسباب تحریر می طلبد که عرض حال بحکومت مرقوم نماید میگوید ماذون نیستم جناب میرزا رقعۀ از قمیص خود میدرد و عضوی از جسد خود میخلد و خورده چوب قلمی مرغوب درست نموده با آن قلم آن مداد بر آن رقعہ میصص کلماتی در نهایت فصاحت و بلاغت با حسن خط مرقوم مینماید که حیرت بخش عقول بوده

بقیه از صفحه ۱۲۶

و با شخصیت نزد این عبد آمده پس از تعارفات معموله خود را معرفی و اظهار داشت بملاقات آقای سلیم نونو آمده‌ام بعد از راهنمایی معلوم شد که شخصی است غیر بهانی که او از اسرائیل آمده و قبل از مراجعت به ایران جهت عرض ادب و خداحافظی به حضور حضرت ولی محبوب امرالله میرسد مولای توانا عکسی از ماکت ساختمان مقام اعلی را با قاب خاتم بتوسط ایشان برای جناب سلیم نونو ارسال میفرمایند وقتی هدیه ارسالی تقدیم ایشان شد و پیام هیکل مبارک را شنید حال و احوال و عکس العمل جناب سلیم نونو قابل وصف نیست . همین قدر بگویم مکرر اشک از دیدگانش جاری و زمزمه ای میکرد و قاب را میبوسید و به سینه میفشرد .

باری در سالهای اقامت در ایران و زندگانی پربارش همیشه همدم و مانوس جناب ولی الله رقا ، موسی بنانی و آن دو نفس نفیس بوده . پس از صعود حضرت ولی محبوب امرالله مدتها حال عادی نداشت . سطح معاشرت و فعالیت ایشان بنحو محسوسی کاسته شد بمرور ایام حالشان بهتر و بوضع عادی برگشتند .

بعد از صعود ایشان تلگراف بیت العدل اعظم حاوی خدمات باهره مشارالیه در عالم امر و علو درجات او در عالم بقا است .



جناب میرزا باقر بسیار خوب مینوشته و هم صاحب انشاء بودند حقیر قطعه از خط ایشان را در یزد دیده‌ام خلاصه آن رقعہ گلگون را برنیس محبس داده که بشخص حکومت برساند آن شخص هم ملاحظه مینماید که بدون اسباب و معاونت او مرقوم نموده قبول کرده آن رقعہ را بشخص حاکم می رساند ملاحظه مینماید پاره پیراهن را با قلم گلگون رشک گلستان و چمن نموده از ازهار اوراد عبارات رنگین و بیانات عنبرین از نظم و نثر و آیات و اخباره‌ریک بتناسب مقام مطرّز و مزین فرموده من جمله بمناسبت بیانی این شعر را مرقوم فرموده :

فکیف تری لیلی بعین تری بها

سواها و ما طرکها من مدامع

اتلتذّ منها بالحديث فقد جرى

حديث سواها فی خروج المسامع

بعد از قرائت آن رقعہ و ملاحظه فصاحت و بلاغت و بداعت و حسن انشاء و اتقان و خطّ مات و مبهوت متحیر شده مذکور مینماید که حیف از این نفوس که با وصف این کمالات خود را در مهالك می اندازند و از صراط مستقیم منحرف شده خود را در بیدای ضلالت بهلاکت میرسانند . بنده نگارنده هم عرض مینمایم که هزار افسوس که آن اخوان پر جفا رایحه خوش یوسف بها را از آن قمیص استشمام ننمودند و چون گرگان حریص تیز چنگ آن یوسف مصر وفا را از هم دریدند و در خاک خونس کشیدند الا لعنة الله على القوم الظالمين .

میرزا بدیع بشروئی

۱۸۹۲ - ۱۹۷۳

ترجمه سرکارخانم زرین تاج ثابت

از کتاب : عالم بهائی جلد ۱۵



میرزا بدیع بشروئی که حضرت عبدالبهاء بعداً او را بنام بدیع افندی مفتخر فرمودند در پانزدهم دسامبر سال ۱۸۹۲ میلادی در بشرویه از ایالت خراسان متولد گردید . مشارالیه تحصیلات مقدماتی را در عشق آباد آغاز نمود . حتی از همان اوان چشمان روشن و لحن خوش و شیرینش مبتین هوشیاری و ذکاوت و جذابیت فوق العاده اش بود . او هنوز کودکی بیش نبود که والدش را بوضع غم انگیزی از دست داد . ید قدرت و مشیت غالبه الهی چنین مقدر فرمود که محرومیت از مهر پدری اش به عطوفت و محبت پدرش یعنی حضرت مولی الوری جایگزین گردد . موقعی که بدیع در سن ده سالگی به فلسطین آمد و بحضور مبارک رسید ، همانگونه که انتظار میرفت بآرزویش که دورادور اشتیاق زیارت حضرتش را داشت نائل آمد و مورد عنایت آن هیکل انور قرار گرفت . از آن ببعد تمامی دوره زندگیش تحت اراده و ارشاد آن مولای رئوف پی ریزی شد .

پس از سه سال زندگی در جوار آن هیکل مقدس ، بدیع افندی در سال ۱۹۰۵ بامر مبارک بطهران مراجعت نمود تا از مادرش دیدار نماید . از آن به بعد هر مرحله حیات بدیع افندی تحت ارشاد

و افاضات هیکل مبارک شکل می گرفت و تعالی عزت یافت . در ایران بمطالعه زبان فارسی و انگلیسی مشغول گردید . هنوز یکسال نگذشته بود که حضرت عبدالبهاء اراده فرمودند که نامبرده را برای خدمت امر عظیم در آینده تربیت نمایند ، لذا ایشان را برای تحصیل به دانشگاه آمریکائی بیروت (و سپس به کالج سوری پروتستان) فرستادند . بدیع افندی در حوزه مقدماتی آن دانشگاه در ماه اکتبر ۱۹۰۶ وارد شد و در دوم ماه جون ۱۹۱۰ بعنوان دانشجوی طراز اول و با درجه ممتاز فارغ التحصیل گردید .

هیکل اطهر از موفقیت او بسیار خشنود گردیدند و وی را به ادامه تحصیل تشویق و ترغیب فرمودند. این وجود نازنین چهار سال دیگر در کالج پروتستان سوری بتحصول پرداخت و سرانجام با درجه لیسانس و امتیاز درجه ۱ فارغ التحصیل گردید.

جنگ جهانی اول حضرت عبدالبهاء روح ماسواه فدا را نگران ساخت، زیرا برای حفظ جان احباء مجاور در حیفا سخت اندیشناک بودند. زیرا آن بندر در معرض خطر حمله بود. لذا حضرتش به یاران توصیه فرمودند که به محلی دور از مرزهای ساحلی بروند. بدیع افندی را به دروز که دهکده‌ای از ابوسنان بود گسیل داشتند. دراین نقطه وی مامور گردید که مدرسه‌ای جهت اطفال بهائی اداره نماید. در ضمن دکتر حبیب مؤید که در معیت او بود عهده دار اداره کلینیک و داروخانه آن گردید. این دو جوان تحت نظارت حضرت ورقه مبارکه علیا بانجام وظائف محوله پرداختند و همکاری وفادار بودند. در کتاب خاطرات جناب دکتر مؤید که حاری خاطرات حیات مبارک حضرت عبدالبهاء است ذکر داستان این مدرسه آمده است. در ماه می ۱۹۱۵ امکان بازگشت این دو جوان به حیفا بوجود آمد، ضمناً ماموریت دقیقی در مورد بازگرداندن شمایل مبارک حضرت باب و حضرت بهاء الله از پناهگاه دروز، به حیفا بآنان محول شده بود که بنحو احسن بانجام رسانیدند.

در ۱۹۱۶ هیکل مبارک به بدیع افندی امر فرمودند که بتحصیلات خود در بیروت ادامه دهد نامبرده

در حالی که در دانشگاه بیروت باستانی هنر و علوم برگزیده شده بود، بتحصول و مطالعه در انگلیسی و فلسفه پرداخت و در ماه جون ۱۹۱۷ درجه فوق لیسانس ART را با امتیاز کسب نمود. پس از جنگ بین سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ قائم مقام حکومت انگلیس در جستجوی جوانان واجد شرایطی بود تا در تاسیس سیستم امور اداری و کشوری کمک نمایند.

بخاطر خدمات انسانی و فضائی که نسبت بمردم آن نواحی از حضرت عبدالبهاء بیدریغ بمنصه ظهور رسیده بود اراده مبارک درنزد صاحبان مناصب عالی و اهل بصیرت مطاع و نافذ بود.

بدیع افندی ابتدا بسمت منشی مخصوص حاکم حیفا بخدمت پذیرفته شد و کراراً در شغلش ترفیع یافت و سرانجام بکفالت اداره فرمانداری در نابلس Nablus منصوب گردید که بالاترین رتبه ایست برای غیر اتباع انگلیسی که بتواند معاونت قائم مقام حکومت انگلیس را کسب کند.

بدیع افندی در این سمت سی سال در حیفا، طبریا Jenin, Nazareh, Tiberia بخدمت ادامه داد. مشارألیه در طی مدت خدمتش در ساختن جاده‌ها، کلینیکها و مدارس کمکهای ذیقیمتی نمود و علاوه بر آن برای هزاران روستائی و فلاحین که در محدوده خدمات او بودند در حکم پدر مهربانی بود و نامش برای عامه مردم آن سامان از نظر نیکوکاری و خیرخواهی و خدمت به خلق ضرب المثل و ورد زبانها بود.

وقتی تاریخ آن زمان و محل برشته تحریر در آید

قطعياً نام و خدمات این عنصر شریف بعنوان يك
مرد مصلح و آرام و خدوم در آن جامعه یاد
خواهد شد. مردی که واجد شهامت و شفقت بود .
در سال ۱۹۴۷ ، بدیع افندی از زمره افراد معدود
و منتخبی بود که در ارض اقدس باقیمانده و نسبت
بمولای حنون حضرت ولّی امراالله وفادار و ثابت و
راسخ بود . ولی حضرتش بار توصیه فرمودند که
بعد از ماه می ۱۹۴۸ یکی از سه کشورهائی که
تعیین فرموده بودند سفر کند و بخدمت پردازد و
بدیع افندی اسکندریه را که سالها موطی اقدام و
شهر حضرت عبدالبها بود برگزید و باخانواده اش
به آنجا رفت . در هر نقطه ای در آن شهر جای
اقدام حضرت مولی الوری را خالی میدید و به
نقاطی که آن مولای عالمیان تشریف برده بودند
میرفت و از آن امکنه مقدسه که با آن ذات مقدس
ارتباط داشت کسب تائید و نیروی روحانی مینمود
و مشام جان را التذاذ می بخشید . حضرت
عبدالبها یکبار بار فرمودند : (مضمون)
" بدیع افندی ، من ترا جهت امری عظیم در
آینده لازم دارم "

این کلمات که چهل سال قبل از لسان مبارک جاری
شده بود بحقیقت پیوست ، زمانی که این نفس
جلیل در سبیل خدمت بمولای حنون و اطاعت
صرفه در برابر اوامر و خواسته های ولّی محبوب امراالله
، احبای مصر را در تیره ترین ساعات در تاریخ
امراالله در آن سامان هدایت نمود. نامبرده در آخرین
سالهای عمرش در سمت رئیس محفل مقدس روحانی
مصر و سودان خدمت و انجام وظیفه مینمود .

در اول فوریه ۱۹۷۲ بدیع افندی در خواب صعود
نمود و تمامی احبای مصر در رثایش سوگووار
شدند . از ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۲ مشارالیه فی الحقیقه برای
آنها خادمی وفادار و در حکم پدری مهربان و
دوستی شفیق بشمار میآید .

حتّی در طی شش سال اخیر حیاتش ، وقتی که
فلج گردید و قدرت تکلم از او سلب شده بود
هنوز برای احبای آن سامان سبّل عشق و
فداکاری بود زیرا حضرت عبدالبها این خصیصه
را از آغاز کودکی و نوجوانی تدریجاً در قلب و
وجودش القاء و تلقین فرموده بودند . در طی
حیات و حتّی در بیماریش او دقیقاً همان کسی
شده بود که حضرت مولی الوری انتظار داشتند -
خادم و خاضع نسبت به کلّ . در ۶ فوریه ۱۹۷۲
تلگرام بیت العدل اعظم بشرح ذیل عزّ صدور
یافت . ترجمه :

از صعود بدیع بشرونی عمیقاً متأثر و محزون ،
خدمات خالصانه خستگی ناپذیرش در حضور
حضرت عبدالبها و خدمات ذیقیمتش در دوران
سخت و دشوار مرکز جهانی امراالله بلافاصله متعاقب
صعود مرکز میثاق ، تشریک مساعی اش در امور
امری در اقلیم مصر در سالهای اخیر حیاتش ،
زندگی پر ثمر و مقدّسش را با عشقی وافر بیاد
میآورد .

همدردی عمیق ما را بمادر و منتسبین ابلاغ ننماید.
در اعتاب مقدسه برای اعتلاء روحش دعا و تضرّع
میشود .

بیت العدل اعظم

یادی از گذشتگان

شعله نار امرالله

از جمله مخموران صهبای روحانی و مشتعل بنار محبت الهی جناب سلیم نونو بود که عمری را در راه اعلان کلمه الله و خدمت بجامعه مصروف داشت .

بسیار جوان بود، که پس از اتمام تحصیل علم در بغداد با اشاره پدر بایران شهر کرمانشاه وارد و چون عموی ایشان جناب یعقوب نونو در نزد عرب های ساکن کرمانشاه معروف بود ، و پدر این عبد مرحوم یعقوب نصرت نیز در کرمانشاه صاحب تجارتخانه و مورد اعتماد داد و ستد پدر جناب سلیم نونو بود، مقرر گردید در کار تجارت با ایشان همکاری بعمل آید . در آن ایام مرحوم جناب جلال خاضع و مرحوم جناب حبیب الله خان مدبر مأمور خدمت در کرمانشاه و به نشر نفحات الله مشغول بودند و با مرحوم یعقوب نصرت مانوس، بالطبع در اثر معاشرت و رفت و آمدها جناب سلیم نونو بحقایق امر آشنا و در صدد تحقیق و ممارست بر آمده و هر چقدر دامنه تحقیق و مطالعات بیشتر میشد، آتش درونش شعله ورتر و روز بروز فرح و انبساط خاطرش فزونی میافت .

بطوریکه قبلاً عرض شد عموی ایشان از معارف کرمانشاه و از قدمای یهود بود و کنیسا و مدرسه بنام خود در آن شهر داشت و مسلم است نزد

عربهای یهودی حفظ آبرو و تمصّبی لاتحصی داشت. چون اثر روابط برادر زاده و تغییر حالت در رفتار و کردار را مشاهده نمود تحمّل جایز ندانسته و بمنظور قطع روابط ایشان با احبّا سعی نمود جناب سلیم نونو را روانه بغداد نزد والدین نماید .

جناب سلیم نونو با اینکه جوان بود و معمولاً تحمیل امری بر خلاف میل و خواسته، برای یک جوان سخت و موجب تکدر خاطر است، ولی ایشان با حلم و بردباری بدیع، و در کمال حزم و متانت امر عمومی خود را اطاعت و روانه بغداد شد . برخلاف انتظار در بغداد آتش نهفته در درون نه تنها خاموش نشد بل شعله ورتر و هر روز بر دامنه تحقیقات و تتبعات خود افزود . در بغداد با جناب داود تونق از احبّای عراقی آشنا شد . و از حضورش کسب فیض معنوی و حظّ وافر برد . بامر مبارک ایمان آورد و همیشه جناب داود تونق را پدر روحانی خود خطاب میکرد . در حدود سال ۱۹۳۰ میلادی تصمیم گرفت برای ادامه زندگی و فعالیت بازرگانی مجدداً به ایران هجرت نماید . مدّت شش ماه اول ورود بطهران در منزل مرحوم جناب بنانی رحل اقامت داشت . امة الله مؤمنه موقنه سیمیه خانم بنانی بی نهایت نسبت بایشان محبت و پذیرائی مینمودند . جناب سلیم نونو مبادرت به تاسیس تجارتخانه ای در طهران نمود و در کنار کار تجارت بخدمات امری مشغول بودند . بیشتر معاشرین ایشان جنابان موسی بنانی ، ولی الله ورقا، ذکرالله خادم ، حبیب الله مدبر و جمشید منجم و

جمعی معدود از دوستان یکدل بودند .

در حدود سال ۱۹۴۱ میلادی تصمیم بازدواج با دختر خانمی بهائی از اهالی عراق ساکن طهران میگیرد که با مخالفت والدین خود مواجه میشود . در نتیجه از ساحت مولای محبوب تقاضای راهنمایی مینماید . که در جواب میفرمایند:

(مضمون بیان مبارك) منظور از ازدواج ایجاد محبت و الفت است بین دو خانواده، شرط اول رضایت والدین است، اگر رضایت حاصل نشود ازدواج نکنید بهتر است .

با روحی لبریز از عشق و محبت بیان مولای محبوب را بدیده منت پذیرفته و انتخاب همسر را بعهده والدین میگذارد و با دختر خانمی بنام رینه که بستگی بعیدی با ایشان داشته عقد مودت و ازدواج مینندند .

در آن سالها مکرر از زمان تشرف خود وزارت اماکن مقدسه سخن می گفت چنان پرحرارت و با جذبه بود که تحقیر و حتی ملامت و توهین هم کیشان سابق را نمی شنید و اصولاً تأثیری در روحیه و ایمان محکم وی نداشت . با تأسیس شرکتی بنام «حسو» دائره فعالیت تجاری و همچنین خدمات امری خود را گسترش داده و با کشورهای اروپائی و آمریکائی در ارتباط بود.

در میادین خدمت جان فشان و عاشق طلعت جمال محبوب عالمیان بود . او آرزوئی جز رضای مولای محبوب و اعتلای امر مبارك نداشت . درب منزل ایشان بروی یار و اغیار باز بود . یاور جوانان بود و سالها کمک هزینه تحصیل تعدادی از جوانان

بهائی مشغول به تحصیل در خارج از کشور را میپرداخت . عضویت ایشان در لجنه ملی حقوقی سپس عضویت محفل مقدس طهران و سالها خدمات جلیله آن نفس نفیس در محفل مقدس ملی ایران مطمح نظر و قلوب یاران مهد امرالله بود که با ملاقات ایشان دلشاد و ازحضورش کسب فیض مینمودند. دیری نپائید در زمان مهاجرت ایشان به اروپا از طرف بیت العدل اعظم الهی و امین حقوق الله (ایادی عزیز امرالله جناب دکتر علیمحمد ورقا) سمت نماینده امین حقوق الله در اروپا بایشان تفویض شد .

از مراتب خلوص و خدمت ایشان قابل ذکر است که بعد از جنگ جهانی دوم ومفتوح شدن باب لقاء، خدمات زائرین در گروههای نه نفری اعم از اخذ پاسپورت ، ویزای ورود و خروج به کشورهای ترکیه و اسرائیل تازه تشکیل شده (فلسطین سابق) و تهیه بلیط مسافرت و خدمات ارزی را با رضایت کامل و بطیب خاطر و شوقی وافر بعهده گرفت و کلیه امور زائران کوی حضرت مقصود از طریق دفتر ایشان انجام میشد . هیکل مبارك حضرت ولی محبوب امرالله لطف و محبت خاصی نسبت به جناب سلیم نونو داشتند و همیشه مورد لطف و مهر وعطوفت آن سرور ابرار قرار داشتند . در تمام این اوضاع واحوال این عبد که در شرکت تجاری «حسو» کارمند بودم و با آن جناب همکاری نزدیک داشتم، شاهد و ناظر خدمات باهره ایشان بودم . قبلاً عرض کنم مقام رفیع اعلی بصورت امروز نبود . روزی درمحل کارم شرکت حسو شخصی بسیارمؤثر بقیه در صفحه ۱۲۱

تهیه و تنظیم از سرکارخانم پوران بقانی

گزارشی از تشکیل ۱۲ محفل روحانی ملی

در سنه مقدس ۱۹۹۲/۹۳

امسال عالم بهانی شاهد وقایع تاریخی بسیار مهمی بوده از آن جمله تشکیل ۱۲ محفل ملی در سراسر دنیا است . در این گفتار جریان تشکیل کانونشن های منعقدہ را مطالعه میفرمائید .

مسافرت ایادی عزیز امرالله امة البهاء روحیه خانم به لهستان و بلغارستان
لهستان :



اولین کانونشن ملی لهستان در تاریخ ۲۴ تا ۲۶ آپریل با حضور ایادی عزیز امرالله امة البهاء روحیه خانم بنمایندگی بیت العدل اعظم در ورشو (Warsaw) و نماینده مشاورین قاره ای در اروپا جناب پاتریک

اومارا (Patrick O'mara) و منشی محفل آلمان و ۱۵۰ نفر از احباء که از ۲۴ مملکت شرکت کرده بودند تشکیل و برگزار گردید . امة البهاء پس از قرائت پیام معهد اعلی احباء را تشویق و راهنمایی فرمودند و بار دیگر بیاناتی راجع به تعلیم و تربیت جوانان ایراد فرمودند که بسیار مورد توجه قرار گرفت . انتخاب اولین محفل ملی لهستان با کمال روحانیت انجام شد و نمایندگان منتخب مرکب از ۴ نفر لهستانی ۲ آلمانی یک ایرانی و یک ایرلندی بودند . شرکت کنندگان در کانونشن احترامات مخصوصه خود را بحضور فارس حضرت بهاء الله خانم Ola Pawlowska که پس از سالها مهاجرت و تبلیغ در افریقا به وطن بازگشته بود ابراز داشتند . امة البهاء روحیه خانم با وزیر ادیان و تعلیم و تربیت لهستان ملاقات نمودند . در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت فرمودند و با یک تلویزیون خصوصی مصاحبه نمودند که برنامه آن بمدت نیمساعت از تلویزیون پخش شد .

بلغارستان :

دومین برنامه رسمی امة البهاء به نمایندگی بیت العدل اعظم الهی شرکت در کانونشن ملی بلغارستان بود که در تاریخ اول تا سوم می در شهر صوفیا (Sofia) تشکیل گردید . سرکار خانم ویولت نخجوانی در این سفرها روحیه خانم را همراهی میکردند . مشاور قاره ای اروپا جناب فواد کاظم زاده و منشی محفل ملی آلمان و ۲۰۰ نفر از احباء از ۱۸ مملکت و ۲۱ شهر مختلف بلغارستان نیز در این انجمن حضور داشتند که بر طراوت و زیبایی بهار در بلغارستان می افزود . انتخابات محفل ملی لهستان روحانیتی عجیب داشت و در گزارشی آمده است که شکوه و روحانیت این لحظه قلوب یاران را منقلب کرده بود . در آخرین شب امة البهاء روحیه خانم راجع به ولی محبوب امرالله شوقی افندی وآینده این کشور صحبت فرمودند . حاضران چنان تحت تاثیر قرار گرفتند که از شادی نود درصد حاضران جلسه دست بدست هم داده و شروع به رقص و پایکوبی کردند و از روحیه خانم که الهام بخش و مشوق آنان برای یک آینده درخشان در عالم امر بودند تشکر و سپاسگزاری کردند .

مسافرت ایادی عزیز امرالله جناب علی اکبر فروتن به جزائر بالتیک و هنگری

بالتیک :

ایادی عزیز امرالله جناب علی اکبر فروتن به نمایندگی بیت العدل اعظم در اولین کانونشن ملی بهائیان بالتیک که مرکب از استونی Estonia و لاتویا Latvia و لیتونی Lithuania بود شرکت فرمودند . سرکارخانم ایران مهاجر صبیّه ایشان در این سفرها ایشان را همراهی میکردند . حضور مشاور قاره ای سرکار خانم پولین رفعت Polin Rafat و نمایندگان محافل ملی آلمان و روسیه و سوئد و انگلیس

وایالات متحده و شرکت احباء از ۱۰ مملکت که معرف اتحاد جامعه بهانی دنیا بود بجلسه رونق مخصوصی داده بود . جناب فروتن تحیات محبت آمیز و پیام معهد اعلی را که راجع به اهمیت روحانی تشکیل این اساس نظم اداری حضرت بهاء الله در شروع سنه مقدس بود بزبان روسی بدوستان ابلاغ فرمودند .

هُنگری :



دومین برنامه رسمی جناب فروتن شرکت در کانونشن ملی هنگری بود که در بوداپست در تاریخ اول و دوم ماه می با حضور ۱۵۰ نفر از ۱۹ کشور دیگر جهان تشکیل گردید .

مشاور قاره ای Louis Henuzet و نمایندگان محفل ملی اطریش نیز حضور داشته . جلسه با تلاوت الواح و مناجات شروع و بلافاصله اسامی سه نفر مصدق جدید را اعلان کردند که بر روح و ریحان جلسه افزود . سپس جناب فروتن پیام سراسر محبت و هدایت بیت العدل اعظم را قرائت فرموده و نطق جالبی نیز ایراد فرمودند . موضوع شور نمایندگان بیشتر مربوط به تبلیغ و اعلان کلمه در سنه مقدس بود .

مسافرت ایادی عزیز امرالله جناب علیمحمد ورقا به گرینلند و اوکرین

ایادی عزیز امرالله جناب دکتر علیمحمد ورقا نماینده بیت العدل اعظم در Nunk پایتخت گرینلند

بودند. صبیّه ایشان دکتر فرانّه خادم نیز ایشانرا همراهی میکردند . اولین کانونشن ملی گرینلند روز ۲۴ آپریل با حضور حضرت ایادی و ۲ نفر از هیئت معاونت و نمایندگان محافل ملی دانمارک - کانادا - آیسلند و ۲ نفر مهاجرین اولیه به آن سرزمین و ۲۴ نفر از احباء که از ۱۱ مملکت مختلف دنیا شرکت کرده بودند تشکیل شد .

قسمت روحانی جلسه با مناجات بزبان محلی و موزیک شروع شد . جناب دکتر ورقا پیام بیت العدل را قرائت نموده و توضیحاتی در اطراف پیام رضوان دادند .

انتخابات محفل ملی نیز در محیطی گرم و روحانی برگزار شد و نمایندگان بشرح زیر انتخاب شدند : دو نفر از آمریکا - یک نفر از فنلاند - یک نفر از انگلستان - پنج نفر از گرینلند (توضیح آنکه ۶ نفر از منتخبین خانمها بودند) .



اوکراین :

پس از گرینلند جناب دکتر ورقا برای شرکت در اولین کانونشن ملی اوکراین - بلاروس و مولدوا به کیو Kiev پایتخت اوکراین در روزهای اول تا سوم ماه می که ۷۶ نفر از ۱۱ مملکت مختلف در آن شرکت



کرده بودند تشریف بردند .

پیام تاریخی معهد اعلیٰ توسط ایادی عزیز امرالله قرائت گردیده قلوب یاران را منجذب نمود و آنانرا بوظائف خطیره خود آگاه کرد ، جناب ورقا توضیحاتی در اطراف پیام دادند . اعضاء اولین محفل ملی بشرح زیر انتخاب شدند :

۱ نفر از بلاروس - ۱ نفر از مولدوا - ۴ نفر از اوکراین - ۲ نفر از کانادا و ۱ نفر از انگلستان .

آلبانی:

مشاور قاره ای جناب هارتموت گروسمن Hartmut Grosmann و مشاور قاره ای جناب سهراب یوسفیان و نمایندگان محفل ملی ایتالیا و نماینده محفل ملی آلمان و دو عضو هیئت معاونت با ۱۸۰ نفر از احباء که از تمام نقاط آلبانی آمده بودند در کانونشن شرکت نمودند. در روز ۲۵ آپریل انتخاب محفل ملی توسط کانونشن انجام یافت و جناب گروسمن تصویری روشن از نقش احباء آلبانی برای جامعه خودشان و خدمت به امر بهاءالله را توجیه نمودند .



آنگولا :



نماینده بیت العدل اعظم در آنگولا مشاور قاره ای جناب Rolf Vonczekus بودند . دو مشاور قاره ای دیگر و نماینده محفل روحانی زامبیا و جمعی از احباء نیز از نقاط مختلف دنیا در محیطی مملو از جو اتحاد روحانی شرکت کردند . پیام معهد اعلی روحی جدید از فداکاری و از خود گذشتگی و خدمت در کالبد جامعه بهانی دمید و همه متعهد و متقبل شدند که برای اعتلاء امر در آنگولا بکوشند .

آذربایجان :

جناب مسعود خمسی مشاور محترم مقیم ارض اقدس به نمایندگی بیت العدل اعظم برای شرکت در اولین کانونشن ملی آذربایجان در تاریخ دوم و سوم ماه می به شهر باکو تشریف بردند . بعلاوه ۲ نفر از هیئت معاونت و بیش از ۶۰ نفر از احباء حضور داشتند . پس از قرائت پیام معهد اعلی خطاب به کانونشن ملی که قبلاً در ارض اقدس به زبان ترکی ترجمه شده بود چنان هیجانی در بین یاران بوجود آمد که قابل وصف نیست . پس از انتخاب اولین محفل ملی ، کودکان برنامه جالبی اجراء کردند . از طرف تلویزیون باکو عکاس و خبرنگار برای تهیه خبر حضور داشتند .

عکس در صفحه بعد



شور و شوق احباء قدیمی پس از تقریباً ۷۰ سال محرومیت و قطع ارتباط با دنیای بهائی که حتی قادر
بزیان آوردن نام بهائی نبودند داستان جالبی است . آنان قدر این آزادی و نعمت دیدار احباء را بتمام
معنی و با تمام وجود احساس می نمودند .

آسیای مرکزی :

جناب فرزام ارباب مشاور محترم مقیم ارض اقدس بنماینده گی بیت العدل اعظم در اولین کانونشن ملی
منعقد در آسیای مرکزی شرکت نمودند . کانونشن در تاریخ ۲۴ - ۲۶ آپریل در عشق آباد تشکیل
گردید . مشاور قاره ای آسیا جناب عباس کتیرانی و ۴ نفر از اعضاء هیئت معاونت نیز حضور داشتند .
احباء از هفت مملکت نیز شرکت کرده بودند و ضمناً دو نفر نماینده از سازمان امور ادیان ترکمنستان نیز
در جلسه افتتاحیه شرکت کرده و با تمجید و تحسین فراوان جلسه را ترك نمودند .
پیام معهد اعلی قرائت شد و نمایندگان شور و مشورت نمودند و طرح تبلیغی یکساله تهیه و به کانونشن
تقدیم کردند .

عکس در صفحه بعد



کنگو:

نماینده بیت العدل اعظم در اولین کانونشن ملی جمهوری کنگو مشاور قاره ای جناب جرج آلن George Allen بودند که در تاریخ اول و دوم ماه می پس از ۱۴ سال تعطیل بودن مجدداً تشکیل گردید ضمناً نماینده هیئت مشاورین محترم قاره ای آفریقا و ۵۰ نفر از احباء نیز حضور داشتند . پیام معهد اعلی و پیام رضوان قرائت گردید .

تلگرافهای تبریکی از مشاورین اروپا و آفریقا و از محافل ملی پاناما و آلاسکا و از دوستان سراسر دنیا واصل و باردیگر اتحاد و دوستی بین المللی جامعه بهائی به ثبوت رسید .

نیجر:

مشاور قاره ای سرکارخانم پروین جنیدی نماینده بیت العدل اعظم در نیجر بودند . گزارش رسیده حاکمیت که یاران نیجر با شغف فراوان و خوشحالی زائد الوصف پنجمین کانونشن ملی نیجر را بعد از ۱۴ سال وقفه و تعطیل مجدداً در تاریخ ۲۰ آپریل تا دوم ماه می در حظيرة القدس (Niamey) برگزار کردند . در این کانونشن ۶۰ نفر شرکت کردند و موج دوستی و برادری بوضوح دیده میشد . نماینده بیت العدل اعظم مشاور محترم قاره ای پروین خانم جنیدی باحضور خود بر روحانیت کانونشن افزوده و بیانات جالبی ایراد فرمودند .

عکس در صفحه بعد



کنگو



نیجر

خاطرات سفر به گرینلند

خوانندگان عزیز عندلیب ، حضرت ایادی عزیز امراالله جناب دکتر ورقا به نمایندگی از طرف بیت العدل اعظم الهی برای تشکیل اولین محفل مقدس روحانی ملی در گرینلند تشریف بردند ، بنده نیز من دون استحقاق سعادت همراهی با ایشان نصیب گردیده زیارت دوستان اسکیمونی و صفا و صمیمیت آنان مرا بر آن داشت که شرح تفصیلی این سفر را بعنوان ارمغان تقدیم دوستان نمایم .
حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در هفتاد و شش سال قبل در فرامین تبلیغی خود راجع به گرینلند فرمودند :

« اگر در گرینلند نائره محبت الهی شعله زند جمیع یخهای آن مملکت آب شود و سرما به اعتدال مبدل گردد، یعنی قلوب حرارت محبت الله یابد . آن خطّه و دیار گلشن الهی شود و بوستان ربّانی گردد نفوس مانند اشجار پر ثمر به نهایت طراوت و لطافت تزئین یابند . همت لازم است . اگر همتی نمائید که در میان اسکیموها نفحات الهی منتشر شود تاثیر شدید دارد »



امسال همزمان با اولین کانونشن ملی در گرینلند بنحو اتمّ و احسن این عشق و محبت و گرمی و صفا

قابل لمس بود و در میان آنهمه برف و یخ جذبه عشق روحانی ، گرمی بخش قلوب یاران .

باید عرض کنم که گرینلند جزیره ایست در اقیانوس منجمد شمالی نزدیک قطب شمال ، کمترین اثری از سبزه و درخت و گل در آن نیست و کاملاً مستور از برف و یخ است . در عوض منازل را با رنگهای زنده رنگ آمیزی میکنند که بصورت گلهای رنگارنگ چشم را نوازش میدهد . در راه سفر به گرینلند جناب دکتر ورقا در تاریخ ۲۱ آپریل به درخواست احباء ایکالویت Iqaluit از آنها دیدن نمودند . در میان بوران شدیدی هواپیما به زمین نشست و مورد استقبال احبای محلی قرار گرفت و با وجود سرمای فوق العاده شدید باتفاق ایشان بدیدار احباء بومی رفتیم و ساعتی را با آنها صرف نمودند و با چنان محبت و روحانیت و صفائی برخورد کردند که بقول ایشان تا اعماق وجود انسان نفوذ میکرد . بچه ها از خارهای بیابان که رنگ کرده بودند دسته گل کوچکی درست کرده و تقدیم جناب دکتر ورقا نمودند و براستی بوی خوش محبت از آن استشمام میشد .

سپس به Nuuk پایتخت گرین لند رفتیم همانشب به ضیافت شامی برای معارفه در حظيرة القدس Nuuk دعوت شدیم و از ما با غذاهای محلی قطب پذیرائی کردند وجد و شعف و مهمان نوازی آنان قابل وصف نیست . سپس پروگرامی را که تهیه کرده بودند با مناجات فارسی شروع شد و باید عرض کنم که اکثر این دوستان عزیز برای اولین بار بود که مناجات فارسی را می شنیدند و اثر عجیبی برایشان داشت و اشگ در چشمانشان حلقه زده بود .

داستان عجیبی را برای ما تعریف کردند که اولین خانم بهانی دانمارك بنام Johanne Heg با پشتکار فراوان مدت ۱۷ سال مکاتبه کرد تا اولین مؤمن گرینلند بنام Hendrik Olsen که شخص سرشناسی بود تصدیق امر مبارك را نمود و همچنین از دو مهاجر اولیه این منطقه و مهاجر فداکاری بنام Lotus Nielsen یاد فرمودند که سرمشق زنده فداکاری ، از خود گذشتگی ، ایمان و عشق حقیقی به حضرت بهاء الله بود . از آمریکا در جوانی با سه طفل کوچک به قطب شمال مهاجرت کرد و با مشکلات فراوان دست و پنجه نرم نمود تا عاقبت موفق شد اولین محفل روحانی را در Nuuk تشکیل دهد و بعد به نقاط دیگر مهاجرت نمود و بنیانگزار سه محفل روحانی دیگر در گرینلند شد . متأسفانه بعلمت مرض سرطان چند ماه قبل از تشکیل محفل ملی در گذشت . سه دختر او در جلسه حاضر بودند و گریس یکی از دخترانش گفت که مادرم يك مهاجر واقعی بود و هرگز تا دم مرگ کشفهای مهاجرت و تبلیغ را از پای در نیاورد . در پیام ارسالی معهد اعلی تفقد بسیاری در حق او شده بود .

یکهفته اقامت در گرینلند فرصت مناسبی برای دوستان اسکیمونی بود که از حضور ایادی امرالله استفاده کرده راجع به مباحث مختلف از قبیل مطالعه و مشاوره در پیام رضوان ، سنه مقدس و وظائف احباء ، قدمات امر ، تاریخ حقوق الله و امناء آن و دیگر مطالب امری بیانات ایشان را استماع نمایند .

((آگهی ها))

آگهی مؤسسه معارف بهائی

یاران عزیز می‌توانند نشریات زیر را از کتابفروشی‌های امری خریداری فرمایند و یا مستقیماً به مؤسسه معارف بهائی سفارش داده و دریافت دارند.

انتشارات مؤسسه معارف بهائی بلسان فارسی

» ۹,۰۰	»	»	نفحات فضل ۲ شامل لوح اجتراف و الواح شفا
» ۹,۰۰	»	»	نفحات فضل ۲ الواح وصایای حضرت عبدالبهاء
» ۵,۰۰			مجموعه بیانات مبارکه در خصوص عهد و میثاق
» ۷,۰۰			شرح ایصال پیام صلح حضرت عبدالبهاء: مهندس محمد یزدانی
» ۱۴,۰۰			نظر اجمالی در دیانت بهائی: احمد یزدانی
» ۱۱,۰۰	شمیزی	مقروانی ۱۸,۰۰	دیانت بهائی، آئین فراگیر جهانی: هاچر و مارتین
» ۷,۰۰			فورل، نابغه بهائی: دکتر نصرت‌الله محمد حسینی
» ۵,۰۰			«معرفی دیانت بهائی، نظم بدیع و نظم اداری و خداشناسی»، سه جزوه
» ۲,۵۰			مطالعات تحقیقی و جامعه بهائی: دکتر موژان مؤمن
» ۱۱,۰۰	شمیزی	مقروانی ۱۶,۰۰	مآخذ اشعار عربی در آثار بهائی: دکتر وحید رافتی
» ۱۲,۰۰	شمیزی	مقروانی ۲۰,۰۰	نظم جهانی بهائی: ترجمه هوشمند فتح اعظم
» ۸,۰۰	شمیزی	مقروانی ۱۲,۰۰	مفهوم حیات روحانی: ویلیام هاچر
» ۵,۰۰			انسان در عرفان بهائی: دکتر نادر سعیدی
» ۶,۰۰			برهان حقانیت پیغمبران: روح‌الله مهرباخانی
» ۱۲,۰۰	شمیزی	مقروانی ۲۰,۰۰	یوسف بهاء در قیوم الاسماء: دکتر محمد حسینی
» ۲۲,۰۰	شمیزی	مقروانی ۲۰,۰۰	الوهیت و مظهریت، جلد دوم آثار دکتر داودی
» ۴۰,۰۰	شمیزی	مقروانی ۶۰,۰۰	کتاب قرن بدیع، نشر دوم با تجدید نظر کلی
» ۵,۰۰			لغت فصیحی و لغت نورا: ایادی امرالله علی اکبر فروتن

Persian Institute for Baha'i Studies

P.O. Box 65600 Dundas Ontario, Canada L9H 6Y6

Phone (416) 628 3040 Fax (416) 628 3040

۲ - سرکارخانم دلارام میرعمادی (قدردشناس) با همکاری جناب جلال قدردشناس نواری بنام نوای ملکوت با لحنی خوش ضبط نموده که کلیه عوائد آن متعلق بصندوق ابنیه قوس کوه کرمل میباشد ، قیمت آن ۱۰ دلار است . دوستانیکه مایل بخرید باشند میتوانند بآدرس زیر مراجعه نمایند .

3178 Bowen Dr. Cog
V3B 5S7 B.C. Canada.

« لسان شفقت »

« ... لسان شفقت جذّاب قلوب است و مانده روح و بمثابة معانیست از برای الفاظ و مانند افق است از برای آفتاب حکمت ... » (۱)

در کتاب لغت لسان را به زبان (که در دهان است) معنی کرده اند. جمع آن السنه، السن و یا لسانات میباشد. لسان نیز به لغت و زبانی که بدان مینویسند و تکلم میکنند مثل لسان فارسی گفته میشود (۲). در ادبیات فارسی بجای کلمه لسان از لغات دیگر مانند سخن، بیان، گفتار، کلام ... استفاده میشود و برای آن صفت هائی مانند: شیرین، دلنشین، نیکو، ملایم، لطیف، نرم، روان، خوش، گرم، یکنواخت، درشت، زشت، گوشه دار، طعنه آمیز، نیش دار ... بکار گرفته میشود. برای مثال:

حضرت بهاء الله میفرماید:

« ... گفتار درشت بجای شمشیر دیده میشود و نرم آن بجای شیر ... »
« ... براستی میگویم لسان از برای ذکر خیر است او را بگفتار زشت میلانید ... »

سعدی میگوید:

« من دگر چیز نخواهم بنویسم که مگس زحمت میدهد از بسکه سخن شیرین است »
« به تیشه کس تراشد ز سنگ خارا گل چنانکه بانگ درشت تو میخراشد دل »

شیرینی بیان و نفوذ کلام تنها وسیله مؤثر در پیشرفت و محبوبیت ما در جامعه میتواند باشد.

از جناب ایرج روحانی

حضرت بهاء الله میفرماید:

« ... حکمت هیچ حکیمی ظاهر نه مگر به بیان و این مقام کلمه است که از قبل و بعد در کتب ذکر شده چه که جمیع عالم از کلمه و روح آن بمقامات عالیّه رسیده اند و بیان و کلمه باید مؤثر باشد و همچنین نافذ ... آن البیان جوهر یطلب النفوذ و الاعتدال اما النفوذ معلق باللطافة و اللطافة منوط بالقلوب الفارغة الصافیة ... » گفته اند:

تا مرد سخن نگفته باشد

عیب و هنرش نهفته باشد

گفتن بر عکس نوشتن نیاز به حضور ذهن، آمادگی و کنترل و نهایتاً شخصیت ما دارد. چهره و حالت شنونده نشان میدهد که تا چه اندازه از گفتار، شیرین، بجا، دلنشین و نافذ بوده است. اگر در ضمن گفتار خود لغزشی داشته باشیم زمان اجازه تصحیح آن را نمیدهد. تیری است که از شست خارج گشته. گفته اند:

زبان بریده بکنجی نشسته صمّ بُکم

به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم

وجود گوینده حداقل نیاز به حضور یک شنونده دارد. این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. لسان وسیله تبادل افکار، خواسته ها، دانش و تجربیات ما است. برای سهولت در بحث این تبادل و ارتباط و معاوضه را با حالت یک فروشنده و خریدار مقایسه میکنیم. ترازویی در

بین است، در يك كفه آن خواسته و انتظارات شنونده و در كفه دیگر سخن و مطلب ما (گوینده). وقتی این داد و ستد میتواند تداوم داشته و پر منفعت باشد که لسان المیزان (عقربه ترازو) حالت تعادل هر دو كفه را نشان دهد و آن موقعی است که سخن ما بمقدار، بجا، نافذ و شیرین گفته شود و (گوینده و شنونده) هر دو قانع، راضی و مسرور باشند. براستی سخن قابل سنجیدن و وزن کردن میباشد.

ما بندگان جمال اقدس ابهی مأموریت داریم که حدائق وجود را با گفتار نیک خود بتصرف در آوریم. میفرمایند:

"بیاری باری شمشیرهای برنده حزب بابی بگفتار نیک و کردار پسندیده بغلاف راجع، لزال اختیار بگفتار، حدائق وجود را تصرف نمودند..."

در ضمن مطالعه الواح و آثار مبارکه در باره نحوه و طریقه سخن گفتن به نکاتی بسیار ظریف و دقیق برخورد میکنیم از جمله:

زبان گواه راستی خداوندی است، لسان شفقت جذآب قلوب است، هرگز زبان را به طعنه و دروغ نباید کشاند، گفتار باید بمشابه نسیم ربیع باشد، از تکلم بیفایده و کثرت بیان باید خودداری کرد، جمیع اهل عالم باید از ضرر دست و زبان ما آسوده باشند، در موقع بیان نباید فضل و علوی در خود مشاهده نمائیم و نگوئیم به آنچه وفا نکنیم..

حضرت بهاء الله میفرمایند:

"... ای برادر من شخصی مجاهد که اراده نمود قدم طلب و سلوک را در سیبیل معرفت سلطان قدم گذارد باید... صمت را شعار خود نماید واز تکلم بیفایده احتراز کند چه زبان ناری است افسرده و کثرت بیان سستی است هلاک کننده نار ظاهری اجساد را محترق نماید و نار لسان ارواح و افنده را بگدازد. اثر آن نار بساعتی فانی شود و اثر این نار بقرنی باقی ماند... نگوید آنچه را وفا نکنند..

نحوه سخن و بیان در تفهیم مطالب بسیار مؤثر بوده است بفرموده حضرت عبدالهء:

"درعالم انسانی امری اعظم از تفهیم و تفهم نیست" برای تعدادی از ما که دور از وطن زندگی میکنیم و به زبان و آداب و رسومات قوم آشنائی نداریم خوب اهمیت مسئله تفهیم و تفهم روشن شده است. صحنه ها و لحظات بسیار شیرین و متأثر کننده را میتوانیم بخاطر آوریم که چگونه گوینده (ما) و شنونده و در بعضی موارد هر دو متعجب، شرمنده و ناراحت شده، ندانستن زبان یکی از دلایلی میتواند باشد که ما از ادراك مطالب عاجز بوده ایم و یا نتوانسته ایم منویات و نظریات خود را بیان کنیم. بهرحال دلیل لازم نیست باید بفرموده حضرت بهاء الله توجه نمائیم، میفرمایند:

"... اگر نفسی از ادراك بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد باید بکمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوی مشاهده نمایند..."

عضویت در تشکیلات بهائی (محافل، لجنات و ضیافات...) ایجاب میکند که در موارد گوناگون، در تایید و یا بخلاف نظر دوستان سخن بگوئیم و در بیوت تبلیغی به سئوالات مبتدی جواب بدهیم مهم این است که در ضمن سخن گفتن روش و طریقه استفاده از لغات و جمله های ما مطابقت با ادبیات امری داشته باشد. برای مثال در ضمن صحبت، بفرموده معهد اعلی (۴) نباید کلمه فارسی را بجای Persian استفاده کنیم. نباید بخاطر ترس از سخن گفتن سکوت را اختیار کنیم. گفته اند:

دو چیز تیره عقل است دم فروستن بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی.

چگونه میتوانیم روش شیرین و دلنشین و آرام

منابع مورد استفاده

- ۱ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله : لجنه نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی ، لانگنهاین آلمان، نشر اول ۱۴۱ بدیع .
- ۲ - فرهنگ لغات منتخبه : دکتر ریاض قدیمی ۱۴۲ بدیع .
- ۲ - دریای دانش: محفل ملی بهائیان هندوستان چاپ سوم ۱۹۸۵
- ۴ - The American Baha' i' Vol.1 No.4 1988



سخن گفتن را فرا گیریم و روز به روز بر محبوبیت خود بیافزاییم :

- ۱ - با مطالعه الواح و آثار مبارکه ، بلغات احاطه پیدا کرده ، کلمات و گفته‌های ما نافذ ، پر از محبت و نهایتاً دلنشین خواهد بود .
- ۲ - مطالعه آثار شعرا و نویسندگان بزرگ.
- ۳ - تمرین در اینکه شنونده خوبی باشیم.
- ۴ - صبر را پیشه خود کنیم و کنترل زبان را در اختیار داشته باشیم .
- ۵ - نگوئیم آنچه را وفا نکنیم .

از سرکار خانم بهناز روحانی

عبدالبهاء فرمودند هر نفسی سبب کدورت دیگری شود نزد خدا گنهکار است . خدا جمیع قلوب را مسرور می‌خواهد .

پس از اندکی تأمل در نحوه گذشت دقایق روز و شب بدین نکته میرسیم که از هنگامیکه سر از بالین برداشته تا لحظه ای که دوباره به بستر راحت می‌رویم با دوست و آشنا در تماس بوده ، مصاحبیم و در طی این مصاحبت‌ها عواطف و احساسات محبت آمیز خود را مبادله نموده و بالنتیجه از تعاون و همکاری یکدیگر بهره مند می‌گردیم . تنها عاملی که واسطه و وسیله ابراز این عواطف و احساسات درونی و باطنی است همانا زبان و بیان ما و طرز برخورد با دیگران است و با ادای کلمات و جملات است که مقاصدمان ابراز می‌گردد . زبان عاملی مؤثر در مشعوف ساختن یا نگران کردن افراد است . جمال قدم در کتاب مستطاب ایقان می‌فرمایند :

دل

تا توانی دلی بدست آور

دل شکستن هنر نمی‌باشد

دل در فرهنگ لغت معانی متعددی دارد که از جمله قلب ، عضو درونی بدن که مبداء دوران خون میباشد، جرات و شهامت و بالاخره به مخزن احساسات لطیفه انسان نیز دل می‌گویند .

موضوع بحث و مورد توجه ما در این مقال معنای اخیر است . دل مخزن عشق و محل شخصیت عاطفی است، همان دلی که چون به عرفان الهی نائل و مشتمل به نار محبت الله گردد . انسان را تا مقام ملانکه مقررین درگاه الهی رساند و باید همیشه پاک و تابناک باشد و از حوادث زمان مخمود و افسرده نگردد تا منزلت عرش رحمن گردد . این همان دلی است که اگر رنجانده شود و شکسته گردد گناهی عظیم صورت گرفته و اگر شادمان شود صوابی عظیم است . در سفرنامه مذکور است که حضرت

«... زبان ناری است افسرده و کثرت بیان سستی است هلاک کننده، نار ظاهری اجساد را محترق نماید و نار لسان ارواح و افنده را بگدازد. اثر آن نار به ساعتی فانی شود و اثر این نار به قرنی باقی بماند.» (۱)

در مقامی دیگر میفرمایند،
 «دانای آسمانی میفرماید گفتار درشت بجای شمشیر دیده میشود و نرم آن بجای شیر...» (۲)
 زبان در دهان ای خردمند چیست
 کلید در گنج صاحب هنر
 چو در بسته باشد چه داند کسی

که گوهر فروش است یا پيله ور
 لسان که مفتاح گنجینه آدمی است. گاهی اثراتش التیام بخش روان خسته دلان و دل شکستگان است و گاهی سبب جرح قلوب آزادگان. زمانی انسان را از فراز عزت به نشیب ذلت کشاند و هنگامی از حضيض خمول به اوج قبول رساند.

در فتنه بستن دهان بستن است
 که گیتی به نيك و بد آستن است
 گویند زمانی لقمان حکیم نزد خواجه ای بخدمت مشغول بود و از خواجه فرمان یافت که غذائی از بهترین شینی آماده نماید. لقمان زبان گوسفند را پخته نزد ارباب خود حاضر نمود. روز دیگر به او گفت غذائی از بدترین چیز آماده نماید. لقمان باز همان زبان گوسفند را تهیه نمود. خواجه چون همان غذای روز قبل را دید با کمال تعجب علت اینکار را از او پرسید. لقمان در جواب گفت زبان بهترین چیزهاست در صورتیکه بخیر و خوبی گویا باشد و

بدترین چیزهاست هر زمان به بدی و شر گرایش یابد. نگاه دار زبان تا به دوزخت نبرند
 که از زبان بدتراندرجهان زبانی نیست
 و خاطری نیازارد و بدترین نفوس نفسی است
 که قلوب را مکدر نماید و سبب حزن مردمان شود. « (۴)

و نیز میفرمایند:
 «زهار زهار که خاطری بیازارید و قلبی را شکسته نمائید و دلی را دردمند کنید و جانی افسرده نمائید و نفسی را پژمرده کنید ولو دشمن جان باشد و اهل عدوان» (۵)
 و در مقامی دیگر میفرمایند:

«زهار زهار از اینکه قلبی را برنجانید، زهار زهار از اینکه نفسی را بیازارید، زهار زهار از اینکه با نفسی بخلاف محبت حرکت و سلوك کنید، جمال قدم جل ذکره الاعظم در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند: «اَمَّا تَعْمَرُ الْقُلُوبَ بِاللِّسَانِ كَمَا تَعْمَرُ الْبُيُوتَ وَالْأَدْيَارَ بِالْيَدِ وَأَسْبَابُ آخِر» (۲)
 مضمون آنکه قلوب بشر با زبان آباد میگردد همچنانکه خانه ها و شهرها با دست و وسائل دیگر عمران و آبادی می پذیرند. پس انسان با گفتار و بیان ملایم و خلق و خوی سلیم میتواند دلها را خوشنود و شادمان ساخته به عوالم روحانی سوق دهد.

حضرت عبدالبهاء روح ما سواه فدا میفرمایند:
 «بهترین انسان کسی است که قلوب را بدست آرد
 زهار زهار از اینکه انسانی را مایوس کنید. هر
 نفسی سبب حزن جانی و نومییدی دلی گردد اگر

در طبقات زمان ماوی جوید بهتر از آنست که بر روی زمین سیر و حرکت نماید.» (۶)

اگر سهواً باعث رنجش خاطری شدیم لازم است در اسرع وقت در صدد رفع آن برآئیم. زیرا رنجاندن و دل شکستن گناهی است عظیم و مؤثرترین وسیله جبران مافات عذرخواهی است، ولی نباید فراموش کنیم که تأخیر در عذرخواهی سبب ریشه گرفتن رنجش در قلب انسان میشود. جمال قدم میفرمایند: «ابدأ محبوب نبوده که شبی بگذرد و یکی از احتیای الهی از این غلام آزرده باشد.» (۷) لازم است یاد آور گردیم که عذرخواهی باید:

۱ - مخلصانه باشد

۲ - معرف ندامت و پشیمانی فرد باشد.

۳ - متناسب با مورد رنجش باشد.

چنانچه عذرخواهی با شرایط فوق برایمان سخت و دشوار باشد، بهتر است در همه حال مراقب رفتار

و کردار و گفتار خود در اجتماع بوده تا سبب رنجش خاطری نگردیم.

حضرت ولی امرالله میفرمایند:

«... شاید بزرگترین امتحانی که افراد بهانی بایستی بگذرانند در نحوه رفتار با بهانیان دیگر است ولی بخاطر حضرت مولی الوری آنها بایستی همیشه آماده باشند که خطاهای یکدیگر را ببخشند و برای سخنان درشتی که ادا کرده اند معذرت بخواهند، ببخشند و فراموش کنند.» (۸)

مواخذ و منابع

۱ - کتاب مستطاب ایقان

۲ - مجموعه الواح مبارکه ص ۲۵۹

۳ - کتاب مستطاب اقدس

۴ - مانده آسمانی جلد پنجم ص ۲۶۹

۵ - امر و خلق جلد سوم ص ۲۰۷

۶ - مانده آسمانی جلد پنجم ص ۲۷۲

۷ - امر و خلق جلد سوم ص ۲۴۲

جوانی از نظر شهید عالیقدر دکتر داودی

«... ربّ اعلی در جوانی نقاب از رخسار برانداخت.

جمال ابهی' در جوانی خویشتن را در عالم امکان ظاهر ساخت.

مولی الوری در جوانی نرد محبت باخت.

ولی امر در جوانی قد بر افراخت.

قدوس در جوانی دل به دریا زد.

طاهره در جوانی سر به بیابان گذاشت.

روح الله در جوانی نمره از دل بر کشید.

بدیع در جوانی غوغا به جهان افکند.

بزرگان ما جوان بودند، جوان آمدند و جوان از دنیا رفتند. اگر به سالخوردگی رسیدند جوانی را از دست ندادند، زیرا اینان را نه دل در سینه به پژمردگی گرائید و نه آتش در دل به خاموشی رفت، نه تن در راه از جنبش باز ایستاد و نه جان در تن به سستی گرفتار آمد و جوانی را جز این چه مفهومی؟

« موج و صخره »

رقصان و دست افشان
رسد بر ساحل آن موج خروشان
برای صخره سنگین و صامت
ارمغان دارد
پیام شادی و جنبش
بسختی براند موج را
آن صخره سنگین دل ساکت
موج بر خیزد دگر باره
صبور و شادمان
رو بر سوی ساحل نهد
بازهم سیلی خورد
رانده شود با ظلم و بیداد
ولی آن موج دریا دل
ز پا هرگز نیفتد
گر در این ره
بارها جور و جفا بیند
سالها بر سنگ سر کوبد
خلل در عزم او وارد نگردد
تا پیام خویش را
بر صخره مغرور بی پروا رساند
اندر این پیکار
فرسوده شود آن صخره آخر بار

از سرکار خانم حوریوش رحمانی

بدست نرم دریا
خُرد گردد ، شن شود
در زیر پای موج افتد
تا بیامیزد بدریا
قصه ما قصه موج است
صبور و پر تحرك
پیام عشق و هستی را
بگوش مردم دنیا رسانیم
سخت تر از سنگ
سنگین دل تر از صخره مردم نا باور دنیا
با اعراض و جهل و ظلم و بیداد
با ما در ستیزند
ولی ما
قطره های پر خروش بحر مواجیم
که با مهر و محبت نرم سازیم
صخره گون دل‌های سخت
مردم نا مهربان را

* * * * *



اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی

سفیر هند در ایالات متحده آمریکا بدیدن مشرق الاذکار ویلمت میرود :

طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی ۲ دسامبر بارض اقدس واصل شده سفیر هندوستان در ایالات متحده آمریکا اول دسامبر بدیدن مشرق الاذکار ویلمت رفته از طرف منشی محفل روحانی ملی و مدیر دفتر اطلاعات عمومی محفل و يك نماینده مشرق الاذکار پذیرائی شد. کنسولهای هند در نیویورک و سانفرانسیسکو و قریب بیست (۲۰) نفر از صاحب منصب های هندی و همسرانشان همراه سفیر بودند. برنامه اسلاید مربوط به ساختمان معبد هند به مهمانان نشان داده شد و اینکه چگونه آئین بهائی میتواند مذاهب و ملل مختلف را متحد کند مورد بحث قرار گرفت .

در فیلیپین بوسیله يك مصاحبه در رادیو اعلان امرالله تحقق می یابد :

طبق راپورتی که ۱۴ نوامبر بارض اقدس واصل شده سرکار ایران خانم مهاجر و مشاور قاره ای ویسنت سامانیگو Counsellor Vicente Samaniego ماه اکتبر مدت یکساعت و نیم مصاحبه ای در رادیوی یکی از بلاد مجمع الجزایر فیلیپین داشتند که در آن بیشتر سنوال ها از خانم مهاجر راجع بامر و اسفار اخیر او در روسیه شوروی بود . يك کشیش پروتستان که در

رادیو بحرف ها گوش میداد بهتل رفت که در مصاحبه شرکت کند و گفت تا بحال چنین نظریاتی هرگز نشنیده. قبل از ترك جلسه از برای خانم مهاجر و مساعی او آرزوی موفقیت کرد . اظهار مسرت شنوندگان رادیو چنان زیاد بود که تمام مصاحبه روز بعد تکرار گردید.

رؤسای کلیسا ها حتی کلیسای کاتولیک به بهائیان تلفن کرده خواستند خانم مهاجر را ملاقات نمایند و نطق هائی راجع به آئین بهائی بشنوند. افراد بسیاری به مراکز بهائی (حظیره القدس ها) رفته آدرس بیوت تبلیغی را درخواست نمودند .

بهائیان در یکی از بلاد زلاند جدید سالروز تأسیس شهر را جشن میگیرند :

طبق راپورتی که از هیئت مشاورین قاره ای اول دسامبر بارض اقدس واصل شده محفل روحانی محلی در شهر پلیموت جدید (New Plymouth) ضیافت شامی ترتیب داد که صد و پنجاهمین سال تأسیس شهر را جشن بگیرند . این امر باعث هیجان و مسرت جامعه شده همه را به سعی در تبلیغ امر تشویق نمود . برنامه ماه نوامبر در سالن کنفرانس شهر اجراء گردید و بهائیان دعوتنامه های شخصی بدوستان خود فرستادند . در نتیجه چهارصد و سی و پنج (۴۲۵) نفر مهمان با سی و پنج (۲۵) نفر بهائیان حضور یافتند . بعد از

شام یازده گروه قومی معرفت فرهنگیهای مختلف از جمله یونانی ، هلندی ، اسکاتلندی ، انگلیسی و چینی از مهمانان پذیرائی کردند . دو عضو پارلمان و نایب شهردار و سه عضو شورای شهر و صاحبان صنایع و تجارت و صنعت جزو مهمانان مخصوص بودند نتیجه این اقدامات بینهایت عظیم بود . يك مهمان نامه ای به سردبیر روزنامه محلی فرستاده گفت در انتظار روزی میباشد که اتحاد مورد بحث بهائیان تحقق یابد .

در بنگلادش (کشوری در شمال شرقی هندوستان) پزشك بهائی طبابت را با تبلیغ امر توأم میکند :

يك طبیب بهائی و زوجه او موسوم به دكتر و خانم ال . هادی (Dr and Mrs. Al. Hady) در ناحیه راجشاهی ، پناه گاه طبی تشکیل داده به پنج قریه که معمولاً به کمکهای پزشکی دسترسی ندارند رفتند و دارو و دستورات بهداشتی به بیش از چهارصد و هفتاد و پنج (۴۷۵) مریض دادند .

طبق راپورتی که توسط هیئت مشاورین قاره ای ۸ دسامبر بارض اقدس واصل شده این عمل تجربه پر ارزشی برای مجریان این برنامه بود. سختی ها و مشکلات راه پیمائی در نواحی روستائی و خیس شدن در باران با تلاوت مناجات و سرودن ترانه ها فراموش شده بود در هر قریه وقتی درمانهای پزشکی بانتهای رسید این زن و شوهر و سایر بهائیان با اهالی قریه نشسته راجع بامر بهائی صحبت کردند و عده ای مجذوب شده بشرف

ایمان فائز شدند که جمعی در آن ناحیه تعداد شصت (۶۰) نفر مؤمنین جدید در ظلّ امر وارد گردیدند .

بلغارستان (کشوری در اروپای شرقی) آئین بهائی را برسمیت شناخت :

۲۵ نوامبر بموجب سندی رسمی که در سوفیا Sofia پایتخت کشور صادر شده آئین بهائی رسمی شناخته شد . سند توسط مدیر اداره امور مذهبی امضاء شده بود.

تشکیل محافل روحانی محلی جدید در بلغارستان :

طبق راپورت هائی که از محفل روحانی ملی آلمان بارض اقدس واصل شده سه محفل روحانی محلی جدید در بلغارستان انتخاب و تشکیل گردیده و اکنون جمعی شش محفل روحانی محلی در آن کشور وجود دارد.

قریه جدید بهائی در پاپواگینه جدید Papua New Guinea يك جزیره در کینه جدید در اقیانوس کبیر:

دو بهائی اخیراً برای تبلیغ امر به قریه مارارو Mararo در پاپواگینه جدید رفته بودند . بعد از چند روز کدخدای قریه به مبلغین سیّار اطلاع داد که سی و پنج تن اهالی قریه تماماً میخواهند بهائی شوند و محفل روحانی محلی تشکیل دهند . محفل

همان روز انتخاب و تشکیل شد .

اعلان امرالله بوسیله رادیو در کشور آرژانتین:
طبق راپورتی که از محفل روحانی ۱۹ نوامبر بارض
اقدس واصل شده جامعه بهائی در آرژانتین
فرصتهای عظیمی برای اعلان امرالله حاصل نموده
است :

در برزیل (کشوری در آمریکای جنوبی)
سالروزورود اولین بهائی جشن گرفته میشود:
دوشیزه آرمسترانگ (Miss Armstrang) اولین
مهاجر بهائی بود که در سنه ۱۹۲۱ وارد برزیل
گردید و سال جاری هفتادمین سال آئین بهائی
در برزیل جشن گرفته شد و بفرمان شهردار یکی
از شهرها موسوم به ناتال Natal اسم خیابانی را
لئونارا آرمسترانگ (Leonara) گذاشتند . و لوحه
یادگاری در یکی از میدان های شهر نصب
گردید

بهائیان هندوستان بمناسبت روز ملل متحد
مجلسی منعقد میکنند :

طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی ۱۷ نوامبر
بارض اقدس واصل شده در حظيرة القدس ملی
هند چهل و ششمین روز ملل متحد (United
Nations day) مهمان محترمی بود که در نطق
خود گفت احساس میکند رؤیای بهاء الله از اتحاد
نوع بشر در طی پنجاه سال آتیه تحقق خواهد

یافت و تشکیل سازمان ملل متحد قدمی در این
راه میباشد.

نظامت مجلس بمعده مشاوره ای زینا سهرابجی
بود و قریب دویست (۲۰۰) نفر نفوس شامل
وکلائی دادگستری و قضات و اولیای امور دولتی
مهمان بودند . در اخبار تلویزیون ملی راپورت راجع
باین مجلس پخش گردید .

اقبال دسته جمعی نفوس بامر مبارک در
اروگونه Uruguay کشوری در آمریکای جنوبی
در نتیجه نهضت تبلیغی که از ۷ تا ۱۸ اکتبر در
اروگونه جریان داشت نود و دو (۹۲) تن مؤمنین
جدید در ظل امر وارد شدند و چهار محفل
روحانی محلی تشکیل گردید و سه مرکز جدید به
آئین بهاء الله فتح شد .

در مجمع الجزایر فیلیپین جمع کثیری بامر
مبارک اقبال نموده اند :

بسمی واهتمام مبلّغین سیار در نقاط مختلفه مجمع
الجزایر فیلیپین تا بحال تعداد پانصد (۵۰۰) تن
نفوس بامر مبارک اقبال نموده اند و نه (۹) محفل
روحانی محلی تشکیل شده است . این راپورت
بوسیله یکی از مبلّغین ۲۶ اکتبر بارض اقدس
واصل شده است .

در مجمع الجزایر آندامان و نیکوبار (اقیانوس
هند) يك نقشه تبلیغی باموفقیت کامل

اجراء گردیده است .

نقشه تبلیغی که اخیراً بهمت يك عضو هیئت معاونت و اعضاء محفل روحانی ملی در مجمع الجزایر آندامان و نیکوبار اجراء گردیده نتیجه اش تسجیل دویست و بیست (۲۲۰) تن مؤمنین و تشکیل نوزده (۱۹) محفل روحانی محلی جدید بوده است . برای تعمیق و تکمیل مؤمنین جدید نیز برنامه ای ترتیب یافته .

درهونگ کونگ (Hong Kong) بندری در جنوب چین) یوم مولود بهاء الله جشن گرفته میشود :

بهایان هونگ کونگ یوم مولود حضرت بهاء الله را جشن گرفته در يك ضیافت از هشتاد و دو (۸۲) نفر نفوس سرشناس شامل قنصلهای اسرائیل و پاناما و شیلی و سردبیر يك جریده محلی و مدیر حفظ محیط زیست در هونگ کونگ پذیرائی کردند. نسخه های بیانییه صلح بیت العدل اعظم بعنوان هدیه بحاضرین داده شد .

کتاب " هفت شمع اتحاد " مورد استفاده دانشگاه فرانسوی قرار میگیرد :

دانشگاه فرانسوی در استراسبورگ Strasbourg شهری در سرحد فرانسه و آلمان از محفل روحانی ملی انگلیس تقاضا کرد نسخه ای از هفت شمع اتحاد (Seven Candles of unity) برایشان بفرستد . این اثر بهائی جزو آثار مقدسه ای که دانشمندان

دیپاتی در هشتاد کشور از آن استفاده میکنند قرار خواهد گرفت .

يك نویسنده و سخن ران معروف فرانسوی امرالله را اعلان مینماید :

نویسنده و سخن ران معروف فرانسوی آندره بروجیرو (Andre Brugiroux) طی دو هفته که در انگلیس برای ترویج کتاب انگلیسی خود سفر میکرد موفق باعلان امرالله گردید. اسم کتاب این بود :

One people, One planet: The Adventures of a world citizen
ترجمه فارسی آن : يك ملت يك سیاره : سرگذشت اهل عالم "

مستر بروجیرو که در نتیجه هیجده سال مسافرت و مطالعه بامر مبارک اقبال کرده . در نه (۹) برنامه رادیوئی صحبت کرد و یازده (۱۱) مصاحبه تلویزیون داشت در هفت روزنامه راجع باو مطالبی نوشته از جمله مجله دانشگاه آکسفورد در سه صفحه شرح سفرهای او را درج کرد . یکی از نکات برجسته سفر او این بود که در برنامه رادیو B.B.C. صحبت نموده تجربیات بی نظیر و بهائی بودن خود را بسمع ملیون ها شنونده رسانید .

در کشور سوئد محفل روحانی ملی و محفل روحانی محلی پایتخت متفقاً باعلان امر میپردازند :

محفل روحانی ملی سوئد و محفل روحانی محلی استکلهم (پایتخت سوئد) متفقاً يك رشته اعلانات

در مطبوعات ملی درج مینمایند همچنین اطلاعات لازم را در مورد دیانت بهائی توسط نوار ضبط صوت بوسیله تلفن مخصوصی به علاقمندان میدهند.

در کشور لهستان سومین محفل روحانی محلی تشکیل میگردد :

سومین محفل روحانی محلی در کشور لهستان در پوزنان (Poznan) حاکم نشین یکی از ایالات ، انتخاب و تشکیل میگردد دو محفل دیگر در ورشو و یک شهر دیگر با اسم روکلاو (Wroclaw) تشکیل شده بود .

افتتاح حظيرة القدس در یکی از شهرهای ایتالیا :

چهارده (۱۴) سپتامبر بهائیان و اولیای امور دولتی برای افتتاح حظيرة القدس در شهر پورتیسی Portici یکی از شهرهای ایتالیا مجتمع شدند .
اعضاء محفل روحانی ملی و محفل روحانی محلی پورتیسی و اولیای امور محلی در مراسم شرکت نمودند . عصر همان روز افتتاح هفت تن شامل اعضاء یک خانواده در ظلّ امر وارد شدند .
لوحه‌ای که امة البهاء روحیه خانم به بهائیان پورتیسی مرحمت فرموده بودند در حظيرة القدس گذاشته شد .

در سویس دوره تعلیمات بهائی برنامه ای در شرح حال طاهره اجراء میکند :

هفتاد نفر بهائیان از بیست و دو (۲۲) کشور در آکادمی لندگ (Landeg Academy) مجتمع و برنامه ای در شرح حال طاهره و خدمات او اجراء نمودند که شامل نطق هائی بود راجع به افکار او مربوط به عقاید شیخی و بابی و نفوذ کارهای او در نواحی مختلف مانند شبه قاره هندوستان .

اقبال دسته‌جمعی نفوس بامر مبارک در جزیره هائیتی :

در هائیتی یکی از جزائر آنطیل های کبیر در اقیانوس اطلس دوره تعلیمات برای آماده کردن افراد بهائی جهت تبلیغ امر شروع شد و سی و چهار (۲۴) نفر در آن شرکت نمودند * در نتیجه دو هیئت مبلغین سیار تشکیل شد که در چهار شهر به سیر و سفر پرداختند . در پایان این نهضت بیش از سه هزار و سیصد (۳۲۰۰) تن نفوس بامر مبارک اقبال نمودند و صد و سی و پنج (۱۲۵) مرکز فتح گردید .

در گانا - کشوری در شمال غربی افریقا اقبال دسته جمعی نفوس بامر مبارک تحقق می پذیرد :

ماه اپریل یکی از بهائیان گانا به محفل روحانی ملی اطلاع داد که شانزده (۱۶) تن مؤمنین جدید در ناورونگو (Navrongo) یکی از بلاد در شمال کشور اقبال بامر نموده‌اند . مشاور قاره‌ای بآتریس آساره (Counsellor Beatrice Asare)

مینتی از مبلغین سیار ترتیب داد که بآن ناحیه سفر کنند . بعد از اعلان و ترویج امر نود و دو نفر (۹۲) نفر در ظل امر وارد شدند . محفل روحانی ملی و هیئت مشاورین قاره ای متوجه شدند که تحکیم و تقویت مؤمنین جدید لازم است و در ماه ژوئن مجدداً هیئتی بآن ناحیه فرستادند بعد از شش هفته تعداد ۴۵۶ چهارصد و پنجاه و شش نفر در ظل امر وارد شدند و هشت محفل روحانی محلی تشکیل گردید.

سیصد تن بهائیان در مدرسه تابستانه بین المللی هلند شرکت میکنند :

از ۲ تا ۱۰ اگوست در شهر دوپورت De pourt یکی از شهرهای هلند ، دارالتعلیم طاهره میزبان مدرسه تابستانه بین المللی گردید و موضوع تعلیم را لوح کرمل قرار داده بودند. بهائیان از آفریقا ، امریکای شمالی ، جنوبی ، اروپا ، عربستان ، اسرائیل ، زلاند جدید و ایسلند آمده بودند و حکایاتی از موفقیت مساعی تبلیغی در آن دیار تعریف کردند که باعث تهییج نفوس گردید.

در کشور سوازیلند آئین بهائی قسمتی از برنامه دانشگاه را ترتیب میدهد :

در سوازیلند - کشوری مستقل در آفریقای جنوبی چهار سال است آئین بهائی قسمتی از برنامه تحصیلات دانشگاه بوده بهائیان تاریخ و تعلیم و نظم اداری بهائی را به شاگردان سال سوم دانشگاه آموخته اند .

در تانزانیا غرفه بهائی در نمایشگاه کتاب مورد توجه اولیای امور واقع میشود :

محفل روحانی محلی دارالسلام و دفتر محفل ملی در نمایشگاه کتاب که از ۲ تا ۹ سپتامبر در پایتخت دائر بود يك غرفه بهائی ترتیب دادند و انواع مطبوعات بهائی بمعرض نمایش گذاشتند . رئیس جمهور تانزانیا علی حسن معینی (Ali Hassan Mwinyi) بدیدن غرفه آمد و بهائیان يك نسخه از " وعده صلح جهانی " و مطبوعات دیگر بهائی بار تقدیم کردند چهارتن از وزرای دولت بدیدن غرفه آمدند وجزوات راجع بامر بهائی دریافت کردند .

ملکه ساموا نسوان بهائی را در تبلیغ امر هدایت میکند :

نقشه تبلیغی اقیانوس نورکه هدف آن انتشار امر در سراسر اقیانوس کبیر است سبب شد چهارتن نسوان تحت هدایت علیاحضرت توسی مالتیو (Her Heggness Tosi) (Malietoa) ملکه ساموا بدیدن جزائر كوك (Cook Islands) بروند. این نسوان اولین زنان در ساموا هستند که بجزائر كوك مدت يك هفته برای تبلیغ امر رفته اند .

کنفرانس ملی بهائیان در آلبانی (کشوری در جنوب اروپا)

از ۲۱ اکتبر تا ۲ نوامبر در آلبانی کنفرانسی با شرکت قریب ۲۴۰ نفر از ۱۲ محل و با حضور

مشاورین قاره‌ای فرزام ارباب و سهراب یوسفیان و
اعضاء هیئت معاونت و اعضاء محافل ملی ایتالیا و
آلمان برای ابلاغ پیام حضرت بهاء الله تشکیل
گردید.

دربرتقال تلویزیون ملی راجع بامر بهائی
برنامه پخش میکند :

طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی ۱۴ نوامبر
بارض اقدس واصل شده دهم نوامبر تلویزیون ملی
پرتقال برنامه‌ای بمدت نیمساعت راجع به نظریه
بهائی مربوط به صلح جهانی نشان داد .

انتخاب تشکیل پنجمین محفل روحانی محلی
در کشور لهستان :

بهائیان لهستان در تاریخ ۲ نوامبر پنجمین محفل
روحانی محلی را در شهر لودز (Lodz) انتخاب
و تشکیل دادند چهار محفل دیگر در شهرهای
ورشو (Warsaw) وکراکو (Krakow) و پوزنان
(Posnan) و وکلاو (Wroclow) قبلاً تشکیل
شده بود .

در مغولستان (کشوری در شمال چین) یوم
مولود حضرت بهاء الله جشن گرفته میشود :
در یکی از بلاد مغولستان ۱۱ نوامبر یوم مولود
حضرت بهاء الله را در سالن موزه لنین (Lenin
Museum) جشن گرفتند . نمایندگان مطبوعات
جزو مدعوین بودند . مؤمنین مغولی وظیفه میزبان
را داشتند .

در انگلیس نژاد پرستی موضوع کنفرانس
مطالعات بهائی بود :

طبق راپورتی که از انجمن مطالعات بهائی بارض
اقدس واصل شده دومین کنفرانس سالیانه انجمن
مطالعات بهائی بزبان انگلیسی از ۱۲ تا ۱۵ سپتامبر
در بیرمنگام انگلیس منعقد گردید. موضوع مورد
بحث عبارت بود از :

" ارزش های جدید انسانی برای نظم جهانی
جدید " و مذاکرات بعدی شامل مطالب ذیل بود
: " راه صلح " و " مختصری راجع به مسائل
تعصب " و " توقیعات شوقی افندی " و " رابطه
نوع بشر با عالم طبیعت " .

در ایالات متحده امریکا بهائیان عید مولود
حضرت اعلی را جشن میگیرند :

طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی ۲۹ اکتبر
بارض اقدس واصل شده بهائیان لوس آنجلس Los
Angeles بیست اکتبر عید مولود حضرت اعلی را
تحت عنوان " جشن اتحاد نوع بشر " در
حظیره القدس جشن گرفته از عموم مردم دعوت
کردند و قریب هزارو دویست نفر جمع شدند .
قسمتی از برنامه را رقص های بومی از افریقای
شرقی ، یونانی ، اسپانیا ، اسرائیل و ایران
تشکیل داد . بعد از شام و کنسرت مهمانان در
سالن حظیره القدس مجتمع شده اهمیت تعالیم
بهاء الله وباب برایشان توضیح داده شد .

در بلغارستان اولین کنفرانس ملی تبلیغ منعقد میگردد :

هفتاد و هفت تن بهائیان از دوازده شهر و قریه و مهاجرین يك کنفرانس ملی تبلیغ که از ۲۵ تا ۲۷ اکتبر در یکی از بلاد بلغارستان تشکیل گردید حضور یافتند . دوازده نفر از آلمان و مرکز جهانی (حیفا) و ایالات متحده امریکا آمدند .

اجرای نقشه تبلیغی در بلغارستان منجر باقبال نفوس بامر میگردد :

یازده تن بهائیان از اطراف عالم در نقشه تبلیغی و تکمیلی که از ۲۸ جولای تا ۱۷ اگوست در کشور بلغارستان اجرا شد شرکت نمودند این نقشه ابتکار شورای جوانان بهائی اروپا بود و نتیجه اش این شد که هیجده تن نفوس در ظلّ امر وارد شدند و بیش از سی نفر دیگران مشغول تحقیق هستند بهائیان طرق تبلیغ مستقیم را بکار برده هر روز موضوع هائی را از قبیل نظم اداری بهائی و حیات اجتماعی و تبلیغ امر برای مؤمنین جدید توضیح دادند .

در کشور شیلی (امریکای جنوبی) معلّین بهائی مدارس به تبادل نظر میپردازند :

لجنة تعلیم و تربیت محفل روحانی ملی در کشور شیلی اولین مجمع معلّین مدارس ابتدائی را در حظيرة القدس ملی منعقد نمود " بیش از بیست نفر از دوستان از نقاط مختلف کشور شرکت نمودند از جمله معلّین دبستان دکتر مهاجر و

دبستان نور در سانتیاگو (پایتخت کشور) اعضاء محفل روحانی ملی و يك عضو هیئت معاونت نیز حضور یافتند . منظور از این مجمع تبادل اطلاع راجع با اجرای برنامه مربوط بآئین بهائی در مدارس ابتدائی بود از قرار معلوم برنامه مربوط به آئین بهائی در دبیرستانها که اخیراً پیشنهاد شده بود قریباً مورد تصویب وزارت معارف قرارخواهدگرفت .

دولت کانادا کلمات مکنونه را بعنوان آثار ادبی در مدارس می پذیرد :

وزارت آموزش و پرورش کانادا استفاده از کلمات مکنونه و هفت وادی و چهار وادی را بعنوان نمونه های ادبیات پذیرفته و اکنون در مدرسه بهائی بین المللی ماکسونل (Maxwell International Baha'i School) شاگردان هر هفته قسمتی از کلمات مکنونه را جزو برنامه ادبیات انگلسی از بر میکنند .

در کشور کنگو دولت جامعه بهائی را برسمیت می شناسد :

در کنگو - کشوری در مغرب افریقا - لجنة اداری بهائی در برازاویل (Brazzaville) پایتخت کشور ۲۷ سپتامبر از وزیر داخله سندی دریافت نمود که بموجب آن " وجود قانونی انجمن موسوم به جامعه بهائی کنگو " را تصدیق کرده . در این اعلامیه مقاصد جامعه بهائی چنین ذکر شده :

* ترویج و پیشرفت تعالیم روحانی و تربیتی و نوع پرستی آئین بهائی .

* اجرای اصول آئین بهائی از طریق فضائل

اجتماعی .

- * تشویق و هم آهنگ کردن ابتکارات شخصی .
 - * سازمان دادن به فعالیت ها و امور اجتماعی
- پیروان آئین بهائی در کنگو .

در هندوستان مشاورین قاره ای حجر زاویه
بنای فرهنگستان بهائی را نهادند :

مشاور قاره ای از دارالتبلیغ بین المللی جناب مسعود
خمسى ۱۷ فوریه حجر زاویه بنای فرهنگستان
بهائی را در پنجگنی نهاده در ضمن اظهار داشت :
" این فرهنگستان حتماً يك دانشگاه بزرگ خواهد
شد " . مشاورین قاره ای برهان الدین افشین و
فاضل اردکانی و جبار آیدلخانی با بیست تن
اعضاء هیئت معاونت از دوازده کشور و عده ای
مؤمنین محلی حضور داشتند . در طی مراسم
ادعیه بزبان روسی و فارسی تلاوت گردید. جناب
افشین مهمانان عالیقدر را خوش آمد گفته
مختصری راجع به تأسیس فرهنگستان و مقاصد و
فعالیت آن بیاناتی ایراد نمود .

تشکیل محافل روحانی محلی جدید در
جزیره قبرس :

محفل روحانی ملی جزیره قبرس (جزیره ای در
بحر مدیترانه جنوب ترکیه) خبر اقبال بیست نفر
بامر مبارک و تشکیل چهار محفل روحانی محلی
جدید را در شمال کشور برای مؤمنین با این
عبارت بیان نمود : " سرهای خود را با مسرت
نگاهدارید ایام عظیمی در قبرس شروع شده "

از ابتدای سنه مقدس (۱۹۹۲) تا ۲۰ فوریه بیست
تن مؤمنین جدید تسجیل شدند و بدین نحو
انتخاب و تشکیل محافل روحانی جدید میسر
گشت . اکنون لااقل صد تن مؤمنین جدید
تسجیل شدند و بدین نحو رؤیای متصاعد الی الله
ایادی امرالله دکتر یوگو جیاگری (Dr. Ugogiachery
تحقق یافت سال ۱۹۷۸ در
انتخاب و تشکیل اولین محفل روحانی در قبرس
حضور داشته فرمودند مرحله بعد در تغییر حالت
قبرس وقتی شروع خواهد شد که صد تن اهالی
محلی در ظل امر وارد شوند .

بهائیان سویس بیانیه راجع به بهاء الله را به
شهردار لوزان تقدیم میکنند :

۱۱ مارچ چند تن نماینده بهائیان در شهر لوزان
(Lausanne حاکم نشین ایالت) باشهردار
ملاقات نموده بیانییه راجع به بهاء الله را باو تقدیم
کردند . رئیس اداره امور عمومی شهر لوزان نیز
حضور داشت .

اولین جامعه بهائی در سویس با ورود پروفیسور
اگوست فورل (Professor Auguguste Forel) و يك
محصل ایرانی در لوزان
تشکیل گردید لذا مناسب است که شهردار لوزان
اولین فرد از اولیای امور سویس باشد که بیانییه
راجع به بهاء الله را دریافت میکند .

بهائیان ترینیداد و توباگو (Trinidad & Tobago
جزیره ای در اقیانوس اطلس

شمال امریکای جنوبی) از طرف اولیای امور
برای مشاوره دعوت میشوند .

طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی ۲۰ مارچ
بارض اقدس واصل شده از بهائیان ترینیداد و
توباگو برای اولین دفعه دعوت شد در مراسم
افتتاح پارلمان شرکت نمایند و دعا تلاوت کنند .

بهائیان افریقایی جنوبی از طرف اولیای امور
دولتی مورد تقدیر واقع میشوند :
محفل روحانی ملی افریقایی جنوبی به دونفر اعضاء
کنگره ملی افریقائی " پیام صلح " را داد و هر دو
از بهائیان برای خدمتی که کرده مردم افریقایی
جنوبی را نسبت به صلح عمومی آگاهی بخشیده اند
تشکر و قدردانی نمودند .

مشاهده ویدیوی مشرق‌الاذکار هندوستان
مردم را تحت تأثیر قرار میدهد
ویدیوی مشرق‌الاذکار هندوستان تحت عنوان "
جواهر درنیلوفر آبی " (The Jewel in
the lotus

۲۲ و ۲۹ ژانویه در تلویزیون یکی از بلاد چین
نشان داده شد و سه میلیون اهالی چین آن را
تماشا کردند ویدیو بدو قسمت تقسیم شده طی
دو هفته نشان داده شد . بموجب راپورت بهائیان
ناحیه مردم عمیقاً تحت تأثیر ویدیو واقع شدند .

در هندوستان نمایندگان بهائی با نایب
رئیس جمهور ملاقات میکنند :

طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی ۵ آپریل
بارض اقدس واصل شد ۲۸ فوریه نمایندگان جامعه
بهائی را نایب رئیس جمهور هندوستان در منزل
خود در دهلی جدید (New Delhi)
پذیرفت و بیانیه راجع به بهاء الله و چند کتاب
بهائی بار تقدیم کردند . نمایندگان بهائی شامل
منشی محفل روحانی ملی موسوم به R.N.Shah
و نایب رئیس محفل ملی دکتر طاهره وجدی بود.
نایب رئیس جمهور سنوالات بسیار راجع بامر
پرسید و از وضعیت بهائیان ایران استفسار نمود و
گفت دین حقیقی اخلاق خوب می‌آموزد و
خوشبختانه در هند تمام ادیان وظیفه خود را
انجام میدهند .

بیانیه راجع به حضرت بهاء الله در بمبئی به
وسائل ارتباط جمعی ارائه میگردد :

جناب حسن صبری مدیر دفتر بسط و توسعه
اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی امر ۱۷ ژانویه
در مجمعی که بیست و شش (۲۶) تن مهمانان
شامل روزنامه نگاران و بزرگان قوم در بمبئی
حضور داشتند رسماً بیانیه راجع به حضرت بهاء الله
(Statement on Baha'u'lla'h)
توزیع نمود .

در طی کنفرانس مطبوعاتی مرضیه دلال
(Marzia Dalal) مهمانان را خوش آمد

گفت و راجع به مفهوم سنه مقدس صحبت کرد .
يك فيلم راجع بامر نشان داده شد و مشاور قاره‌ای
زینا سهرابجی (Zena Sarabjee) نطقی
راجع به حضرت بهاء الله ایراد نمود .

تسجيل مؤمنين جديد در ایالت سیکیم
هندوستان :

جامعه بهائی سیکیم (Sikkim) یکی از
ایالات هندوستان هدف نقشه شش ساله خود را که
عبارت بود از فتح صد (۱۰۰) مرکز بامر مبارک
انجام داد همچنین در ماه مارچ بیست و پنج (۲۵)
تن مؤمنین جدید تسجيل شدند .

افتتاح حظيرة القدس جديد در جمهوری
مرکزی آفریقا

(Central African Republic)
۲۱ مارچ مراسم افتتاح حظيرة القدس جديد در
شهر بنگول Bangul پایتخت جمهوری مرکز
آفریقا در نهایت روحانیت انجام یافت . مشاور قاره
ای هوشنگ عهدیه و چهار عضو هیئت معاونت با
قریب صدتن دوستان از بنگول و بلاد اطراف
حضور داشتند . در طی مراسم يك برنامه روحانی
جالبی توسط جوانان اجراء گردید .

مدرسه زمستانه بهائی در کشور سوئد

(شمال اروپا)

طبق راپورتی که از شرکت کنندگان در مدرسه
زمستانه سوئد ۵ ژانویه بارض اقدس واصل شده

در مارستا Marsta قریه ای در شمال استکهلم
پایتخت سوئد (آخر دسامبر با شرکت دویت و
چهل و پنج (۲۵) نفر مؤمنین که تعدادی بی
سابقه بود منعقد گردید . بعضی نفوس از چین و
ازبکستان و ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا
آمده بودند . مشاور قاره ای پلین رافت Polin
Rafat و عضو هیئت معاونت هانس اومان
Hans Ohman نیز جزو حاضرین بودند . برنامه
مدرسه شامل نطق ها راجع به مقام حضرت بهاء الله
توسط خانم رافت و نطق ها صبح به میثاق و نقشه
شش ساله و سنه مقدس (۱۹۹۲) توسط اعضاء
محفل روحانی ملی بود . شرکت کنندگان راجع به
ایجاد راه هائی برای انتشار نام حضرت بهاء الله
طی سنه مقدس مشورت کردند و يك جلسه راجع
به تبلیغ مردم چینی در سوئد مشورت نمودند.

کنفرانس بهائی در ایالات متحده آمریکا
موفقیت عظیم حاصل کرد :

از ۲۷ تا ۳۰ دسامبر قریب سه هزار و پانصد تن
(۲۵۰۰) نفوس در کنفرانس بهائی که در شهر
فینیکس ایالت اریزونا Phoenix Arisona
منعقد گردید و تعدادی از ناطقین و هنرمندان
در آن شرکت نمودند . در طی کنفرانس سه نفر
مؤمنین جدید در ظل امر وارد شدند . ایادی
امراالله جناب علی محمد ورقا حضور داشتند و طبق
راپورت " بیانات الهام بخش ایشان حاضرین را
اشتیاقی سوزان به قیام در خدمت بامر حضرت
بهاء الله عطا کرد " در جریان کنفرانس به جمع

آوری تبرعات مبادرت گردید و محفل روحانی محلی مبلغ صد و چهل و پنج هزار (۱۴۵۰۰۰) دلار به محفل روحانی ملی برای تقدیم به صندوق قوس کرمل و برای نقشه های تبلیغی در روسیه فرستاد.

در بلغارستان - کشوری در جنوب اروپا - مؤمنین جدید به کارتبلیغ میپردازند : تعداد صد و بیست و شش (۱۲۶) تن مؤمنین جدید در کشور بلغارستان ماه دسامبر ۱۹۹۱ و ژانویه ۱۹۹۲ اقبال بامر نمودند.

در آلمان شرقی دو محفل روحانی محلی جدید انتخاب و تشکیل میگردد : طبق راپورت هانی که از محفل روحانی ملی ۱۲ مارچ و از اواخر ۱۷ مارچ بارض اقدس واصل شده ماه مارچ برای اولین دفعه دو محفل روحانی محلی جدید در آلمان شرقی انتخاب و تشکیل شده و باعث مسرت و تشکر جامعه گردید . محفل روحانی محلی در شهر ارفورت Erfurt هفتم مارچ و در شهر درسدن Dresden هیجده مارچ . هر دو شهر حاکم نشین ایالت بودند . اکنون جامعه بهانی آلمان هفتصد و یک (۷۰۱) مرکز در سراسر کشور بامر بهانی فتح کرده است که از هدف نقشه شش ساله بالاتر است .

در نمایشگاه کتاب دائر در هندوستان آثار بهانی بمعرض نمایش گذاشته میشود :

از ۲۹ ژانویه تا ۹ فوریه در نمایشگاه کتاب شهر کلکته آثار بهانی بمعرض نمایش گذاشته شده بود علاوه بر این اسم حضرت بهاءالله آراسته شده توجه واردین را جلب مینمود . در تالار ورودی قطعاتی از نصوص مبارک و عکسهای بزرگ و رنگی از تمام مشرق الاذکار ها با پوسترهائی که تعالیم بهانی در آن فهرست شده بود مورد توجه واقع میگردد . بیش از ده هزار (۱۰۰۰۰) نفر بدین غرفه بهانی آمدند و بیش از پنجهزار نفر (۵۰۰۰) پیام بهانی را شنیدند و قریب هزار (۱۰۰۰) نفر سنوالاتی راجع بامر پرسیدند و ششصد و چهل و چهار (۶۴۴) نفر آثار بهانی و مقالاتی راجع به مشرق الاذکار هندوستان خریدند .

اقبال دسته جمعی نفوس بامر مبارک در یکی از ممالك آفریقا :

در نیجیریه Nigria کشوری در شمال آفریقا اجرای يك نقشه تبلیغی از ۲۵ فوریه تا ۸ مارچ نیجه اش تسجیل صد و چهل و دو (۱۴۲) تن نفوس و تشکیل پنج محفل روحانی محلی جدید گردید علاوه بر آن در جامعه جدید کلاس های درس اطفال ترتیب دادند و دو جامعه دیگر حظیره القدس برای انعقاد محافل تأسیس نمودند . طبق راپورت محفل روحانی ملی بسیاری از نسوان در اجرای نقشه شرکت داشتند .

انتخاب و تشکیل محفل روحانی محلی در جزیره زنگبار از توابع تانزانیا :

جامعه بهائی تانزانیا Tanzania کشوری در مشرق آفریقا با مسرت اعلام میدارد یکی از مشکل ترین اهداف نقشه شش ساله را که انتخاب وتشکیل محفل روحانی محلی در جزیره زنگبار میباشد اول فوریه انجام داده اند .

اقبال دسته جمعی نفوس بامر مبارک در تایوان (جزیره ای در اقیانوس کبیر جنوب چین) :

طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی ۲۰ دسامبر بارض اقدس واصل شده ماه دسامبر طی سه هفته اقدامات تبلیغی در تایوان قریب هفتصد (۷۰۰) تن نفوس بامر مبارک اقبال نمودند . بیشترین تعداد تسجیل در مدت کوتاهی که نقشه تبلیغی گروهی شروع شده هیئت مبلغین سیار که این موفقیت را حاصل کرده اند شامل مادران جوان و اطفال همراه احبّا از ایالات متحده آمریکا و ژاپن و کشورهای دیگر بود .

جامعه بهائی در انگلیس يك نسخه از کلمات مکنونه تقدیم شاهدخت رومانی کردند :

اخیراً در انگلیس جامعه بهائی يك نسخه کلمات مکنونه حضرت بهاء الله و کتاب دیگری A crown of Beauty به شاهدخت هلن Princess Helen دختر پادشاه رومانی تقدیم نمودند . این اقدام در يك شب نشینی خیریه صورت گرفت . شاهدخت چند قطعه از کلمات مکنونه را خوانده گفت بسیار قشنگ و ملیح است هر دو کتاب را خواهد خواند .

از جناب فریبرز صهبا معمار مشرق الاذکار هند دعوت شد در کشور چین نطق کند : جناب فریبرز صهبا معمار مشرق الاذکار هندوستان از طرف وزارت ساختمان در جمهوری چین دعوت شد بآن کشور برود . آقای صهبا ماه نوامبر به چند دانشگاه و مدارس معماری و مؤسسات حرفه ای معماری در بلاد معروف چین رفته نطق نمود و چون از او خواسته بودند راجع به نقشه معبد هندوستان صحبت کند فرصتی بی نظیر پیدا کرد که علناً راجع بامر بهائی بحث نماید .

در يك دانشگاه کانادا دوره تعلیمات راجع به نظم جهانی جدید شروع میشود :

بسبب تغییرات وسیع بین المللی و مذاکره راجع به نظم جهانی جدید (New World order) طبق پیشنهاد باشگاه مطالعات بهائی در دانشگاه وسترن انتاریو (University of Western Ontario) دوره تعلیمات جدیدی ۲۵ فوریه شروع خواهد شد . موضوع های مورد بحث عبارت خواهد بود از : " پایه و اساس اخلاقی نظم جهانی جدید " ، " ابعاد سیاسی و قانونی نظم جهانی " ، و " ابعاد نژادی نظم اجتماعی جدید " دو موضوع اول و آخر توسط بهائیان تعلیم داده خواهد شد و سایر موضوع ها توسط استادان دانشگاه که از طرف " مؤسسه مطالعات بهائی " توصیه شده اند .

کنفرانس انجمن مطالعات بهائی در کشور ژاپن :

طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی ژاپن ۱ ژانویه بارض اقدس واصل شده اولین کنفرانس سالیانه انجمن مطالعات بهائی آن کشور ۲۱ و ۲۲ دسامبر در اوکیناوا (Okinawa) جزیره ای در اقیانوس کبیر نزدیک ژاپن) تشکیل گردید . بیش از پنجاه تن مؤمنین حضور یافتند و نشان داده شد که این تشکیلات قدرت آن را دارد که « قلوب مؤمنین در سراسر ژاپن با تعلق به دانشجویی بهائی و تعهد عمیق تر به مطالعه امر متحد نماید « مشاور قاره ای کیمیکو شورین Kimiko Schwerin تحت عنوان « آموختن و تحصیل عرفان » و دکتر حسین دانش تحت عنوان « تصوّر دانشجویی بهائی » نطق نمودند و مباحثه نهائی مورد توجه عموم واقع شد.

اعلان امر بهائی در سفارتخانه بلغارستان در لندن :

پنجم فوریه سال جاری در لندن واقعه فوق العاده‌ای در اعلان معتقدات امر روی داد . این موفقیت موقعی حاصل شد که ضیافتی بافتخار هنرمند کانادائی عضو دارالتبلیغ بین المللی مشاور قاره ای دونالد راجر (Counsellor Donald Roger) از طرف مأمور عالی رتبه کانادائی و سفیر بلغارستان برگزار میشد . ضیافت در سفارتخانه بلغارستان منعقد شده و مهمانان شامل سیاستمداران ارشد از آلمان ، ایتالیا ، لهستان ، چکوسلواکی و چین و صاحب منصبان يك عده سازمان های بین المللی بود . مستر راجر

مدت یکساعت صحبت کرده توجه حاضرین را به سنه مقدس (۱۹۹۲) جلب نمود و آنان را اطمینان داد که نام مقدس حضرت بهاء الله عنقریب در تمام عالم منتشر خواهد شد .

کنفرانس جوانان بهائی در یکی از بلاد چین: از ۷ تا ۹ فوریه بیش از صد و سی (۱۲۰) نفر احبّا نماینده جوامع آسیائی ژاپن و تایوان و هونگ کونگ (Hong Kong) در اولین کنفرانس جوانان آسیا که در یکی از بلاد چین منعقد بود حضور یافتند . مشاور قاره ای فرزام ارباب از دارالتبلیغ بین المللی و مشاور دیگر داوید هوانگ (Counsellor David Huang) در کنفرانس شرکت داشتند . در راپورت کنفرانس که ۱۰ فوریه بارض اقدس واصل شده این عبارت خوانده میشود: « وعده های بیشمار جوانان بهائی در اهداء خدماتشان در سنه مقدس آتیه قلوب را باهتزاز آورد . »

بهائیان برزیل در یکی از بلاد بنای یادبود صلح برافراشتند :

بیستم دسامبر ۱۹۹۱ در شهر فلوریانا پلیس Florianopolis بهائیان بنای یادبود صلح برافراشتند بنا سه مترارتفاع و پنج متر طول دارد شامل ناحیه سبز در اطراف آن . در يك طرف بنا که نماینده دنیای از هم پاشیده است این کلمات حضرت بهاء الله نوشته شده : « این نزاع های بیهوده و جنگهای مخرب از بین خواهد رفت و صلح اعظم خواهد آمد » (ترجمه) در طرف

دیگر بنا که معرفت پدید آمدن نظم جهانی جدید است. این عبارت از بیانات بیت العدل اعظم نوشته شده: «استقرار صلح جهانی نه تنها امکان دارد بلکه اجتناب ناپذیر است و مرحله دیگری از ترقی و تکامل عالم است.»

مراسم افتتاح بنا با شرکت اولیای امور محلی و حضور وسائل ارتباط شهری انجام یافت و نتیجه چندین ماه فعالیت جامعه بهائی بود.

در برنامه تلویزیون کانادا راجع به حضرت بهاء الله بحث میشود:

در تلویزیون کانادا تحت عنوان «دیدگاه بهائی» (Baha'i Perspective) یک سری برنامه ها شروع شده که در بسیاری نقاط کشور میتوان آن را گرفت.

بهائیان در یکی از بلاد کانادا جایزه صلح دریافت میکنند:

جامعه بهائی اوپن ساوند (Owen Sound) بندری در انتاریو یکی از ایالات کانادا (ماه دسامبر ۱۹۹۱ از Ymca) (انجمن جوانان مسیحی) (مدال صلح جهانی World Peace Medal) جایزه گرفت برای آنکه بهائیان دانشا در هر سطح از فامیل تا جامعه در تمام روی زمین بفکر صلح هستند در سه سال اخیر بهائیان ناحیه به فعالیت های صلح مشغول بوده اند که تعدادی از آن در همکاری با Ymca بوده است از جمله جشن روز ملل متحد برای صلح، شرکت در

هفته صلح Ymca و یک صبحانه صلح (Peace Breakfast و یک بررسی صلح (Peace Survey) مراسم اعطاء جایزه در اخبار تلویزیون و در روزنامه محلی ذکر گردید.

اقبال دسته جمعی نفوس بامر مبارک در فیلیپین (جزائری در اقیانوس کبیر):

طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی فیلیپین ۴ مارچ بارض اقدس واصل شده از ۱۱ تا ۲۶ فوریه یک نقشه تبلیغی مخصوص در چهارده (۱۴) مدرسه ایالت بیگل (Bicol Province) اجراء گردید که نتیجه اش تسجیل چهار هزار (۴۰۰۰) نفر بامر مبارک بود و بیست و شش (۲۶) نفرشان استادان دانشگاه بودند. اکنون جمع کلّ مؤمنین در بیگل متجاوز از هشت هزار نفر (۸۰۰۰ نفر) است و محفل روحانی ملی ترتیب میدهد جوانان برای تحکیم و تکمیل مؤمنین جدید بآن ناحیه بروند.

در رواندا بطور متوسط هر روز ده نفر در ظلّ امر وارد میشوند:

طبق راپورتی که توسط هیئت مشاورین قاره ای ۱۹ فوریه بارض اقدس واصل شده در رواندا کشوری در مرکز افریقا - محفل روحانی ملی هر روز لااقل ده (۱۰) اظهار نامه تسجیلی دریافت میکنند در دوازده ماه تا آخر دسامبر ۱۹۹۱ بیش از پنجهزار و پانصد (۵۵۰۰) تن نفوس اقبال بامر نموده اند و یازده (۱۱) محفل روحانی محلی جدید تأسیس شده است.

اخبار مصوّر



در اواخر ماه اکتبر اعضای بیت العدل اعظم الهی ، با توضیحات جناب مهندس صهبا، مدیر عامل پروژه های کوه کرمل ، از پیشرفت امور ساختمانی مرکز مطالعات و تحقیقات درآثار مَبَارَک و تراسهای مقام اعلی مطلع گشتند .

در ماه سپتامبر بتون ریزی یکی از انبارهای زیرزمینی که جزئی از برنامه توسعه و امتداد تراسی که مقام اعلی بر روی آن قرار گرفته است میباشد شروع گردید یکی از موارد استفاده این انبار حفاظت و پارک ماشین آلات و ادواتی است که در نگهداری و رسیدگی به باغات از آنها استفاده میشود .



در تدارک مقدمات اجرای قانون حقوق الله در سطح بین المللی حضرت ایادی و امین حقوق الله جناب دکتر علیمحمد ورقا کنفرانسی در آکادمی لندگ در سونیس از ۱۶ تا ۱۸ آگست با شرکت ۲۳ نفر از نمایندگان خویش در سراسر عالم و یک نماینده از طرف مرکز جهانی ترتیب دادند . جناب ورقا بعد از کنفرانس به ارض اقدس مسافرت نموده با بیت العدل اعظم در مورد توسعه و اشاعه مؤسسه حقوق الله در عالم شور و مشورت فرمودند .

نونهالان بهانی یکی از دهکده های سواحل غربی ترکیه درس اخلاقیهای مرتب خود ادعیه و قسمتهائی از الواح حضرت اعلی خطاب به حروف حی را از حفظ نموده و به تشویق معلم خود که يك نوجوان بهانی است قسمتهائی از حماسه های تاریخی امر را بصورت نمایشنامه در کلاس اجراء میکنند .



چهره های خندان و مسرور جوانان هوان دهررا (Juand de herrera) خوش آمد گوی ملاقات مشاور قاره ای سرکار خانم روت پرینگل (Ruth Pringle) از حظیره القدس ایشان در جمهوری دومنیکن در ماه فوریه بود . حظیره القدس این شهر دیگر قادر به پذیرفتن کلیه احبای این شهر هنگام ضیافت نیست چه که پروژه تبلیغی دکتر احمدیه با موفقیت شایانی توام بوده .

اعضاء گروه تبلیغی ماریون جک (Mario Jack) که در صفحات سیبری در ماههای جولای و آگست سفر کرده در یکی از جلسات خود بدون برنامه ریزی قبلی به تبادل لباس ، آواز و رقصهای محلی با يك گروه هنری او (Evenk) که از سرخ پوستان بومی آنمحل بودند پرداختند . دو دختر سیبریهای که اخیراً به امر مبارك ایمان آورده بودند ازاین ابراز یگانگی و بدون درنگ جوانان بهانی تحت تاثیر شدید قرار گرفتند





در اول ماه نوامبر هیئت منتخبه ای از جامعه بهانی با پرزیدنت آلبانیا، جناب رامیز آلیا (Ramiz Alia) در دفتر ایشان واقع در دورس (Dures) ملاقات نمودند . در این عکس از چپ براست خانم لوسی بیلیکباشی ناظم محفل روحانی دورس ، پرزیدنت آلیا ، مشاور قاره ای و عضو دارالتبلیغ بین المللی جناب فرزام ارباب خانم نوری ارباب وجناب گیان فرانکو متزونی عضو محفل مقدس ملی ایتالیا دیده میشوند .



اداره پست هندوستان تبر جدیدی با تصویر مشرق الاذکار هندوستان بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس شهر نیو دهلی چاپ ومنتشر نمود نمای مشرق الاذکار بر روی یکی از دو تمبری که نمایانگر سایر اماکن معروف پایتخت آن مملکت میباشند دیده میشود .



در جزایر کوک (cook) مامافاریو (نفر دوم از دست راست) به اتفاق مبلغین ستار بهانی در سپتامبر ۱۹۹۱ دیده میشود . علیا حضرت توسی مالیتوا (Tosi Malietoa) در وسط عکس دیده میشود .



عملیات ساختمانی کرمل: این عکس که در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۹۲ برداشته شده، محل خاکبرداری و ساختمان بنای دارالتحقیق (مرکز تحقیق و مطالعات الواح و آثار مبارکه) را در جنب مقر بیت العدل اعظم به وضوح نشان میدهد . این ساختمان مابین محفظه دارالآثار و دارالتشریع خواهد بود .

حضرت ایادی امرالله جناب ویلیام سیرز در طی چندین جلسه اجتهای امریکا را تشویق و ترغیب به نیل اهداف نقشه شش ساله نمودند . در این عکس جناب سیرز در جلسه ای در شهر ورستر (Worcester) واقع در ایالت ماساچوست به اتفاق جناب مانی رایمر (Manny Reimer) در اکتبر ۱۹۹۱ دیده میشوند .



عملیات ساختمانی کرمل: ساختمان بنای زیر زمینی جنب مقام اعلی که جهت حفظ و نگهداری ماشین آلات باغبانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت، برای بتون ریزی سقف طبقه اول آن آماده میشود . سقف طبقه دوم جهت توسعه طبقات حاشیه مقام اعلی مورد استفاده قرار خواهد گرفت .

چهار نفر اجتای هیلک (Hillok) و اولان اود (Ulan-ude) در مقابل مرکز فرهنگی هیلک واقع در سیبری در اگست ۱۹۹۱ دیده می شوند . یکی از اطافهای این مرکز بنام بازدیدکنندگان بهانی نامیده شده و مزین به عکسهایی از شمایل حضرت عبدالبهاء و اماکن متبرکه میباشد .



عملیات ساختمانی کرمل: در این عکس که در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۹۲ گرفته شده، وسعت و دامنه عملیات مربوط به ساختمان طبقات که شامل خاکبرداری ۵ طبقه از ۹ طبقات تحتانی مقام اعلی میباشد بخوبی دیده میشود .

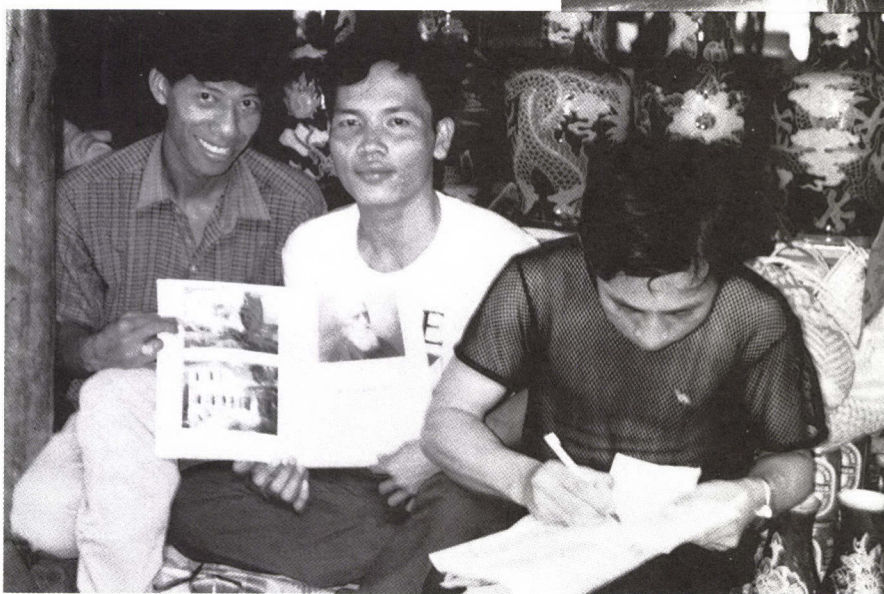
در سوئیس اجتا در مراسم سالیانه تمیز کردن مردابی که در اطراف رودخانه رون و دریاچه ژنو قرار دارد شرکت نمودند . در این عکس رابرت لوکاتلی (سمت چپ) و برنات کستریکن (سمت راست) همراه با دو داوطلب دیگر در ۷ مارچ ۱۹۹۲ دیده می شوند .





عملیات ساختمانی کرمل: با پی ریزی پلکان مقام
اعلی، مسیر ملوک، کم کم به عرصه ظهور نزدیک
میشود. پیشرفت عملیات ساختمانی مرتباً بر روی
نوارهای فیلم و ویدئو ضبط میشود.

در تانا (Tanna) یکی از جزایر پاسیفیک
جنوبی، احبای لایتال (Lawital) مشغول
اجرای يك رقص محلی که قسمتی از برنامه های
مرکز تبلیغی و روحانی آنان در ماه ژانویه ۱۹۹۲
بود دیده میشوند . این مرکز تبلیغی توسط
حضرات معاونین برنامه ریزی گردیده بود .



دو تازه تصدیق جدید از اهالی کمبوجیه با مبلغ
خود (سمت چپ) در این عکس دیده میشوند .
این نتیجه يك پروژه تبلیغی مشترك مابین تایلند و
کمبوجیه میباشد که در اکتبر ۱۹۹۱ بمناسبت
بازشدن مرز این دو کشور شروع گردیده .
سفرهای تبلیغی به بازارچه های مرزی کمبوجیه بطور
منظم صورت میگیرد .

بیت العدل اعظم جميع فارسان امر الهی را از
سراسر عالم جهت برگزاری مراسم یادبود صدمین
سالگرد صعود جمال اقدس ابهی به اراضی مقدسه
دعوت نمودند . یکصد و سیزده نفر قادر به اجابت
این دعوت بودند که در این عکس بر روی پلکان
مقام دارالتشریع دیده میشوند .



اصل طومار زرنگار که توسط حضرت ولیّ عزیز
امرالّله طرح ریزی و شامل اسامی فاتحین روحانی
ممالک بکر مختلفه در سراسر عالم در طی نقشه
جهاد کبیر اکبر بود در طی مراسم مخصوصی که
در ۲۷ می در مقام دارالتشریع برگزار گردید در
معرض دید فارسان امرالهی و میهمانان دیگر قرار
گرفت .

در ساعات اولیه صبح ۲۹ می نقطه اوج مراسم
سنة، برگزاری مراسم یادبود صعود جمال اقدس
ابهی بود. در این عکس یکی از راههای باغ بهجی
که منجر به روضه مبارکه شده و در آنشب به نور
شمعهای متعدد مزین گردیده بود دیده میشود .



مرکز صحت اجتماعی لارلیندا تانور (Lar Linda Tanurr) در برزیل برای ۳۰ طفل محتاج و فقیر مسکن و مدرسه میبشد . همچنین این مرکز برای ۱۵۰ طفل کوچک از دهکده های اطراف کلاسهای مقدماتی و برای نساء منطقه کلاسهای بهداشت و تغذیه تشکیل داده است .



در گرینلند يك مدرسه تابسانه بهانی از ۲۰ تا ۲۷ جولای در شهر نوك (Nuvk) تشکیل گردید. جالبترین برنامه این مدرسه نمایشنامه ای بوده که توسط یکی از احبابی بومی محل نوشته و تهیه و با شرکت دانش آموزان مدرسه جدید التاسیس بهانی در شهرسی سی میوت (sisimiut) اجراء گردید.

حدود ۲۰۰ نفر از احباب و دوستانشان از ۶ مملکت مختلفه برای شرکت در دومین مدرسه زمستانه رومانی که از ۲۷ دسامبر ۹۱ تا ۲ ژانویه ۹۲ تشکیل گردید شرکت نمودند . چندین نفر در طول این مدرسه تسجیل نمودند .



نامه هائی از دوستان

۱ - جناب س منصورى نسبت به مجله عنديلب محبت فرموده و ۲۴ قطعه از آثار مبارکه که نام عنديلب در انتها مذکور گشته استخراج و برای تشويق خادمان مجله عنديلب فرستاده از لطف ایشان ممنونيم و اين بخش مجله را به دو اثر از آثار ارسالی زيور ميدهيم :

قوله تعالى

« هل من ذى سمع لسمع ما نطق به العنديلب على الاغصان » (آثار قلم اعلى جلد ۶)
« و غنت عنديلب القدس بان هذا لجمال الله فى ناسوت الانشاء » (آثار قلم اعلى جلد ۴)

۲ - جناب یدالله مشرف زاده که از دوستداران مجله عنديلبند ضمن تبریک عید قطعه ای در وصف عنديلب سروده اند که شش بیت آنرا فرستاده و مرقوم داشته اند که ادامه دارد. فعلاً به نقل این ۶ بیت اکتفا میشود :

آنچه گویم ز عنديلب کم است

هرچه صبر آرم وشکيب کم است

آنچه از فضل هينت تحرير
خلق رامی شود نصيب کم است
گر بگويم حقيقت از هرحيث
هست چون نسخه طيب کم است
اين همه بر گزيده از آثار
پند و اندرز آن جيب کم است
اينهمه دستخط بيت العدل
باخبر گشتن از رقيب کم است
آن مقالات و آنهمه اشعار

سخن نغز هر اديب کم است
دوست عزيز ، از لطف شما ممنونيم زيرا نه تنها
اينهمه محبت کم نيست بلکه از سرما هم زياد
است.

۳ - جناب دکتر منصور برجيس شرح مفصل در باره مصاحبه خود با راديو ۲۴ ساعته لوس آنجلس مرقوم داشته که اين مصاحبه دوساعت بطول انجاميده و در بدو امر با تلاوت مناجاتی بلحن خوش خانم شکوه رضائی آغاز گشته است .

۴ - خانم شيدرخ روحانی شرح خدمات نوجوانان برومند را در منطقه کوچکی از آمريکا نوشته و قطعه عکسی نيز فرستاده که ذيلاً چاپ ميشود .





۵ - جنابان رستم تشکر و عنایت الله مدیر مسیحانی در سفری که بمنظور تبلیغ امر مبارک برومانی نموده بودند در جلسه افتتاحیه حظیره القدس بخارست شرکت نموده و شرح آنرا با دو قطعه عکس فرستاده اند که عکسها ذیلاً چاپ و شرح جلسه مزبور بخلاصه چنین است .

جلسه افتتاحیه با قریب دویست نفر از ممالک مختلف جهان و شرکت جناب فرزام ارباب بعنوان نماینده محترم بیت العدل اعظم و جناب یوسفیان مشاور محترم قاره تشکیل گردید ، استاندار محل نیز بعنوان نماینده دولت در جلسه مزبور حضور یافت و در حقیقت جلسه افتتاحیه ابلاغ عمومی امر در آن منطقه بود .





۶ - خانم محبوبه ثابت شرحی در باره خدمات مهاجرت جناب جان الن و خانمشان که بامر مبارك حضرت ولی محبوب امرالله هجرت به سوئیس نموده اند نگاشته و موفقیت‌های این زوج نیک فرجام را در امور مادی و معنوی شرح داده ضمناً اشاره نموده اند که فرزندان برومندشان نیز در خدمات امریه مشارک‌البنان میباشند . این مهاجرین فداکار اخیراً مبادرت به تأسیس سه حظیرة القدس محلّی و یک کودکستان برای اطفال نموده اند که اولیاء امور نیز اظهار تمایل کرده که اطفالشان را به کودکستان و مدارس بهائی بفرستند ذیلاً دو قطعه عکس ارسالی گراور میشود .



ازکن فیکون برخاست پیدایش انس و جان
در دایره خلقت پرگار دهد جولان
ذاتی که از او آمد اشیاء جهان موجود
نامیم خدا او را بر جمله بود معبود

۷ - جناب عباس بیضائی قطعه شعری در باره امر و خلق سروده اند که دو بیت آن بدین شرح است:

۸ - جناب ساسان باهری قطعه شعری که فرزند ارجمند یکی از شهدای اخیر مهد امرالله سروده فرستاده اند که چند بیت آن ذیلاً نقل میشود دوش بگفتا حبیب عشق چه و یار کیست؟

دجله اشك از كجاست كعبه كجاخارجيست
عشق عجب عالمی است، سوختن و مردن است
منزل آخر فنا است، عشق چو پروانگیست

شاهی عالم مباد ملك و حشم چون هبا است

شاه در آن چون گدا ست خسرویش بندگیست

ضمناً در ذیل نامه نوشته اند « که در سال جاری برای ۹ نفر از احباء مجله را آबونه شده اند آیا جزو عادات مجله این نیست که باین افراد نوشته شود این مجله ها را کی هدیه کرده است ... ؟ » دوست عزیز حق با شماست اگر نام هدیه دهنده ذکر نشده ناشی از اشتباه بوده به قسمت توزیع تذکر داده شد که در این زمینه اقدام و کارتهای مخصوص هدیه را ضمیمه مجلات آتی نمایند . از یاد آوری شما ممنویم .

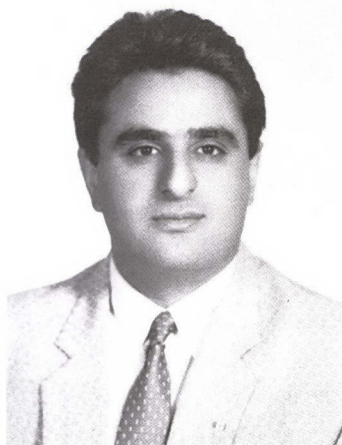
۹ - سرکار خانم طاهری (ایزدی نیا) نامه ای را که یکی از زندانیان مهد امرالله برای تسلیت هم زندانی خود در سوك مادرش نوشته ارسال نموده که قسمت اول نامه بدین صورت است :

« مادر ، اینك كه آزاد و رها و فارغ از قید و بند زمینی در بلندیها در پروازی ، اینك كه جهان خاك را گذاشتی و برای همیشه قدم به عالم پاك و دنیای افلاك گذاشتی ترا طیرانی آرزو میکنم كه با شادی و شادمانی همراه باشد ... »

۱۰ - جناب شهاب منصوری از ونکوور نامه ای در شرح حال و حیات پر ثمر فرزند برومندش جناب

شیوا منصوری که در سانحه دلخراش به جهان بالا پرواز نموده و در نامه مدارج عالیہ تحصیلی و خدمات باهره امریه فرزندش را ذکر کرده و اول نامه را به ترجمه پیام معهد اعلی که او را به ادعیه در مقامات متبرکه جهت ارتقاء روح فرزندش اطمینان بخشیده اند مزین داشته و ضمن ارسال عکس متصاعد الی الله قطعه شعری که یکی از دوستانش سروده فرستاده است .

عکس مزبور و شعرارسالی ذیلاً درج میگردد :



ایدل چه بگویم که ز دستم پسر م رفت

دریا شده اشکم که ز چشم گهرم رفت

ایدل تو بدیدی که چه آمد به سر من

سر را چه کنم چون ز سرم تاج سرم رفت

آن مرغ در افتاده و افکنده بخاکم

آخر به که گویم که مرا بال و پر م رفت

از بهر چه بندم پس از این بار سفر را

ای چرخ تو دید که امید سفرم رفت

بشکسته درختم به بیابان مُصیبت

این بود مشیت که به بینم ثرم رفت

فرقی نکند روز شود یا که شب آید

خورشید زروزم شد و از شب قمرم رفت

دانی که چرا چشمه خون گشته دو چشم
 ز آنرو که دو صد چشمه خون از جگر رفت
 این نامه دل را که برد تا بر دلبر
 تا باز نویسد ز چه دلبر ز برم رفت
 شد پیش بهاء "شهاب" شیوای عزیز
 دیگر تو مگو وای زدستم پسرم رفت
 یار روحانی جناب شهاب منصوری متمنی است
 مراتب تسلیت این هیئت را بپذیرید مطمئن باشید
 با عنایت و دعای معهد اعلی روح پر فتوح فرزندان
 در عالم بالا دارای مقامی والا است .
 از جمیع دوستانی که با عندلیب مکاتبه نموده اند
 نهایت تشکر و امتنان را داریم .

آکادمی پنجگنی هندوستان
 آکادمی پنجگنی هندوستان گزارش هفتاد و

پنجمین دوره آکادمی را که در پنجگنی منعقد
 گردیده با عکس دستجمعی شرکت کنندگان ارسال
 داشته که با توجه به مباحث مورد تحقیق دوره
 مزبور بسیار موفق و پر ارزش در این سنه مقدس
 بزبان فارسی بوده است .

اساتید محترم این دوره عبارتند از : مشاور محترم
 قاره جناب افشین و جناب آزادی عضو محترم
 هیئت معاونت ، جناب رحمت الله حسینی عضو
 محترم هیئت معاونت و جنابان جلال میثاقی و خانم
 روحیه شوقی و جناب کامران نامدار عضو محترم
 محفل ملی سوئد .
 عندلیب موفقیت بیشتر آکادمی پنجگنی را از آستان
 قدس الهی مسئلت مینماید .





‘ANDALÍB

